

روان شناسی انتظار

یوسف مدن

بسم الله الرحمن الرحیم

روانشناسی انتظار

نویسنده:

یوسف مدن

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

روانشناسی انتظار ----- ۱۰

مشخصات کتاب ----- ۱۰

اشاره ----- ۱۰

فهرست عناوین: ----- ۱۴

مقدمه مترجم ----- ۲۴

پیشگفتار مؤلف ----- ۲۶

فصل اول: پژوهشی اولیه در مفهوم انتظار ----- ۳۴

اشاره ----- ۳۴

پیش درآمد ----- ۳۵

معنای صحیح انتظار: ----- ۴۶

نقد مفهوم منفی انتظار: ----- ۵۱

عناصر انتظار: ----- ۶۰

اشاره ----- ۶۰

نخست؛ نیت: ----- ۶۱

دوم: آمادگی و مقدمه سازی: ----- ۶۲

سوم: محکم کاری اعمال عبادی: ----- ۶۳

چهارم: هدف عبادی: ----- ۶۴

تشکیل دهنده های انتظار: ----- ۶۶

اشاره ----- ۶۶

۱ . تشکیل دهنده ی معرفتی: ----- ۶۷

۲ . تشکیل دهنده ی وجدانی: ----- ۶۷

۳ . تشکیل دهنده ی رفتاری: ----- ۶۸

انتظار و درک از آینده: ----- ۶۸

نیاز فطری به وجود یک مصلح و نجات بخش: ---------- ۷۴
فصل دوم: روان شناسی مهدویت باطل ---------- ۷۸
اشاره ---------- ۷۸
از ویژگی های شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: ---------- ۸۲
عوامل روانی پدیده ی مهدی دروغین: ---------- ۹۰
اشاره ---------- ۹۰
اول؛ سوء استفاده از مهدویت: ---------- ۹۱
دوم؛ علاقه به سلطه گری و خود پسندی: ---------- ۹۶
سوم؛ واقعیت روانی و متراکم شدن شکست ها: ---------- ۱۰۲
اشاره ---------- ۱۰۲
الف) ناامیدی، سرگشتگی و ایجاد شک : ---------- ۱۰۸
ب) عجله کردن و نگرانی روانی: ---------- ۱۱۱
ج) سرخوردگی شخصیت: ---------- ۱۱۶
آشفتگی در روان شناسی مدعیان مهدویت: ---------- ۱۲۰
فصل سوم: روش مکتب روان شناسی و نقد عقیده مهدویت ---------- ۱۲۶
اشاره ---------- ۱۲۶
برخی از اشتباهات رخداده در متن مذکور: ---------- ۱۳۰
پیش به سوی شیوه ی موضوعی در بررسی مسئله ی مهدویت: ---------- ۱۳۴
شیوه ی درمان رفتاری توسط نقطه ی متضاد: ---------- ۱۳۹
رویکردهای شیوه ای در بررسی عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: ---------- ۱۴۱
اشاره ---------- ۱۴۱
اول: شیوه ی نقلی [روایی]: ---------- ۱۴۱
دوم: شیوه ی تاریخی: ---------- ۱۴۳
سوم: شیوه ی سیاسی – اجتماعی: ---------- ۱۴۴
چهارم: شیوه ی روانی در عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: ---------- ۱۴۶
اهمیت شیوه ی روانی در بررسی انتظار: ---------- ۱۴۷

تحلیل روان شناسی متضاد و تفسیر آن از پدیده ی عقیده ی مهدویت: ----- ۱۶۵
اشاره ----- ۱۶۵
اول؛ احساس ستمدیدگی: ----- ۱۶۶
دوم: رفتار مبتنی بر توکل: ----- ۱۷۱
سوم؛ احساس ننگ: ----- ۱۷۴
چهارم؛ القای تاریخی و روانی: ----- ۱۷۵
فصل چهارم: عوامل مؤثر در روان شناسی افراد منتظر ----- ۱۸۴
اشاره ----- ۱۸۴
افراد منتظر چه کسانی هستند: ----- ۱۸۵
عوامل مؤثر در روان شناسی منتظران: ----- ۱۸۷
اشاره ----- ۱۸۷
عامل اول: فرهنگ انتظار: ----- ۱۸۸
الف) ورودی فرهنگ انتظار: ----- ۱۸۸
ب) منابع فرهنگ انتظار: ----- ۱۹۰
اشاره ----- ۱۹۰
۱. متون اسلامی: ----- ۱۹۰
۲. واقعیت تاریخی: ----- ۱۹۱
۳ .اجتهادهای افراد منتظر و نوآوری های جدید آن ها: ----- ۱۹۹
عامل دوم: وجود «امام» منتظر به صورت زنده: ----- ۱۹۹
اشاره ----- ۱۹۹
الف.مفهوم رهبری: ----- ۱۹۹
ب. عناصر گروه انسانی: ----- ۱۹۹
اشاره ----- ۱۹۹
۱ . وجود رهبر برای امت: ----- ۲۰۰
۲. وجود امت برای رهبری: ----- ۲۰۰
۳. اقلیمی برای سکونت امت: ----- ۲۰۰

۴ . نظام حکومتی و قانونی برای امت: ۲۰۰
اهمیت روان شناسی وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف: ۲۰۲
اشاره ۲۰۲
نخست: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نور و هدایت است: ۲۰۴
دوم؛ تربیت کادرهای منتظران برای ارزش های جهادی: ۲۰۶
سوم؛ وجود امام ادامه ی نظام ولایت است: ۲۰۷
چهارم؛ رسیدگی به احوال مردم: ۲۰۸
اشاره ۲۰۸
۱. در مراسم حج حضور دارد: ۲۰۸
۲ . نظارت بر اعمال منتظران: ۲۰۹
۳ . دعا و استغفار برای منتظران: ۲۰۹
پنجم؛ حل کردن مشکل سرگشتگی و سردرگمی و درگیری روانی: ۲۱۰
عامل سوم؛ حوادث و وقایع جاری: ۲۱۴
اشاره ۲۱۴
نخست؛ احادیث «بشارت»: ۲۱۵
دوم؛ احادیث «فتنه» و سختی ها و انحرافات: ۲۲۲
عامل چهارم؛ نقش نخبگان در تربیت عبادی منتظران: ۲۲۹
اشاره ۲۲۹
مسئولیت های نخبگان از افراد منتظر: ۲۳۳
پایه های طرح تربیت عبادی منتظران: ۲۳۷
فصل پنجم: ابعاد مثبت روان شناسی در عقیده ی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۴۰
اشاره ۲۴۰
۱ . امید به پیروزی ۲۴۲
۲ . در هم شکستن هیبت واقعیت استکباری: ۲۴۷
۳ . ستایش از افراد منتظر و نادان شمردن مستکبران: ۲۶۱
۴ . مقاومت در برابر تجربه های شکست خورده:یا [تجربه های ناکام] ۲۶۵

۵ . خالی کردن مثبت عوارض غلبه: ---------- ۲۷۰

۶ . تعادل بین ناامیدی و امید: ---------- ۲۷۸

اشاره ---------- ۲۷۸

نخست: اعتقاد تسلیم کامل به خداوند سبحان ---------- ۲۸۴

دوم: اعتقاد به پیروزی ---------- ۲۸۴

۷ . تحریک احساس مظلومیت: ---------- ۲۸۷

۸ . امنیت روانی مظلومین: ---------- ۲۹۴

۹ .جوشیدن حماسه و تکرار آن: ---------- ۲۹۷

اشاره ---------- ۲۹۷

نخست؛ بشارت‌ها: ---------- ۲۹۸

دوم؛ چالش و عکس العمل: ---------- ۲۹۸

سوم؛ جنبه ی تربیتی مشخص نکردن وقت: ---------- ۲۹۹

۱۰. لحظه شماری و هوشیاری/ آگاهی: ---------- ۳۰۲

۱۱. محبت و علاقه: ---------- ۳۰۶

۱۲. احساس متمایز بودن و استقلال ذات: ---------- ۳۱۸

۱۳. قدرشناسی از رفتار و بها دادن به آن: ---------- ۳۲۳

۱۴. تعادل بین پاداش و مشقت کار: ---------- ۳۲۷

۱۵. ارشاد مستمر و نیکو کردن رفتار: ---------- ۳۳۳

منابع ---------- ۳۳۸

درباره مرکز ---------- ۳۴۲

روانشناسی انتظار

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور:روانشناسی انتظار / یوسف مدن

مشخصات نشر:قم .انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.۱۳۹۴

موضوع : مهدویت -- انتظار

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت-- انتظار-- جنبه های روان شناسی

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/س۱۸۴م۹ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

روانشناسی انتظار

مؤلف: یوسف مدن

ترجمه: ویراستار: عبدالطیف راشدی

طراح جلد:

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ:

شابک: ۷۱۲۰۶۰۰۹۷۸

شمارگان:

قیمت:

* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶))/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ: ۳۵۵۱۵۶۵۵

m www.mahdi۳۱۳.com

m www.mahdaviat.ir

m info@mahdaviat.ir

m Entesharatbonyad@chmail.ir

روان شناسی

(پسیکولوژی)

انتظار

پژوهش چند جانبه روان شناختی

ابعاد عقیده منتظرانِ ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تألیف: یوسف مدن

ترجمه: عبداللطیف راشدی

(لطیف راشدی)

فهرست عناوین:

مقدمه مترجم. ۱۱

پیشگفتار مؤلف... ۱۳

فصل اول: پژوهشی اولیه در مفهوم انتظار. ۲۱

پیش درآمد. ۲۲

معنای صحیح انتظار: ۳۳

نقد مفهوم منفی انتظار: ۳۸

عناصر انتظار: ۴۷

نخست؛ نیت: ۴۸

دوم: آمادگی و مقدمه سازی: ۴۹

سوم: محکم کاری اعمال عبادی: ۵۰

چهارم: هدف عبادی: ۵۱

تشکیل دهنده های انتظار: ۵۳

۱ . تشکیل دهنده ی معرفتی: ۵۴

۲ . تشکیل دهنده ی وجدانی: ۵۴

۳ . تشکیل دهنده ی رفتاری: ۵۵

انتظار و درک از آینده: ۵۵

نیاز فطری به وجود یک مصلح و نجات بخش: ۶۱

فصل دوم: روان شناسی مهدویت باطل. ۶۵

عوامل روانی پدیده ی مهدی دروغین: ۷۷

اول؛ سوء استفاده از مهدویت: ۷۸

دوم؛ علاقه به سلطه گری و خود پسندی: ۸۳

سوم؛ واقعیت روانی و متراکم شدن شکست ها: ۸۹

الف) ناامیدی، سرگشتگی و ایجاد شک : ۹۵

ب) عجله کردن و نگرانی روانی: ۹۸

ج) سرخوردگی شخصیت: ۱۰۳

آشفتگی در روان شناسی مدعیان مهدویت: ۱۰۷

فصل سوم: روش مکتب روان شناسی و نقد عقیده مهدویت.. ۱۱۳

برخی از اشتباهات رخداده در متن مذکور: ۱۱۷

پیش به سوی شیوه ی موضوعی در بررسی مسئله ی مهدویت: ۱۲۱

شیوه ی درمان رفتاری توسط نقطه ی متضاد: ۱۲۶

رویکردهای شیوه ای در بررسی عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: ۱۲۸

اول: شیوه ی نقلی [روایی]: ۱۲۸

دوم: شیوه ی تاریخی: ۱۳۰

سوم: شیوه ی سیاسی – اجتماعی: ۱۳۱

چهارم: شیوه ی روانی در عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: ۱۳۳

اهمیت شیوه ی روانی در بررسی انتظار: ۱۳۴

تحلیل روان شناسی متضاد و تفسیر آن از پدیده ی عقیده ی مهدویت: ۱۵۲

اول؛ احساس ستمدیدگی: ۱۵۳

دوم: رفتار مبتنی بر توکل: ۱۵۸

سوم؛ احساس ننگ: ۱۶۱

چهارم؛ القای تاریخی و روانی: ۱۶۲

فصل چهارم: عوامل مؤثر در روان شناسی افراد منتظر. ۱۷۱

افراد منتظر چه کسانی هستند: ۱۷۲

عوامل مؤثر در روان شناسی منتظران: ۱۷۴

عامل اول: فرهنگ انتظار: ۱۷۵

الف – ورودی فرهنگ انتظار: ۱۷۵

ب) منابع فرهنگ انتظار: ۱۷۷

۱. متون اسلامی: ۱۷۷

۲. واقعیت تاریخی: ۱۷۸

۳ .اجتهادهای افراد منتظر و نوآوری های جدید آن ها: ۱۸۶

عامل دوم: وجود «امام» منتظر به صورت زنده: ۱۸۶

الف.مفهوم رهبری: ۱۸۶

ب. عناصر گروه انسانی: ۱۸۶

۱ . وجود رهبر برای امت: ۱۸۷

۲. وجود امت برای رهبری: ۱۸۷

۳. اقلیمی برای سکونت امت: ۱۸۷

۴ . نظام حکومتی و قانونی برای امت: ۱۸۷

اهمیت روان شناسی وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف: ۱۸۹

نخست: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نور و هدایت است: ۱۹۱

دوم؛ تربیت کادرهای منتظران برای ارزش های جهادی: ۱۹۳

سوم؛ وجود امام ادامه ی نظام ولایت است: ۱۹۴

چهارم؛ رسیدگی به احوال مردم: ۱۹۵

۱. در مراسم حج حضور دارد: ۱۹۵

۲ . نظارت بر اعمال منتظران: ۱۹۶

۳ . دعا و استغفار برای منتظران: ۱۹۶

پنجم؛ حل کردن مشکل سرگشتگی و سردرگمی و درگیری روانی: ۱۹۷

عامل سوم؛ حوادث و وقایع جاری: ۲۰۱

نخست؛ احادیث «بشارت»: ۲۰۲

دوم؛ احادیث «فتنه» و سختی ها و انحرافات: ۲۰۹

عامل چهارم؛ نقش نخبگان در تربیت عبادی منتظران: ۲۱۶

مسئولیت های نخبگان از افراد منتظر: ۲۲۰

پایه های طرح تربیت عبادی منتظران: ۲۲۴

فصل پنجم: ابعاد مثبت روان شناسی در عقیده ی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۲۷

۱ . امید به پیروزی.. ۲۲۹

۲ . در هم شکستن هیبت واقعیت استکباری: ۲۳۴

۳ . ستایش از افراد منتظر و نادان شمردن مستکبران: ۲۴۸

۴ . مقاومت در برابر تجربه های شکست خورده:یا [تجربه های ناکام] ۲۵۲

۵ . خالی کردن مثبت عوارض غلبه: ۲۵۷

۶ . تعادل بین ناامیدی و امید: ۲۶۵

نخست: اعتقاد تسلیم کامل به خداوند سبحان. ۲۷۱

دوم: اعتقاد به پیروزی.. ۲۷۱

۷ . تحریک احساس مظلومیت: ۲۷۴

۸ . امنیت روانی مظلومین: ۲۸۱

۹ .جوشیدن حماسه و تکرار آن: ۲۸۴

نخست؛ بشارت ها: ۲۸۵

دوم؛ چالش و عکس العمل: ۲۸۵

سوم؛ جنبه ی تربیتی مشخص نکردن وقت: ۲۸۶

۱۰. لحظه شماری و هوشیاری/ آگاهی: ۲۸۹

۱۱. محبت و علاقه: ۲۹۳

۱۲. احساس متمایز بودن و استقلال ذات: ۳۰۵

۱۳. قدرشناسی از رفتار و بها دادن به آن: ۳۱۰

۱۴. تعادل بین پاداش و مشقت کار: ۳۱۴

۱۵. ارشاد مستمر و نیکو کردن رفتار: ۳۲۰

منابع. ۳۲۵

سخنی جاودان

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به احمد بن اسحاق چنین فرمود:

«و أما وجه الانتفاع بی فی غیبتی، فکالانتفاع بالشمس إذا غیبتها عن الأبصار السحاب، و إنی لأمان لأهل الأرض، کما أن النجوم أمان لأهل السماء».

« اما وجه استفاده و بهره از وجود من در زمان غیبت، مانند بهره ای از خورشید هنگامی که پشت ابرها پنهان می شود. و بدرستی که من برای اهل زمین موجب امنیت و امان هستم، مانند ستارگان که امان و حفظ اهل آسمانند».

احتجاج، جلد دوم، ص ۴۷۱.

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه مترجم

الحمـد لله الواحـد الأحـد، الفرد الصـمد، الـذی لم یلـد و لم یولد و لم یکن له کفواً أحد و الصـلاه علی محمّد عبده المجتبی و رسوله المصـطفی، أرسـله الی کافه الوری، بشیراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً و علی أهل بیته أئمه الهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مصابیح الدجی، الذین أذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً و السلام علی من اتبع الهدی.

و بعد

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ))(۱)

«در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»))

کاوش و بررسـی مقوله انتظار در موضوع مهدویت با رویکرد روانشناسـی، نگرشی نوین و ابتکاری می باشد و تا به امروز بعید می دانم چنین پژوهشی تقریباً همه جانبه و پرمحتوا، صورت گرفته باشد.

امروزه، مبارزه با مقوله مهـدویت و انتظار در سـرلوحه دشـمنان بشـریت و سـتم دیـدگان و به عبارتی دیگر «اسـتکبار جهانی به سرکردگی صهیونیزم جنایتکار» قرار گرفته است.

خیلی روشن است که پـایه و ارکـان نظـام خود که بر اسـاس ظلم و جنـایت و نسل کشـی پی ریزی کرده انـد، هرگز به عقیـده مصلح و عدالت گستری، روی خوشی نشان نمی دهند و همواره منافع تجاوزکارانه خود را در تعارض با این عقیده می بینند.

۱- انبیاء/ ۱۰۵

تحلیلگران و نظریه پردازان اجیر آنان، بارها از دو عقیـده و موضوع، زنگ خطر را به صـدا درآورده انـد که یکی همین «انتظار منتظر عدالت گستر» و روحیه ظلم ستیزی منتظران؛ دیگری، «واقعه عاشورا» در سـرزمین کربلا که عقیده «تسلیم ناپذیری» و قیام در مقابل استعمار و استبداد و به صورت کلی «ضـد استکبار» که عقیده ای سیال در همه زمانها و مکانها؛ «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا».

استکبار با جدیّت تلاش می کند تا در روح و روان معتقدان این عقاید تزلزل و تردید ایجاد کرده و از راه های مطالعه شده، این عقایـد رهایی بخش و حیات آفرین را بزدایند. اما آنان غافل از این هسـتند که عاقبت از آن متقین و وعده پروردگار متعال حق است که:

((وَلَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ))(۱)

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

بر خود واجب می‌دانم از برادران بسیار عزیز و ارجمنـدم که در مرکز تخصصـی مهدویت حوزه علمیه قم با اینجانب همکاری صمیمانه داشته‌انـد تشکر و قدردانی نمایم بویژه از حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای حسین احمدی مدیر و انتشارات و برادر بسیار عزیزم حاج آقای احمد مسعودیان.

از خداوند متعال تقاضا داریم از مترجم و مؤلف بزرگوار به نحو احسن قبول بفرماید.

«رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا وَاجعَلهُ زاداً و ذخراً لآخرتنا انّکَ سمیعٌ علیم و فعّالٌ لماترید»

والسّلام علی عبادالله الصالحین

وآخر دعوانا اَن الحمدلله رَبِّ العالمین

العَبد

عبداللّطیف راشدی

۱- انبیاء/ ۱۰۵.

پیشگفتار مؤلف

در میان پژوهشگران و محققان مسلمان- بلکه میان عموم مردم- پیرامون موضوع مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف یا انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و متون دینی و حوادث تاریخی نزد مسلمان،اختلاف نظر وجود دارد.

این اختلافات در اشکال و صور گوناگون مطرح شد، از جمله: مباحثات بیهوده، نقدهای تند و احیاناً رویارویی خونین. اما گاهی نیز در شکل گفت و شنود هدفمند بر اساس و مبتنی بر ضوابط علمی و قواعد استدلالی.

در این بین، پژوهشهایی با رویکردهای گوناگونی ظهور کردند و این پژوهشها حتی در یک نگرش و رویکرد- گاه موافق و چه مخالف انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تنوع و چندگونگی، پدیدار شد. در اینجا بود که برغم این تنوع و چندگونگی، توجه و تأمل نمودیم که کم لطفی و توجهی پیروان این اندیشه و عقیده در پژوهش و تحقیق ابعاد و جوانب روحی- روانی پیروان این مکتب و عدم توجه به مقوله روان و آسیبهای روحی که به مؤمنان وارد می آید، شدیم مگر به ندرت در جاهای محدود و به صورت پراکنده به آن اشاره کرده اند. حال آنکه متون و آموزه های اسلامی و حوادث تاریخی این عقیده مالامال از احساسات و انفعالها و سایقه ها و حالات روحی- روانی تبلور یافته از روحیات مسلمانان در رابطه با آموزه های بشارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد، که هم در روحیات و روان انسانها و هم در تاریخ متبلور است.

شارع مقدس اسلام، متون دینی اسلامی را با محتوای فرهنگی عمومی آن برای تشخیص دادن واقعیت روحی- روانی مسلمانان منتظر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جهت دهی به فعالیت آنها در طول دوره ی غیبت، بر اساس معیارهای عبادی

صحیح و همچنین برای اطلاع از مشکلات این حقیقت و شناخت عوامل اساسی مؤثر در آن، طراحی کرده است؛ همان گونه که در خود این متون برخی از اقدامات و روشهای لازم برای مواجه شدن با این مشکلات، پیش بینی صورت گرفته است.

در تلاشهایی که محققان معاصر از مقوله منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام داده اند، نشانه هایی از رویکرد فعالیت آنان به صورت یک پژوهشی با ابعاد روان شناختی این عقیده نمی بینیم. البته این الزاماً به معنای خالی بودن این تحقیقات عقیده ی انتظار مهدویت با رویکرد روان شناختی کامل نیست بلکه اشاره هایی محدود و پراکنده در اینجا و آنجا شده است و این عقب ماندگی موضوع با نگرش روان شناختی موجب خسارت فراوان برای حوزه معرفت شناسی انتظار و به شکل کلی حوزه مهدویت، شده است در حالی علما و دانشمندان مسلمان قادر به پژوهشهای علمی به صورت گام به گام و سپس عمق بخشی به ارزش های تربیتی، اخلاقی و فکری با الهام گرفتن از عقیده ی انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نتیجه این خلاء پژوهشی و تحقیقی موجب رشد روحیه ی شکست و نا امیدی در برخی از منتظران و افراط در سهل انگاری و بی اعتنایی نسبت به ارزش های اصیل و قاطع مقوله انتظار شده در حالی که گروه های معتقد به مقوله انتظار- در هر زمان و مکان- می توانستند از ابعاد روان شناختی مثبت عقیده ی انتظار، استفاده ی کاملی ببرند اگر محققان مؤمن به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام به سیراب و غنی کردن افکار عمومی منتظران و روحیه و روان آنها با اصول و ارزش ها و رویکردهای سالم، می کردند که این عقیده بر اساس آن شکل گرفته است و اگر از این ویژگی پیشرفته علمی = [روان شناسی انتظار] برای منتظران کاربردی می نمودند و آنان را در حالت آماده باش در مقابل عکس العملهای

چالشی پرورش می کردند چرا که آنها به عنوان گروهی دینی ویژه که با فشارهای دیگران از هر سو مواجه هستند.

از ده ها سال پیش نگارش اولیه نوشته پیرامون موضوع «انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» را شروع کردم و عنوان آن را «روان شناسی انتظار» قرار دادم تا دلالت بر یک موضوع جدید و نو کند که محققان منتظر به طور جدی به آن نپرداخته اند و هنوز توجه کافی به آن جلب نشده است، هرچند برخی اشاره های سطحی و گذرا به برخی از جوانب و ابعاد روان شناختی آن، آغازهای اولیه برای ظهور، انگیزه های رویکردی جدید در ما جهت بررسی جنبه ی روان شناختی مقوله انتظار بود که بعد از تأمل بر جنبه های روائی و متون دینی، تاریخی و اجتماعی بود و ما این اشارات گذرا را به فال نیک گرفتیم که دانشمندانی از منتظران به طور گذرا به آن پرداختند و این اقدام اولین نخ رشته هایی بود که این رویکرد را بافت و ما با این تحقیق خواستیم آن را توسعه و بسط دهیم و نظرات خود را در این حوزه بیان کنیم.

این پژوهش تلاشی است که ابتدا به بررسی مفهوم انتظار و آن چه در خود دارد یعنی ابعاد روان شناختی و معرفتی می پردازد و این تلاش در آغاز سال ۱۹۸۹ میلادی شروع شد تا برخی از نظرات شخصی را درباره ی برخی از فاکتورهای روان شناختی ثبت کنم که بخش مهمی از محتوای مقوله مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و دستاوردهای انسانی آن را تشکیل می دهد و در پایان تابستان و به طور دقیق در ماه اکتبر همان سال از آن فارغ شدم.

و نظرات را تنها به عنوان «عکس العملی» به سلسله انتقادهای وارده به عقیده ی مهدویت ننوشتم بلکه این عقیده ی دینی، دارای عمق تاریخی در زندگی انسان با عناوین دیگری است که در درون خود دارای ابعادی است که تأثیر مثبتی

در روان شناسی افراد مؤمن به آن دارد ...یعنی اثر مثبت در افکار افراد منتظر، احساسات و رفتار و رویکرد روانی و عقلی آن ها و این به تنهائی برای بررسی آن چه عقیده ی انتظار در درون خود، دارد یعنی، جنبه های روان شناختی فعال در حرکت نفس و روان انسان کافی است.

اندیشه های مطرح شده در این پژوهش، مجموعه ای از نظراتی است که قابلیت صحیح بودن و نادرست بودن را دارد و پژوهشگر این بررسی ادعا ندارد کند که فهم دقیقی از معانی انسانی درباره ی مقوله انتظار و برداشت کاملی از مفاهیم روان شناختی، تربیتی و اخلاقی آن دارد به همین خاطر آن چه در این پژوهش مطرح می شود، نظرات و برداشت ها و اجتهادهای این کم بضاعت است و — خواننده ی محترم — حق دارد آن را با روحیه ی نقد سازنده و مطالعه نقادانه بخواند و من نیز از هر انتقاد سازنده ای استقبال و اگر سخنی ناشی از کینه باشد من به آن پاسخ مسالمت آمیز خواهم داد.

ثبت و ضبط کردن این نظرات، برداشتی خالصانه و متواضعانه زمانی در ذهن من جرقه زد که خود را برای ایراد یک سخنرانی آماده می کردم که پیرامون مقوله انتظار در یکی از مناسبت های فرهنگی بود که منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور معمول آن را در ماه رمضان سال ۱۴۰۹ هجری قمری برگزار می کردند.

همان سان که محتوای سخنرانی را گرد آوری می کردم، متوجه شدم که برخی از کتب و نوشته هایی از محققان و پژوهشگران مخلص این عقیده در مکان های پراکنده به برخی از ابعاد و جنبه های روان شناختی انتظار اشاره کرده که متون اسلامی ویژه ای به عقیده ی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف با رویکرد روان شناسی پرداخته است.

اما متأسفانه همان طور که قبلاً گفتم در این نوشته ها نتوانستیم کاری کامل و عمیق از این موضوع بدست آوریم و بلکه محققان به طور گذرا به آن پرداخته

بودنـد که متناسب با گستره وسـیع عقیـده ی انتظار نبود و نیاز منتظران از مقوله روان شـناختی و دینی و معرفتی آن را برآورده نمی کرد، به خصوص در دوره ای دشوار که افراد مؤمن و خالص در عقیده ی انتظار مورد هجمه هستند.

وجـود ثروت بزرگی از رویکردهـای روان شناسـی که مقـوله انتظـار درون خود دارد، کنجکـاوی مرا تشدیـد کرد و شـروع به فعـالیت و به این سو و آن سو رفتن کرده تا بـدنبال این ثروت وحی- روانی بگردم و آن چه را ممکن است جمع آوری کنم و در ابتـدای فعالیتم مطالب مفصـلی از ذخایر معنوی و فرهنگی انتظار، پیـدا نکردم و در آغاز کار این مسـیر برایم دشوار شد، اما این بـاعث نشـد تـا به پژوهش خود ادامه نـدهم و کـار را به سـرانجام نرسانم در اینجا از اجتهادهای محـدودی که به آن اشاره کردیم استفاده نمودم و آن مقدار که ممکن بود تلاش کردم مطالبی به آن اضافه کنم و این اقدام را به سطح بهتری برسانم.

و محقق این مطالعه ادعا ندارد که به آن چه می خواسـته است رسـیده است اما می تواند بگوید تلاش می کند از نقطه ی آغاز فراتر برود و امیدوار است این عبور حرکتی بهتر در رویکردی صـحیح برای تأسـیس آن چه می توان آن را (علم روان شناسـی انتظار) نامید باشد.(۱)

بعد از آن که طرح اصلی را در اکتبر ۱۹۸۹ میلادی تکمیل نمودم آن را از آن تاریـخ در کتابخانه نگهداری نمودم به امید این که بار دیگر به آن مراجعه کنم و آن را بازنگری و اصلاح و اضافه کنم و این طرح تا آغاز سال ۱۹۹۸ میلادی در

۱- امیـدواریم این علم پیشـنهادی فرصت جدیدی برای مطالعه ی مسـئله ی انتظار و ابعاد روان شـناختی آن و فهم ویژگی های فرهنگی و روان شـناختی منتظران و همچنین عوامل مؤثر در ذهنیت و روان شناسی عمومی آن ها باشد و لازم است این علم به متون انتظاری بپردازد که رفتار منتظران را توجیه می کند و آن را در سایه ی مفاهیم روان شناختی عمومی تحلیل می‌نماید.

کتابخانه باقی ماند زمانی که به آن مراجعه کردم تا صفحات آن را ورق بزنم و سطرهای آن را مطالعه کنم، دیدم نیاز به اصلاح و پیشرفت و بازنگری دارد تا مناسب با چیزی باشد که در فکر و نظرات و تغییرات و حوادث می دانم و بار دیگر شروع به کار کردن روی آن کردم تا نواقصی که دارد را برطرف کنم چه در محتوای علمی آن یا در بیان لغوی آن یا در تنظیم ساختار آن.

کار ویرایش تحقیق و بازنگری آن در موضوعات سه گانه ی مذکور حدود یک سال طول کشید که برای من از کار جمع آوری محتوای اولیه ی آن و تنظیم و نگارش آن سخت تر بود زیرا کار ویرایش هدفش رساندن تحقیق به یک سطح علمی بهتر و پخته تر و کامل تر بود و این نیاز به وارد کردن عناصر تحقیقی مثبت در کار اصلاح و ویرایش دارد.

اقتضای کار اصلاح دقت در ساختار لغوی قبلی تحقیق بود و نیاز به استفاده از بیان لفظی متفاوت داشت که نصف طرح یا نصف متن اصلی را در بر می گرفت و نصف دوم از بازنگری بی نصیب نماند.

چنان که کار ترمیم مسلتزم تنظیم دیگری در این پژوهش بود که فصل بندی و تبویب انجام شد، ترتیب و سیاق عناوین بحث و موضوعات اصلی و فرعی را سازماندهی کردم و حذفیات و اضافات از جمله اضافه ی فصل جدید که موضوع آن نو به جای فصل قبلی که مناسب سیاق فکر کلی این پژوهش نبود را سامان دادم. این تنظیم موضوعی و برنامه ای نیز شامل منابع برای استحکام علمی متون و مطالبی که از آنها استفاده نمودم، چرا که در ساختار اولیه این پژوهش از منابع و آدرس متون استفاده شده، بهره نگرفته بودم و در آخر این اقدام صورت گرفت تا کسانی که مایل به مراجعه به منابع اصلی باشند، دسترسی آسانی داشته باشند.

این نقص و کاستی موجب شد تا برای بار دوم و سوم به منابع و مراجع

گونـاگون اسـلامی به ویژه کتب خـاص موضـوع «مهـدویت» مراجعه کنم و این برای علمی تر و دقیق تر شـدن آدرس و منـابع متونی که در این پژوهش از آنها اسـتفاده کردم. لذا از یک دشواری بسیار بزرگ که در این پژوهش با آن روبرو بودیم، عبور کردیم که دسترسی راحت و آسان را برای مراجعه شما خوانندگان گرامی به منابع مطمئن متون فراهم سازد.

کار بازنگری و ترمیم، یک مولود جدیـدی فراهم آورد که دارای پنـج فصل و هر کدام از این فصـلها جهت و عاملی از عوامل روحی- روانی (روان شناسـی) عقیـده انتظار در مقوله مهدویت- چه مثبت و چه منفی- را در اندیشه موافقان و مخالفان درمان کرده و پاسخ داد.

این پژوهش، تحقیقی تطبیقی میان دو انـدیشه مسـلمان، عامه و خاصّه، می باشـد که در آن از روش روان شناسـی تحلیلی برای فهم بیشتر محتوای متون روایی و حوادث و وقـایع تـاریخی و تأثیر آنها در ترکیب روحی و روانی افراد منتظر در هر مکان و هر زمان استفاده کردیم.

به این امیـد که این پژوهش مورد اسـتفاده خواننـده گرامی قرار بگیرد و او را برای ترغیب بیشتر برانگیزانـد و نیز مورد رضایت خداوند متعال واقع گردد، که انّه سمیع مجیب.

بحرین/ ۱۶ دسامبر ۲۰۰۰ میلادی.

یوسف

فصل اول: پژوهشی اولیه در مفهوم انتظار

اشاره

پیش درآمد

عقیده ی مسلمانان درباره ی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف از لحظه ی اعلام وقوع آن حضرت و بشارت دادن به آن در دوره ی پیامبر از آن دسته موضوعات فکری اسلام محسوب می شود که بیشترین مجادله و تضاد نظرات و اختلاف در آن وجود دارد و در طول تاریخ فرهنگی طولانی ما مسئله ای بحث برانگیز و پربار بوده است که ذهن علما را به خود مشغول کرده است و فکر راویان، مورخان و دست اندرکاران مسائل فکر و عقیده و جامعه ی سیاسی را تحریک نموده است.

و از آن تاریخ به موضوعی برای بحث و مبادله ی علمی تبدیل شده و از فعالیت علماء و اجتهاد های آنها]الحمد لله[یک فکر مجادله ای مستمر تا امروز به وجود آمده است و این عقیده همچنان در درون خود توان برانگیختن فکر و تبادل نظرات ....و گرفتن و دادن را دارد.

و کتابخانه ی اسلامی حاوی تعدادی از مطالعات و تألیفات است که از زوایه های مختلف و دیدگاه های متنوع به این مسئله پرداخته و آن را تأیید یا رد کرده است و همچنان این عقیده به خاطر طبیعت بحث برانگیز خود محلی برای گفت و گوی انتقادی مستمر و وسیع و قابل رشد و غنی شدن است.

و با وجود تنوع تألیفات مهم درباره این مسئله تا امروز – به نظر ما – نتوانسته است حق خود را از تحقیق و مطالعه های جدید و پر فایده به دست آورد و بیشتر مطالعاتی که به آن پرداخته با تمرکز بر روی یک جنبه آن را بررسی کرده است، و ویژگی روایی بر روند تحقیق و تألیف غلبه داشته است؛ یعنی این مطالعات مسئله ی مهدویت و ایمان به آن را با تکیه بر بیان خبری روایت های نبوی به عنوان دلیل اثبات کننده ی درستی این عقیده و به عنوان شاهدی بر اثبات صحت آن بررسی کرده اند.

این رویکرد روایی برای اصا لت بخشیدن عقیده و ریشه دادن به آن در عقل و روان مردم منطقی و اساسی است؛ اما توانایی عقل بشری می تواند این عقیده را به شکل دیگری غنی کند و ویژگی روایی، دژی محکم برای هر یک از عقاید اسلامی است و روح اصیل آن است که می تواند مسلمانان را نسبت به صحت آن قانع کند؛ بنابراین چنین عقیده ای به دلیل اهمیت معنوی خود نیاز به افزایش و غربال گری متون از نظر کمیت و کیفیت دارد تا جایی که علمای راوی و ناقلان حدیث و مورخان به صورت یکسان معتقدند که مسئله ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قضیه ی او از نظر روایی به حد تواتر معنوی رسیده است تا آن جا که ابن حجر عسقلانی در کتاب خود [نزهه النظر] می‌گوید: اخبار متواتر وارد شده درباره ی مهدویت موجب علم می شود و عمل کردن به آن نیازی به تحقیق و بررسی ندارد؛(۱) زیرا مسئله ی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایمان داشتن به ظهور مبارک ایشان در آخر الزمان برای بازنگری دین و بازگرداندن امت اسلامی به هیبت خود در میان مسلمانان به شهرت رسیده است.

و تعدادی از علما، راویان و نویسندگان حدیث که بسیاری از آن‌ها اهل سنت هستند نیز به متواتر بودن این اخبار درباره ی مسئله ی مهدویت و انتظار تاریخی او در آخرالزمان اشاره کرده اند(۲).

۱- کتاب بقیه الله "تحقیق استاد حسین زنجانی "،ص ۱۹۷ به نقل از کتاب ابن حجر مذکور ،ص ۱۲.

۲- قاضی شوکانی در الفتح الربانی ، شریف برزنجی در کتاب خود الاشاعه لاشراط الساعه ،ص ۱۱۲ ،شیخ محمد سفارینی حنبلی در کتاب خود لوامع الانوار ج ،۲ ،ص ۸۴ ، شیخ صدیق حسن خان قنوجی در کتاب خود الاذاعه لما کان و ما یکون بین یدی الساعه ، همچنین شیخ محمد جعفر کتانی در کتاب خود نظم المتناثر من الحدیث المتواتر معتقد به تواتر معنوی آن هستند به مقاله ی شیخ یوسف بن عبد الرحمن برقاوی در مجله ی البحوث الا اسلامیه ص ۳۴۵ – ۳۴۸ مراجعه کنید ،همچنین ابن حجر هیثمی در الصواعق المحرقه ،سبلنجی در نور الابصار ،ابن صباغ در الفصول المهمه ، صبان در اسواق الراغبین ،و کنجی شافعی در کتاب خود البیان معتقد به تواتر معنوی هستند. ونیز به کتاب بقیه الله ،ص ۱۹۸ مراجعه کنید.

و از آن جـا که برخی از علمای اهل تسـنن حـدیثی بر متواتر بودن اخبار درباره ی مسـئله ی مهـدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشـریف تأکید کرده اند که آن را ملاحظه کردیم، تعدادی از آن ها انکار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را کفر صریح به خداوند و به آن چه بر رسول خود محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده است می دانند؛ و برخی از حافظان حدیث و نقل کننـدگان این از این علمای بزرگ –رضوان الله علیهم– بر عقیده داشـتن به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به عنوان یک عقیده ی دینی تأکید کرده اند و آن را مرز بین ایمان و کفر دانسـته اند آن گونه که سخنان شان به این مطلب اشاره می... کنـد و از میـان آن هـا ابن حجر هیثمی ویوسف بن یحیی مقدسـی شافعی سـلمی است که در این جا نظر آن‌ها را مبنی بر کافر بودن منکر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر می‌کنیم:

مقدسـی سـلمی روایتی را از صـحابی جلیل القـدرپیامبر جابر بن عبـد الله انصاری روایت می کنـد که در آن می گویـد: رسول خـدا فرمود:«قال رسول الله من کذّب بالدجال فقد کفر، و من کذّب بالمهدی فقد کفر؛ کسـی که دجال را تکذیب کند کافر شده است و نیز کسی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تکذیب کند کافر شده است(۱).»

اما ابن حجر هیثمی که در دوره ی عثمانی می زیسته، معتقد است ایمان نداشـتن به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، کفر آشـکاری است به شـریعت محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم و آن چه از وحی بر او نازل شـده است . و این معنا را در صـدر کتاب خود "القول المختصـر فی علامات المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشـریف" آورده است که می‌گوید: «وارد شده است که رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: «من کذّب بالدجال فقد کفر، و من کذّب بالمهدی فقد کفر؛ کسی که دجال را تکذیب کند کافر شده است و کسی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تکذیب کند پس اونیزکافر

۱- عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، ص ۲۰۹، همچنین القول المختصر ابن حجر، ص ۲۱.

شده است.»(۱)

ابن حجر ابتدا این تصریح را در مقدمه ی کتاب خود آورده و بر آن تأکیده کرده است. همچنین صاحب کنز العمال[المتقی هندی] در کتاب خود "البرهان" در سخن خود در باب دوازدهم و سیزدهم این معنا را مورد تأکید قرار داده است.(۲) و متن روایت قبلی را آورده و فتواهای برخی از علماء در این زمینه را برای ما نقل کرده است.

ما تمام این هاو تمرکز بر جنبه ی روایی این عقیده را قبول داریم و بر آن تأکید می کنیم اما این جنبه موجب محروم ماندن عقل از حرکت و اجتهاد در فهم مضامین متون روایی و محتوای آن ها و تفسیر آن ها مطابق دیدگاه های عقلانی نمی شود که به طور حتم قوت این عقیده را بیشتر کرده و بر اصالت دادن به آن کمک می کند و از روح روایی به عنوان محوری در محقق کردن مقصود الهام می گیرد و روایت فقط ابزاری اساسی برای اصالت دادن به این عقیده است.

در حالی که عقل بشری که شارع اسلام آن را می ستاید و به آن احترام می گذارد به او فرصت فهم و تأویل و تفسیر عقلی را می دهد که در خدمت اهداف عقیده ی مهدویت و غیر آن است. از این رو به ضرورت حمایت از عقیده ی انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله ی مطالعات تحلیلی معتقد هستیم؛ چه مطالعات دارای دیدگاه تاریخی و چه فعالیت در بررسی عقیده ی انتظار و استنباط دستاوردهای اجتماعی و اخلاقی و روان شناختی و سیاسی آن در زندگی انسان مسلمان.

برخی از مطالعات و تحقیقات اخیر به سوی رنگ گرفتن از ویژگی های

۱- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۲۱.

۲- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۷۰، ۱۸۲.

تحلیلی مبتنی بر زمینه ی روایی عقلانی به طور همزمان متمایل شده است؛ اما همچنان تا امروز در مرحله ی آغاز است که امیدواریم رشد کند.

گاهی تحلیل تاریخی حرکت وسیع تر و پیشرفت بیشتری از هر نوع تحلیل دیگر دارد در حالی که ما در این مطالعه تلاش می کنیم نوع تحلیل دیگری را در پیش گیریم که مبتنی بر فهم دستاوردهای روان شناختی حرکت انتظار و فرهنگ منتظران است. به طور قطع ادعا نمی‌کنیم این ما هستیم که این رویکرد تحلیلی جدید را کشف کرده ایم؛ زیرا مطالعاتی وجود دارد که قبل از مطالعه ی ما به برخی از جوانب روانی اشاره کرده است .(۱) به همین خاطر تلاش می کنیم این رویکرد را پیموده و از اعضای آن باشیم و از ویژگی های آن تأثیر بپذیریم.

حرکت تحلیل روانی عقیده ی انتظار و رفتار منتظران همچنان تا امروز در آغاز راه است و مطالعاتی که - از نزدیک یا دور - به برخی ویژگی ها و جنبه های روان شناختی این عقیده اشاره کرده است جز اشاره های محدود چیزی برای ما نداشت؛ را از اساس هدفش کشف ویژگی های روان شناختی محکم و استوار در عقیده ی انتظار نبوده است.

و افکار معمولاً محکم و استوار نمی‌شود مگر با استمرار تلاش های فکری، فرهنگی و متراکم؛ و ما هرگز توقع نداریم مطالعاتی که به ابعاد روانی عقیده ی انتظار می پردازد محکم واستوار باشد مگر با تلاش های خالصانه و پرحجم از تحقیق علمی جدی که به عمق این ابعاد دست یابد و آن را کشف کند تا شناخت اهمیت آن در زندگی امت یا گروه های تکامل یافته که به انتظار و مفاهیم آن ایمان دارند برجسته شود و افراد محروم که در دنیای مصیبت زده زندگی می کنند

۱- ر.ک. به کتاب «بحث حول المهدی» سید محمد باقر صدر؛ همچنین به مقاله ی علامه فضل الله «عقیده المهدی فی خط الانتظار» مجله ی فرهنگی اسلامی، شماره ی ۱۲، سال ۱۴۰۷ ه.

اهمیت مفاهیم انتظار و اثرگذاری روان شناختی آن را درک کنند و آن افراد محروم درپی تغییر کارآمدی باشند تا برای همیشه به همه ی مظاهر بدبختی و رنج کشیدن و استضعاف پایان دهد و باقی مانده ی حالت ستمدیدگی تاریخی را که با آن زندگی کرده اند تصفیه کند.

درک صحیح از مفاهیم "انتظار" درگاه اصلی آن سرانجام هرموعودی ست که هر مؤمن منتظری آرزو دارد با عشق در آن زندگی کند و در زیر سایه ی گسترده ی آن به سر برد.

به نظر می رسد زمان آن فرا رسیده است تا بر این ابعاد متمرکز شویم. به خصوص این که این ابعاد یک ذخیره ی روان شناسی بزرگی محسوب می شود که دارای کارآیی مهمی در بازسازی دوباره ی تعادل و ساختار روانی شخصیت یک مسلمان در دوره ی غیبت کبری است و به تدریج بر تغییر معادلات بین المللی به نفع مسلمانان یاری می رساند.

پیمودن هزاران مایل آن گونه که در احادیث است با برداشتن یک گام شروع می شود؛ و همین طور ایمان داشتن تعداد بسیاری از افراد امت به عقیده ی انتظار شرایط مناسب را برای استوار شدن رویکرد روان شناسی در مطالعات خود فراهم می... کند و به همین خاطر معتقدیم توقع این است که مسلمانان منتظر اهتمام بیشتری به این رویکرد حیاتی نشان دهند به خصوص که فهم روان شناسی امروز تبدیل به یکی از سلاح های درگیری تمدن ها و فرهنگ ها در میان قدرت های استکباری و امت های مستضعف شده است و نیاز مبرمی به قرار دادن این پدیده در زیر نور آن چه می توان آن را ذره بین روان شناسی نامید وجود دارد.

وقتی به خودمان اجازه ی استفاده از اصطلاح «ذره بین روان شناسی» را بدهیم این اصطلاح ظرفیت بررسی همه یا برخی از ابعاد روان شناسی پدیده ی انتظار را

دارد. چیزی که میلیون ها مسلمان در شرق و غرب زمین در آن به سر می برند؛ اما توقع نداریم این مطالعه همه ی این ابعاد را در بر گیرد؛ ولی آن چه آشکارخواهدبود این است که همه ی ابعاد در زیر شیشه ی ذره بین نمایان می شوند، اما توانمندی محققان در دیدن این ابعاد، تصویر و تشخیص آن ها متفاوت است.

و معتقدیم هر چه محققان مسلمان در شناخت این جنبه از پدیده ی انتظار یا هر پدیده ی دیگری اهتمام بورزند قدرت فرد مسلمان در شناخت تعداد بیشتری از ابعاد آن بیشتر خواهد شد و همان طور که خواننده ی محترم می داند این یک مسئله ی حیاتی است که به او کمک می‌کند موضع گیری محکمی در موضوعی به دست آورد؛ و یکی از موضوعات فکری اسلامی است که بیشترین تأثیر را در گذشته و حال و آینده ی او داشته است به خصوص بعد از وقوع شکست های تمدن بزرگ امت در قرن های اخیر.

ما کاملاً مطمئن هستیم که آب زلال این پدیده هرگز خشک نمی شود تا زمانی که خداوند اجازه ی ظهور ولی خود «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» را بدهد. به همین خاطر توقع این است که قدرت فرد مسلمان در دیدن ابعاد روان شناسی در طول دوره ی ظهور افزایش یابد؛ زیرا دیدن، فهمیدن و تعامل کردن با آن به وسیله ی مشاهده کردن و تمرین ممکن می شود نه با صرف سخن نوشته شده روی کاغذ و حوادث جاری و موقعیت های تعبیر کننده از همزیستی فرد مسلمان با این مسئله همگی، روحِ این مسئله یعنی مسئله ی انتظار را تشکیل می دهد.

و در عمل ملاحظه کردیم که مطالعات اندکی توجه ما را به برخی از ابعاد روان شناسی در مسئله ی انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جلب می کند چرا که دارای اهمیت در طراحی آینده ی جهان اسلام است و به این علت که در میدان مواجهه ی فرهنگی

و تمدنی بین منتظران و دشمنان شان ضروری است.

و می توانیم بگوئیم شناختن این ابعاد روان شناسی قبل از آن‌که یک کار فرهنگی یا یک فعالیت علمی محض باشد یک واجب شرعی است و شناختن خود و شناختن راه زندگی – که یاد گرفتن رفتار روزمره ی یک مسلمان است – دو عنصر اساسی است که اسلام اصیل در ساختن تمدن آینده بر آن تکیه دارد چه در دوره ی خود امام یا در طول دوره ی زمینه سازی قبل از ظهور شان! و از این‌رو اشتباه است که جهل به ابعاد روان شناسی ادامه یابد به خصوص که از شرایط پیروزی و تکرار نهضت اسلامی معاصر بوده و آینده نگری ست و محققان مسلمان و منتظر که به دنبال آگاهی از آینده ی جهان اسلام هستند، می دانند که جهل امت از امثال این ابعاد قدرت آن ها را در روند درگیری تضعیف می‌کند و بدون شک پیروزی و از سرگیری دوباره ی زندگی کامل اسلامی را به تأخیر می اندازد.

و از آن جا که مسئله ی انتظار یک تجربه ی عملی و نظری است که مبتنی بر رنج بردن روانی دائمی و واقعیتی در زندگی منتظران است به خصوص علماء و مجاهدان و مردان محقق و اهل مطالعه زیرا مسئله ی انجام دادن اقدامات برای فهم این ابعاد از انتظار به طور قطعی وابسته به این رنج بردن و قدرت به کار گیری آن و بهره برداری از آن است و کسی از یک محقق که در مسئله ی انتظار و روحیه ی آن زندگی نکرده است و با افراد آن تعامل ندارد متوقع نیست که به ابعاد مختلف آن توجه کند، بلکه گاهی با موضع گیری های متعصبانه، کینه توزانه و دور از سازگاری، با آن مخالفت کند.

در همان زمان می بینیم در میان آن دانشمندان که از علمای اهل عمل هستند از منتظران امام کسانی وجود دارند که روان خود را در منابع معنوی و عقایدی

اسلام ذوب کرده اند و قدرت شان در مواجه شدن با مخالفان این عقیده محکم تر و طناب شان قوی تر و درک شان پخته تر شده و دارای شایستگی بهتر در دفاع از اصالت ذات منتظر است که مخالفان روی آنها هزار بار حساب باز می کنند.

امیدواریم ان شاء الله در آینده ی نزدیک توجه بهتری را شاهد باشیم که منجر به کشف ابعاد بیشتری از این موضوع شود؛ چیزی که منتظران به خصوص دانشمندان و فرهنگیان توانسته اند آن را در روند مواجهه با دیگران به خدمت گیرند و این امت و مردم آن از این عقیده در طول دفاع تمدنی خود با مخالفان بهره ببرند به خصوص که عوامل روانی همیشه از مهم ترین شرایط غلبه در نبردهای تمدنی و عقایدی است.

به دلیل تمام این موارد شایسته است که محققان مسلمان به شاخصه های روان شناختی مفهوم انتظار اهتمام ورزند؛ لیکن شایسته نیست این اهتمام فقط با هدف علمی محض انجام شود بلکه باید با هدف اجرایی باشد که انرژی روانی این مفهوم را تحریک کند و آن را به عنوان یک ابزار برای پیروزی در میدان نبرد تمدن ها به خدمت بگیرد و شاید در اشاره هایی که به مسئله ی بشارت ها در برخی متون اسلامی متمرکز در روند حوادث آینده به طور پراکنده آمده است راهنمایی آشکاری بر ضرورت توجه کردن آن محققان منتظر به این ابعاد روان شناسی در بشارت های اسلامی وجود داشته باشد.

به عنوان مثال بشارت دادن ها در دوره ی انتظار یا زمان غیبت کبری امید را زنده می کند و آن را با قدرت در ساختار روانی فرد مسلمان بر می‌انگیزاند. زمانی که مشکلات سخت و ظلم ها بسیار می‌شود حتی حوادثی که امروز جریان دارد، اثبات کرده که این بشارت ها معیارهایی را نزد دیگران و به خصوص دشمنان امت به شکل غیر قابل انتظاری دگرگون کرده است و حوادث بزرگی که افراد

منتظر را احاطه کرده و آن‌ها را با خطر خود می ترسانـد تبـدیل به بشارت ها و پیروزی های تاریخی امت شـده است؛ بلکه آن دشـمنان دچـار وحشت می شونـد هنگـامی که افراد منتظر و مؤمن به عقیـده ی مهـدویت را می بیننـد که از آن دشواری هـا با روحیه ای جدیـد، عـالی و بـا معنویـات بالا عبور می‌کننـد که از درون آن حماسه، نیروی اراده، احساس مسـئولیت و اسـتواری قصد و آهنگ بیرون می آید.

امت در تاریـخ معاصـر خـود حـوادث سـختی را تجربه کرده است که افراد منتظر بـا امنیـتی که وحشت دشـمنان شـان را بر می انگیزد از آن عبور کرده اند و با این‌که ما در صدد تحلیل این پدیده و شـناخت اسرار آن نیستیم، اما برخی عوامل همانند لطف الهی و حکمت آن افراد منتظر در همراهی بـا حـوادث و تلاـش هـای مسـتمر آن‌هـا و کـارآیی معنوی بشـارت هـایی که متون اسـلامی کریم به آن اشـاره کرده از مهم ترین عواملی است که معیارها و توقع ها را به نفع منتظران ظهور امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تغییر می دهد.

و هنگامی که این بشارت ها حاوی عناصـر روان شـناختی مثبت باشد در این صورت یاری به گروه های امت با آن عناصر [به خصوص به جوانان] از مسـئولیت علماء و مجاهدان و سخندانان اسلام راستین است و شناختن جنبه ی روانی بشارت های نبوی کـافی نیست، بلکه مهم تر این است که این جنبه تبـدیل به هـدیه ای حقیقی شود که روان افراد را بـا معنویت های عالی پر می کند و انرژی بیکار در عقل ها و ساختار ما را به طور کامل آزاد می کند.

و زمـانی که متفکران مخلص را به تحقیق در این ابعـاد روان شـناختی انتظـار تشویق می کنیم معنـایش این نیست که جنبه های دیگر مسئله را رها می‌کنیم؛ همانند آمادگی های مادی و ساختن توانمندی های عقلی افراد این گروه منتظر؛

زیرا مسئله ی انتظار در زندگی منتظران کارآمد نخواهد بود مگر با شناختن ابعاد مختلف روانی، مادی و درک این مسئله که نیروی مادی بخش عملی و اجرایی ابعاد روانی است؛ چرا که یک از آن‌ها بخشی از دیگری است و جنبه ی مادی و معنوی به صورت یک بافت واحد به هم پیوسته هستند که به استواری فهم انتظاری در افراد گروهی که مواظب ظهور مبارک هستند کمک می کند و این به هم پیوستگی متعادل در صدر مسئولیت های عبادی است و هر دولت اسلامی که بتواند در دوره ی غیبت کبری اعلام موجودیت کند و به فرهنگ انتظار و ارزش عبادی آن ایمان داشته باشد آن را انجام می دهد هر چند مقدار تعادل در به هم پیوستگی نیروی مادی و معنوی جامعه بین دولتی اسلامی در عصر ظهور و دولت اسلامی در دوره ی غیبت متفاوت است؛ زیرا خداوند سبحان در دوره ی ظهور با رهبری تاریخی قابل تکرار نیست و بین نیروهای جامعه در آن زمان در بیشترین مقدار تعادل برقرار می کند؛ پس بر بشریت منت می گذارد و توان عقلی انسان در جامعه ی ظهور رشد می کند و اخلاقیات او متعالی می شود (۱)و آمادگی مادی او به اندازه ای می رسد که انسانیت در طول تاریخ خود مانند آن را ندیده است، در حالی که مقدار تعادل بین نیروهای جامعه ای که دولت اسلامی در دوره ی غیبت کبری آن را محقق می کند مقدمه ای است برای چیزی که دولت ظهور از عملکرد های منجر به سعادت انسان انجام می دهد.

۱- در روایات به توسعه یافتن علوم و پیشرفت آن اشاره شده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند دست خود را بر سر بندگان می گذارد و با این کار عقل آن‌ها جامع می شود و درک شان کامل می گردد.» منتخب الاثر، ص۴۸۳. همچنین امام باقر علیه السلام می فرماید:« زن در خانه ی خود بر اساس کتاب خداوند و سنت رسول رفتار می کند» بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

معنای صحیح انتظار:

کلمه ی انتظار تعبیر یک معنای وسیع اسلامی است که در آن احساس انسان مؤمن با فکر و عمل او و راهبری حقیقی او ترکیب می شود و وقتی مفهوم لفظ را با دو معنای لغوی و اصطلاحی جمع کنیم شاهد کامل شدن وظیفه ی این دو در شکل دادن به شخصیت مؤمن و آماده کردن او برای مواجهه با واقعیت انحراف در طول زمان غیبت کبری تا روز خلاص شدن یا روز فتح، آن گونه که در دعای ندبه آمده است خواهیم بود.

با اندیشیدن در منابع عقیده ی انتظار می بینیم اولین چیزی که بر آن حرص ورزیده شده تأکید کردن بر اهمیت احساس مسئولیت و به کارگیری آن برای تحقق اهداف اسلامی در طول غیبت کبری است؛ پس انتظار یک رفتار عبادی از یک واجب تکلیفی و آمادگی روانی و عقلی در ادای این مسئولیت ها ست و به این شکل تجربه ی انتظار فقط یک احساس وجدانی نیست، بلکه همچنین یک درک در عقل فرد مؤمن و نظم پذیری کامل او از احکام اسلام و تشریع های آن است؛ به همین دلیل از این احساس فطری رفتار، احساسات و افکار ما از این احساس خطری به عنوان افراد منتظرسرچشمه گرفته است و این قطب شکل گیری عقایدی- تربیتی ماست؛ پس انتظار قلب انسان منتظر را در یک زندگی بهتر که عدالت بر آن حاکم است و در یک عصر خوشبختی که بعد از آن ظلم وجود ندارد فرو می برد.

این نیروی روانی – احساس امید بهتر به فردا – یک عامل مؤثر در حرکت جامعه و فعالیت نیروهای آن برای مواجهه با سختی هاست؛ یعنی این که هنوز- پیش روی انسانیت- یک فرصت تاریخی برای برپائی جامعه ای جدید وجود دارد که از امید انتظار متولد می شود به خصوص که بیماری های مختلفی وجود دارد

که انسان در دوره ی غیبت کبری با آن مواجه گردیده و باعث می‌شود تغییر یک ضرورت انسانی و پاسخ به نیاز روانی اصرار کننده محسوب شود و انسان احساس می کند زندگی اش ناکارآمد و از معنا و هدف خالی شده است البته در صورتی که این خواسته محقق نشود.

اما همان طور که گفتیم انتظار به عنوان یک آرزوی بزرگ از تقدیری غیبی حاصل نمی شود بلکه از اسباب راهبردی مبتنی بر رفتارهای عملی حاصل می‌گردد و همیشه از تلاشی که خود بشر انجام می دهد می جوشد و فساد فراگیری که زندگی ما را می پوشاند باعث می شود روان ها مأیوس و متراکم شده و با اندوه ها سنگین شوند و با هر برق امید و تابش آن آماده‌ی همکاری باشند و این گونه است که می بینیم مشکلات آینده روان در حال عذاب و دچار ترس از سنگینی مصیبت ها را تشدید می کند و گاهی با قدم برداشتن بین انشعاب ها و دایره های آن اقدام به دفاع می کند و به دنبال امیدی می گردد که با شادابی و نشاط به او جان بدهد و او را سرشار از آرامش و ثبات قلبی کند؛ اما این امید انتظار مؤثر نخواهد بود مگر زمانی که فرد مسلمان معاصر آن را در چارچوب عملی و چارچوب تعامل با واقعیت و چارچوب تشخیص و تغییر بفهمد که مبتنی بر درک کامل قوانین الهی حاکم بر زندگی، درک سنت های حاکم بر تاریخ و شکل دهنده ی جریان های آن است.

این واقعیت و تعامل با آن مبتنی بر اساس تلاش انسانی است و این تلاشی است که از برداشت های عقیدتی و معنوی و مادی سرچشمه می گیرد و ابتدا بیماری های واقعیت را کشف و درمان می کند و بعد بشریت را بر هدایت قرآن و سنت به عنوان روش زندگی تربیت می‌نماید و این به دلیل آن است که در پی روند حرکت به سوی آینده درک و فهم به وجود می آید و معنایش این است که

تضـمینی بر تحقق این آرزوست با این که وعده ای الهی است و بشـریت با اشتیاق منتظر آن است لیکن با اعمال بشـری مرتبط است و این عنصـری بسـیار مهم برای تحقق بشـارت انتظـار موعود است و فساد و اصـلاح تربیتی دو وجه از این تلاش است هر چنـد یکی از آن دو، وجهی مثبت برای رونـد تغییر و دیگری وجهی منفی است، اما هر دو تاریـخ و آینـده ی انسان را به سوی تحقق کامل بشارت اسلامی ...بشارت ظهور امام جهت می دهند.

منتظر امام بودن امنیتی گروهی برای آینـده ای با روشـنی بیشتر و عذاب کمتر یا آینده ای سـرشار از امنیت و خالی از کدورت ظالمـان است. این آرزو متکی به وعـده ی الهی است؛ پس این غرق شـدن در آینـده نخواهـد بود بلکه حرکت بـا بصـیرت به سوی آینـده است و این آرزویی است که بـا آینـده ای انسـانی، شـکست و تـاریکی فروپاشـی های شوم را از بین می برد. این کـاری خالصـانه است که شـرایط راهبردی تغییر را فراهم می کنـد و بر سـاختن زنـدگی و آبـاد کردن زمین و اصـلاح جـامعه متمرکز است؛ همان گونه که این آینده مشروط به صبر بر اذیت ها در راه خداوند و صداقت در پرداختن به زندگی و تعامل با آن و با جامعه و راضی بودن به قضای خدای تعالی و تقدیرات اوست. (۱)

و این همـان فهم صـحیح از انتظـار است که امیـد به برپـائی جـامعه ای جدیـد که عـدالت آسـمانی بر آن حاکم است را بر می انگیزانـد و این همان چیزی است که باعث می شود «امیـد» یک راهبرد مبتنی بر عناصـر وعده ی الهی و عملکرد بشـری و فهم سنت های اجتماعی باشد.

و انتظار با این معنا زمینه را به نفع مصلح منتظر فراهم می کند تا وقتی بیرون

۱- حرکت التاریخ عند الامام علی ، شمس الدین، ص ۲۱۳.

آمـد خود را غریب نبیند که باید از سـنگ زیر بنا شـروع کند بلکه می بیند، بنایی را که قبل از او مجاهدان اهل عمل در زمینه ی رفتار اسلامی ساخته اند مرتفع تر کند.(۱)

و روایات اسلامی که این معنا را ستوده وارد شده است، از جمله:

"المنتظر لأمرنـا کالمتشـحط بـدمه فی سبیـل الله؛ فرد منتظر حکومت مـا مثـل کسـی است که در راه خـدا در خون خود غلتیـده است.(۲)"

"أفضـل العبـاده انتظـار الفرج؛ بهـترین عبـادت منتظر فرج بـودن اسـت. " یعنی منتظر فرج ظهـور مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشریف.(۳)

"أفضل أعمال أمتی انتظار فرج الله عزوجل؛ بهترین اعمال امت من انتظار کشیدن برای فرج خداوند عز و جل است." (۴)

" کسـی که از شـما بمیرد در حـالی که منتظر ظهـور این حکـومت بوده باشـد، ماننـد کسـی است که در خیمه ی قـائم حضور خواهد داشت." (۵)

«من مات منکم علی هذا الأمر منتظرا کان کمن هو فی الفسطاط للقائم؛ کسی که دوست دارد از اصحاب قائم منتظر باشد باید منتظر او باشـد و تقوای شدیـد را رعایت کنـد و اخلاق نیکو داشـته باشد؛ چنین کسـی منتظر است و اگر بمیرد و قائم بعد از او قیام کند اجر او همانند پاداش کسی است که قائم را درک کرده

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید حسن شیرازی، ص ۲۰.

۲- اکمال الدین و اتمام النعمه صدوق، ص ۴۹۶.

۳- ینابیع الموده، قندوزی، ج ۳، ص ۱۳۴.

۴- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۵.

۵- غیبه النعمانی، ص ۱۳۳.

است.» (۱)

" از امام باقر علیه السلام درباره ی سخن خدای تعالی ((اصبروا و صابروا و رابطوا)) سؤال شد، حضرت فرمود: «اصبروا علی أداء الفرائض، و صابروا عدوکم و رابطوا إمامکم؛ بر انجام فرائض پافشاری کنید و در مقابل دشمن خود صبر کرده و با امام خود رابطه داشته باشید.»(۲)

و در متن زیر"انتظار برای فرج بخشی از فرج است." (۳)یک اشاره ی روانی است که می فهماند انتظار کشیدن با معیارهای عملی و واقعی آن یک آرزوی صرف نیست و صرف رابطه ی احساسی بین فرد مسلمان با رهبری معنوی غایب خود نیست بلکه رفتاری صادقانه برای انجام مسئولیت های اسلامی و اقدام فرد مسلمان به ادای حقوق و واجبات است و این همان طور که گفتیم مقدمه ای برای فرج مورد آرزو و تحقق ظهور مبارک است.

همچنین ملاحظه می شود که انتظار به تنهایی مقدمه ای برای خود فرج و راه رسیدن به آرامش روانی است، در نتیجه انتظار صرف یک توقع آرزو بدون رفتار عبادی نیست بلکه فراهم کردن شرایطی است که آرزو را محقق یا آرامش و سکون را در نفس ایجاد می کند؛ زیرا انسان منتظر معمولاً در آرزوی خود نسبت به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از وعده‌ی خدای سبحان که گفته است هر گاه که بخواهد و هر زمان که بخواهد او را در زمین ظهور خواهد داد و به قدرت خواهد رساند استمداد می گیرد؛ چرا که هیچ کس نمی تواند جلوی اجرای وعده‌ی خداوند در زمین و آسمان را بگیرد، پس خواسته ی او به وقوع می پیوندد و دفع کننده ای

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۳۴.

۲- غیبه النعمانی، ص ۱۳۳.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۴.

نـدارد و وقتی کار را به خـدای متعال واگذار کنیم او آن گونه که بخواهد آن را انجام خواهد داد و وقتی با قوانین او در روند جامعه و تاریخ منسجم شویم و به مفهوم انتظار با نگاه مثبت، بخشنده، تلاش و اجرای اراده ی خداوند در تغییر نفس ها و امت ها تعامل کنیم در این صورت هرگز نسـبت به ظهور امام دچار یأس نخواهیم شد و این باعث می شود نفس ما مطمئن باشد که آینـده و طلوع فردا متعلق به منتظران خواهـد بود و باعث می شود انتظار ما عامل پیشـرفت در حرکت جامعه باشد و انتظار فرج در عمل و واقعیت یک فرج باشد.

نقد مفهوم منفی انتظار:

در ذهن بسـیاری از کسانی که به موضوع مهدویت پرداخته اند چنین رسوخ کرده است که این عقیده ...این امید بزرگ که به اقتضای وعده ی خداوند در قرآن و سـنت و به اقتضای حرکت تاریخ بشـری اثبات شده است ...این عقیده یک عامل منفی در رونـد پیشـرفت و رشد است و مانع آن است و موجب توقف می شود و مردم را باز می‌دارد از حرکت و تلاش به سوی تکامل مادی و معنوی در انتظار برای امیدی که خواهد آمد و بشر را با معجزه و بدون زحمت بشری نجات خواهد داد.

و چه بسا برخی از مصادیق در تاریخ مسـلمانان باشد که این اتهام را تقویت می کند، اما حقیقت چنین است که این نوع انتظار منفی و بیمـار در ذهن انسـان وارد شـده است و نتیجه ی سـرخوردگی تمـدنی است که از برخی فرهنـگ های دور از انسان به آن‌هـا سـرایت کرده اسـت و تـوان کـار را از آن هـا گرفتـه اسـت؛ زیرا اراده و کارآمـدی آن‌هـا را فلـج کرده است و آن را به زندگی آرزومداری و قانع بودن و تسلیم بودن تبدیل کرده است.

اما حقیقت بر خلاف آن است؛ انتظار در نتیجه ی این عقیـده یک انتظار مثبت و کارآمـد است؛ آمادگی و آماده نمودن است، تلاش کردن دائمی و مسـتمر است که باید روند تاریخ انسان مسـلمان به سوی فراهم کردن بهترین شـرایط شـکل گیرد و برای این آرزوی بزرگ بهترین شرایط موفقیت و تحقق را فراهم کند.

حرکت تاریـخ در نقش معنوی خود متوقف نمی شود و نوع این حرکت – رو به جلو و تصاعـدی باشد یا عقب گرد و سـقوط کننده در زمینه معنویات اخلاقی – بستگی به اراده ی خود بشر دارد؛ آن‌ها هستند که جهان آرمانی اخلاقی خود را می سازند و این ساخته نمی شود، مگر با کار مثبت که خواسته ها آن را به سوی انسانیت بهتر حرکت می دهد.(۱)

و بشـر در انتظـار این است که این آرزوی بزرگ با اذن خداونـد در میان آن‌ها به عنوان یک گروه بشـری صاحب عقیـده و از طریق خود اسـلام که دین آن‌هاست تحقق یابـد ...مسـلمانان قبل از گروه های عقیدتی دیگر در جامعه ی بشـری در انتظار این آرزوی بزرگ هستند. (۲)

اما مفهوم انتظار – که مثل هر مفهوم حرکتی دیگر با واقعیت رابطه دارد و احتمال فهم خطای انسان به آن متصل است- گاهی در معرض نقـد محققان شیعه قرار می گیرد همان طور که رفتار افراد گروه منتظر در معرض همین نقـد قرار می گیرد و گاهی در کارهای برخی از منتظران انتقاد منفی بر مفهوم متمرکز است.

برخی از این منتظران معتقدنـد فسـاد را آزاد بگذارنـد که به اوج خود برسـد تـا امـام ظهور کنـد، برخی از آن هـا معتقدنـد که مقاومت در برابر ظالمان موجب انداختن خود در مهلکه است و به همین علت این بخش از مردم انتظار خود را با

۱- حرکت التاریخ عند الامام علی، ص ۲۲۰.

۲- حرکت التاریخ عند الامام علی، ص ۲۱۹.

مفهوم منفی و در چارچوبی دور از آزار رساندن به ظالمان انجام می دهند، حتی اگر با میل خود از یک اصل عبادی دست بردارند یا در برابر یک حق غصب شده سکوت یا از واقعیت عقب نشینی کنند و به آن چه در واقعیت اجتماعی، اخلاقی و سیاسی جامعه می گذرد بی مبالات باشند!

تفکر انتظار خود مبتنی بر اصل مقاومت و جهاد است نه فقط بر ضد ظالمان، بلکه بر ضد شهوت های نفس و سرکشی آن و معنای صحیح آن بدون تقوای شدید، اخلاق نیکو، پرهیزگاری، رابطه داشتن، صبر و تحمل کردن آزارها محقق نمی شود و این مفهوم بدین شکل حاوی شجاعت است که باید در شخصیت فرد منتظر فراهم شود.

شجاعت یک موضع گیری روانی و اخلاقی است که در آن حکمت فرد مؤمن با اصول اخلاقی که عقیده ی انتظار بر آن استوار است و به آن‌ها ایمان دارد ترکیب می شود به گونه‌ای که فرد منتظر از هر ترسی نسبت به مردم به خاطر خداوند می... گذرد و با امید به او تمسک می جوید، به همین دلیل فرد مؤمن به عقیده ی انتظار همیشه تلاش می کند بر ذات خود پیروز شود و مقاومت آن را مغلوب کند و با شجاعت بر زائده‌های مضر از شهوت موجود در بین دو پهلویش به خاطر متعالی کردن اراده ی حق مسلط شود.

غالب ترین بحران های روانی که افراد مغلوب با آن مواجه هستند تنها ناشی از شدت ریشه داشتن ظلم در رفتار طغیانگران مستکبر و افراد بی تفاوت با سرنوشت بندگان خدا نیست، بلکه ناشی از ضعف مقاومت آن افراد مغلوب به دلیل فشارهای نیروهای ظلم یا در نتیجه ی تسلط روحیه ی ترس در خود آن‌هاست و با ملاحظه‌ی تأثیر این ضعف می بینیم گاهی به یکی از اشکال در تقویت دشمنی فرد ظالم در روان شناختی ظالمان سهیم است و این‌ها قوی نمی شوند

مگر با ضعف ها و این یک حقیقت است که تاریخ آن را بیان می کند و خداوند به فرد مؤمن اجازه ی هر کاری را داده است مگر این که خودش را به ذلت افکند.(۱)

افراد شکست خورده و کسل منتظر امام علیه السلام هستند تا بنیان ظلم را ویران کند و جامعه ی عدالت محور را از ابتدا بسازد،آن ها نمی فهمند که کنار گذاشتن مقاومت در برابر ظلم تفاوتی ندارد از خود انسان صادر شده باشد یا از دیگران فقط روند ظهور را به تأخیر می اندازد، به همین دلیل در متون شریف وارد شده است: «کذب المتمنون، و هلك المستعجلون و نجا المسلِّمون؛ افرادی که وعده بدهند دروغ گفته اند و افرادی که عجله کنند هلاک شده اند و افرادی که تسلیم باشند نجات پیدا کرده‌اند.»(۲)

به همین علت افراد منتظر را به خاطر رفتار منفی و عدم فهم مشکل واقعیت انسانی و عاجز بودن از شناخت راه های تغییر آن سرزنش می کند و مسلمانان – همان طور که یک محقق مسلمان معتقد است(۳) – در تعامل با مشکل واقعیت به دو دسته تقسیم می شوند، دسته‌ای لازم می دانند که هر مشکلی تابع قوانینی است که باید آن را فهمید و کشف کرد تا بتوان بر آن مسلط شد و آن را کنترل نمود.

دسته ی دیگر – که عموم امت هستند – در برابر مشکلات به نظر دیگری تمایل دارند که دشوار است و به طور واضح عقیده ی موضع گیری خود را مشخص نمی کنند که آیا این مشکل راه حلی دارد؟ و آیا می توان آن را کشف کرد؟ و آیا می توان بر اساس آن بر مشکل مسلط شد و آن را با تلاش انسانی کنترل کرد؟

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۴۱.

۲- غیبه النعمانی، ص ۱۳۲.

۳- رک بحث (حتی یغیروا ما بانفسهم) استاد جودت سعید ص ۱۷ – ۱۸

آن‌ها با این فهم به عنوان کسانی که منتظر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا منتظر شرایط قیامت هستند به این سؤالات پاسخ منفی می دهند و معتقدند که راه حلی برای این مشکل وجود ندارد و تلاش انسان برای یافتن این قوانین بی ارزش است؛ زیرا قوانینی که این مشکل تابع آن است به شکل جادویی و خارق العاده و با سبب های پیچیده در زندگی بشر تأثیر می گذارد.

در ذهن آن‌ها چنین رسوخ کرده که این مشکل حل کننده ای جز خداوند ندارد و تلاش مردم جهان گمراهی است. (۱)

از این‌رو این مفهوم با معنای منفی خود در معرض انتقاد محققان شیعه قرار می گیرد و این یک انتقاد ذاتی به رفتار برخی از گروه های منتظر است؛ چرا که حرکت انتظار بنا بر تعبیر علامه فضل الله دو جهت متضاد یک خط عملی حرکت انسان در زندگی رو به روی هم قرار گرفته است تا این قسمت متوقف شود و آن قسمت جلو برود.(۲)

و این تناقض در فهمیدن معنای صحیح انتظار باعث شده است افرادی اقدام به انتقاد از رفتار کسانی بکنند که این مفهوم را به صورت منفی و با ضعف دنبال می کنند و در برابر ظلم تسلیم می شوند و آن حرکت را کوتاه آمدن و استراحت کردن و پرداختن به خود می دانند تا از دشواری هایی که از مواجهه با ظالمان به وجود می آید اجتناب کرده باشند و این چیزی است که باعث شده استاد جودت سعید به مردمی که معتقدند این مشکل راه حل ندارد به چشم کسانی بنگرد که منتظر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا شرایط قیامت هستند و امید به تغییر قوانین دارند بدون این که درکی از قوانینی داشته باشند که بر روند واقعیت حاکم است و حوادث و

۱- رک بحث (حتی یغیروا ما بانفسهم) استاد جودت سعید ص ۱۸.

۲- سخنان فضل الله در مجله ی فرهنگ اسلام، شماره ۱۲، ماه رمضان سال ۱۴۰۷ قمری، ص ۱۹.

مشکلات آن را تفسیر می کند.

این مفهوم بیمارگونه از عقیده ی انتظار منجر به برخی امور منفی در زندگی این نوع از مردم شده است و علامه فضل الله آن را در نکاتی که در زیر می آید خلاصه کرده است:

اول: توقف جنبه ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در حوزه ی عمومی آن و باقی ماندن آن در حوزه ی فردی که تشکیل دهنده ی حالت های مخصوص به انسان مسلمان است...چیزی که باعث شده است فقه در این زوایه ی مشخص محدود شود مسئله ای که جلوی رشد نظری اسلام از طریق اجتهاد و اجرا را گرفته است تا آن جا که ذهنیت تفکر شرعی تبدیل به یک ذهنیت فردی شده است. چیزی که بازتاب بدی از چهره ی عمومی اسلام در ذهن انسان مسلمان بر جای گذاشته است.

دوم: کنار گذاشتن انرژی های اسلام از روند ایجاد تغییرات برای واقعیت اسلامی در مقابله با ظلم های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ...و اکتفا کردن به فعالیت برای دفع ضرر از خود بدون هیچ آرمان بزرگی در سطح فکر کردن به جایگزینی به نفع اسلام ...به گونه‌ای که همه ی آن چه انقلابیون به آن فکر می کنند زمانی که شرایط سختی که انقلاب بر آن ها تحمیل می کند تا در کنار دیگران بر ضد حاکمیت ظلم فعالیت کنند این است که دیگران را زیر بار مسئولیت بفرستند تا خودشان بر دوش آن ها سوار شوند و ظلم را دوباره تکرار کنند و انقلاب از جیب دیگران دوباره تکرار شود و کوتاه آمدن در زوایه ی مشخصی که دردهای خود را به آرامی به درون آن ببرند و با صدای بلند صلوات بفرستند و از خداوند بخواهند از غیب برای شان تعجیل فرج را رقم بزنند.

سوم: ظاهر شدن حالت انفعال گریه آور در مواجهه با حالت های ظلم به دلیل

غرق شدن در درون مشکلات ...به علت اعتقاد به این اصل که راه حل آن در اراده ی امت جوینده‌ی راه حل یعنی در رفتار، عملکرد و رنج های شان وجود ندارد، بلکه در چیزی است که منتظر آن هستند؛ یعنی راه حل فراگیر که به دست امام منتظر حاصل می شود. کسی که زمین را از تساوی و عدالت پر می کند همان گونه که از ظلم و نابرابری پر شده است ...تا عدالت فراگیر از میان راه حل ها یک راه حل نیز برای این مشکل بیان کند.

در سایه ی آن دردهای بشری که ناشی از مشکلات است به جای این که تبدیل به انقلابی شود که در افق های فکر و در مسیر واقعیت فعال می گردد، تبدیل اشک هایی می‌شود که در عمق درون رسوب می کند.

همان گونه که آگاهی از فرد ناجی به نوعی ارتباط با ذات او به عنوان شخصیتی عجیب، تبدیل شده است که دور از ارتباط با نقش رسالت اوست و در حرکت و رسالت او به عنوان یک امام مصلح و تجسم یابد و آن چیزی که باعث شده است این مسئله بیشتر در شخص غرق شود تا در فکر و حرکت ..چیزی که از مسئله ی انتظار تجسمی از عجز خشک شده و فلج شدن مسیر متوقف شده را بیان کرده است دقیقاً آن گونه که یک فرد قطع نخاعی منتظر است دیگران لقمه را در دهان او بگذارند و بدن خود را در جستجوی لقمه تکان نمی دهد، یا در راه آماده کردن آن تلاش نمی کند و اگر دیر شود گریه می کند ...و به این شکل گرسنگی به زودی زندگی او را نابود خواهد کرد.

حالت گریه در درون این شخصیت به یک معنا تبدیل شده و مصیبت نزد او محلی برای اشک ریختن و موجب فریاد زدن شده است حتی هنگامی که نتیجه ی یک انقلاب در تاریخ یا شروع آن را در زمان حاضر می بیند موجب برانگیخته شدن احساس انقلاب در قلب مصیبت زده ی او نمی شود بلکه به جای

آن موجب اشک های انقلابی در درون مصیبت زده می شود و ما درک آن افراد از انقلاب امام حسین علیه السلام را این گونه دیدیم که برای شخصیت قهرمان و محبوب گریه می کنند نه برای انقلابی که با عزت شعله ور است و با بالندگی همچنان قربانی می دهد که مصیبت را در ظاهر آن تجسم می کند؛ اما معنای سرکشی در مقابل درد در اوج شهادت را تجسم می کند ...به طوری که مصیبت یک حالت در احساس فرد گریان نیست بلکه حرکتی در احساس فرد سرکش (نافرمان) و انقلابی است.

مشکل این است که تصور فرد هوشمند چیزی است که تصویر اشیا در واقعیت را نزد انسان تغییر می دهد زمانی که در سطح متوقف می شود یا هنگامی که به عمق نفوذ می کند.

و این گونه می بینیم این نمونه ها مشکلی بزرگ برای تمام حرکت اسلام در زندگی است که برای آن اهدافی را برنامه ریزی می کند و در صحنه ی درگیری با چالش ها مواجه می شود زیرا این افراد کسانی هستند که با روش های مختلف به نیروهای طرف مقابل اجازه می دهند آن ها را در آن چه مطرح می کنند آتش گیره ی انقلاب ضد اسلامی قرار دهند؛ یعنی مسائل عقب ماندگی در افکار، حرکت، رفتار و در آن چه موجب درهم پیچیدن گام های امت به سوی ایجاد تغییر می شود و در آن چه در آن سهیم می شوند یعنی منحرف کردن توده های بسیار در درون صحنه ی درگیری بزرگ بین حق و نیروهای باطل ... .

مشکل این است که آن ها در انتظار شخص، غرق شده اند و در انتظار رسالت غرق نشده اند به همین علت در مسیر زندگی خود رسالت را دریافت نکرده اند که نشانی انتظار برای آن، تلاش در راه ارتباط برقرار کردن با آن است؛ آن ها شخص را دریافت کرده اند، کسی که به زودی از طریق غیبی و به دور از امکانات و

اراده ی آن‌ها خواهد آمد و آن ها حاضر نیستند زحمت رفتن نزد او را به خودشان بدهند بلکه می خواهند او را در میان راه ملاقات کنند. (۱)

دانشمند مسلمان دیگری نیز از رویکرد منفی در رفتار برخی افراد منتظر انتقاد کرده و چنین می‌گوید:

آن کسانی که بدبین هستند و برای زمانه و مردمان آن ناله سرایی می کنند و برای واقعیت مسلمانان عزاداری می کنند و بعد می نشینند و مردم را از کار باز می دارند بلکه به انتقاد از اهل کار و انحراف عملکرد آن ها مشغول می شوند ..آیا حالت های روانی خود را مطابق منابع اسلامی و محتوای حالت روانی موجود در آن بنا کرده اند؟ هرگز... .

حس بدبینی که در امت خیر را نمی بیند و امیدی به نصرت خداوند متعال ندارد ناشی از فشار مفاهیم غربی و تسلط کافران، عقب ماندگی و احساس کوچکی است که غربی ها آن را در روان ما وارد کرده اند و کسی که چنین حالتی دارد روحیه ی غربی دارد حتی اگر لباس علمای مسلمان را به تن داشته باشد یا از روستاهای دور افتاده از مشروعیت اجتماعی غرب زده باشد که معمولاً در پایتخت ها و شهرها وجود دارد.(۲)

به همین دلیل دانشمندان اسلام و عاملان در این راه به چنین لغزش هایی پاسخ داده اند، پس در عقیده ی انتظار تغییری با معجزه رخ نمی دهد که از پشت ابر برای ما حاصل شود بدون این که تلاش انسانی منسجم با قوانین خداوند در رفتار جامعه وجود داشته باشد. بر این عقیده متونی وجود ندارد که انحراف را با تفسیرهای مغلوب توجیه کند بلکه متون بر خلاف آن سخن می گوید: «تلاش

۱- مجله ی فرهنگ اسلامی، شماره ۱۲، ماه رمضان سال ۱۴۰۷ قمری، ص ۱۴-۱۶.

۲- الممهدون للمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کورانی، ص ۱۳-۱۴.

کنید و منتظر باشید»(۱)و در میان آن حس بدبینی، شتاب زدگی و دست کشیدن از کار وجود ندارد بلکه حاوی حفظ پایبندی خود بر تمام احکام اسلام است به آن مقدار که فطرت توان آن را داشته باشد؛ زیرا انسان از نگاه شارع اسلام مکلف است اما متهم نیست که در برابر شرایط تسلیم باشد و اجازه بدهد او را حرکت بدهند همان گونه که باد پر را حرکت می دهد.

پس انتظار نوشیدن جرعه ای دارو نیست که درد زورگویی را آرام کند یا احساس خسران و زیان در هر مکان و زمان را در افراد منتظر تخدیر کند و علتی برای شکست نیست که آن ها را از انجام تلاش جهادی باز دارد و فرد مسلمان خودش را مغلوب کند و تسلیم اعتقاد به عقیده ی مهدویت باشد؛ انتظار یک نگرانی عصبی نیست که ذات را در فعالیت درونی خود و دینامیت آن را در رفتار بیرونی خود خفه کند.

بلکه بر عکس آن، یک داروی شفا بخش برای هر فرد منتظر است؛ دفع کننده ای عقیدتی و پشتوانه ای معنوی است که از درون، نیروهای آن را به حرکت وا می دارد و در بازیافتن انرژی از دست داده و وقت هدر رفته به او کمک می کند تا در میان جهانی که برای آب کردن این اصالت کار می کنند از وجود، هستی، هویت عقیدتی و تمدن ممتاز خود محافظت کند.

عناصر انتظار:

اشاره

انتظار فقط یک رنج کشیدن شخصی نیست، بلکه آن یک تجربه ی روانی گروهی و مشترک است که آثار خود را در روان شناسی تعداد زیادی از افراد منتظر بر جای می گذارد. به همین علت این اقدام حاوی عناصری است و همیشه

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۳۴.

مفهوم انتظار درک فرد مسلمان از اسلام و تربیت شخصیت او بر اساس ضوابط و معیارهای آن و جهت دادن فرد منتظر به ذات خود و خارج ذات خود بوده است؛ زیرا عناصر انتظار همان عناصر رفتار اسلامی است اما در چارچوب اعتقاد به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایمان به ولایت او در طول دوره ی غیبت از دیدگان. می توان این عناصر را (که بخشی از همه ی برنامه‌ی اسلامی است) به شکل زیر خلاصه کرد:

نخست؛ نیت:

در این جا منظور از نیت توجه درونی دقیق نفس به سوی ایمان کامل به این عقیده بدون داشتن تردید، سرگردانی یا نگرانی است، به طوری که مؤمن منتظر همه ی اعمال عبادی خود را برای خدای عز و جل انجام می دهد و این که اعتقاد به عقیده ی انتظار یک درک، فکر و رفتار در چارچوب این قاعده ی اساسی باشد که همه ی کارهای عبادی بر آن استوار می شود وگرنه این اعمال تبدیل به ریا و شرک پنهان می شود که خدای عز و جل آن را نمی پذیرد و خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آن را نمی پذیرد چرا که این ریا موجب خروج رفتار او از دایره ی رفتار عبادی می شود.

نیت روح عمل است و احکام فقه ظرف آن عمل؛ و هر دو موجب همتایی بین ذات و شیوه مطابق هدایت اسلام و ارزش ها و تعلیمات آن می شود. به همین دلیل اعتقاد به انتظار نیازمند توجه درونی پاک برای نفس به سوی خالق خود است تا خداوند به حکومت ولی خود اذن دهد و شایسته نیست نفس از این توجه برتری یابد، حتی اگر اعتقاد انتظار همه ی عمر فرد مسلمان را در بر گرفته باشد؛ زیرا اسلام همان گونه که به نتایج قابل ملاحظه‌ی بیرونی از رفتار اهتمام می ورزد به همان اندازه به انگیزه های درونی آن اهتمام دارد؛ پس «من ثبت

علی ولایتنا فی غیبه قائمنا أعطاه الله أجر ألف شهید مثل شهداء بدر و أحد؛ کسی که در غیبت قائم ما بر ولایت ما باقی بماند خداوند ثواب هزار شهید همچون شهدای بدر و احد را به او عطا می کند.»(۱)و در روایتی دیگری این گونه است: «من سره أن یکون من أصحاب القائم، فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر، فإن مات و قام القائم بعده کان له من الأجر مثل أجر من أدرکه؛ کسی که دوست دارد از اصحاب قائم باشد باید منتظر بماند و تقوای شدید و اخلاق نیکو را در حالی که منتظر است رعایت کند و اگر بمیرد و قائم بعد از او قیام کند پاداش او همانند پاداش کسی است که او را درک کرده است.»(۲)

دوم: آمادگی و مقدمه سازی:

هنگامی که شخص خاصی می خواهد کاری را انجام دهد برای تضمین طرحش با برنامه ریزی قبلی خودش را آماده می کند که کار را بر اساس آن تنظیم کند و سطح آمادگی باید متناسب با حجم همان کار باشد.

و تا زمانی که انتظار یک عمل بزرگ و طولانی است، همه ی عمر را در بر می گیرد و آمادگی برای آن مقطعی نیست و مهیّا کردن و تمرین نفس برای آن در طول دوره ی غیبت کبری باید در همه ی عمر باشد و نقش کامل خود را در زندگی در بر گیرد.

و آمادگی صرفاً یک حالت آماده باش دایمی نیست بلکه عملکرد استواری است که فرد مؤمن و منتظر به عنوان ادای واجب و ادای حقوق دیگران انجام می دهد؛ پس در سایه ی معنای صحیح انتظار کافی نیست که فقط نفس آماده شود

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲- غیبه النعمانی، ص ۱۳۴.

بلکه باید آمادگی روانی و ذهنی در رفتار عبادی تکامل یافته تجسم پیدا کند همان گونه که آن را از احادیث پیشین شناختیم و اندکی قبل دیدیم.

سوم: محکم کاری اعمال عبادی:

با این که توجه درونی در فرد به سوی رفتار انتظار به عنوان عملی عبادی اهمیت دارد. اما این عنصر برای تضمین موفقیت عمل عبادی کافی نیست و تفاوتی ندارد در دوره ی غیبت باشد یا قبل و بعد از آن، بلکه فرد مؤمن و منتظر باید هر عمل عبادی را که به آن مکلف شده است به مقداری که استطاعت دارد محکم انجام دهد تا در معنای صحیح انتظار زندگی کند. پیش از این در احادیث قبلی انتظار و همراهی آن با تقوای شدید و اخلاق نیکو بیان شد و در واقع اهمیت یقین به عمل عبادی را ترسیم کرد و آن چه در احادیث می گوید که انتظار فرج بهترین عمل عبادی است؛ منظورش فقط این معنا است که در آن نیت و یقین در یک رویکرد واحد قرار گیرد که مجرای آن به هدف مطلوب یعنی رضایت خدای عز و جل منتهی شود.

عقیده ی انتظار، نیت را روح عمل و یقین را ظرف تجسم رفتار می داند بلکه رابطه ی نیت و یقین مظهر وحدت ولایت است که مفاهیم این عقیده بر آن و وحدت مضمون های عقاید رفتاری تأکید می کند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعایی که به امور عمومی توجه دارد، می‌فرمایند:

«اللهم ارزقنا توفیق الطاعه و بُعد المعصیه و صدق النیه و عرفان الحرمه، و أکرمنا بالهدی و الاستقامه و سدِّد ألسنتنا بالصواب و الحکمه، واملأ قلوبنا بالعلم و المعرفه، و طهر بطوننا من الحرام و الشبهه، واکفف أیدینا عن الظلم و السرقه، واغصص أبصارنا عن الفجور و الخیانه، و اسدد أسماعنا عن اللغو والغیبه».

«پروردگارا! توفیق اطاعت، دوری از معصیت، شناختن حرام و صداقت در نیت به عنایت فرما! و ما را با هدایت و استقامت اکرام کن و زبان ما را به درستی

و حکمت استوار نما! و قلب ما را از علم و معرفت سرشار کن وباطن مان را از حرام و آن‌چه شبه حرام است پاکیزه بدار؛ و دست ما را از ظلم و سرقت باز دار؛ نگاه‌هایمان را از گناه و خیانت کوتاه نما و گوش مان را از بیهوده گویی و غیبت مسدود کن.»(۱)

حدیث قبلی بر اهمیت رابطه‌ی عناصر عبادی با یکدیگر و کامل شدن آن تأکید داشت که فرد مومن با نیت صادقانه، با فهم و درک احکام شرعی و اجرای خالصانه و یقین در اعمال و حرص به رضایت خدای سبحان در آن چه انجام می‌دهد برای او، و امر فرج را برای بنده‌ی منتظر فراهم می کند.

چهارم: هدف عبادی:

هدف در این جا هر رفتاری است که فرد مومن توقع و امید آن را از انتظار دارد و عناصر سه گانه ی قبلی متکفل تحقق این هدف است و به دو بخش اصلی تقسیم می شود:

۱ . راضی کردن خدای عز و جل و تلاش خالصانه برای حاصل شدن پاداش او و قدر دانی نیکو از وی در دنیا و آخرت و نزد فرد مسلمان که هدفی بزرگ تر از این هدف وجود ندارد؛ پس همه ی اعمال عبادی او تنها وسیله ای برای رسیدن به رضایت پروردگار عز و جل است.

و کفایت می‌کند به این که «انتظار» یک امر الهی است و انجام آن اطاعت خدای سبحان است و تفاوتی ندارد بنده «مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف» را درک کند یا خیر!

۲ . مقدمه سازی برای دولت اسلامی که رهبری آن در اختیار امام منتظر باشد و پایان دادن به حکومت ظالمان و مستکبران تا اسلام دوره ی تمدن انسانی خود

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۰۹.

را تکرار کنـد. در حـدیث شـریف آمـده است : «إن لنا دوله یجیء الله بها إذا شاء؛ ما دولتی خواهیم داشت که هرگاه خـداوند بخواهـد آن را محقق خواهد کرد؛ سپس امام صادق علیه السـلام فرمود:«من سـره أن یکون من أصـحاب القائم المنتظر فلینتظر ولیعمـل بـاورع و محـاسن الأخلاـق و هو منتظر، فـإن مـات و قـام القـائم بعـده کـان له من الأـجر مثل أجر من أدرکه... فجـدوا وانتظروا؛ هر کس دوست دارد از اصـحاب قائم منتظر باشـد بایـد انتظار بکشـد و تقوای شدید و اخلاق نیکو را رعایت کند در حالی که منتظر است و اگر او بمیرد و قائم بعـد از او قیام کنـد پاداش او همانند پاداش کسـی است که او را درک کرده اسـت ...پس تلاش کنید و انتظار بکشـید.»(۱)و «إن کـل رایه ترفع قبـل رایه القـائم صاحبها طاغوت؛ هر پرچمی که قبل از پرچم قائم بلند شود صاحب آن پرچم طاغوت است.»(۲)

و در متن دیگری خود امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از طریق دعای شان این هـدف را مشـخص می کند: «اللهم إنا نرغب إلیک فی دوله کریمه تعز بها الإسـلام و أهله، و تذل بها النفاق و أهله، و تجعلنا فیها من الدعاه إلی طاعتک، والقاده إلی سبیلـک و ترزقنـا بهـا کرامه الـدنیا و الآـخره؛ خـدایا ما از تو یک دولت کریمه می خواهیم که با آن اسـلام و اهل آن را عزت فرمایی و با آن نفاق و اهل آن را ذلیل کنی و ما را در آن از دعوت کنند گان به طاعت خود و از رهبران به سوی راه خود قرار دهی تا با آن به کرامت دنیا و آخرت برسیم.»(۳)

و از چیزهـایی که شـکی در آن نیست این است که اوج سازگـاری روانی شخصـیت فرد منتظر –مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف– در زمان تحقق کامل یکی از این دو

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۳۳ – ۱۳۴ ؛ همچنین ص ۱۲۹ – ۲۱۸.

۲- غیبه النعمانی، ص ۷۲ – ۷۳.

۳- این بخشی از دعای افتتاح است که امام به قرائت آن در هر شب از ماه رمضان توصیه کرده است و در آن به طور واضح به دولت کریمه ی مورد آرزو در دوره ی غیبت و ظهور اشاره دارد.

هـدف یا هر دو و به خصوص هـدف اول خواهـد بود و خـدای تعالی به بنـدگان مومن و صالح و عمل کننده ی خود وعده ی قبولی اعمـال را داده است؛ حـتی اگر آن بنـدگان نتیجه‌ی تلاش هـای خود را به طور مسـتقیم در جهـان دنیـایی خود نبیننـد و پاداش فرد منتظر «ولی اش» یعنی مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف یکسان است چه او را درک کند یا خیر؛ و مومن منتظر حجت خداوند در زمین ا«مانند کسی است که در راه خداوند در خون خود غلتیده است» آن گونه که در حدیث شریف آمده است.

تشکیل دهنده های انتظار:

اشاره

تفکر«انتظار» تبـدیل به واقعیتی تاریخی و روان شـناختی شـده است که در میان لایه های خود حاوی آرزوهای ائمه و دردهای آن ها در طول تاریخی است که افراد منتظر و مسلمان در آن زیسته اند.

و به زودی در جای خود از بحثهای مان به مفاهیم روان شناختی مسئله ی انتظار اشاره خواهیم کرد و تفاوتی ندارد عوامل مؤثر در آن باشد، یا ابعاد مثبت و موثر در روان مردم، یا مشکلات اجمالی روانی و رفتاری مورد توقع از آن.

امـا وقتی به مفهوم انتظـار و آن چه از مفاهیم روانی در بر دارد نگاه می کنیم، درمی‌یابیم ارتباط محکمی با موضوع رویکردها دارد که یـک محور روان شـناختی مهم در بررسـی های روان شناسـی است؛ زیرا بین انتظار و رویکرد رابطه ی روان شـناختی واضـحی وجود دارد و رویکرد از نظر دانشـمندان روان شناسـی یک حالت آماد گی و مقـدمه سازی است و این حالت موجب عکس العمل فرد به شکل مشخصی شده که منجر به تعامل دائمی یا موقتی مطابق حالت آماد گی روانی می شود.

و بر اساس آن می توان تجربه ی «انتظار» را فهمید که مومنان در دوره ی غیبت

کبری در آن به سر می برند و نیز به عنوان یک رویکرد و آمادگی و آماده سازی روانی و ادراکی که مجموعه ای از عوامل موثر در عکس العمل افراد منتظر آن را ایجاد کرده است، به طوری که آن ها در برابر شخص «منتظر» و در برابر افکاری که بافت فرهنگی انتظار را تشکیل می دهد موضع گیری مشخصی دارند و نتیجه ی این آمادگی پذیرش عمومی کامل یا جزئی از عقیده ی «مهدویت» و فرهنگ انتظار و ارزش های برداشت شده از احادیث شارع اسلام خواهد بود.

مسئله ی انتظار همیشه با فکر و عقیده ارتباط دارد؛ و تعبیر کردن از آن تصویر یک نظر و اعتقاد و انجام عملی رفتار انتظار را به خود می گیرد؛ زیرا می توان به این مفهوم به عنوان یک رویکرد به وجود آمده از سه تشکیل دهنده نگاه کرد که عبارت اند از:

- تشکیل دهنده ی معرفتی.

- تشکیل دهنده ی وجدانی.

- تشکیل دهنده ی رفتاری.

۱. تشکیل دهنده ی معرفتی:

به معنای فرهنگ انتظار و احکام و ضوابط معرفتی آن و میراث روایی آن است که کتاب های حدیثی مملو از آن است؛ همچنین تشکیل دهنده ی معرفتی حاوی عقاید منتظران و افکار آن ها، حجت ها، دلیل ها و برهان هایی است که در تأیید عقیده ی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر یا مخالفت افراد غیر مومن به آن در اختیار دارند.

۲. تشکیل دهنده ی وجدانی:

حاوی آثار، دغدغه ها، آرزوها، دردها و همه ی احساسات روان شناختی مؤثر به صورت منفی و مثبت در منتظر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظران است و این جنبه همچنین

در آمادگی روانی و ذهنی در افراد منتظر روز موعود و آمادگی آن ها برای پذیرش چالش ها و مقاومت در برابر سختی های روانی ناشی از این تجربه ی وجدانی تجسم می‌یابد.

و هر یک از احساسات مترتب بر وقایع تاریخی در دوره ی غیبت در چارچوب این جنبه قرار می گیرند و تفاوتی ندارد در درون خود حاوی بشارت یا فتنه باشد و به زودی در ادامه، این احساسات را بررسی خواهیم کرد.(۱)

۳ . تشکیل دهنده ی رفتاری:

معنایش حرکت کردن انسان منتظرِ «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» به سوی اجرای اسلام و راهبردهای مختلف آن در زندگی در حد ممکن و پرداختن گروه های منتظر در دوره ی غیبت به احکام و کارهای عبادی است.

انتظار و درک از آینده:

فرد مومن، صاحب درک از حقیقت انتظار امام علیه السلام نخواهد بود مگر آن که آگاهی از آینده و حوادثی داشته باشد که توقع دارد در آن رخ دهد و اهمیت این نوع آگاهی چیزی است که موضع گیری های شرعی که شایسته است فرد مؤمن در مواجهه با حوادث مهم و به خصوص آن چه خطرش او را در برمی‌گیرد اتخاذ کند وابسته به آن است و ممکن نیست عقلانیت فرد منتظر با مفهوم انتظار انسجام پیدا کند در شرایطی که از روح احادیثی که موضع گیری شرعی از هر

۱- به فصل چهارم مراجعه کنید که عوامل مؤثر در روان شناسی افراد منتظر را بررسی می کند، همچنین رجوع کنید به فصل پنجم.

حادثه ی مورد توقع را بیان کرده، دور باشد و آگاهی فرد منتظر از انتظار همراه با محتوای احادیثی است که موضع گیری شرعی اتخاذ شده از هر حادثه ای در دوره ی غیبت را مشخص کرده است.

به دلیل اهمیت این احادیث در پیش بینی حوادث آینده و تعیین موضع گیری شرعی که باید اتخاذ شود معتقدیم، ضروری است که فرد مومن در زمان غیبت کبری از آن آگاهی یابد تا از اوضاع واقعیت فعلی مطلع شود و بر حوادثی که هنوز رخ نداده است اشراف یابد و این راهبرد هدفش آماده کردن مسلمانان در مواجه شدن با حوادث مختلف در آینده مطابق معیارهای اسلامی است.

تعداد زیادی از احادیث اسلامی وارد شده در مسئله ی انتظار مسیر حوادث آینده ی جهان و به خصوص جهان اسلام را در طول زمان بین آغاز غیبت کبری و روند خود ظهور پیش بینی کرده است و ملاحظه می شود که این احادیث تاریخ انسان و به خصوص آن چه در جهان ما مسلمانان در زمان غیبت کبری جریان دارد را قرائت می کند، به طوری که احادیث اسلامی مهم ترین ویژگی های عمومی این حوادث و جزئیات آن در برخی اوقات را توضیح می دهد و گویا فرد مؤمن احساس می کند که پیش بینی حوادثی که در میان آن زندگی می کند؛ خواه بشارت ها یا فتنه ها و انحراف ها توسط احادیث در دوره ای کمتر از چند ماه پیش انجام شده باشد.

شاید برای فرد مؤمن و منتظر دشوار باشد که با مسئولیت انتظار به درجه ای معقول و صادقانه تعامل کند؛ اگر درک او از رخدادهایی که احادیث درباره ی آن خبر داده اند ضعیف یا باطل باشد؛ یعنی اینکه درک انتظار با فهم حوادث و فرا گرفتن مفاهیم آن در چارچوب موضع گیری های مطالبه شده در شرع و مشخص شده در همان احادیث و در سایه ی فهم او از قوانین تاریخ و حرکت جامعه مرتبط است.

و ما به –طبع- نمی خواهیم این مسئله را شرح دهیم و در آن دقیق شویم آن مقدار که بخواهیم توجه فرد منتظر را جلب کنیم به اهمیت ارتباط بین احادیث و رخدادهایی که در غیبت امام علیه السلام رخ می دهد و سرنوشت انسان بسوی اسلام یا دور شدن از آن را رقم می زند؛ برخی از این احادیث که زیاد و متنوع هستند نشان دهنده ی سرنوشت انحراف جهان و به خصوص مسلمانان از اسلام و نیز نشان دهنده ی خط بشارت ها و تحولات مثبت و مؤثر در روان شناسی شخصیت مومن است؛ همان طور که نقش ها و موضع گیری های مورد مطالبه در رویارویی با تغییرات یا محکوم نمودن آن را مشخص می کند.

از چیزهایی که در آن شکی وجود ندارد این است که نفس مومن متاثر می‌شود از رخدادهای عمومی منفی که بر کل علم حاکم می شود و جنبه های وسیعی از زندگی ما را در بر می گیرد و حتی به بخش های پنهانی از آن نفوذ می کند؛ این سرخوردگی متمدن منجر به نگرانی روانی بیشتر در فرد منتظر می شود و فشارهای قهر استکباری را بر او می‌افزاید و تفاوتی نمی کند در محیط مسلمان زندگی کند یا در محیط غیر مسلمان؛ پس عکس العمل های تجاوزگرانه انجام شده بر ضد او وجود خواهد داشت هر چند تفاوت بین دو محیط تفاوت در رتبه باشد.

همان گونه که انحرافات بشری و فشارهای آن سرچشمه‌ی به هم ریختگی در روان فرد مومن است، اما او تعادل درونی خود را با ظهور بشارت ها باز می یابد که عبارت است از مجموعه ی وقایع و تحولات مثبت که در جامعه ی مسلمان در طول غیبت کبری رخ می دهد و این بشارت ها تجسم پیروزی های اسلامی است که بر بازیافتن اصالت تمدن از دست رفته ی ما در میان تناقض های بین المللی یاری می‌رساند و در نقطه ی مقابل همین مورد باعث می شود افراد منحرف

احساس کننـد پیروزی بر حق در هر زمانی ممکن نیست و ناگزیر روزی خواهـد آمـد که اسـلام درگیری خود با اهل باطل را پیش می برد و آلودگی آن را تصفیه می کند؛ و بی شک همین علت یک هجوم روانی بر فرد مومن و غیر مومن است و آرزو را در قلب مومن مخلوط به پیروزی می کند و ظالمان از شکست دادن اسلام مأیوس می شوند.

این احادیث یک هماهنگی کامل با ائمه ی اطهار درباره ی دیـدگاه های آن ها از پیش بینی آینـده در طول زمان بین دوره ی رسـالت تـا دوره ی ظهور مبـارک دارد؛ امـا آن چه در این جـا در بررسـی عقیـده ی انتظـار برای مـا مهم بوده این است که به اهمیـت ایـن احـادیث در تشـخیص رخـدادهای دوره ی انتظـار اشـاره کنیم و اجـازه دهیم خـود خواننـده در پی تحقیـق از این احـادیث برود تـا محتوای آن هـا در رونـد حوادث را بشـناسد و با این حال ما گاهی به مقـدار نیاز به برخی از این احادیث می پردازیم؛ به خصوص آن چه که مربوط به حوادث مهم زمان غیبت است و بسیار زیاد است.

ملاحظه می شود که امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف برخی از دیـدگاه های آینده را مشـخص کرده اسـت(۱)که در حوزه ی بعضی از مفاهیم اسلامی قرار می گیرد که در شکل گیری روان شناسی افراد منتظر در طول دوره ی غیبت سهیم است و در رساله ی اول شیخ مفید [رضوان الله علیه] آمده است:

«یحـدث فی أرض المشـرق مـا یحزن و یقلق، ویغلب من بعـد علی العراق طوائف من الإسـلام مرّاق خارجین عن الـدین تضـیق بسوء فعالهم علی أهله الأرزاق، ثم تنفرج الغمه من بعد ببوار طاغوت من الأشـرار، ثم یسـر بهلاکه المتقون الأخیار؛ در سـرزمین مشرق حادثه ای رخ می دهد که اندوه و نگرانی ایجاد می کند و بعد از آن گروه

۱- همانند سخن او در دعای افتتاح درباره ی دولت کریمه ی مورد آرزو به رهبری او که حمایت کننده است.

هایی از اسلام بر عراق حاکم می شوند که خارج از دین هستند و با رفتار بدشان رزق را بر مردم آن جا تنگ می کنند؛ سپس این غم با نابودی حاکم طاغوت که از اشرار است برطرف می شود و آن گاه با هلاک شدن او افراد متقی و نیکان خوشحال می شوند.»(۱)

در این حدیث می بینیم خبری که داده شده چه بسا در دوره ی شیخ مفید رخ داده است و گاهی این خبردهی به معنای رخدادی است که اندکی کوتاه یا طولانی بعد از زمان او رخ می دهد؛ به خصوص که تاریخ از بیان حوادثی که در آن سال [۴۱۰ ه. قمری]رخ داده خودداری کرده است و می بینیم فهم احادیث یک مشکل تاریخی و راهبردی است و هیچ کس نمی تواند به طور حتم مقصود از طاغوت ذکر شده در حدیث این رساله را مشخص کند که [طغرل بک] اولین پادشاه سلجوقیان بوده است؛ آن طور که یکی از محققان ذکر کرده است (۲)هر چند می تواند یک فرضیه باشد که قابلیت صحت یا خطا بودن را دارد.

آن چه در این حدیث مهم بوده این است که امام غایب مثل ائمه ی قبلی تلاش نموده است برخی از حوادث و موضع گیری مناسب با آن را مشخص کند؛ همانند سخن او در همان رساله: «اعتصموا بالتقیه من شبّ نار الجاهلیّه؛ به جای شعله ور شدن آتش جاهلیت به تقیه کردن تمسک کنید.»(۳)یا سخن او در رساله ی دوم: «فلتطمئن بذلک من أولیائنا القلوب، ولیتقوا بالکفایه منه و إن راعتهم بهم الخطوب؛ باید در اثر آن قلب اولیای ما مطمئن شود و برای کفایت از آن باید تقیه کنند، هر چند بلاهای فراگیر آن‌ها را در بر گیرد.»(۴) منظور حضرت رخدادی

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۴۴ -۱۴۵.

۲- الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور ،ص ۲۸۴.

۳- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

۴- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

است که در حرم یعنی مسجد الحرام رخ می دهد «من رجس منافق مذمم، مستحل للدم المحرَّم، یعمد بکیده أهل الإیمان و لایبلغ بذلک غرضه من الظلم و العدوان؛ که ناشی از نجاست یک فرد منافق و مذمت شده و حلال کننده ی خون حرام است و نقشه اش را برای اهل ایمان اجرا می کند؛ اما با این کار به هدف خود از ظلم و تجاوز دست نمی‌یابد.»(۱)

به طور یقین نمی توانیم حادثه ای را که در حرم معظم رخ داده است مشخص کنیم؛ آیا تجاوز قرمطی ها و زنگی ها به مسجد الحرام بوده است یا حادثه ای که قبل از این تاریخ یا بعد از آن رخ داده است؟!

حضرت حادثه‌ای را معیین و یک موضع گیری را مشخص می کند، همان طور که ائمه ی قبل از او این کار را کرده‌اند و دل ها پشت سر مدعی دروغینی قرار نخواهد گرفت که برخی از ساده لوحان را با انطباق علامت های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر بر خودش فریب داد و خودش را فریب داده است و دیگران را به اشتباه انداخته و به ناحق شخصیت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای خود قائل شده است.

ائمه ی اهل بیت علیهم السلام در احادیث بسیاری ادعای امامت افراد را محکوم کرده اند و اعتقاد داشتند که هر پرچمی قبل از قائم بلند شود صاحب آن پرچم طاغوت است.(۲)

در اینجا می توانیم آثار روانی مسئله ی درک از آینده و آگاهی از آن را به طور مشخص بیان کنیم که عبارت است از:

- باقی نگه داشتن حالت آمادگی در ذهنیت عمومی مسلمانان به شرط این که راه آمادگی و شیوه ی عملکرد مبتنی بر برنامه ریزی باشد.

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲- غیبه النعمانی، ص ۷۲- ۷۳.

- توجه ذهنیت مسلمانان نسبت به رخدادهای آینده، تا در تشخیص موضع گیری شرعی در برابر حوادث دچار سردرگمی نشود و فکر او در برابر آن آشفته نگردد.

- حفظ کردن حماسه و بهره مندی از آثار تربیتی مثبت و همیشگی آن.

- برآورده کردن حالتی از آرامش برای روان فرد مسلمان نسبت به حوادث آینده و مقاومت در برابر رشد احساسات ناسازگار تا زمانی که او خودش را مطابق هدایت قرآن و سنت تغییر می دهد « هر یک از شما باید کاری انجام دهد که با آن به محبت ما نزدیک شود و باید از کاری که او را به ناخشنودی و نارضایتی ما نزدیک می کند، بپرهیزد.»

نیاز فطری به وجود یک مصلح و نجات بخش:

تفکر وجود یک مصلح و نجات بخش مورد انتظار از زمانی که تاریخ دینی شکل گرفته است یک نیاز روانی و اجتماعی فطری را بوجود آورده است؛ حتی در زمان پیامبران و مبعوث شدگان برای همه ی ملت های بشری و امت های آن ها این نیاز فزونی یافت تا زمانی که ظلم و انحراف رو به افزایش گذاشت و دوره ی فاصله بین دو پیامبر بیشتر شد و مردم در این دوره ستمدیدگی را احساس کردند.

انسان هر از گاهی تلاش کرده است به دنبال ارضای کامل این نیاز برود و ظهور پیامبران در طول تاریخ انسان اوج ارضای انسانی این احساس روانی را تشکیل می دهد و هر دعوتی - از طرف یک بنی مرسل- همیشه مبتنی بر شیوه ی اصلاح نفس و جامعه بوده است؛ از این رو می توان گفت که این تفکر در خط پیامبران دیده شده است «هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر آن که کسانی در انتظار او بودند و از نقاط دور دست دنیا با عطش عمیق به سوی او حرکت می کردند و

این پدیـده از چیزهـایی است که برادری پیامبران را موجب شـد و آمـدن هر یک از آن ها از طرف افراد قبلی بشارت داده می شـد و افراد قبلی او را تصـدیق می کردنـد و افراد بعـدی توسط او بشارت داده می شدنـد و نقش حلقه‌ای واحد در یک زنجیر طویـل را ایفـا می کرد و امام منتظر نیز یکی از حلقه های این زنجیر است که بشارت به او و توسط آن ها و غیر آن ها داده شـده است.»(۱)

نوح علیه السـلام به آمدن ابراهیم علیه السـلام بشارت، ابراهیم علیه السـلام به آمدن موسـی علیه السـلام، موسی علیه السلام به آمدن عیسـی علیه السـلام، عیسـی علیه السـلام به آمدن محمد صلی الله علیه و آله و سلم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نازل شدن مسیـح علیه السلام بشارت داد؛ و هیچ پیامبری ظهور نکرد مگر آن که تفکر وجود مصـلح منتظر را مطرح کرد و دین های زنده ی امروز همگی برای آمدن مصلح منتظر آماده می شوند هر چند اسم ها متفاوت است؛ یهودیان بشارت مسـیح را می‌دهند و مسـیحیت به احمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بشارت می دهد.(۲)

بعد از آن که دوره ی پیامبران به پایان رسید عقیده ی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای عقل فرد مسلمان آشکار می‌شود؛ زیرا اسـلام نشانه‌های خود را به طور مفصل و کامل مشـخص کرده، همان چیزی که این تفکر را برای رسوخ در جان ها در طول تاریـخ طولانـی و مورد انتظـار آمـاده کرده، است هر چنـد افکـار متضاد آن نیز بُروز کرد تا افراد مؤمن به آن را سـفیه جلوه دهد.

در طول این دوره برخی از فلسـفه های مادی همانند کمونیست و مارکسـیست به جسـتجوی فرد نجات بخش پرداختند؛ کسـی که مسـیر اصلاح اجتماعی فراگیر در واقعیت انسانی را رهبری کند؛ از چیزهایی که در آن شکی وجود ندارد این است که این ایدوئولوژی ها تعبیری از نیاز آن ها به یک روز سرنوشت ساز است

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۰.

۲- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۹.

که حساب بشریت در ظلم کردن و بدرفتاری ها را تسویه کند.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فقط تجسم یک عقیده ی اسلامی دارای برچسب دینی نیست، بلکه امید و آرزوهایی است که بشریت با ادیان و مذاهب مختلف به آن در حرکت هستند و نمادی از الهام فطرت است که مردم از طریق آن – با این که عقاید و وسیله های متنوعی نسبت به امور آینده دارند – فهمیدند که انسانیت دارای یک روز موعود در زمین است که رسالت های آسمانی با صحنه ی نبرد بزرگ و هدف نهایی خود در آن تحقق می‌یابد و حرکت پررنج انسان در طول تاریخ بعد از زحمتی طولانی محل استقرار و آرامش خود را پیدا خواهد کرد.

اما این احساس محدود به این روز غیبی و آینده ی مورد انتظار مؤمنان دینی و معتقد به غیب نشده است؛ بلکه به دیگران نیز سرایت کرده است؛ حتی در ایدوئولوژی ها و رویکردهای عقیدتی که بیشترین انکار از غیب و امور غیبی را دارند منعکس شده؛ همانند تفکرات مادی جدل برانگیز که تاریخ را به امور متناقض تفسیر کرده است و به یک روز موعود ایمان دارند که در آن همه ی تناقض ها برطرف می شود و در آن همتایی و صلح حکم فرما می گردد و به این شکل می بینیم که تجربه ی روانی این برای مصلح منتظر به عنوان تجسم عملی رسالت ها و امتداد طبیعی آن در طول همه ی زمان است تا هنگامی که خدای عز و جل اجازه ی روز خلاص شدن را صادر کند. آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی که ابن صباغ (۱)و دیگر علما و راویان حدیث آن را روایت کرده اند آن را به این نام خوانده است.

با این که بشریت لحظه ی دیدار این روز تاریخی را نمی داند اما به دنبال

۱- الفصول المهمه، ص ۲۸۵ ؛البیان کنجی، ص ۱۴۳؛ البرهان متقی هندی، ص ۱۶۰ ؛عقد الدرر سلمی ،ص ۲۰۹.

خواسته و ارضای کامل نیاز خود توسط فرد نجات بخش است و آن روز، روزی است که حرکت تغییر و تلاش برای نجات نهایی انسان زجر کشیده از رنج خود آغاز می شود و در نتیجه این نامگذاری تبدیل به آرمانی برای بشریت شده است تا احساس مشترک خود را در نیاز داشتن به یک فرد خلاص کننده محقق کند که بار سنگین دغدغه ها و تلاش های سخت زندگی و ساختن زندگی جدید مبتنی بر ستون های ایمان، حق و عدالت را از دوش او بردارد.

فصل دوم: روان شناسی مهدویت باطل

اشاره

در طول قرن های گذشته افرادی ظهور کردند که یا مهدویت به آن ها نسبت داده شد یا خودشان تصمیم گرفتند به دروغ و غیر واقعی ادعای مهدویت کنند؛ تعدادی از مورخان آن ها را گردآوری کرده اند که به پنجاه نفر رسیده و شایان ذکر است که برخی از آن ها دارای نسب، هویت، دیدگاه، دین و مذهب ناشناخته ای هستند و عده ای دیگر از آن ها دارای رفتارهای نامتعارف و کارهای غیر عقلانی همانند رفتارهای دیوانگان بوده اند؛ برخی از آن ها در ابتدای ادعای شان خود و پیروان شان نابود و از وجود حذف شدند و چیزی از آن ها باقی نماند و عده‌ای از آن ها مردند و نام و یادشان باقی ماند.(۱)

پدیده ی نامتعارف بودن که تأثیر روانی و فکری علیه ایمان به عقیده ی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وعده داده شده ی واقعی در احادیث اسلامی برجای گذاشت تکرار حالت های ادعای «مهدی بودن» و تمایل برخی افراد در جامعه ی اسلامی است – از زمانی دور – به اینکه شخصیت کریم او را بر تن کنند و خود را به نقش های جهادی که بعد از ظهور مبارک خود انجام می دهد شبیه نمایند و این حالت همین گونه ظهور یافت و خاموش گردید تا آن جا که به عنوان مشکلی بروز کرد که

۱- الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور، قزوینی ،ص ۴۴۸- ۴۴۹.

تفکر اسلامی در طول دوره های پی در پی با آن مواجه بوده است.

جامعه ی مسلمان هر از گاهی این مشکل را احساس می کند به خصوص هنگامی که یک «مدعی» ادعا می کند او مهدی حقیقی است و توجه همگان را به خود جلب و برای مدتی محدود یا موقت فکر مردم را به خود مشغول می کند؛ سپس بعد این «ادعا» زیر خاکستر مدفون می‌شود، اما حافظه ی جامعه همچنان احساسات بیمار خود را تحمل می کند و بلکه به عنوان یک عکس العمل متقابل تبدیل به مشکل می شود و این زمانی است که محققان متدین و علماء به طور مستقل تلاش می کنند این تفکر را پاکسازی و تفکر اسلامی را از این عقیده پاکیزه کنند که – ای خواننده ی محترم – در ادامه خواهیم دید.(۱)

مهدی دروغین یک شخص واحد نبود که به طور غیر واقعی شخصیت مهدی حقیقی و مورد انتظار را به تن کند و داستانش تمام شود بلکه همراه با روزها و سال ها تبدیل به یک حالت بیماری روانی فرصت طلبی شده است که در واقع به بشارت راست گونه نبوی درباره ی مردی از اهل بیت او بدی می کند که حضرت برای او ویژگی ها و نشانه هایی را بیان فرموده که در آخر الزمان قیام می کند تا زمین را پر از برابری و عدالت کند بعد از آن که پر از ظلم و نابرابری شده است. (۲) پیروان این حالت بیمارگونه تلاش کرده اند برخی از نشانه های

۱- رک به فصل سوم همین بررسی که روبه روی شماست.

۲- این حدیث در تمام منابع حدیثی مسلمانان وجود دارد و در این باره صدها روایت وارد شده است و خواننده محترم می تواند به منابع بسیاری مراجعه کند که به عنوان مثال به موارد زیر می توان اشاره کرد: البیان، کنجی، ص ۸۶؛ علامات یوم القیامه،ابن کثیر، ص ۱۹ ؛عقد الدرر سلمی مقدسی، ص ۳۶-۴۰ ؛ احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مسند احمد بن حنبل، ص ۵۶ و ۵۷ و ۶۱ ؛ الصواعق المحرقه، ص ۱۶۳ و ۱۶۶ ؛ الفصول المهمه ابن صباغ، ص ۲۸۲ و ۱۸۳ , ۲۸۴, ۲۸۷, ۲۹۱, ۲۹۲ ؛ القول المختصر ابن حجر هیثمی، ص ۲۸ ؛ تذکره الخواص ابن جوزی، ص ۳۲۵؛ البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، متقی هندی صاحب کنز العمال، ص ۷۸, ۷۹, ۸۰, ۹۲, ۹۹ ؛ ثلاثه ینتظرهم العالم ابن عاشور، ص ۵۱, ۵۲ و منابع بسیار دیگر.

مشخص شده در احادیث برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر آن افرادی که به دروغ و غیر واقعی ادعای مهدویت کرده بودند تطبیق دهند.

بشارت ها – و به طور مشخص بشارت مخصوص به مهدی حقیقی – نقش روانی مهمی در دایره ی تاریخ سیاسی جامعه ی اسلامی از آغاز شکل گیری آن ایفا کرده است، به گونه ای که برخی از افرادی که از درد احساس ستمگری سیاسی رنج برده اند اقدام به بهره برداری از جنبه های روانی آن بشارت ها در صحنه ی فعالیت سیاسی –بلکه نظامی – بر ضد نیروهای ستمگر کرده اند و اقتضای حرکت تاریخی این حالت بیمارگونه این است که بعضی از آن ها هر چند به طور موقت موفق به برپایی ساختارهای سیاسی قوی شوند اما نمی توان وجود آن ها را در نگارش تاریخ نادیده گرفت. به عنوان مثال همچون دولت موحدین در سرزمین مراکش.

با این که پدیده ی مهدویت دروغین در بیشتر حالت های خود دارای ویژگی سیاسی است اما بدون شک سرچشمه آن فضاهای روانی است که برخی از آن ها جوشیده از وضوح عقیده ی مهدویت حقیقی در ذهنیت عمومی مسلمانان و قوت رسوخ آن در جامعه ی اسلامی برای قرن های متوالی و تا امروز است و برخی از آن ها مخصوص به شخصیت مهدی دروغین و شرایط شکل گیری فرهنگی و تربیتی است و محققان و منتقدان نمی توانند از آثار این عوامل روانی چشم پوشی کنند که در شکل گیری حالت های ادعای مهدویت از قرن های اول اسلام سهیم بوده است و در سایه ی آن بسیاری از بسترهای رفتار سیاسی افراد مدعی منبع آن انگیزه های روانی پنهان است و این همان چیزی است که حالت مهدی دروغین

را در ذهنیت برخی از روان های بیمار و تشنه ی بزرگی و تلاش کننده برای به تن کردن شخصیت بزرگان، ساخته است.

از آن جا که ما تلاش می کنیم این حالت ناسالم را به شکل مختصر بررسی کنیم امیدواریم دست خود را بر روی برخی از عوامل دینی، تاریخی و سیاسی بگذاریم که امکان تفسیر این حالت تأسف بار و شناخت تعدادی از عوامل روانی نهفته را در پشت شکل گیری آن و استمرار آن تا قرن پنجم هجری می‌دهد(۱) با وجود این که دروغین بودن آن ها و تنفر ذهنیت عمومی مسلمانان از آن ها واضح است.

از ویژگی های شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

راه ورود طبیعی برای فهمیدن حالت «مهدی دروغین» و آگاه کردن افراد جامعه ی مسلمان از انحراف حالت تزویر، ضرورت تفکیك بین شخصیت مهدی حقیقی و مهدی دروغین است و محققان – به گمان ما – نمی توانند حالت مهدی دروغین را برای مسلمانان کشف کنند مگر با شناختن ویژگی های شخصیتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مشخص کردن شمایل جسمی، روانی و اخلاقی او؛ زیرا هر چیزی فقط با نقطه ی مقابل خود شناخته می شود و وقتی ویژگی های شخصیت مهدی حقیقی و تصریح شده به آن در احادیث اسلامی مشخص شد جمعیت های مسلمان راه را بر هر حالت «ادعای دروغین» بسته اند.

معتقدیم که حالت «مهدی دروغین» همچنان یك بیماری در زندگی عده‌ای از ما خواهد بود تا هنگامی که انگیزه های آن در روان آن ها باقی است و این گونه

۱- در این جا به حرکت جهمیان و گروه او در حادثه ی حمله به حرم مکه در آغاز سال ۱۴۰۰هجری اشاره می کنیم.

باقی خواهد ماند تا زمانی که افراد ساده لوح در جامعه ی مسلمانان تفاوت بین مهدی حقیقی و دروغین را نمی دانند و درایت کافی نسبت به مهم ترین صفات تصریح شده برای مهدی را ندارند.

با وجود فراهم بودن احادیث بسیار در تشخیص ویژگی های مهدی حقیقی جمعیت های عمومی مسلمانان – حتی برخی از فرهنگیان آن ها – تلاشی برای فهمیدن این احادیث و درک این ویژگی ها نکردند و به بستن راه در برابر ادعاها اقدام نکردند و به جای این که برای فهمیدن این ویژگی ها تلاش کنند در نهایت برخی از فرهنگیان به انکار مسئله ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیه دانستن عقل افراد معتقد به آن روی آوردند و از چیزهایی که شکی در آن وجود ندارد این است که انکار حالت ادعا کردن در این مسئله و بهره برداری از آن را درمان نکرده اند؛ همچنان که برخی افراد بیمار به دنبال شرایط مناسب برای ادعای مهدویت هستند و از واضح نبودن ویژگی های «مهدی» حقیقی در ذهن های مسلمانان معاصر و به طور خاص افراد دارای« اطلاعات» اندک از اسلام، بهره برداری می کنند.

بسیاری از مسلمانان به مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتقاد دارند همان گونه که در منابع اسلامی به او تصریح شده است بدون این که دارای مطالعه و آگاهی کاملی از شمایل اختصاصی شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند و اگر عموم مردم از این ویژگی ها آگاهی داشتند فریب مهدی دروغین و پذیرش او از طرف تعدادی از پیروان فاقد آگاهی دشوار می شد؛ به همین دلیل همچنان نیاز زیادی به آگاهی این مردم از ویژگی های مهدی و خصوصیات جسمی و اخلاقی او وجود دارد به خصوص تعداد کتاب های خوبی که اقدام به کار مشخص کردن آن کرده اند بسیار زیاد است و به صدها عدد می رسد.

و قزوینی دو دلیل را در اهمیتِ شناختن ویژگی های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و

نشانه های او ذکر کرده که عبارت اند از:

۱ . بـا تحقیق دربـاره ی این نشـانه هـا و انطبـاق این صـفت هـا بر امـام مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف در هنگام ظهور، هرگونه شک و تردیـدی برطرف می شود و مردم خبر ظهور امام را با یقین کامل دریافت می کننـد و فرصتی برای افراد دارای قلب بیمـار باقی نمی مانـد که درباره ی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف تردیـد ایجاد کننـد. در صورت فراهم بودن نشـانه هـا و محقق بودن صـفت هـا در او، حجت قطعی بر آن ها ارائه می شود و گردن شان را خم می کنـد و راه های شک و مناقشه را بر آن ها می بندد.

۲ . خـدای تعالی می دانـد که تعـداد زیادی از اهل گمراهی و پیروان شـیطان رجیم به دروغ و نیرنگ ادعای مهدویت خواهند کرد و به همین دلیل خـدای تعالی نشانه های مهمی را قرار داده که هرگز در عالم هستی رخ نداده است و علامت هایی قطعی برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور اوست تا مردم با سخنان باطل افراد گمراه و وسوسه های شیاطین فریب نخورند، بلکه ادعای باطلی که اهل باطل و مدعیان مهدویت ادعا می کنند مغلوب گردد. (۱)

و قبل از آن که برخی از ویژگی های «مهدی حقیقی» را از منابع اسلامی بیان کنیم دو نکته را ذکر می کنیم:

اول: این نشـانه هـا آن گونه که افراد ساده لوح گمان می کننـد فقط مخصوص به مشـخص کردن ویژگی های شخصـیت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیست بلکه احادیث شـریف رخدادهایی را که در طول زمان غیبت کبری جریان دارد به شکـل مفصـل بیان می کنـد و گویا پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و ائمه ی راشـدین از اهل بیت او در میان ما زنـدگی می کنند و می بینند و مراقب هستند و با چشم به طور مستقیم خود وقایع آینده ی

۱- الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قزوینی، ص ۳۶۳.

انسان را قبل از آن که حوادث آن رخ دهد می خوانند و این توصیف مفصل و دقیق از حوادث آینده را گاهی در منابع حدیثی برخی از طایفه ها و گروه های اسلامی نمی یابیم؛ در نتیجه برای بروز حالت های ادعای مهدویت به طور مستمر فرصت ایجاد می شود چرا که مردم مسلمان از حوادث رفتاری و آفرینشی که وقوع برخی از آن ها قبل از ظهور با یکدیگر همراه است چیزی نمی دانند.

دوم: تفاوت منابع حدیثی در مسلمانان در مشخص کردن برخی نشانه های مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف حقیقی، یکی از عوامل بروز حالت های ادعای دروغین است و اشتباه در تشخیص بعضی از ویژگی ها و خصوصیات او به سهم خود منجر به اشتباه در تطبیق نشانه ها می شود و به بهره برداری از این اختلاف در حالت های «ادعا» برای مهدی منتظر در دفعات متعدد منجر می شود و با این که این اختلاف گسترده نیست اما تبدیل به پلی شده است که افراد ادعا کننده ی باطل از آن به سوی خواسته های پلید خود استفاده می کنند.

اکنون تعدادی از احادیث اسلامی را ذکر می کنیم که برخی از صفات جسمی، روانی و اخلاقی در شخصیت امام مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف را معین می کند و ابتدا از صفات جسمی آغاز می کنیم.

«لیبعثَنَّ الله من عترتی رجلًا أفرق الثنایا، أجلی الجبهه، یملأ الأرض عدلاً؛ خداوند از عترت من مردی را مبعوث خواهد کرد که دندان های ثنایای او از یکدیگر جداست و پیشانی درخشنده ای دارد و زمین را از عدالت پر می کند.»

«المهدی من ولدی ابن أربعین سنه، کأن وجهه یتلألأ کالقمر الدری، اللون لون عربی والجسم إسرائیلی، یملأ الأرض عدلاً کما ملئت جوراً؛ مهدی از فرزندان من است که مردی چهل ساله است گویا چهره ی او همانند ماه مرواریدآرا می درخشد؛ رنگ او

رنگ عرب و جسم او جسم اسرائیلی (۱)است و زمین را از عدالت پر می کند آن گونه که از نابرابری پر شده است.»

«کثِّ اللحیه، أکحل العینین، برَّاق الثنایا، فی وجهه خال، أقنی، أجلی، فی کتفه علامه النبی؛ محاسن او پر پشت، چشمان او سرمه کشیده و دندان های ثنایای او براق است؛ در چهره اش یک خال وجود دارد، قرمز و روشن است، در کتف او نشان پیامبری وجود دارد.»

«یکون شیخ السن، شاب المنظر کابن أربعین؛ او مردی میانسال است که جوان به نظر می رسد مثل فردی چهل ساله.»

«قوی فی بدنه، لو مدَّ یده إلی شجره لقلعها؛ او بدنی قوی دارد, اگر دست خود را به سوی درختی دراز کند آن را از ریشه بیرون می آورد.»

«أزج الحاجبین مشرفهما، غائر العینین واسعهما؛ ابروهای او به هم پیوسته و بلند است و چشمان او گود و وسیع است.»

«إنَّه أزیل الفخذین؛ دو ران او از یکدیگر جدا است.»

«مربوع القامه، أمیل إلی الطول؛ هیکل او چهار شانه است و قد او مایل به بلندی است.»

«حسن الوجه، حسن الشعر، کثُّ اللحیه؛ چهره اش نیکوست؛ موهایش نیکو است و ریش های او پر پشت است.»

«أبیض مشرب بحمره، علی خده الأیمن خال؛ سفید رو مایل به قرمز است، روی گونه ی راست او یک خال است.»

۱- این صفت در منابع شیعه پیدا نشده است و در منابع سنی متعددی وارد شده است؛ مثلاً به کتاب البرهان متقی هندی، ص ۹۳, ۹۴ و غیر آن مراجعه کنید و در برخی از منابع عبارت این گونه است: (گویا او از مردان بنی اسرائیل است) عقد الدرر، ص ۶۳؛ همچنین القول المختصر، ص ۳۵ , ۳۶ ؛ الفصول المهمه، ص ۲۸۴, ۲۸۸ و منابع دیگر.

اما صفات روانی و اخلاقی او که برخی از آن در روایات آمده است:

«یحثو المال حثواً و لا یعده عدّاً؛ پول را مشت مشت بر می دارد و آن را نمی شمارد.»

«لا یوقظ نائماً و لا یهرق دماً بظلم؛ او هیچ فرد خوابی را از خواب بیدار نمی کند و هیچ کس را با ظلم به قتل نمی رساند.»

«لو لم یبق من الـدنیا إلّا یوم واحـد لبعث الله فیه رجلاًـ اسـمه اسـمی و خلقه خلقی؛ اگر فقـط یک روز از دنیا باقی مانـده باشـد خداوند در آن مردی را مبعوث خواهد کردکه نام او هم نام من و اخلاق او اخلاق من است.»

«أشفق علی الناس من آبائهم و أمهاتهم؛ او از پدر و مادر به مردم دلسوزتر است»

«یبذل المال و یشتد علی العمّال و یرحم المساکین؛ او پول را بخشـش می کند و به کارگزاران دولت سـخت گیری می کند و به افراد مسکین رحم می کند.»

«المهدی خاشع لله کخشوع النسر لجناحیه؛ مهدی برای خداوند جاشع است همچون خشوع بال های کرکس»(۱)

ملاحظه می شود که برخی از این صفات شخصیتی بعد از ظهور امام و فعالیت

۱- رک به: -غیبه النعمـانی، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ عقـد الـدرر فی اخبار المنتظر سـلمی در باب های سه گانه (اول ، دوم و سوم) . -البرهـان فی علامـات مهـدی آخر الزمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، متقی هنـدی، ص ۷۸, ۸۰, ۸۱, ۸۳, ۸۴, ۸۶, ۹۳, ۹۴, ۱۰۰, ۱۰۱. -ینـابیع الموده، ج ۳، قنـدوزی، ص ۱۶۲, ۱۶۳, ۱۶۴. -البیـان فی اخبـار صـاحب الزمان، کنجی شافعی، ص ۱۰۷, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۲,۱۲۴, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۳۸, ۱۴۰, ۱۴۵. -الصواعق المحرقه ابن حجر، ص ۱۶۳, ۱۶۴, ۱۶۷, ۱۶۸, ۱۷۰. -احادیث المهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف فی مسـند احمـد بن حنبل؛ همچنین کتاب القول المختصـر فی علامات «المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف» ص ۶۳ و همچنین ص ۲۷, ۳۷,۵۱ ... .

حکومت سیاسی برای مردم نمایان می شود.

همچنین علاوه بر مشخص کردن خصوصیات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله کتاب ها نشانه های رفتاری و آفرینشی ظهور را مشخص کرده اند و هدفش تفاوت بین مهدی حقیقی و مهدی دروغین است و اگر یکی از مردم ادعا کرد که او مهدی است و مردم نتوانستند – خدای ناکرده – دروغ او را تشخیص دهند به علت جهالت بودن نسبت به ویژگی های مهدی منتظر حقیقی است؛ پس نشانه های آفرینشی و رفتاری، راهنما یا ابزاری است که در شناختن حالت های ادعای مهدویت و تفاوت بین آن و بین ویژگی های مهدی منتظر و مورد نظر، در روایت های اسلامی به آن ها کمک می کند؛ از جمله نشانه های آفرینشی یا طبیعی که قبل از ظهور به وقوع می‌پیوندد فریاد یا صیحه، دو بار خسوف ماه در ماه رمضان و ظاهر شدن ستاره ی دنباله دار است.

این نشانه ها را کتاب های اسلامی به عنوان مقدمه ی حرکت ظهور مبارک قرار داده اند؛ همچون ظاهر شدن کف از آسمان که قابل توجه است و مردم به آن نگاه می‌کنند، فریادی که در متون اسلامی به صیحه معروف است و این همان چیزی است که تمام مردم با زبان های مخصوص خودشان آن را می شنوند(۱) و ستاره ی دنباله دار روشن که از مشرق ظاهر می شود، دو بار خسوف ماه در ماه رمضان المبارک و کسوف خورشید در نیمه ی آن و فتنه های عمومی با انحرافات مختلف رفتاری که در جامعه ی بشری از جمله جهان اسلام رخ می دهد؛ همانند کافر شدن به خدای تعالی به صورت علنی،(۲) کشته شدن نفس زکیه بین رکن کعبه

۱- رک به البرهان متقی هندی، ص ۱۳۷؛ عقد الدرر ،ص ۱۵۵.

۲- در منابع متعددی با این عبارت صریح وارد شده است به البرهان، ص۱۰۴ ، مراجعه کنید؛ و در منابع دیگر با عبارت های دیگر وارد شده است مثل این سخن [سخن لا اله الا الله بر زبان آورده نمی شود] یا کلمه ی الله را به طور مخفیانه بر زبان جاری می‌کنند، رک به علامات یوم القیامه، ابن کثیر ص ۸۹، ۹۳؛ و در عقد الدرر سلمی مقدسی روایتی با این عبارت وارد شده است «اسم الله گفته نمی شود» ص ۴۰۸ .و ما معتقدیم – و خداوند از همه بهتر می داند – که منظور از شیوع کفر در آخر الزمان کنار گذاشتن احکام خداوند توسط بشر است و شامل متداول نبودن لفظ الله نمی شود. و برخی از دولت های اسلامی پایبندی صریح خود را به بی دینی و نپذیرفتن فعالیت احزاب سیاسی دارای هویت عقاید اسلامی اعلام کرده اند.

و مقـام ابراهیم و تبعیض اجتمـاعی در درون جوامع اسـلامی و قیام کردن سـفیانی که با کشـتن مردم لـذت می برد و کار او به کشتن بچه ها و پاره کردن شکم زنان می رسد(۱) همان طور که در دوره ی غیبت – و قبل از ظهور – انحرافات بسیار وسیع و نیز بشارت هایی رخ می دهد و امثال این نشانه ها – هر چند برخی از آن ها تحقق پیدا کرده است مثل کفر علنی به خداوند – به مردم سـتمدیده ی مسـلمان و مأیوس و منتظر روز خلاص کمک می کنـد تا تفاوت قائل شونـد بین مهـدی مـدّعی و مهدی حقیقی که در زمین شاخه ای را می کارد و با اراده ی خداوند به سرعت سبز می شود.

به علت همه ی این موارد، از علمای مسلمان می خواهیم با حالت های مهدویت دروغین از راه آگاهی بخشی به اذهان عمومی مسـلمانان نسبت به ویژگی های مهدی، شمایل،خصوصیت ها و نشانه های ظهور او مبارزه کنند، همان گونه که عده ای از آن هـا قبلاًـ این کـار را کرده انـد، همچون متقی هنـدی – کنز العمال – رحمه الله تعالی که مولف آن کتاب «البرهان فی علامات آخر الزمان»(۲) را در پاسـخ به حالت «ادعای» مهـدویت که در هنـد ظاهر شـد تألیف کرد و در کتاب خود صـفات و اقدامات مخصوص به مهـدیِ منتظرِ حقیقی و مشـخص کردن نشـانه هـای ظهور او را گردآوری کرده است تا نیرنگ اهل باطل را برای مردم روشن کند.

۱- عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، سلمی، ص ۱۰۸.

۲- البرهان متقی هندی ،ص ۶۷ [مقدمه ی کتاب]

عوامل روانی پدیده ی مهدی دروغین:

اشاره

از آن جا که تفکر مهـدی منتظر حقیقی دارای ریشه های عقیدتی و نتایج روانی آن است دراین صورت مهدی دروغین پدیده ای بیمار گونه است که با روش های مختلف از خود تعبیر می کنـد و اعصاب ما و فعالان آن را در مـدار طولانی تاریخ خسـته کرده است و به دلیـل انحراف خود نتوانست رضایت مسـلمانان را به دست آورد و این یا به دلیل سوء اسـتفاده ی فعالان آن از تفکر مهدی منتظر، یا زیر فشار انگیزه های جسـتجوی شـهرت یا خودخواهی یا نیروی فشار روانی که در آن افراد مدعی تلاش می کننـد نقش مهـدی حقیقی را ایفـا کننـد یـا به دلیل نیروی احساسات سـرخورده ای که روان افراد از آن رنـج می برد، بوده است و انگیزه ی گروهی از مردم شـده است که به دنبال شـهوت خود در خودنمایی و علاقه به برجسـته بودن و ارضای ناسالم خواسـته های خود در بزرگی و رهبری باشـند و همه ی این موارد به معنای پنهان بودن بعضـی از ادعاهای مهـدویت در پشـت جـاذبه ی برخی غرایز نفسـانی است که بر انگیزه هـای رفتـار مهـدی دروغین و تغـذیه ی آن در فضایی حاکم است که ظلم و ستمدیدگی بر آن سایه افکنده است.

هنگـامی که بـا دقت در برخی از متون اسـلامی تأمل کنیم، درمی‌یابیم که منتظر وقوع حالت های ادعای مهـدویت هسـتند و به همین علت این متون – به صورت کلی – به برخی از انگیزه های روانی اشاره کرده که موجب تحریک رفتار مـدعیان شـده و عملکرد آن ها را به شـکل حلقه ای به هم پیوسـته و واحد در می آورد. و خود تاریخ به عنوان صـحنه ای برای وقوع انحرافات رفتاری، حالت های ادعا را کشف و از آن را مراقبت کرده است و آثار تعدادی از انگیزه های بشـری بعد از شکل گیری، این حـالت بیمار گونه را توضـیح داده است؛ ما امیـدواریم در یک بررسـی آن را زیر ذره بین تشـخیص روان شناسـی قرار دهیم تا حداقل بخشی از

چهره ی آن را ببینیم گرچه بررسی همه ی آن به طور کامل ممکن نیست.

واقعیت این است که تعدادی از عوامل و انگیزه های این حالت بیمار گونه به واقعیت روانی مسلمانان باز می گردد و تعدادی دیگر مخصوص به روان شناسی بیمار شخصیت فرد مدعی است و در آینده ای نزدیک به آن چه مربوط به فرد مدعی است خواهیم پرداخت و سپس به آن چه مربوط به واقعیت روان شناسی فرد مسلمان و حجم توانمندی های خنثی سازی اوست.

اول؛ سوء استفاده از مهدویت:

دانستیم که در طول تاریخ تفکر مهدویت عده ای از دروغگویان از روی عمد اقدام به بهره برداری از شعله و حرارت فعال در جان افراد کرده و سوء استفاده نمودند تا خواسته های شخصی خود را برآورده کنند و گاهی این موجب موضع گیری روانی منفی در برابر عقیده ی مهدی منتظر و ایمان به آن و تنفر احساسات اجتماعی از آن شده است، به طوری که برخی از نویسندگان(۱) این عقیده و پاک کردن آن به طور کامل از ذهن عمومی مسلمانان را مطرح کردند تا مصیبت های آن به گمان شان در زندگی جامعه ی مسلمین در حال و آینده تکرار نشود.

از چیزهایی که در آن شک وجود ندارد این است که قدرت این تفکر و رسوخ شدید آن در جان های مسلمانان در زمان طولانی تاریخ طولانی یکی از اسباب و عللی است که منجر به سوء استفاده از آن به روش های تأسف بار و حقارت گونه شده است و این همان است که موجب سختی هایی برای تأییدکنندگان و سفیه دانستن عقل آن ها شده است با این که مسئله ی مهدی منتظر

۱- مثلاً به کتاب «لا مهدی منتظر بعد الرسول خیر البشر» شیخ عبد الله بن زید آل محمود مراجعه کنید که شیخ عبد المحسن العباد به آن پاسخ داده است؛ همچنین این ادعا را در مقاله ای که ابراهیم بن سلیمان جبهان از علمای ریاض در ممجله الامان، شماره ی ۴۲ نوشته است، می بنیم .

پوچ و بی اساس نیست بلکه از «متون» اسلامی پاکیزه ای سرچشمه گرفته که در منابع قرآن و سنت بر آن تأکیده شده است و از صدر اسلام آغازین تفکری متداول در زندگی عقایدی عموم مسلمانان بوده است و مقدار رسوخ و ثبات آن در مردم به اندازه ای بوده است که افراد سوء استفاده کننده تلاش کردند جنبه های عقیدتی و روانی آن را در فعالیت سیاسی – البته گاهی نظامی – بر ضد دشمنان خود به خدمت بگیرند و برخی از آن ها در تحقق آن چه که می خواسته محقق شود به مقدار موفقیت آن ها در به خدمت گرفتن این جنبه ها موفق شده‌اند.

در برخی از دوره ها در فضای جامعه ی اسلامی مهدی دروغین ظهور کرده و احساسات را تحریک می کند و بعد با شکستی شدید به پایان می رسد و مردم جلوی او را می گیرند و به علت مطابقت نداشتن ویژگی های شخصیتی اعلام شده برای مهدی حقیقی در احادیث راهنما به سویش او را رسوا می کنند؛ شخص او و در نتیجه عدالت حاکم نشده و ظلم به پایان نمی رسد و دایره ی اول تنگ می شود و دایره ای دیگرگسترده می شود؛ زیرا آن ها مهدی های دروغینی هستند که ابر متراکمی دیگر از ظلم هایی را تشکیل می دهند که بشریت از آن رنج می برد و با تکرار این حالت بیمارگونه به دفعات متعدد و شکست مهدی دروغین در تحقق اهداف چنین عقیده‌ای، این شکست تکراری با نارضایتی روانی و عقلی از این تفکر همراه می شود؛ چرا که هر نتیجه ی شکست خورده ای در رفتار فرد مدعی – فرد باشد یا گروه – همیشه شکست در آرزوها و ایجاد ظلم های جدید همراه آن را به دنبال دارد و این گونه مسلمانان در دوره های مختلف تاریخ خود از آزارهای پدیده ی مهدی دروغین رنج برده اند و موجب نگرانی شدید در روان افراد و ناخشنودی بسیار از خود عقیده ی مهدی حقیقی شده است.

اکنون برخی از نویسندگان این زمان به دنبال ایجاد رویکردی عقلی و دینی

بر ضـد این تفکر و ایجـاد عکس العمل منفی عمومی نسبت به موضوع اعتقاد به مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف هستند(۱) و این خصوصـیت همه ی نفوس و عقـل هـا در موضع گیری هـای رفتـاری اشـتباه است؛ امـا چه چیزی ناخشـنودی از اسـلام و گرایش به سوی آن را در نفوس ایجـاد کرده است مگر رفتـار اهل اسـلام و به خصوص علمای بـد که به آن منسوب هستند(۲) به طوری که اقدامات آن ها باب وسیعی را برای سـرزنش این دین در عقل های تعدادی از فرهنگیان و روان آن ها بلکه حـتی در مجـامع افراد سـاده لـوح از افراد جـامعه ی مسـلمین بـاز کرده است؛ پس رویکرد روانی به سوی دین اسـلام نزد برخی از فرهنگیان ناشـی از موضع گیری های شـکست خورده است و عکس العمل های ناخشنودی که تعبیر از قضاوت عقلی آن ها بر ضد اسلام - که مرتبط با حالت روانی است – ناشی از سلسله تجربه های شکست خورده ی دردناک قبلی است.

کسانی که شخصـیت مهـدی موعود حقیقی را به تن کردند و به ضـرورت غیر واقعی تلاش کردند در ویژگی های شخصـی او یگانه باشـند، می دانند که «دروغگو» هستند و مسلمانان را فریب می دهند و شکست حرکت شان چیزی است که راه فراری از آن وجود نـدارد و ناخشـنودی حاصـله بر ضد این تفکر یک موضع گیری روانی و عقلی همراه با این ناکامی است و شکسـت شیوه ی سوء اسـتفاده از این تفکر معلوم نمی شود مگر بـا ارائه ی دلایل کامل به آن و به – طرفـدارانش – هر چنـد در مـدتی طولانی باشد.

۱- رک به آن چه شـیخ عبـد الله بن زیـد آل محمـود در کتـاب خـود «لا ـ مهـدی منتظر بعـد الرسول خیر البشـر» نوشـته است و همچنین به آن چه محقـق مصـری حسـین احمـد امین در مقـاله ی خود در مجله ی عربی مـاه اکتـبر ۱۹۸۲ ،شماره ۲۸۷، نوشته است.

۲- رک به معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱ ،ص ۱۵-۱۷.

هیچ گاه بعید نیست که افراد نگران از فراگیر شدن این تفکر کسانی باشند که عده‌ای از مردم را به برتن کردن شخصیت مهدی حقیقی و سوء استفاده از آن وادار می کنند و این به دلیل ایجاد موضع گیری های عقلی و رویکردهای روانی بر ضد آن و متنفر کردن مردم از آن است و با این کار – هر چند به طور موقت – احساس راحتی روانی می کنند؛ پس رویکرد دشمنانه با این عقیده با مجاهدت تلاش می کند نگرانی افراد مستبد را که مورد هدف عقیده ی مهدویت و وعده ی انتقام به آن ها هستند، کاهش دهد و اگر آن ها در جدا کردن عموم مردم مؤمن از این عقیده موفق شوند نگرانی های خود را برطرف کرده اند و موضع گیری هایی که سازگاری بهتری با این تفکر و با مردم مؤمن به آن را به وجود آورده اند.

چه بسا آن افراد مدعی حالت های ادعای مهدویت و تشویق به آن گمان می کنند که موفقیت حالتی از حالت های ادعا برای ساقط کردن کارایی عقیده ی مهدی حقیقی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف کافی است و وقتی یکی از آن فتنه گران غیر واقعی در ادعای خود موفق شود و به عنوان مثال جامعه ای عادل در یکی از کشورهای مسلمان جهان ما برپا و پایه های ظلم را در جایگاه خود هر چند برای چند سال ویران کند، در این صورت تفکر انتظار مهدی دیگر بعد از انجام این تجربه ی موفق دارای جایگاهی نخواهد بود و این موفقیت زمینه را برای قانع کردن عموم مردم مسلمان فراهم می کند که بشارت مهدی مورد نظر در احادیث، محقق شده است و به یک واقعیت در تاریخ تبدیل شده است؛ در نهایت در این هنگام در به روی انتظار دیگری از مهدی جدید بسته و حالت آمادگی اندک می شود، حماسه ی عموم مردم مسلمان سرد می شود و گویا اصلاً چیزی نبوده است و صحنه ی تاریخ، مهدی مورد نظر را در آغوش گرفت و کار تمام شد و به همین صورت این عقیده و عقل ها می میرد و همراه با آن کارایی همواره با موفقیت

تجربه ی یک ادعا می میرد؛ اما خداوند اجازه نمی دهد مگر آن که نور خود را کامل خواهد کرد هر چند افراد مشرک ناخشنود باشند و چیزی ماندگار نخواهد بود مگر آن چیزی که به مردم منفعت برساند و این گونه کف از بین می رود و حباب می شود.

موفقیت حالتی از حالت های ادعا که –خدای ناکرده – دارای تأثیر روانی روی عموم مردم مسلمان است با ایجاد موضع گیری های ناکام در رفتار افراد آن حاصل می شود و آرزوهای آن ها هرگز به بشارت اسلامی تعلق نخواهد گرفت یا حد اقل عکس العمل عمومی نسبت به این عقیده ضعیف می شود ...این از یک جهت است.

از جهت دیگر ظلم و نیروهای آن و همراهانشان دوباره فساد در زمین را از سر می گیرند البته بیشتر از آن چه در گذشته بوده است و نگرانی های عموم مردم مستضعف بیشتر می شود و احساس ترس در حاکمان ستمکار و مستبد از بین می رود و همکاران آن ها احساس آرامش و امنیت می کنند؛ زیرا پرونده ی تاریخی این مسئله توسط حالتی دروغین بسته شد و در پی آن پرونده ی روانی نگرانی که آن ها را تهدید می‌کند نیز بسته شده است و این گونه خاموش کردن ریشه ی این تفکر در جان افراد مستضعف و شکستن هیبت آن در جان افراد مستکبر، اجازه ی توجیه رفتار استبدادی صادره از مستکبران را می دهد به خصوص که تفکر مجازات الهی به طور کامل در ذهن جایشام ملغی شده است و گمان می کنند آن ها کار نیکو انجام می دهند؛ پس از این دیگر چگونه از وعده ی خدای عز و جل درباره ی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند ترسید که دیوارهای ظلم را ویران می‌کند و بر روی ویرانه های آن پایه های عدالت را در جامعه ای جدید، تأسیس خواهد کرد، چرا که تاریخ صفحه ی او را بدون بازگشت در هم پیچیده است یا به دلیل

اطمینان شان از این که آن چه از آن ها صادر می شود عین عدالت است؟!

به همین علت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خودش راه حالت های سوء استفاده ی دروغین را مسدود نموده و حق را فقط منحصر به دایره ی خود کرده است و هر فرد مدعی دروغینی را سفیه دانسته است؛ حضرت علیه السلام فرموده اند: «حق همراه با ما و در ما است و کسی این سخن را غیر از ما نمی گوید مگر یک دروغگوی بهتان زننده و کسی غیر از ما آن را ادعا نمی کند مگر فردی گمراه و فریب خورده.»(۱)

دوم؛ علاقه به سلطه گری و خود پسندی:

ما اطلاع کاملی از تعداد نفراتی که «مهدویت» را به خودشان نسبت داده اند و – با سبک سری و حماقت – نقش آن را بازی کرده اند در اختیار نداریم؛ اما شاید بارزترین ویژگی روانی که در شخصیت تعدادی از کسانی است که از آن افراد مدعی جمع شده وآن را می شناسیم علاقه ی بیمارگونه ی آن ها به حب ریاست و تسلط بر دیگران با خودخواهی افراطی است و بخشی از آن ها در ارضای موقت این علاقه و به شکل ناسالم از طریق به تن کردن موقت و بهره برداری از شخصیت مهدی موفق شدند؛ با این حال می توان گفت که رویکرد نفس به سوی ارضای بیمار این علاقه، تنها یک ویژگی روانی در شخصیت افراد مدعی مهدویت دروغین نیست بلکه وجه مشترک روانی بین سلطه طلبان یا علاقمندان به نشستن بر مسند سلطنت است و ادعای تفکر تا زمانی که از معارف آسمانی دور هستند تفاوتی ندارد که تفکر مهدویت را ادعا کنند یا خیر!

نفس مطابق طبیعت فطری خود تمایل به رهبری دارد و ما نمی خواهیم به تلاش های نفس برای ارضای غرایز خود به شکل صحیح بپردازیم آن گونه که

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید شیرازی، ص ۲۴۷.

هدفش ارضای راهبردی سازگار با اصل خلافت است؛ اما آن چه را که عقل ناپسند می شمارد و قلب مستهجن می داند تعبیر از این نیاز به ارضای بیمارگونه است و آن افراد مدعی نیازی به بازی کردن شخصیت مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شکل دروغین ندارند؛ چرا که آن ها به دنبال ارضای نیازهای خود به رهبری علاوه بر انحراف نفس و بیماری های پیچیده ی خود هستند، به این معنای که گروه مهدی های دروغین طبقه ای گمراه را تشکیل می دهند که با روش های بیمارگونه به دنبال ارضای این حس در رهبری و رسیدن به آقایی حکومت و سلطه گری هستند.

زمانی که در جنبه ی تاریخی این پدیده تأمل کنیم می بینیم برخی از افراد آن در عمل توانسته اند به اهداف خود در سلطه گری سیاسی و تأسیس دولت دست یابند یا برخی از حرکت های مقاومت را زیر فشار توهم احساس مهدویت و شعله های آن رهبری کرده اند.

ما – در این جا – مانع نمی دانیم، همان گونه که گفتیم برخی از افراد به دنبال ارضای غریزه ی ریاست باشند تا زمانی که در چارچوب ارضای راهبردی باشد و هدفی را محقق کند که آسمان تعریف کرده است و پیامبران در مدت تاریخ طولانی خود همانند نخبگان یا برگزیدگانی بودند که توانستند ارضای راهبردی این نیاز روانی را محقق کنند و آن رسیدن به اهداف بلند همچون برپایی عدالت در جامعه و توزیع فرصت های برابر میان مردم مطابق معیارهای شرعی است؛ و سلطه گری هدفی نیست که نفس پیامبران درباره‌ی آن متمرکز شود و ابزاری برای ایجاد فساد و ارضای خودخواهی و تحقق آرزوهای شخصی نیست؛ بلکه وسیله ای نیکوست که برای وظیفه ی انسان را در مسیر زندگی مشخص می‌کند و عدالت را برپا می‌کند و باطل را سرکوب کرده و روابط ایمانی صحیح را بین مرد

و برادرش، و بین مرد و زن ایجاد می کند و قوانین تعامل سالم بین طبقات جامعه و گروه های مختلف را تعریف می کند، و به همین دلیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعای افتتاح به برتری اصل خلافت و کار کردن برای ساختن دولت کریمه دعوت کرده است.

اما علاقه به تحقق ارضای راهبردی، نیازمند سلطه گری بیمارگونه و حب منحرف به ریاست نیست و صاحبان آن در پی ربودن صفات نیکوی دیگران نیستند. تاریخ ادعای مهدویت ثابت کرده است که علاقه به سلطه گری و حب ریاست در مهدی های دروغین، آن ها را وادار می کند تا به پوشیدن شخصیت امام مهدی حقیقی و منتظر و همگونی ناآگاهانه به صفات نیکوی او اقدام کنند در صورتی که عدالت، صلاحیت، کفایت سیاسی و رهبری، استقامت و تقوا، شجاعت، کفایت علمی و سایر شایستگی های شخصیتی را به خود نسبت می‌دهند بلکه حتی نام او و آن گونه که برخی از متون ذکر کرده اند از سوء استفاده ی آن ها در امان نمانده است؛ مانند حدیث: «المهدی اسمه اسمی؛ مهدی اسمش اسم من است.» و همانند سوء استفاده از حدیث روایت شده از طریق اهل سنت از رسول کریم که فرمود: «المهدی اسمه اسمی ... و اسم أبیه اسم أبی، یملأ الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ نام مهدی نام من است ...و نام پدرش نام پدر من و زمین را از برابری و عدالت پر می کند همان گونه که از نابرابری و ظلم پر شده است.» (1)و گنجی شافعی برای متن این روایت توضیحی داده است و می گوید: گفتم که ترمذی این حدیث را ذکر کرده است اما این سخن حضرت را

۱- برخی از منابع و کتاب های حدیث نزد اهل سنت مثل کنجی شافعی در کتاب خود البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۹۳ و در القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف ابن حجر، ص ۲۷ , ۳۰ و البرهان متقی هندی، ص ۹۰, ۹۲ این حدیث را ذکر کرده اند.

که «اسم أبیه اسم أبی؛ نـام پـدرش نـام پـدر من است» را ذکر نکرده است؛ امـا ابو داوود آن را ذکر کرده و در بیشـتر روایـات حافظان و افراد ثقه از نقل کنندگان احادیث فقط عبارت «اسـمه اسـمی؛ نام او نام من است» وجود دارد و کسی که این عبارت را روایت کرده است «نام پدرش نام من است» زیادی است و چیزی را به حدیث اضافه کرده است و اگر صـحیح باشد معنایش این می شود که نام پدرش، هم نام پدر او حسـین است نه حسن، و احتمال دارد حضـرت گفته باشد نام پدرش نام پسـرم یعنی حسن است. و پدر مهدی اسمش حسن است. و راوی در سخن حضرت توهم کرده و آن را پدرم شنیده است؛ پس باید آن را این گونه حمـل کنیم تـا بین روایـات را جمع کرده باشـیم و این موجب تکلف در تأویل این روایت است و حرف آخر در این باره این است که امام احمـد با این که اهل دقت و اتقان بوده است این حدیث را در مسـند خود در چندین مکان روایت کرده است که ... «واسمه اسمی؛ نام او نام من است.»(۱)

رفتـار همگون در شخصـیت مهـدی دروغین مبتنی بر عقـده ی کمبود واضـح و مبتنی بر یـک احساس بیمارگونه در اهمیت به کسب ویژگی بزرگ منشـی است به خصوص وقتی شـرایط برای آن فراهم باشد؛ همان گونه که المنصور خلیفه ی عباسی این کـار را کرد هنگـامی که پسـرش را مهـدی اعلاـم کرد تا احساس کمبود را پوشـش دهـد و برای خود و پسـرش بزرگ منشی نمادین ایجاد کند. برخی از مورخان (۲)ذکر کرده اند که تعدادی از افراد خاندان عباسی خودشان از انحراف شخصیت مهدی پسر المنصور خلیفه مطلع بودند و این باعث به خشم آمدن

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، کنجی شافعی، ص ۹۴.

۲- الاغانی ابو الفرج اصفهانی، ج ۲، ص ۸۱ به نقل از کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان، کنجی شافعی، ص ۹۶- ۹۷.

برادرش جعفر شد و گفت اگر برادرم محمد همان مهدی است پس این قائم پسر آل محمد است! و آن چه رخ داده بود را مسخره می کرد.

به عنوان یک دلیل بر قوت احساس کمبود و سرخوردگی در شخصیت مهدی دروغین می بینیم، هنگامی که یکی از آن دروغگویان به موقعیت قدرت و رهبری دست می‌یابد از تمام ویژگی های نیکویی که همیشه آرزوی آن را داشت و آن را به شخصیت خودش نسبت می داد، تهی می شود و فردی ظالم و خود را خدا خطاب کننده می شود؛ با طغیان خود به دنبال عزت است، به دیگران ظلم می‌کند و بی رحمانه خون آن ها را می ریزد یا از بر زمین افتادن قربانی های ادعاهای دروغین خود لذت می برد و عقب نشینی نمی کند و از توهمات خود بر نمی گردد؛ زیرا تکبر و طغیان او ناشی از احساس سرخوردگی و حقارت است.

یکی از آن توهماتی که از نظر روانی و عقلی از طریق خود بزرگ بینی نسبت به کمال ذات خود و از طریق احساس این که مردی نجات بخش و خلاص کننده است و این که خداوند او را برای اصلاح کژی ها در زندگی بشر و ایجاد امنیت و محبت باقی نگه داشته، این است که اقدام به حکمرانی کرد و او با این که در سرکوب شده های روان خود دچار تناقض شدیدی با ویژگی های مثبت و بارز در شخصیت مهدی حقیقی و مورد نظر بود –به عنوان فرد ادعا کننده– دروغ و دشمنی، و عقده های مختلف خود و بطور مشخص عقده ی ریاست و کمبود را پشت پرده ای نازک از گمراهی پنهان می‌کند و دلیل آن همین عقده ای است که در عمل تجسم پیدا می‌کند هنگامی که برخی از آن افراد مدعی در رسیدن به برخی اهداف سیاسی خود موفق می شوند و اقدام به رهبری سلطه گرانه ی خود با خشونت و زورگویی و استبداد می‌کنند.

علاقه ی منحرف به سلطه گری دیوانه وار بر دیگران و به این شکل بیمارگونه

معمولاً از خودخواهی، خود بینی و متمرکز شدن در مورد توهمات خود و محاسبه ی جایگاه اشتباه از خود ناشی می شود و هنگامی که از یکی از آن مهدی های توهمی سؤال شد که انگار شما مهدی منتظر هستید؟ جواب می دهد: بله من او هستم!(۱)

شکی نیست که پدیده ی مهدی دروغین، عیب های روانی خود را بر تفکر عقیدتی پاکیزه ای انداخته است و تعدادی از نویسندگان سعی کرده اند از طریق محکوم کردن رفتار بیمارگونه در شخصیت مهدی مدعی آن تفکر را محکوم کنند و عده ای از آن ها درخواست کرده اند به طور کامل از زندگی ما حذف شود و گویا ناخشنودی خود را از پدیده ی توهم به این تفکر اساسی و سالم و خالص منتقل کرده اند بدون این که بین این دو تفکیک قائل شوند.

در هر حال سلطه گری بر دیگران و دوست داشتن ریاست و خود خواهی، از پدیده ی «مهدی دروغین» شکل های مختلفی ساخته است؛ و یک مهدی با اسم برای خود لقب درست می کند و دیگری احساسات و رفتارهای بیمارگونه ی خود را در تشکیل یک نظام سیاسی دخالت می‌دهد که به او اجازه ی سرکوب و استبداد داده، یا یک گروه سیاسی تشکیل می دهد که با دشمنان خدا مبارزه می کند – در حالی که این کار در این جا نوعی از برتری طلبی است – و سومی ادعای حلول ذات مبارک مهدی را در خودش می کند و همین گونه این پدیده، از یک غرور خشن و سرزنش شده در شخصیت فرد مدّعی تعبیر می کند و راست گفته اند که عشق به خود سرچشمه ی همه ی آفت ها ست.

۱- الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور، قزوینی ،ص ۴۶۱.

سوم؛ واقعیت روانی و متراکم شدن شکست ها:

اشاره

فرد مسلمان – قبل از دوره ی غیبت و در طول آن – در معرض روش های مختلفی از ظلم دیدگی و ستمدیدگی قرار داشته است و افراد ظالم به شکل های مختلف، خشونت را بر او تحمیل کرده اند و این رفتارها به تدریج توسعه یافته هر چه که قدرت ظالمان قوی تر شده است و در همان زمان قدرت مظلومان در مقاومت کردن ضعیف تر شده است.

به سبب این رابطه ی خشونت آمیز بین ظالمان و مظلومان یک واقعیت روانی تلخ ایجاد شده است و تجربه های شکست در زندگی فرد مسلمان متراکم شده است تا جایی که نیاز به تغییر واقعیت مصیبت بار مطالبه ای عمومی است که تمام گروه های ستمدیده آن را فریاد می زنند و حتی همکاران ظالمان که اطاعت ذلت بار و توهین آمیز را پذیرفته اند از این وضعیت خسته شده اند و اوضاع برای شان تنگ شده است و نفس بشریت – بنا به فطرت خود – از چیزی که او را آزار می دهد به تنگ می آید و بطور ناخودآگاه از آن چه او را به درد می‌آورد پرهیز می کند.

آن چه قطعی به نظر می رسد این است که این واقعیت روانی را فقط ظلم ظالمان و فساد افراد منحرف به وجود نیاورده است؛ و بلکه جهت گیری بد تربیتی گروه های جامعه ی مسلمان و ضعف درک آن ها از مفاهیم اسلام نیز آن را بوجود آورده است زیرا عموم مسلمانان از آن زمان تا امروز در معرض غرب زدگی عقیدتی و دوری از اصول فرهنگی اسلام قرار داشته اند و نفس ها در طول دوره ی غیبت کبری با پنهان شدن ارزش های مثبت اسلام ضعیف شده است، در حالی که بحران ها و مشکلات مواجه می شود به تنهائی قادر به تحقق تعادل درونی شخصیت فرد مسلمان است.

در امثال این فضاهای روانی مجموعه ی به هم پیوسته ای از مشکلات روانی در محیط های مسلمان ایجاد شده است مثل سرگشتگی، ناامیدی، حیرت زدگی و موضعگیری های ناکام و خودداری شخصیت مسلمان از مقاومت کردن و ایجاد شک در برخی عقاید و دگرگون شدن احساسات؛ ملاحظه می شود که این مجموعه های مسلمان زمانی با این حالات مواجه می شوند که مشکلات زیاد و فشارهای ظلم تشدید شده است؛ اما این تجربه های ناکام زمانی افزایش می یابد که به نظر می رسد بشریت صفحه ای از تاریخ خود را به سوی نزدیک شدن به حرکت ظهور مبارک ورق زده است و در دوره ی قبل از ظهور به اوج رنج و قساوت آن بر نفس فرد مسلمان می رسد و آینده در سایه ی آن چه متون اسلامی از آن خبر داده اند شاهد فعالیت بزرگتری از ظلم و افزایش حجم فشارهای آن خواهد بود، آن چیزی که فضای بیشتری برای ظهور حالت های پیچیده ی انحرافات رفتاری باز خواهد کرد.

با این که برخی از بشارت ها ظهور پیدا کرده و در واقعیت سیاسی، اجتماعی و روانی مسلمانان تحقق یافته است اما شدت فشارهای ناشی از این حالات تعبیر کننده از فساد به وجود آمده در جهان اسلام رو به افزایش است چرا که خط ظلمی که مستکبران آن را بر ضد مردم ادامه می دهند با وجود مقاومتی که در برابر آن وجود دارد به عقب باز نمی گردد. یکی از مردم به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم این مسئله برای ما طولانی شد تا آن جا که قلب های ما به تنگ آمد و ما از غصه مُردیم. امام فرمود: «إنَّ هذا الأمر أیسر ما یکون منه - (أدناه) – و أشده غماً ینادی مناد من السماء باسم القائم؛ وقتی کمترین مقدار از این مسئله باقی مانده باشد و غم انگیز ترین شرایط را به وجود آورده باشد منادی از آسمان اسم

قائم را صدا خواهد زد.» (۱)

این واقعیت روانی تلخ که این امت و بشریت بـا افزایش مسـتمر با آن مواجه هسـتند در حقیقت خود محاسـبه ای غلط از امور است و فرد مسـلمان از نفس خود و از امام منتظر خود و ظهور او و از دیدگاهی منفی و اشـتباه، مخلوطی از ناامیدی، تشکیک، عجله کردن، سرگردانی و دست کشیدن می بافد، همان گونه که در متون تشخیص این امور وارد شده است.

واقعیت روانی فرد مسـلمان همیشه مجموعه ای از شکست های فلج کننده ی رشد نیروهای او و تعطیل کننده ی حرکت طبیعی او نیست، بلکه این واقعیت همچنین برخی متغیرهـای مثبت هماننـد بشـارت ها و اثر آن در نفس را در درون خود دارد و با این که مـدعیان و پیروان آن هـا را آرزوهـای نفسـانیِ برگرفته از بشـارت هـای نبوی تحریـک می کنـد و حمـاسه ی آن هـا را در رویـارویی با واقعیت بر می انگیزد، اما آن ها با این آرزوها با نظرات اشـتباه و بیمارگونه که خالی از سوء اسـتفاده نیست تعامل می کننـد و خودشـان را با تشبیه خود به مهـدی احاطه کرده انـد و به شـکل ناسالم به دنبال دوست داشـتن متمایز از دیگران و متمرکز شدن در مورد خودشان بعد از سلسله ای طولانی از موضع گیری ها و تجربیات ناکام دشوار و عجله در تحقق امور قبل از فرا رسـیدن آن هسـتند؛ از جمله ی آن ها می توان به مسـئله ی تغییر واقعیت فاسـد و در هم کوبیدن زمینه های آن به دسـت رهبر پیروزمنـد یعنی مهـدی اشـاره کرد این هـا همگی نشانه هایی است که دلالت بر وجود عصبیت دارد که در روان شناسـی مدعیان و پیروان شان می جوشد و این گونه ناکامی آن ها در فهمیدن مفاهیم انتظار – و معانی عبادی و تربیتی آن – به

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۲۰ – ۱۲۱.

واقعیت تلخ احاطه کننده ی شخصیت فرد مسلمان، تعامل نادرست آن با متغیرات این واقعیت و قساوت فشارهای متراکم، بازمی گردد.

سوء استفاده ی مدعیان و فریب کاران از پدیده های روانی دشوار که نفوس برای مدتی طولانی در محیط های مختلف مسلمانان از آن داغ دیده است از نظر روانی موجب می شود فضا برای اعلام ظهور مهدی دروغین دیگری فراهم شود که صفت ها براو انطباق ندارد و ظهور او همزمان با نشانه های مشخص و تعریف شده آن طور که در متون آمده نیست و فردی که دچار یأس و در حال زجر کشیدن باشد و با تمام توان به دنبال راه خروج یا منفذی برای خالی کردن محتوای انفعالی خود باشد به هر «مهدی» ساختگی متوسل می شود تا خودش را از رنج های آن و از مشکلات ناامیدی کشنده ی آن رها کند؛ زیرا حماسه ای که بشارت مهدی به وجود می آورد برخی از افراد سرگردان را به سوی تعجیل در مسیر تغییر واقعیت منحرف می کشاند و این گونه پدیده های روانی فشار آورنده بر فرد مسلمان باعث می شود تعدادی از آن ها با حالت های ادعای مهدویت هم صدا شوند به همین علت در دوره های متناوب حالت «مهدویت دروغین» تکرار می شود و با وجود گذشت روزها و سال ها گویا حلقه ای واحد و متصل است و نیز نسخه ای واحد از مشکلات روانی و عقیدتی ناشی از ظلم ظاغوت و فساد درون آن و ناشی از کمبود درک برخی از ستمدیدگان است.

وقتی عجله و ایجاد شک، ناامیدی، سرگشتگی، سرباز زدن و ظلم بارزترین پدیده های واقعیت روانی فاسد در جهان مسلمانان در طول دوره ی غیبت کبری باشد در این صورت این پدیده ها همان گونه که ملاحظه می کنیم در هم پیچیده و به هم تنیده هستند و مشکلی از آن سبب مشکلی دیگر و نتیجه ای از دیگری است؛ ظلم کردن منجر به عجله کردن در تغییر واقعیت می شود، ناامیدی از تغییر

موجب سرگشتگی و حیرت زدگی می شود، در کنار آن شک و سرباز زدن از استقامت اسلامیِ مورد مطالبه به وجود می آید و این گونه مشکلی روانی سبب و نتیجه ای از مشکلی دیگر می شود.

با تأمل در این واقعیت روانی می بینیم فقط واقعیت ما در این زمان نیست، بلکه حتی نویسندگان قدیمی که این روایات مشخصه ی احتمالات واقعیت روانی تلخ را احساس و آن را برای ما نقل کرده اند و دیگران نیز از آن رنج برده اند و با مراجعه به کتاب های آنان همچون نعمانی و غیره متوجه می شویم که آن ها در آن زمان از تلخی ناامیدی، طولانی شدن مدت، وجود آمدن شک رنج برده اند و این که فقط تفاوت در درجه ی آن است یا تفاوت در درجه ی رنج بردن،و تفاوت در شدت و ضعف است.پاسخ امام صادق علیه السلام به آن فرد سائل را دیدیم که از ظلم جامعه ی خود به تنگ آمده بود و شاید این از مهم ترین سبب های ظهور حرکت «مهدی دروغین» و شکست تکراری آن باشد.

مردم در مقابل این واقعیت تلخ روانی موضع گیری های متعددی داشته اند یا تعدادی از آن ها صبر می‌کنند و به دستور العمل خدای تعالی بر ضد ظلم و ظالمین عمل می‌کنند و یقین دارند که هنوز زمان ظهور خجسته فرا نرسیده است و زمانی که فرا برسد خداوند هرگز آن را به تأخیر یا به جلو نخواهد انداخت؛ از آن ها دچار سرگشتگی در شناختن امام زمان خود شده اند؛ بعضی از آن ها در وجود غایب علیه السلام به خاطر طولانی شدن غیبتش تردید کردند؛ گروهی از آن ها از دین خود دست کشیدند و به عقب بازگشتند و از دین خود مرتد شدند؛ برخی از آن ها در امور عجله ی و آن را قبل از زمان خود طلبیدند و در عجله کردن خود زیاده روی کردند تا آن جا که با هر حرکتِ تغییری هم صدا شدند حتی اگر آن حرکت گمراه کننده باشد و رهبران مهدویت به دروغ و غیر واقعی آن را به راه

انـداخته باشـند یـا تعـدادی از آن ها عجله کردن و اعتقادشان به طولانی شـدن این مسئله باعث شـد دچار ناامیـدی، شک، بی اعتمـادی و تردیـد درباره ی امامت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و بازگشـتن از آن شونـد. تمام این موارد های روانی بیماری است که از فشار واقعیت فاسـد و ظالم سرچشـمه گرفته و فضا را برای مهـدی پشت سر مهـدی فراهم کرده است بدون این که در میان آن ها مهدی حقیقی ظهور کند.

بعـد از غیبت امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف به این دلیـل که با هیـچ کس تعهـد بیعت نداشـته باشـد، عموم مردم مسـلمان به عنوان رهایی بخش و به عنوان رهبر مسـیر تغییر بزرگ تمام جهان به او روی آوردند؛ اما غیبت او طولانی شد و در طول آن تجربه هـای شـکست خورده ی فرد مسـلمان همچون ظلم دیـدن، قتـل و غارت، و آوارگی متراکم شـد و نیاز به تغییر وضعیت افزایش و تلاش ها برای اصلاح جامعه ی مسلمان در دوره ی غیبت مشکل شد و این تجربه های شکست خورده فشار بر اعصـاب مردم را تـا امروز آغاز کرد، حتی متراکم شـدن آن تا زمان ظهور بیشتر خواهـد شـد و از خوش اقبالی این است که تعـدادی از بشـارت هـا تحقق پیـدا می‌کنـد و یک تعادل درونی در برخی از افراد مؤمن در طول دوره های دور شـده از غیبت کبری به وجود می آورد، چرا که خوش بینی بهتری را به وجود می آورد.

به زودی به طور مختصـر به برخی از حالاـت بیمارگونه ای خواهیم پرداخت که جامعه ای ساخته شـده از این واقعیت روانی را برای انسان مسـلمان تشـکیل داده است. چیزی که باعث شده است برخی از نفس ها آماده ی فریب خوردن از هر مهدی باشند که در جامعه ی مسلمان بدون تحقق یافتن عملی مهدی حقیقی و بدون دقت در نشانه های همزمان با ظهور یا قبل از آن ظهور می کند. از جمله ی این حالت های روانی و ناسازگار عبارت اند از:

الف) ناامیدی، سرگشتگی و ایجاد شک :

سرگشتگی و سپس ناامیدی در نفس بسیاری از مسلمانان در نتیجه ی شکست آن ها در تغییر واقعیت ظالم و شکست خوردن تجربه ی مهدی دروغین یکی پس از دیگری و پیروان سرخورده ی آن ها در تغییر دادن این واقعیت متولد شد؛ و عده ای دیگر نیز در تشخیص کردن مهدی حقیقی حیران شدند وآن ناتوانی، آن ها را به ناامیدی از تغییر و از وجود مهدی حقیقی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف رهنمون ساخت و گاهی سرگشتگی به دلیل طولانی شدن غیبت خواهد بود.

نفس ها حیران و ناامید شدند با این وجود که زمین خالی از حجت نیست همان گونه که در روایات ذکر شده است. (۱)و با این که کسی که بدون امام بمیرد در مرگ جاهلیت مرده است.(۲)اما سرگشتگی به وجود آمد و مدعیان مهدویت از آن سوء استفاده و آن را در نفس هایی ایجاد کردند که بینش واضحی نداشتند و از شناختن رهبری سرگردان و از انجام نقش تاریخی که موجب تغییر مورد آرزو می شود ناتوان بودند؛ و مدعیان مهدویت اقبال خود را با این نفس های سرگردان آزمایش کردند و به طور موقت با آن ها موفق شدند اما در محقق کردن اهداف خود شکست خوردند؛ زیرا آن ها بر نفس هایی تکیه کردند که ناامیدی، سرگشتگی، و پایین بودن اراده، و تردید دردناک آن ها را به قتل رسانده بود و این چیزی است که باعث شد آنان با «مهدی دروغین» در هر بار همراهی کنند و نفس های بیمار و ناتوان از تحمل مسئولیت های عبادی انتظار، قادر به تغییر واقعیت بیمار با رهبری فردی بیمار نیستند.

هر فرد دچار ناامیدی که از آینده ی خود نگران است و احساس امنیت

۱- غیبه النعمانی،ص ۸۷.

۲- معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۵۴.

نمی کنـد حتی اگر یکی از مـدعیان مهـدویت بتوانـد عقل او را با خواب های متغیّر بیدار کند باز هم او از عدالت طغیان گران ناامید است و از قدرت مدعیان در پیروزی قاطع شک دارد و در همان زمان از رهبری شرعی او بی اطلاع است.

بـا همه ی این احوال، ناامیـدی تمـام وجود قلب او را نپوشانـده است؛ او در کنار ناامیـدی تلـخ خود که از آن رنـج می برد می توان او را در بریـدن این رنـج بـا تابشـی از نور تحریک کرد و خواب تغییر واقعیت او را تحریک نمود. به همین علت حتی در لحظه هـای دشوار آمـادگی دارد. جسـتجوی پنجره ای برای رهـایی از آن چه که در آن قرار دارد، بیایـد تـا از مشـکلات خود خارج شود و می بیند پناهگاه آخر او در حرکت «مهدی دروغین» است.

این آمـادگی ناچیز در آرزوی تغییر واقعیت را می توان با جرعه هایی فعال کرد که «مـدعیان مهـدویت» آن را می داننـد و بار دیگر حمـاسه ی برخی از علاقه منـدان به تغییر او را تحریک می کنـد؛ اما با این وجود یک حماسه ای بیمار است که عواطف آنـان را زیر سوال می برد و آن هـا را از طریق حرکت «مهـدی» که ویژگی های مشـخص شـده در متون اسـلامی بر آن منطبق نیست به مسخرگی و حقارت می کشاند.

و سرگشـتگی و ناامیدی دو نماد از حالت درگیری روانی است و افرادی که راهنما و امامی ندارند تا حلال را از حرام تفکیک کند و آن ها را به سوی حق هدایت کند و موقعیت های باطل و فرصت های آن را برای شان مشخص کند، آن را به عاریه می گیرنـد و این درگیری میان ناامیدی در شـناخت امام زمان خود و ناتوانی از تشـخیص دقیق آن است؛ و این سرگشـتگی دارای تـأثیر منفی روشـنی در رشـد شخصـیت است. و دوگانگی، تناقض موضـعگیری ها، پیروی از دیگران، پـذیرفتن ذلت و ضـعف اعتماد به نفس، واضح نبودن بینش برای خود، احساس

امنیت نداشتن، احساس خطر و تهدید این موارد برخی از ویژگی های فرد سرگشته و حیران و دچار ناامیدی است.

احادیث از وقوع سرگشتگی برحذر داشته اند و در پی آن توجه را به تمسک عقیدتی به اسلام در طول دوره ی غیبت کبرای مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف جلب کرده اند. از جمله ای این احادیث موارد زیر است:

«أما أنَّ له غیبه یُحار فیها الجاهلون؛ بدانید که او دارای غیبتی است که در آن افراد جاهل دچار حیرت می شوند.»(۱)

«إنَّ لصاحب هذا الأمر غیبه إحداها تطول حتی یقول بعضهم مات، و یقول بعضهم قتل، و یقول بعضهم ذهب، حتی لا یبقی علی أمره من أصحابه إلَّا نفر یسیر؛ صاحب این امر دارای غیبت خواهد بود که یکی از آن طول می کشد تا آن جا که عده ای از آن‌ها می گویند او مرده است، و برخی دیگر از آن ها می گویند او به قتل رسیده است و تعدادی دیگر از آن‌ها می گویند او رفته است؛ تا آن جا که کسی بر اعتقاد او باقی نمی ماند مگر تعداد نفرات اندکی.»(۲)

«ستطول غیبته حتی یرجع عنه أکثر القائلین به؛ غیبت او طولانی خواهد شد تا آن جا که بیشتر افراد معتقد به او از اعتقاد به او باز می گردند.»(۳)

«وینکره المرتابون؛ و افراد مشکوک او را انکار می کنند.»(۴) «ویل للمرتاب؛ وای بر افراد شکّاک.»(۵)

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲- غیبه النعمانی، ص ۱۱۴.

۳- الامام المهدی قزوینی، ص ۲۹ به نقل از بحار الانوار، ج ۵۱.

۴- الامام المهدی قزوینی، ص ۲۹ به نقل از بحار الانوار، ج ۵۱.

۵- غیبه نعمانی، ص ۱۲۴.

«والله لا یکون ما تمدون إلیه أعینکم إلّا بعد إیاس؛ به خداوند سوگند آن چه شما چشم های را به آن دوخته اید محقق نخواهد شد مگر بعد از مأیوس شدن از آن.»(۱)

«إنما یجیء الفرج علی الیأس؛ فرج زمانی فرا می رسد که ناامیدی حاکم شده باشد.»(۲)

این احادیث بخشی از شرایط منفی واقعیت فرد مسلمان ومشکلات او را مشخص می کند و نیز هنگامی که نفس در مورد رهبری خود دچار سرگشتگی می گردد و در تعامل با آن حیران و تردید و تیرگی نگاه نسبت به عقیده ی مهدویت بر او مسلط می شود. و این شک چیزی است که ابن حجر و دیگر راویان معتقدند کافر شدن به چیزی است که بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است.(۳)

ب) عجله کردن و نگرانی روانی:

بر کسی پوشیده نیست که عجله کردن از طبیعت نفس است و نفس انسان بر عجله و سرعت به امور قبل از زمان آن استوار شده است. قرآن کریم بر این حالت روانی در افراد تأکید کرده است: ((خُلِقَ الإِنسَنُ مِن عَجَلٍ)) «آدمی در خلقت و طبیعت بسیار شتاب زده است.»(۴) همان طور که سنت بر آن تأکید فرموده است.

به همین علت شارع اسلام ضوابطی برای جهت دهی به این حالت روانی وضع کرده است تا تدبیر انسان در امور آشفته و پریشان نگردد. و به طور قطعی عجله در همه ی حالات مذموم نیست؛ در توبه کردن، اصلاح رفتار و روابط با

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- در این جا تصریح بر مهدی است.

۳- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۱.

۴- انبیاء، آیه ی ۳۷.

دیگران پسندیده است. ازاین رو ملاحظه می کنیم که روایات به تشویق نفس های مؤمن به آرامش، صبر و پایبندی نیکو به انتظار عملی در دوره ی غیبت توجه کرده اند و بدون شک هدف این احادیث محقق کردن تعادل و برابری درونی شخصیت فرد مسلمان در عمل انتظار برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

وقتی در متون وارد شده درباره ی منتظر امام بودن و به طور خاص در زمان غیبت کبری و طولانی مدت تأمل کنیم می بینیم حالت عجله ای را نشان می دهد که برای تغییر واقعیت روانی، اجتماعی و سیاسی فاسد است تا هنگامی که این حالت در نفس های مظلوم و ستمدیده و تا عصر ما برقرار است. به طور قطعی مردم هرگز از عجله در امور و از علاقه‌مندی خود به تغییر واقعیت مصیبت بارشان در طول دوره ی غیبت کبری دست بر نخواهند داشت. در این صورت هر چه واقعیت بر آن‌ها فشار بیاورد نیاز آنان به تغییر آن بیشتر می شود و نفس ها به سمت عجله در تغییر پیش خواهند رفت و متون شارع اسلامی حتی در دوره های قبل از دوره ی غیبت از این حالت تعبیر کرده است. این مسئله همین گونه باقی خواهد بود تا این که به انتهای خود برسد و حالت ناامیدی به برخی از معتقدانِ به امامت او، سرایت کند آن گونه که در برخی از روایات آمده است.

از متونی که مؤمنین را به ترک عجله در مسئله ی ظهور امام و در اقدام جدی برای تغییر واقعیت مسلمانان در زمان غیبت تشویق کرده است، موارد زیر است:

«هلک المتمنون ذمّاً لهم، و هم الذین یستعجلون أمر الله و لا یسلمون له، و یستطیلون الأمد، فیهلکون قبل أن یروا فرجاً، و یبقی الله من یشاء أن یبقیه من أهل الصبر و التسلیم حتی یلحقه بمرتبته و هم المؤمنون؛ افرادی که آرزو می کنند، هلاک می شوند. آن ها مورد سرزنش اند و کسانی هستند که در کار خداوند عجله می کنند و در برابر آن تسلیم نیستند؛ مدت آن را طولانی می دانند. آن ها قبل از آن که فرج

را ببینند هلاک می شوند و خداوند کسی را که خودش بخواهد باقی نگاه خواهد داشت؛ یعنی کسانی که اهل صبر و تسلیم باشند؛ تا این که آنان را به مقام او برساند و آن‌ها افراد مؤمن هستند.»(۱)

«کذب المتمنون، و هلک المستعجلون؛ کسانی که آرزو می‌کنند دروغگو هستند و کسانی که عجله می کنند هلاک می شوند.»(۲)

«إنَّما هلک الناس من استعجالهم هذا الأمر، إنَّ الله لایَعجَل لعَجَلَه العباد، إنَّ لهذا الأمر غایه ینتهی إلیها، فلو قد بلغوها لم یستقدموا ساعه و لم یستأخروا؛ مردم فقط به این خاطر هلاک می شوند که در این کار عجله می کنند. خداوند با عجله ی بندگان عجله نمی کند. این مسئله پایانی دارد که در انتها به آن خواهد رسید و اگر آن‌ها به آن پایان برسند لحظه ای جلوتر یا عقب تر نخواهد شد.»(۳) یعنی این احادیث نظر ما را به شرط های عمل انتظار و اهمیت آن در مسیر تغییر بزرگ آینده جلب می کند.

در متنی دیگر امام صادق علیه السلام به خودداری از عجله و خودنگاه داری در آن و توجه به تمام توطئه هایی که از بشارت ها سوء استفاده می‌کنند و عجله نکردن در تعامل با برخی از حوادث، بدون تفکر هدفمند دستور داده است. و هنگامی که از امام سؤال شد پرچم های سیاه از خراسان ظاهر شده است اما آن پرچم های سیاه زمینه ساز امام نیست؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «اجلسوا فی بیوتکم، فإذا رأیتمونا قد اجتمعنا علی رجل واحد فانهدوا إلینا بالسلاح؛ در خانه های خود بنشینید و وقتی

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۳۰.

۲- غیبه النعمانی، ص ۱۳۱.

۳- غیبه النعمانی، ص ۱۹۸.

دیدید ما در اطراف مردی جمع شدیم شما نیز با سلاح نزد ما جمع شوید.»(۱)

امام از گروه های مردمی و مؤمن خود درخواست می کند که آرام باشند، خود را کنترل کنند و در موضع گرفتن عجله نکنند. این می توانـد بر حالت ظهور «مهـدی» منطبق باشـد و شایسـته است درنگ کرد تا بین مهـدی حقیقی و مهـدی خیالی تفکیک قائل شد؛ زیرا او اعلام می‌کند که برخی از مردم در جهت گیری به سوی فریب از هر «مهدی»، حتی اگر دروغین باشد متمایل می شونـد که به دلیـل زیر فشـار بودن از واقعیت فاسـد یـا همراه بودن حرکت او با برخی از حالات سوء اسـتفاده از بشارت ها است.

پس عجله و احساس همیشـگی عموم مسـلمانان از این که مسـئله ی قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طول کشیده است به برخی از مـدعیان باطل القا می‌کند که از این حالت روانی سوء اسـتفاده کنند و در می یابند که خوب است از آن بهره برداری کننـد و آن را در خـدمت اهـداف خود و تحقق خواسـته های خود به کار گیرنـد و تا زمانی که بعضـی از طبیعت های نفوس منتظر در مسـئله ی ظهور خجسـته ی او عجله می‌کننـد و برای رهبری حکیمانه ی او برایِ تغییرِ واقعیتِ فاسد آن‌ها لحظه شمـاری می‌کننـد ممکن است به آن ها ضـرر وارد شود و این عجله ی نگران کننـده که با عقل رشـد نیافته است منجر به وقوع نتایـج معکـوس و نـابود کننـده ی آرزوهـای مردم مسـلمان شـود؛ هماننـد هم نوایی سـریع بـا هر مهـدی که ظهور می کنـد به خصوص اگر قـادر به بیـدار کردن خواب هـای تغییر در آن هـا باشـد بی آن که آگـاهی صـحیحی از سـنت هـای خداونـد در زندگی اجتماعی داشته باشد.

واقعیت روانی و تاریخی حالت های ادعای مهدویت اثبات می‌کند که عجله

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۳۱.

گـاهی به طور جـدی بیمـاری است؛ چیزی که فضـا را برای تعامل برخی از ساده لوحان و عجولان با هر دعوتِ بیماری، فراهم می کند؛ زیرا عجله کردن دور از تعقل، تفکر فرد را آشـفته و خواب های بیماری را توهم می کند؛ سـپس حرکت او شکسـت می خورد و به «مدعیّان مهدویت» و پیروان آن ها ضررهای روانی و اجتماعی بزرگی وارد می شود که برای شان سنگین است و مانع از همکاری آن ها با حرکتی می شود که مهدی حقیقی آن را رهبری می کند.

عجله موجب نگرانی عصبی در نفس می شود در صورتی که طولانی دانستن غیبت کبری – آن طور که واقعیت امروز است – منجر به شـکست آن هـا در تغییر اوضـاع می شود – شـکستی تکراری – به طوری که کینه ی آن سـر باز می‌کنـد، مأیوس می شود، آرزو از بین می رود و فرد درون گرا و اندوهگین می شود.

در روایتی که به آن اشاره شد آمد که «قد طال الأمر علینا، حتی ضاقت قلوبنا، و متنا کمداً؛ مسـئله برای ما طولانی شده است تا آن جـا که قلب مـا به تنـگ آمـده است و ما از غصه مردیم.»(۱) در این متن به آثـار روانی ناشـی از نـاتوانی مردم از فهمیـدن طولانی شـدن غیبت امام اشاره می‌کنـد و این تعبیری از عجله کردن قلب‌هاست بعـد از آن که محنت ها شدیـد شده و دایره ی انحرافات توسعه یافته و حلقه ی خفگی بر روان شناسی فرد مسلمان تنگ شده است.

با تأمل در حدیث قبل می بینیم فرد سؤال کننده از نزدیکان امام صادق و از پیروان خواص او ست و در زمان عباسـیان زندگی می کرده و با این حال سـینه اش به تنگ آمده است و این مسـئله را قبل از زمان خود مطالبه می‌کند در حالی که هنوز شـرایط دوره ی غیبت در آخر الزمان را سپری نکرده است چه برسد به عموم مردمی که در انتظار فرج هستند و اندکی بیش از آگاهی و صبر ندارند و

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۲۰.

هنوز مصیبت های انسان آخر الزمان را نچشیده اند.

پس عجله تعبیر واضحی از نگرانی نفس و اضطراب آن است و احساسی احاطه شده با خطرها ست تا زمانی که فرد مسلمان آن را در کنترل خود در نیاورده است تا مانع ایجاد نگاه کورکورانه ناراحتی و اعصاب شود؛ مانند شک و بی اعتمادی و تردید، سردرگمی و ناامیدی از تغییر واقعیت ظلم سیاسی و اجتماعی جهت دار به سوی گروه های مخالف، به خصوص مومنان از آن ها؛ همان گونه که نفس همیشه در حالت احساس خطر است تا زمانی که طغیان‌گران و همکاران شان با آهن، آتش و تهدید به قطع رزق، حکمرانی می‌کنند و این احساسات در نفس مسلمانان حبس شده است و احساس مغلوب شدن، فریب خوردن و مظلوم واقع شدن و کینه از طغیان گران و علاقه به گرفتن انتقام از آن ها و از ماهیت درونی آن ها، درونی که بد است و موجب اضطراب، نگرانی و تنگنا می شود تا آن جا که «قلب ما تنگ شده است و از غصه مُردیم.»

وقتی برخی از نفس های ستمدیده در تحقّق انواعی از سازگاری با شرایط واقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تحقّق درجه ی قابل قبولی از سازگاری روانی موفق شوند در این صورت تعدادی از افراد قدرت صبر و تحمل آزارها و تحرک در زندگی به مفهوم مثبت انتظار را نداشته و حالت زیادی از آمادگی روانی و عقلی مقاومت را ندارند. به همین دلیل این نفس ها برای شک بردن، تردید و سرگردانی آماده اند و قلب شان با وجود آن واقعیت آماده ی بی عقلی و حماقت در کنار «مهدی» دروغین است که آنان را به عجله کردن فرا می خواند و آن ها با دعوت باطل او همراه می شوند.

ج) سرخوردگی شخصیت:

دانستیم که سرگردانی، شک و ناامیدی بخشی از محتوای واقعیت روانی فرد مسلمان در دوره ی غیبت کبری را تشکیل می دهد و این که این حالات همگی در رویکردی به نام رویکرد ناکامی روانی جمع شده است.

تجربه های شکست خورده ای که فرد مسلمان در دوره ی غیبت با آن داغ شده است همراه با حالت سرخوردگی عمومی است که در آن انسان مسلمان از معیارهای رفتار ایمانی عقب نشینی می‌کند و بین او و اصول فرهنگی اسلام فاصله می اندازد و طبیعی است که این حالت های روانی در زندگی فرد مسلمان به وضعیت مصیبت غم انگیزتر و با رنج و درد بیشتری منتهی می شود.

شخصیت فرد مسلمان از ارزش های اسلام و تعلیمات و ضوابط آن عقب نشینی کرده و به تدریج از معیارهای عبادی و اصول فرهنگی آن در اسلام تهی شده است و این حالت فرد مسلمان در زمان معاصر ما که در آن زندگی می کند آخرین سرشکستگی از حالت سرخوردگی روانی نیست؛ پس انتظار می رود – با وجود محقق شدن برخی بشارت ها – مظاهر انحراف افزایش یابد و بشریت روزهائی را درآینده شاهد باشد که انحراف آن از چیزی که ما در آن هستیم وسیع تر باشد و این بعد از جداسازی و غربال شدن است و این گونه واقعیت تاریخی – و معاصر – برای امت اثبات می کند هنگامی که زمانه مقداری از خود را سپری کند پهنای این حالتِ عقب نشینی با شدّت رنج ها توسعه می یابد. و این همان مطلب مورد نظر احادیثی است که از شرارت در زندگی بشر در طول دوره ی غیبت یاد می کنند. (۱)

۱- حدیث شریف می فرماید:«زمان جدیدی بر شما وارد نمی شود مگر آن که بدتر از زمان قبلی خواهد بود» و حدیث دیگری با مشخص کردن نشانه های انحراف در زندگی بشریت می فرماید: «وقتی دیدی هر سال شرارت و بدعت بیشتری از سال قبل رخ می دهد» و روایت دیگری اضافه می کند:«از آن چه قبلاً بوده است»/ به منابع این حدیث در فصل پنجم همین کتاب مراجعه کنید.

ما معتقدیم که از دشوارترین حالات سرخوردگی روانی و عقلی در شخصیت فرد مسلمان در طول دوره ی غیبت کبری تردید داشتن او در وجود امام مهدی و شک کردن در رهبری او و دست کشیدن بسیاری از معتقدان به امامت او ست. و وقایع زندگی فعلی ما ثابت کرده است که ویژگی های تردید و مصادیق آن در رفتار عده ای از مسلمانان واضح به نظر می رسد که به علت طولانی شدن غیبت یا افزایش فشارهای واقعیت شک یا نتیجه ی شکست های تکرار شده ی حالات ادعای مهدویت و تنفر این گروه های مسلمان از این حالت بیمارگونه است؛ و تمام این موارد به معنای شکست این گروه ها در عمل جداسازی، غربال گری و تفکیک سازی است و از برخی از مفسران وارد شده است آن گونه که نعمانی می گوید که آیه ی کریمه ی زیر درباره ی اهل دوره ی غیبت نازل شده است بعد از آن که مدت برای شان طولانی می شود و قلب های شان دچار قساوت میگردد. (۱)پروردگار متعال می فرماید: ((وَ لَا یَکُونُوا کَالَّذِینَ أُوتُوا الکِتَبَ مِن قَبلُ فَطَالَ عَلَیهِمُ الأَمَدُ فَقَسَت قُلُوبُهُم وَ کَثِیرٌ مِّنهُم فَسِقُونَ)) «و مانند کسانی که پیش از این برای شان کتاب آسمانی تورات آمد نباشند که دوره ی طولانی بر آنها گذشت و دلهای شان رنگ قساوت گرفت و بسیاری از آنها فاسق شدند.»(۲)

با این حال برخی از نفس های گمراه شده ای که در میان تاریکی ناامیدی و فقدان دیدگاه زندگی می کنند آماده ی هر گونه هم نوایی بیمار با حالات «ادعا»ی مهدویت هستند؛ زیرا تفکر مهدی دروغین نمی تواند نمود و نفوذ پیدا کند مگر

۱- غیبه نعمانی، ص ۱۴.

۲- حدید، آیه ی ۱۶.

در میان شخصیت های سر گردان؛ آن طور که روایات در این زمینه ذکر کرده اند؛ افراد فاقد دیدگاه درباره ی ویژگی های مهدی حقیقی و باقیمانده در اسارت توهم ناشی از ناکامی عموم مسلمانان در ایجاد تغییر جدید در واقعیت فاسد و در هر صورت حالات ادعای یکی از مظاهر عقب گرد فرد مسلمان به گذشته و بازگشت در رفتار خود به شک، تردید، سرگردانی، ناامیدی، سرخوردگی و ادعای چیزی است که در او وجود ندارد.

و اکنون سؤال این است که:

آیا حالت سرخوردگی که فرد که مسلمان از چندین قرن پیش در آن به سر می برد، نتیجه ی ناامیدی از تغییر واقعیت و ناامیدی از ظهورِ نجات بخشِ موعود بعد از طولانی شدن غیبت او و قساوت قلب او ست؛ یا این حالت راه ورودی برای ایجاد حالت هایی است که سبب می شود واقعیت نافع درد و رنج بیشتر و شدیدتری داشته باشد؟

چه بسا این سوال در سخنان قبلی ما موجود باشد؛ و وقوع این حالت بعد از ناامیدی گروه های مسلمان از ایجاد تغییر بهتر در واقعیت فاسد حاصل شده باشد تا زمانی که این حالت در قلب ها استقرار یافته است همان گونه که خود حالت سرخوردگی راه را برای ایجاد انواع رفتارهای عصبی فراهم می کند مثل دوگانگی موضعگیری و تناقض رفتار آن و رخ دادن فاصله بین جنبه های شخصیت فرد مسلمان و گاهی موجب ارتداد از اسلام یا ضعف رابطه بین فرد مسلمان و دین او و ساختار عقیدتی او می شود.

واین سخن باقی می ماند که حالت سرخوردگی نتیجه ی حالات بیماری و سببی برای حالت های دیگر است.

آشفتگی در روان شناسی مدعیان مهدویت:

از واقعیت روانی، سرخوردگی شدید حالت های عصبی همانند درگیری در روان افرادی که هر از گاهی فتنه ی ادعای مهدویت آن ها را تحریک می کند سرچشمه گرفته است آن ها ناراحتی و سرگردانی دارند و در جستجوی حقیقت، در میان گمراهی متراکم و سرگردانی هستند که در عمق نفس خود آرزوی تغییر بهتری در واقعیت جامعه ی اسلامی و رهایی آن ازمرگامرگی ظلم و مصیبت های آن دارند و از روی یقین این آرزوها مردم مسلمان و ستمدیده را با خود شریک می کند؛ اما در این میان فاصله ای وسیع این آرزو و بین امکان تحقق آن وجود دارد و مدعیان مهدویت در همتایی بین این آرزو و موفقیت شرایط راهبردی و اسلامی آن شکست خورده اند.

متون اسلامی در حافظه ی فرد مسلمانی نسبت به پاکسازی انواع فسادها به دست مهدی حقیقی با صفات مشخص و این که او از اهل بیت است آرزوی بزرگ می پروراند و چنین حافظه ای این درد را در طول قرن های متوالی با خود حمل می کند و در بسیاری از اوقات در نوع تعامل با این آرزو بدون رعایت تحقق شرایط راهبردی آن زیاده روی می‌کند و این گونه احادیث آرزوی پیروزی قاطع بر طغیان گران و رهبران ستم و گمراهی در جهان آشفته ی ما را در جان ها شعله ور می کند؛ اما دشمنان حق با قدرت و بی عقلی و حماقت در برابر این آرزو می ایستند و بیشترین چیزی را که در اختیار دارند برای نابودی این آرزو از جان های پیرو جویای روز رهایی که آن را نمی یابند به کار می برند و در این جا نیروهای نفس بین آرزوی تغییر همان گونه که احادیث تأکید می کند و ناامیدی از تحقق آن همان گونه که تجربه ی واقعیت تلخ اثبات می کند به سر می برند و در امثال فضای این موضع گیری روانی به هم ریخته هیچ موانعی وجود ندارد که

عـده ای از افراد از توهم مهـدی که به صورت غیر واقعی و دروغ، شخصـیت مهـدی طلب شده را ربوده است فریب بخورند و این چیزی است که آلودگی تفکر مهدی حقیقی و دشمنی با آن، تنفر از آن و نام نهادن روی آن را با عبارت های دشمنانه ی شدید همانند افسانه و ساحری با هدف ایجاد تنفر از آن و ایجاد احساسات ناخوشایند از آن را اجازه می دهد.

ما یقین داریم که روان شناسی مـدعی دروغین مهـدی از حالت درگیری بین آرزوی خود در هماننـدی عملی به ویژگی های شخصیت مهدی حقیقی موعود و ناتوانی او از تحقق این تشابه رنج می برد و حتی آن هائی که در ارضاء شهوت های خود در سلطه گری، حب ریاست و توهم بزرگی بینی، از طریق ایجاد سازمان های سیاسـی همچون دولت ها موفق شـده انـد یا رهبری گروه هایی را به دست می گیرنـد که ولایت را برای شان قائل می شوند در حل مسئله ی درگیریِ روانی بین آرزوی همسانی و آن چه در واقعیت تحقق یافته شـکست خورده اند؛ به عنوان مثال هیچ یک از آن افراد مدّعی نتوانسـتند عدالت را برپا یا ظلم را نابود کنند حتی در منطقه ای که در حکمرانی آن ها قرار گرفته بود؛ حتی نتوانسـتند برای این شکست در سازگاری خواسته ی خود و بین واقعیت جایگزینی بیابند مگر با استبداد نمایان بر مردم و ناتوانی فرد مدعی در تحقق آشکارترین ویژگی اساسی در شخصـیت مهـدی حقیقی – که ویژگی عـدالت و یـاری حق است – موجب درگیری شـده؛ چنـان که تعادل روانی مهـدی مـدعی را از بین برده است. حالت ادعا فقط سوء اسـتفاده از بشارت مهـدی نیست بلکه تعبیری پنهان از علاقه ی فرد مـدعی به همسـانی با شخصـیت مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف است، اما در واقعیت این علاقه محقق نشـده و آشـفتگی به شکـل درگیری روانی بیـن آن چـه علاقه دارد و مقـاومت واقعیت در برابر این علاـقه به وجـود آمـده است و از این نگرانی با موضع

گیری های دشمنانه بر ضد منتقدان خود تعبیر می‌کند که آرزوی او را در تشبیه به مهدی حقیقی که در عمل به او تصریح شده و شکست او را در تحقق کمترین مقدار از این تشابه مسخره کرده اند.

اما کسانی که آرزو داشتندخیالات شان به آن ها فرصت بدهد «مهدی مطلوب» باشند، واقعیت آرزوی شان را پوچ کرد و آن ها همچنان در اولین گام های راه قرار دارند و دچار تنگ شدند و احساس اشتباه کردند؛ همچنین این حالت در تنش روانی تلخ نه فقط بین «آرزو» و ناتوانی از تحقق آن بلکه بین علاقه به بزرگ بودن و شکست خوردن اجرای آن تجسم یافته است و این تنش همراه با احساسات محرومیت، اندوه، شکست خوردگی و پشیمانی است؛ اما این پشیمانی از در اختیار گرفتن غیرواقعی و دروغین یک تفکر و پشیمانی از تلاش برای فریب مسلمانان و گمراه عقل های آنان نیست و احساسات پشیمان ناشی از باز ماندن تحقق آرزوهای بیمار است که همگی در شهرت، ریاست و سلطه گری است و اگر برخی از «مدعیان» در تحقق آرزوی شبیه شدن به مهدی در واقعیت شکست خوردند با وجود موفقیت آن ها در حکومت سیاسی برای مدتی محدود و ارضای شهوت های خود در سلطه گری و ریاست، عده ای دیگر از «مدعیان» حتی فرصت ارضای این شهوت را هم به دست نیاوردند؛ شهوت حکمرانی و سلطه گری به نام «مهدی» حقیقی که در میراث احادیث بر او تصریح شده است.

در این صورت شخص مدعی دچار پشیمانی ناسالم می شود و منبع این پشیمانی به طور قطع ناشی از احساس جرم فریب مردم و گمراه کردن آن‌ها با بر تن کردن نقش یک شخصیت رهبری و تاریخی نیست، بلکه ناشی از احساس بیمارگونه او در عجز از رسیدن به اهداف و آرزوهاست و انگشت خود را از روی پشیمانی به دلیل لغزش گام هایش در رسیدن به خواسته اش می گزد؛

پشیمانی ای که در درون آن ناخشنودی از مردم نهفته است.

به نظر می رسد حالت درگیری روانی در شخصیت مهدی مدعی انتها ندارد، چرا که موضع گیری مغلوبی که در آن به سر برده همچنان باقی است و او هرچند به طور موقت از مجازات دشمنان خود گریخته اما بار دیگر آرزوهای خود را تجدید کرده است و افکار قبلی خود را حماسی می‌کند و تلاش خود را برای تحقق آن به کار می گیرد؛ اما جامعه – و حکومت سیاسی حاکم بر آن – به او اجازه ی عملی کردن شهوات خود در حکومت و ریاست را نمی دهد، بلکه او را سرکوب می کند و در تمرکز ناسالم در مورد خودخواهی زندانی می‌کند و شکست روانی همچنان ادامه می یابد و در نتیجه درگیری روانی هیچ گاه او را رها نمی کند.

با فرض این که مهدی دروغین به طور موقت در تحقق برخی سازگاری ها بین علاقه و واقعیت موفق شود و آرزویش در نگاه به سوی او به عنوان «مهدی» عملی شود و فرصت یابد تا برای خودش نیرو فراهم کند و برخی از منافقان و فرصت طلبان حرص او را به این تفکر شعله ور کنند، اما درگیری روانی همچنان در نفس او ثابت بوده و همان گونه که گفتیم نتوانسته مردم را از ظلم رهایی بخشد و پایه های جامعه ی دارای عدالت را تأسیس کند و هنوز پیروزی قاطع بر ضد دشمنان خود را آن گونه که احادیث وعده داده‌اند محقق نکرده است، بلکه شکست همیشه جایگاه او را نگران می کند و باعث می شود همیشه از طرف دشمنانش که او را تهدید می کنند احساس خطر کند و از روی ترس دچار وحشت می شود و گمان می کند او در عمل «مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف» است و در برابر دیگران خود را شبیه به ویژگی های شخصیتی او می کند در حالی که در عمل در تحقق این هدف شکست خورده است.

این گونه در موقعیت های درگیری ناشی از شکست کشنده بر اقبال و بخت بد خود نوحه می سراید. شکست سازگاری بین علاقه ی او به اثبات این که «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» است و بین ناتوانی او در تحمیل کردن این آرزو در واقعیت مردم و اینکه هیچ یک از مردم او را باور نمی کنند غیر از پیروان خیالی او . آن ها حتماً بعد از شکست این تجربه دچار شک می شوند و این گونه روان او در معرض فشارهای شهوت سلطه گری و دردهای حسرت و پشیمانی و احساس ناتوانی در به نتیجه رسیدن آرزوها و احساس شکست اجتماعی و سیاسی از حرکت خود قرار می گیرد.

فصل سوم: روش مکتب روان شناسی و نقد عقیده مهدویت

اشاره

میزان ارزش هر موضوع که درباره ی آن بحث مشخصی صورت می گیرد به نسبت اهمیت آن در زندگی انسان است؛ اما شیوه ی بحث، تمام مقدار ارزش آن بررسی را مشخص می کند و محتوای علمی آن با صداقت، واقعی و راهبردی بودن غنی می شود. و منظور ما از آن چیزی نیست جزایی که منبع قوی بودن یک بررسی فقط در شیوه ی آن نهفته است؛ چرا که هر بررسی زمانی ثمربخش خواهد بود که با اطلاعات واقعی غنی شده باشد.

این در حالی است که محتوای بحث با شیوه ی آن قوی و ضعیف می شود؛ وقتی شیوه دور از راهبرد و دقت علمی باشد ارزش آن ضعیف می شود و به هر مقداری که به قواعد بحث علمی پایبند باشد درجه ی راهبردی و پالایش علمی آن مشخص می شود.

بر خواننده – محترم – پوشیده ی نیست که نتایج برخی از بررسی ها موضوعیت خود را به دلیل انحراف شیوه ی بحث و حاشیه روی آن از دست داده است. همچنین هنگامی که یکی از محققان علاقه مند به شناخت یا نقد فلسفه ای مشخص به عنوان مثال همانند مارکسیست باشد در پیش روی او چیزی جز افکار این فلسفه در منابع خاص و مورد استفاده وجود ندارد؛ زیرا نقل نظرات مخالفان آن گونه که قواعد شیوه ای می‌گوید به حساب نمی آید و اگر به دنبال شناخت دیدگاه این فلسفه از منابع دیگر باشد (۱)موضع گیری دشمنانه نسبت به مارکسیست خواهد داشت و به طور قطع بررسی او فاقد موضوعیت خود خواهد

۱- یک محقق می تواند از این منابع برای شناختن نظریه ی دیگری از فلسفه ی مارکسیست یا غیر آن کمک بگیرد؛ اما در اساس باید اصول این فلسفه را از منابع خاص آن بیاموزد و بعد آن را بر اساس این شناخت نقد و بررسی و موارد صحیح آن را اثبات کند، همچنین عیب ها و اشتباهات آن را تذکر دهد.

بود؛ زیرا از نتایج به دست آمده ی قبلی نشأت گرفته و نسبت به بررسی عقیده ی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین گونه است.

تا زمانی که ایمان به مهدی یک عقیده ی اسلامی است وظیفه ی فرد محقق این است که از منابع اصیل آن، که به این عقیده ایمان دارد و از آن دفاع می کند به نظرات و مفاهیم و ریشه های آن بپردازد و این خود به تنهایی باعث می شود از اشتباه در بحث ایمن باشد و فرد محقق حداقل می تواند در نقل افکار، امانتدار باشد تا تحلیل اطلاعات و تفسیر آن از نگاه شخصی و حاشیه ای و از قبل تهیه شده تاثیر پذیر نباشد؛ اما برخی از محققان به این روش برنامه ای مقید نبوده اند.

عده ای از محققان در بررسی عقیده ی مهدویت – و انتظار عموم مسلمانان از او – به تألیفات و کتاب هایی تکیه کرده اند که موضع گیری شان بر خلاف اصل این تفکر است و قضاوت آن ها بر ضد افراد مورد ادعا – مقصود افراد مؤمن به عقیده ی مهدویت– بر گرفته از سخنان افراد مدعی خواهد بود همان گونه که آن ها شاکی را شاهد و قاضی و قضاوت کننده بر ضد شاکی را مقابل یکدیگر قرار داده اند و – متأسفانه - این روش آن ها در بحث مسئله ی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

به یقین سرچشمه از خط شیوه ای گاهی عمدی و گاهی خطای تاریخی و عقیدتی است و نتیجه ی آن آثار روان شناختی ای به وجود آمده است که روابط افراد امت را با یکدیگر تضعیف می کند.

هر بحث یا مقاله یا رساله یا کتاب که محققان در مسئله ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته باشند پر از این گونه خطاها ست که نتیجه ی آن تفسیرهای شخصی و تعاریف اشتباه از انگیزه های رفتاری در افراد منتظر است؛ همچنین تعریف هایی به وجود می آید که از اساس ربطی با برخی از افراد معتقد به انتظار ندارد؛ در ادامه – ای خواننده ی محترم – نمونه هایی از این تفسیرهای روان شناختی اشتباه

را ملاحظه خواهیم کرد که به دلیل تأسیس شدن بر مغلطه های تاریخی و عقیدتی است که موجب ایجاد بحران درونی شده و رشته های یکپارچگی و وحدت فرهنگی، سیاسی و عقیدتی جامعه ی مسلمان را در گذر قرن های متوالی از هم گسسته است.

به عنوان مثال مغلطه ای تاریخی را بیان می کنیم که آثاری روانی از آن به وجود آمد؛ یکی از مورخان و علمای حدیث که درباره ی مخفی شدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته با استهزا چنین می گوید: «او از زمانی که کودکی کوچک بوده و بیش از پانصد سال پیش وارد سرداب سامرا شده است و بعد از آن دیگر هیچ چشمی او را ندیده و هیچ ملاقات و خبر و اثری از او به دست نیامده است و آنان – یعنی شیعیان – هر روز منتظر او هستند و با اسب در مقابل سرداب می ایستند و او را صدا می زنند که بیرون بیاید! بیا ای مولای ما، بیا ای مولای ما؛ و بعد با ناامیدی و محرومیت باز می گردند و این طریق آن هاست.» (۱)

و چه نیکو گفته است:

«ما آن للسرداب أن یلد الذی

کلمتموه یجهلکم ما آنا؟

فعلی عقولکم العفی فإنکم

لثتم العنقاء و الغیلانا»

–آیا برای سرداب هنوز وقت آن نرسیده است که کسی را که با جهل خود با آن سخن می گویید برای شما متولد کند؟!

۱– المنار المنیف، ابن قیم جوزیه، ص ۱۵۲ ؛ همچنین کتاب الصواعق المحرقه ابن حجر، ص ۱۶۸ و مقدمه ی ابن خلدون ص ۱۳۵– ۱۳۶ ؛ و کتاب علامات یوم القیامه، ابن کثیر، ص ۱۹, ۲۳ ؛ بلکه گنجی شافعی در کتاب خود البیان به باقی ماندن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت و در حالی که در سرداب زنده است اشاره کرده است «به فصل بیست و پنجم در استدلال بر جایز بودن زنده باقی ماندن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زمان غیبت خود مراجعه کنید» و این در چارچوب مجادله با افراد معتقد به زنده باقی ماندن او در سرداب بدون غذا و نوشیدنی است به صفحه ی (۱۴۸ – ۱۶۰) مراجعه کنید.

-پس تف بر عقل های شما که غول و هیولا (مرغ ۴ پای صورت آدی) درک نمی کنید!

آن ها – یعنی شیعیان – ننگ بنی آدم و مضحکه ای شده اند که هر عاقلی آن را مسخره می کند.(۱)

برخی از اشتباهات رخداده در متن مذکور:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن گونه که ابن القیم و دیگر علمای اهل سنت می گویند در حالی که کودکی کوچک بود بیش از پانصد سال پیش وارد سرداب و پنهان شده و دیگر هیچ چشمی او را ندید و خبر و اثری از او به دست نیامد؛ اما با شناختن دوره ی تاریخی زندگی ابن قیّم یعنی بین سال های ۶۹۱ تا ۷۵۱ قمری، دوره ی فاصله ی بین سال وفات ابن قیم و سال پنهان شدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کمتر ازپانصد سال است و حادثه ی پنهان شدن از دیدگان در سال ۲۶۰ قمری رخ داده است؛ در نتیجه، مدت فاصله بین سال وفات او و آغاز غیبت، حدود ۴۹۱ سال قمری است و چنین مطلبی با فرض این است که نگارش این متن در سال ۷۵۱ قمری انجام شده باشد که آخرین سال عمر ابن قیم جوزی است و اگر نگارش آن قبل از این دوره باشد مدت فاصله حتماً کمتر خواهد شد.

۲ . ابن خلدون همچنین ذکر کرده است که محل آن سرداب در «حله» بوده است نه سامراء؛ و مسافت بین آن دو کمتر از ۳۰۰ کیلومتر نیست و این اشتباه همچنان رایج است. برخی معاصران با تأثیر پذیرفتن از ابن خلدون از او نقل کرده اند و چه بسا ابن خلدون در اشتباه اطلاعات خود به دلیل زیادی مسافت بین

۱- المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، ابن قیم جوزیه، ص ۱۵۳؛ همچنین به مقدمه ی ابن خلدون، ص ۱۳۵-۱۳۶ و دیگر منابع مراجعه کنید.

تونس و عراق عذری داشته باشد؛ اما عذر نویسندگان معاصر در تقلید از اشتباه ابن خلدون چیست در حالی که ابزارهای تبادل اطلاعات به راحتی فراهم است؟! آیا این یک مغلطه ی تاریخی نیست که راویان و مورخان درباره ی عقیده ی مهدویت از منابع غیر مطمئن نقل کرده اند؟!

۳. ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در متون روایی نزد شیعه از بیت الحرام در مکه خواهد بود نه از سرداب که تعدادی از علمای اهل سنت می گویند.

۴. در سخن ابن قیم و دیگران یک حس دشمنی آشکار بر ضد عقیده ی انتظار و افراد مؤمن به آن را ملاحظه می کنیم که یک خطای رفتاری و تأسیس شده بر اشتباهی تاریخی است و نادان شمردن و کاستن از منزلت افراد مؤمن و زخم زبان زدن به آن ها و لقب دادن به آن ها که ننگ بنی آدم هستند و تشبیه آن ها به حیوانات بی زبان به عقیده ی مهدویت معنایش این است که شیعیان، هیولا ـ و غول در عقل آن ها یکسان است؛ زیرا ابن قیم افراد مؤمن از شیعیان را تشبیه کرده به حیوانات بی زبان که امور را تعقل و حقایق را درک نمی‌کنند و این اهانت روانی همان طور که گفتیم نشأت گرفته از یک مغلطه ی تاریخی است و منبعی در این عقیده برای مؤمنان وجود ندارد که بر این ادعاها تأکید کند، یک عالم بزرگ همچون – ابن قیم جوزیه – می توانست در این اشتباه گرفتار نشود و به خودش زحمت تحقیق درباره ی تفکری را بدهد که آن را از منابع حقیقی اش بنویسد؛ همچنین می توانست به این حادثه ی تاریخی با یک روش واقعی بپردازد و در آن از توهین به دیگران پرهیز کند؛ اما در اسارت روش شیوه ای اشتباهی قرار گرفت که در آن زمان طرفدار داشت و تا امروز در پرداختن به عقاید دیگران ادامه دارد؛ همچنان برخی از علمای اهل سنت درباره ی عقاید مهم دیگران از منابع دشمنانه ی دیگران می نویسند.

این اشتباه تاریخی در ابن قیم جوزیه، او را وادار کرده است با برخی حالات عصبی به گروه افراد منتظر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن زمان برچسب بچسباند که احساس محرومیت و رانده شدن ناشی از طولانی بودن انتظار مردم از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناشی از محرومیت و رانده شدن آن ها از دیدار مستقیم اوست و از چیزهایی که در آن شکی وجود ندارد این است که آن موضع گیری روانی رایج موجب اندوه در شخصیت شیعیان منتظر شده است که تا امروز همچنان آن را تحمل می‌کنند و آن ها نه از این تفکر دست برداشته اند و نه ظهور امام محقق شده است و این منجر به از هم گسستگی به صورت دائمی شده است به خصوص هنگام رخدادن سختی ها.

طبیعی است که تفسیرهای اشتباه شکل بگیرند هنگامی که خود زمینه ها نیز اشتباه باشند و تا وقتی شیوه ی تاریخی روان شناختی ای که دشمنانِ تفکرِ انتظار آن را در پیش گرفته اند از قواعد بحث راهبردی بسیار دور باشد در این صورت توقع این است که پشت سر خود ابر متراکمی از روان شناختی منفی بر جای بگذارند و این به سهم خود مانع از دیدگاه آشکاری درباره ی عقل می شود؛ زیرا خود روش تحقیق موجب تناقض حتی در عقلانیت علمای بزرگی همچون ابن قیم و ابن خلدون و دیگران شده است، بلکه برخی از محققان نتوانسته اند به عقیده ی انتظار یا دیگر عقاید دیگران بپردازند مگر با به کارگیری تحریک منفعلانه ی شدید که خالی از کوتاه نظری، سرباز کردن کینه و اصالت به ارزش های شکست خورده و مبتنی بر خودخواهی، دشمنی، ناتوانی و ترس از مواجهه با حقیقت یا بی علاقگی از تحقیق درباره‌ی آن از منابع خود و سرگردانی در شناخت حق و باطل نیست.

و این عقیده ی دینی را دو گروه مورد نقد قرار داده اند که یک گروه بدتر از

دیگری بوده است.

گروه اول فقط به نقد جنبه ی منفی آن اکتفا کرده اند و امور منفی برخی از افراد مؤمن به عقیده ی مهدویت را برجسته کرده انـد. این امور منفی ناشـی از فهم منفی بوده است؛ زیرا عـده ای از مسـلمانان معنای انتظار را زشت کرده انـد و گمان می کنند انتظار دست کشیـدن از کار، جهاد و مقاومت بر ضد فساد و ظلم است؛ چرا که مسـئولیت آن جهاد وابسـته به امام مهدی عجل الله تعـالی فرجه الشـریف است. به همین علت از تلاـش و تغییر که موجب سـرنوشتی بهتر برای آینـده ی جامعه ی اسـلامی می شود دست کشـیده انـد و در نتیجه ی این وضـعیت حالتی از بدبینی به وجود آمده است؛ زیرا چنین افراد بدبینی از مقاومت در برابر دشـمنان حق ضـعیف شده اند و از زمان و اهل آن بدگویی و به دلیل آن چه که بر مسـلمانان واقع می‌شود عزاداری می... کننـد و کاری جز باز داشـتن مردم از کار و توقف فعالیت عمل کننـدگان به مفهوم انتظار و انتقاد همیشـگی از عملکرد آن ها نمی تواننـد انجام دهنـد و این مفهوم را رواج دادنـد و گویا ماده ای مخـدر است که مردم را از انجام فعالیت باز می دارد و هر کس از آن ها به درون خودش فرو می رود و تسلیم اوضاع می شود.

این گروه از گذشـتگان حق دارند در تصـحیح و اصـلاح فهمِ مردم از انتظار سـهیم باشـند حتی اگر روش های تفکر آن ها در نقـد فهم منفی انتظار با افراد مؤمن به آن متفاوت باشـد؛ چرا که در این میان در پذیرش اسـلامی بودن عقیده ی مهدویت علیه السلام و اصالت آن اتفاق نظر وجود دارد.

امـا گروه دوم عقیـده ی مهـدویت را از اسـاس انکار کرده انـد و آن افراد منکر، عقایـد و نظرات افراد مؤمن به انتظار را نادانی دانسـته انـد، بلکه صاحبـان این رویکرد تلاـش نموده انـد تعامل عموم مردم با این عقیـده را از طریق انگیزه های روان شناسـی بیمارگونه تفسیر کنند آن گونه که در ورای هر رفتارِ شخصیتِ

منتظر نهفته است و این انگیزه ها بر او تأثیر منفی می گذارنـد. افراد منکر تفکر مهدویت را به انگیزه های روان شناسـی عصبی نسـبت می دهنـد، بـه عنـوان مثـال ایـن تفکر یـک خرافـه اسـت کـه افراد مظلـوم برای دلگرمی خودشـان درسـت کرده انـد و جایگزینی، برای چیزی است که از آن رنج می برند؛ یعنی محرومیت و گرفتاری تا اینکه روان شان از نگرانی سـبک شود و از فشـار آن بر روان خـود جلوگیری کننـد، یـا این که چنین چیزی یـک تفکری است که افراد ظـالم آن را در عقـل افراد محروم تقویت کردند تا به آن ها دلداری و آرامش دهند و تسلی آن ها در مصیبت های شان باشد و به این صورت چنین عقیده‌ای – روانی است و نه عقیـدتی –دلیلی بر اندوهگین بودن فرد مسـلمان و گرفتاری اوست و بدبینی او به دلیل آگاهی از آینده بیشتر از نگاه واقع بینانه است. ما نمونه هایی از این تفسیرها را در ادامه خواهیم دید؛ زیرا این بحث به دلیل مواجه شدن با روش های تحلیل روانی در نقد نظریه ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با همان روش است.

پیش به سوی شیوه ی موضوعی در بررسی مسئله ی مهدویت:

نقـد تفکر مهدویت مبتنی بر اساس عکس العمل خشـنی است که با شـیوه ی موضوعی در بررسـی افکار و عقاید همراهی نمی کنـد؛ زیرا منتقـدان برچسب هـایی به این عقیـده زده انـد که خالی از انفعال شدیـد نیست این که «بی پایه، خرافات، افسانه ای یهودی و سیاسی، تروریستی» است.(۱) آنان از همه ی علمای مسلمان درخواست کرده اند به این مسئله به طور نهایی و با شیوه ی غیر علمی پایان دهند همان گونه که این مورد را در برخی از تألیفاتی ملاحظه می کنیم که به ضعیف

۱- کسـی به خاطر ایمان داشتن به عقیده ی مهدویت نیازی به عمل تروریستی ندارد چه بسیار شکل های آن در افراد منکر آن وجود دارد.

توصیف کردن احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون دلیل های علمی اکتفا کرده اند ونیز به این که آن ها جعلی و سندها نیز دروغ است و بیانات شان از بیان اهل غلو و اغراق و بی مذهب هاست. آنها به این صورت آن ها خودشان را با طرح دلایل قانع کننده ی صحیح برای تأیید دیدگاه شان به زحمت نمی اندازند.(۱)

در تحریک انفعالی و غیر طبیعی وجود حالت های سوء استفاده ی بد از عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن ها کمک کرده است که -به خواننده – تلقین کنند این تفکر در حقیقت خود، اسلامی نیست و از نظر دینی و تاریخی به دلیل چیزی که از افراد دروغین و سوء استفاده کننده صادر گشته محکوم شده است؛ یعنی ظلم کردن های بد(۲) و اصرار برخی از علمای حدیث اهل سنت در به رسمیت نشناختن وجود حدیث در این باره.

یکی از علما سؤال می کند آیا سوء استفاده ی بد از هر تفکری می تواند دلیلی بر اشتباه و منحرف بودن آن و اسلامی نبودن آن باشد؟ اگر این مورد آن گونه که برخی از نویسندگان می خواهند القا کنند صحیح باشد آیا می توانیم بسیاری از ارزش ها و مفاهیم اسلامی را نابود کنیم در حالی که برخی از ظالمان و منحرفان در زمان حاضر و آینده برای توجیه ظلم خود و انحراف شان که ناشی از بی اطلاعی مسلمانان از معانی عمیق این ارزش هاست مورد سوء استفاده قرار می دهند. (۳)

به علت خاطر یکی از علما به شیوه ی اسلامی در بررسی تفکر امام مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت کرده است و می گوید: ما معتقدیم یکی از مصادیق اخلاص

۱- رک به کتاب لا مهدی منتظر بعد الرسول خیر البشر، ص ۳۹-۵۲.

۲- مجله ی الامان، شماره ۴۲، رساله ی جبهان.

۳- مجله ی الامان، شماره ی ۵۱، رساله ی فضل الله.

برای اسلام و مسلمانان این است که به دنبال قواعد شیوه ای برویم که گذشتگان درستکار از علمای بزرگوار آن را پذیرفته اند به علاوه شیوه ای تحلیلی در نقد تاریخ و متون بیابیم تا اینکه ما از آن طریق شیوه ی علمی کامل و جدیدی در شناخت حقایق اسلامی پیدا کنیم و وقتی یک عقیده محتوی احادیث نبوی باشد می توان طبیعت صادره ی حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی کرد که آیا از او صادر شده است یا خیر؟ و این حدیث در چه شرایطی بیان شده است تا فضای صدور و طبیعت آن را بشناسیم؛ سپس طبیعت محتوا را بررسی کنیم تا از مطابقت آن با کتاب خداوند و حقایق عمومی اسلامی ثابت شده به طور قطعی و یقینی مطمئن شویم و وقتی در سند یا متن، نقصی پیدا کردیم که متقدمین درباره ی صادر شدن از آن تعبیر می‌کنند می توانیم حدیث را کنار بگذاریم تا آن تفکر را از این طریق کنار بگذاریم.

اما اگر در آن و در هیچ جنبه ای از جوانب آن هیچ نقصی پیدا نکردیم باید آن را قبول کنیم، اگر دارای متضادی در سطح خودش یا بالاتر از خودش نباشد ..و علمای قدیمی و جدیدتر ها اقدام به بررسی جعل و جاعلان کرده اند و در این باره به اقناع های وجدانی یا اجتهادی رسیده اند، می توانیم آن را در هر چیزی که در آن اختلاف داریم مانند مسائل فکری، عقایدی و شرعی پیش روی خود قرار دهیم تا بتوان دیدگاه صحیح و بین دیدگاه منحرف بر اساس قواعد علمی اسلامی تفکیک قائل شد.

گاهی می توانیم برای خودمان یا دیگران ادعا کنیم که این رویکرد در نقد متون میراث اسلامی می تواند در مواجه شدن با اختلافات مذهبی مان به ما آرامش فکری و روانی بدهد و تفاوتی ندارد هر چیزی از آن، متعلق به جنبه ی دیدگاهی مفاهیم باشد یا جنبه ی عملی تشریع، و فضا اجازه ی اتهامات بی مسؤلانه و

تشنج های نامعقول یا انفعالات خودخواهی را نمی‌دهد که کینه و دشمنی و تعصب کورکورانه آن را تحریک می کند. به این ترتیب به تنهایی می توانیم دست کاری دروغ گویان و سوء استفاده ی سوء استفاده کنندگان را کشف کنیم، چیزی که راه را بر هر کسی که می خواهد با عقاید مردم و مقدسات آن ها بازی کند می‌بندد تا راهی دیگر برای رسیدن به طمع های خود پیدا کند.(۱)

متن با واقعیت گفت وگو می کند:

ما معتقدیم که شناختن برخی از ابعاد روانی که مسئله ی انتظار را در خود دارد فقط مشخص کردن موضع گیری نظری اسلام در برابر روان انسانی نیست، بلکه این دلیل دیگری بر قدرت متون اسلامی در گفت وگو کردن با واقعیت و رشد دادن آن است و تغییر می دهد اگر دچار اضطراب و انحراف از حق شده باشد آن را تغییر می‌دهد. اگر رشد یافته باشد و به هدایت قرآن و سنت پایبند باشد پایه های آن را قوی و آن را تثبیت می کند؛ پس متون انتظار همان است که باعث می شود بین گروه های مؤمن و این مفهوم که قلب افراد آن را به خود مشغول کرده است و مغز تفکر آن ها را گرفته است تعامل برقرار شود.

متن چیزی است که ناامیدی را از نفس برطرف می کند هنگامی که با زور و فشار و تجربه های ناکام مواجه می شود و چیزی است که به آن ثبات و قدرت مواجه شدن با سختی را می دهد به گونه ای که آن ناکامی های طاقت فرسا را به آرزوها و بشارت ها تبدیل می کند و این متن چیزی است که نفس را به توقع داشتن خوبی ها و آمادگی برای رفتار مستقیم بالا می برد و چیزی است که توجه فرد «منتظر» را به دغدغه ی اول او متمرکز می کند و انتظار امام یک واقعیت زنده

۱- مجله ی الامان، ص ۳۲-۳۳، شماره ۵۱، مقاله ی علامه فضل الله.

و هیجان انگیز در خاطره ی او خواهد بود و بیعت با او تا لحظه ای که در آن می میرد باقی خواهد ماند و در آن دچار بازگشت نمی شود حتی اگر دردها بر او سنگینی کند و مشکلات و سختی های زندگی برای او شدید شود.

همچنین متن حماسه را در روان افراد منتظر تحریک می‌کند، ایمان در برطرف شدن ظلم از دوش بشریت زجر کشیده و دارای ایمان به روز موعود را عمیق می‌کند، حتی اگر همه ی عالم را فرا گرفته باشد و در خون افراد مؤمن حالتی از اطمینان به تحقق اصل عدالت جاری می کند و روح او را بالا می برد و قدرت خود را در نابودی هیبت واقعیت فاسد و سیطره یافته بر زندگی ما احساس می‌کند همان گونه که این متن ما را با روش های گوناگون به سوی روند خالی کردن پاکیزه از محتوای انفعالی منفی مختلف راهنمایی می‌کند و نفس را برای استقبال از عناصر انفعالی مثبت آماده می‌کند.

این گونه است که می بینیم قدرت متون اسلامی در مواجهه با «واقعیت» انسانی و تعامل با آن فقط یک شناخت در چارچوب نظری اسلام نیست، بلکه توجه به سوی اجرای نظریه ی اسلامی در بررسی رفتار و تربیت اراده ی نفس و تغییر عناصر فاسد در آن است تا صاحب آن بنده ای درستکار و فعال در زندگی باشد.

همچنین ملاحظه می شود که متن در کنار واقعیت است نه در کنار گروه کوچک بی هدفی که گاهی از پدیده ی روانیِ مطالعه شده تعبیر می‌کنند یا تعبیر نمی‌کنند و متن اسلامی به روش گفت وگو کردن با مجموعه ای از بشریت بزرگ که مقدار آن میلیون ها نفر و شاید بیشتر است توجه دارد و احساسات مشترک آن ها را بررسی می‌کند و ایمان که باعث برداشته شدن ظلم و زور از بشریت زجر کشیده است یک احساس روانی مشترک است که – به طور فطری- در درون هر نفس مسلمان یا غیر مسلمان، مرد یا زن، مستکبر یا مستضعف، ظالم یا

مظلوم نهفته است و به همین علت متن بـا یـک چنین حجم انسـانی بزرگ دربـاره ی مشـکلات و مسائل آن ها گفت وگو می کند و این گفت وگویی است که از پدیده ی مطالعه شده تعبیر می کند.

در سـایه ی آن، تشـخیص مشـکلات روانی یـا پیش بینی ابعاد مثبت در روان، یابـد توسط متن دقیق و در گفت وگو با واقعیت روانی و اجتمـاعی بشـریت صـادق باشـد به خصوص در محیط های گروه های منتظر امام علیه السـلام در شـرق و غرب زمین؛ متون اسلامی فقط به تشخیص اکتفا نمی کند بلکه درمان واقعی پیشنهاد می کند و عمیقاً تلاش می کند از نیروی عناصر مثبت – جدید یا قبلی – در حرکت روان و کنترل آن بر ارزش ها و معیارهای عبادی که شرع اسلامی تعریف کرده محافظت کند.

این گفتوگـویی که متـون اسـلامی آن را بـا واقعیت روانی و اجتمـاعی انسـان گره می زننـد بخش اساسـی در تعامـل شـیوه ی اسلامی با مسائل و مشکلات انسانی ما خواهد بود.

شیوه ی درمان رفتاری توسط نقطه ی متضاد:

شیوه ی درمان رفتاری توسط نقطه ی متضاد(۱):

متون اسـلامی درپی درمـان مشـکلات روانی انسـانی و بیمـاری های آن نمی‌رود به هر شـکلی که باشـد، بلکه حرص دارد که روش درمانی به وسیله ی نقطه ی متضاد روش آن در تحقیق مشـکلات این واقعیت باشد به خصوص که واقعیت روانی انسان مسـلمان در دوره ی غیبت کبری نیـاز به در پیش گرفتن این روش واقعی دارد. همان گونه که قبلاً دیـدیم متن با واقعیت ناامید شده‌ی در زندگی

۱- ما در یک بررسی مستقل آثار این شیوه را در درمان رفتار عصبی بحث کرده ایم.

بشریت گفت وگو می کنـد تا بشارت و آرزوها را ایجاد کند و تلاش می کند ظلم را برطرف کرده تا عدالت تثبیت شود هیبت و ترس را از روان مستضعفان نابود کنـد تا برتری طلبی بر مستکبران جایگزین آن شود، سرگشتگی، تردیـد و شک را از بین ببرد تـا اعتمـاد و آرامش و یقین را در قلب هـا بکـارد و همین طور می بینیم که متن در گفت وگو بـا واقعیت روانی – و بلکه اجتماعی و سیاسـی – از ساختار درمان به وسـیله ی نقطه ی متضاد استفاده می کند و بیماری های رفتار اجتماعی را با نقطه ی متضاد آن یعنی فضیلت های رفتار عبادی سالم درمان می کند.

روش متـن در رویـارویی بـا واقعیـت و درمـان مسائـل و مشـکلات آن محـدود به افراد نیست، بلکه روش عمـومی آن در تغییر جوامع است و اصل این مطلب که از میان افراد شـروع می کنـد به اعتبار این است که پایگاه، امت ها هسـتند و در نفس افراد با روش نقطه ی متضـاد تغییر ایجاد می کنـد تا زمینه سازی برای ایجاد تغییر یا اصـلاح ریشه ای و فراگیر در ترکیب روان شناسـی گروه های جامعه ی مسلمان باشد.

مـا معتقـدیم که فرد مسـلمان در دوره ی غیبت کبری نیـاز به این روش دارد؛ به خصوص بعـد از افزایش مشـکلات عقیـدتی و رفتاری در جامعه ای که منبع نگرانی شـده است و امنیت فرد مسـلمان را تهدیـد می کنـد و گفت وگو بین متن و واقعیت نتیجه بخش نیست مگر زمانی که متن بتواند واقعیت را گردآوری و مشـکلات آن را مشخص کند و با درمان های واقعی خود دیوار تاریکی را بشـکند و راه حل هایی پیشـنهاد کنـد تا کیفیت سالم را برای او محقق کرده و معیارهای رفتاری را دگرگون کنـد و آن را در رویکرد عبادی مورد تأکید در متون شارع اسلام اصلاح نماید.

رویکردهای شیوه ای در بررسی عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

اشاره

بررسی این مسئله از طریق سه رویکرد انجام شده که هر کدام از آن ها به دیگری متصل است:

اول: شیوه ی نقلی [روایی]:

شیوه ی نقلی یک شیوه ی اساسی در تحقیق و بررسی عقیده ی انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شود که مهم ترین محور در بررسی ما از این عقیده است؛ زیرا امت به واسطه ی آن از کتاب های حجیمی درباره ی متون محافظت کرده است و حافظان و راویان صدها حدیث را نقل کرده اند که حاوی شرح وسیعی از عقیده ی مهدویت است و نشانه های آن را به صورت آشکار مشخص کرده اند به همین علت آن حافظان تعداد زیادی تألیفات نگاشته اند تا دیدگاه اسلام را درباره ی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای نسل های بعد نقل کنند. این متون شامل مشخص کردن دقیق اوصاف شخصیتی مختلف مهدی و نشانه های قبل از ظهور است، همان گونه که نقشه ی حوادث قبل از حرکت ظهور و بعد از آن را توضیح داده است؛ به خصوص حرکت نظامی و سیاسی او و ویژگی های لشکر او ...لشکر خشم و امکانات آن و روش های آن ها در ویران کردن دژهای ظالمان؛ همچنین آینده ی درخشان جامعه ی اسلامی در دوره ی او و همه ی اصلاحات عمومی در آن برای تحقق عدالت، فراوانی ثروت و دور کردن طغیان گران و مستکبران از قدرت حکومت و تدبیر امور دولت اسلامی جهانی مورد آرزو و ساختار اداری عمومی را مشخص کرده اند.(۱)

۱- ان شاء الله تعالی تلاش خواهیم کرد بحث خود درباره ی دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ساختار اداری عمومی آن را تکمیل کنیم.

همان گونه که هر محور دیگری به این عقیده در جنبه ی تاریخی یا اجتماعی آن می‌پردازد مرتبط با شیوه ی نقلی است و متون ظرفی هستند که به فرد مسلمان مفاهیمی ارائه می کنند که می تواند یک دیدگاه تحلیلی درباره ی موضوع امام مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشد و میراثی که متفکران و علمای مسلمان در این عقیده به جای گذاشته اند برگرفته از این متون است. به همین دلیل هنگامی که بعضی ها به عقیده ی مهدویت یورش می‌برند درخواست می کنند همین متون ساقط و تضعیف شود تا کار تمام گردد (۱)و خیال او با از بین بردن این بشارت از عقل مردم راحت شود؛ زیرا او می داند که معنای بقای این متون اسلامی بقای تأثیر روانی، عقیدتی و دینی آن در حرکت فرد مسلمان است و خدا را شکر می کنیم که این درخواست بازتاب مؤثری در امت نداشته است.

از این‌رو تاریخ بشارت ها و همه ی اصلاحات عمومی مورد توقع در دوره ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نشانه های قوت و ضعف در واقعیت روانی فرد مسلمان در طول دوره ی غیبت کبری از روی بیکاری ننوشته است بلکه برگرفته از فضاهای آن و منابع معتبر آن یعنی آیات قرآن کریم(۲) یا احادیث سنت است به عنوان مثال فکر ایجاد دولت جهانی حکومت کننده با اسلام در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برگرفته از روایت های نقل شده و متعدد است که بر قطعی بودن انتشار دوباره ی اسلام و بازگشت قدرتمندانه به حرکت زندگی و رهایی، همان گونه که در آغاز اول خود بود تأکید می کند. همانند حدیث مشهور بازگشت غریبان و مثل برخی از متون همچون سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «یخرج رجل من أهل بیتی و یعمل بسنتی، و ینزل الله البرکه

۱- لا مهدی منتظر، ص ۳۹-۵۲.

۲- رک به کتاب المحجه فیما نزل فی القائم الحجه، سید هاشم بحرانی؛ و همچنین به کتاب المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فی القرآن، سید صادق حسینی؛ همچنین به معجم احادیث المهدی، ج ۵.

من السماء؛ مردی از اهل بیت من قیام می‌نماید و به سنت من عمل می کند و خداوند برکت را از آسمان نازل می کند.» (۱)و «الذی نفسی بیده لیعودنَّ الأمر کما بدأ لیعودنَّ کل إیمان إلی المدینه کما بدأ منها؛ سوگند به کسی که جانم در دست اوست این مسئله به حالت اول خود بازخواهد گشت و هر ایمانی به مدینه باز خواهد گشت همان گونه که از آن جا شروع شد.»(۲) همان طور که احادیثی درباره ی دولت کریمه وجود و ما در گوشه و کنار به آن اشاره کردیم.

دوم: شیوه ی تاریخی:

محققان مسلمان در آن شیوه بر روش بیان تاریخی حوادث مربوط به این عقیده تکیه کرده اند؛ همچون غیبت صغری و تحولاتی که تا آغاز غیبت کبری و قبل از نیمه ی قرن چهارم هجری با آن همراه بوده است و ایمان به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عقیده ای است که دارای جنبه ی تاریخی تأثیرگذاری در نفس هاست. این عقیده بعد از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تبدیل به یک واقعیت تاریخی شده است، که درباره ی آن بحث و مجادله رونق گرفته است و در مورد آن حوادث و وقایعی رخ داده است که مورخان در منابع فرهنگی و تاریخی خود آن را نگاشته اند.

این روش شیوه ای همچون ظرفی فرهنگی باقی مانده است که بین عقیده داشتن به مهدی و گروه های منتظر در طول دوره های متوالی زمان. ارتباط برقرار می کند با این که خطوط این روش بر شیوه ی نقلی بنا شده است؛ مانند زمینه سازی که ائمه ی سه گانه برای و آماده کردن نفس ها و عقل ها برای غیبت صغری انجام دادند.(۳)

۱- عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۲۹.

۲- عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۳۹.

۳- سید محمد باقر صدر، بحث حول المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۶؛ همچنین بررسی استاد عادل ادیب درباره ی ائمه ی دوازده گانه «حیاه الامامین الهادی و الحسن العسکری علیهم السلام.»

به نظر می رسد بیان تاریخی تأثیر مهمی در ذهن های مردم برجای گذاشته است تا آن جا که علاوه بر متون به رسوخ این تفکر و دفاع از آن و تقویت حرارت آن در مردم مسلمان کمک کرده است. به همین دلیل می توان گفت که شیوه ی بیان تاریخی هرگز خالی از تأثیر روانی نبوده است و وقایع تاریخی که مربوط به این عقیده است مملو از موضع گیری های احساسی است، همانند تعامل مردم و رهبر منتظر و پیش کش کردن ولایت خود به او در حالی که خودشان قادر به رسیدگی به خود هستند.

سوم: شیوه ی سیاسی – اجتماعی:

عقیده ی انتظار امام و پیایگاه تایید کننده ی او همیشه در جامعه ی مؤمنین و در حرکت پیشرفت اجتماعی و سیاسی آن ها و به طور مشخص در میان توده های مردمی تأثیرگذار بوده است و از این عقیده گروه های مخالف سیاسی شکل گرفته و در برخی اوقات درگیری های خونینی را بر این گروه ها تحمیل کرده است.

همان گونه متونی که به عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته اند حاوی دعوت صریحی به قیام برای دولت اسلامی هستند که زمینه ساز حکومت او در دوره ی غیبت کبری می‌باشند و این هدف را محقق نمی کنند مگر با مقاومت در برابر دشمنان حق و رویکردهای منحرف آن ها نه فقط برای نابودی باطل بلکه برای شکل دهی افکار عمومی پخته [کامل] در درون جامعه ی مسلمان که با عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همراهی کنند؛ به همین علت بهترین مثال برای رویکرد اجتماعی و سیاسی در نوشته های محققان مسلمان توجه داشتن آن ها در دعوت به تشکیل دولت اسلامی در طول همین دوره برای مقاومت در برابر فساد اخلاقی و انحرافات آن و حل مشکلات اجتماعی در زندگی فرد مسلمان در طول دوره ی غیبت است، همانند توجه داشتن به واقعیت گرسنگی، فقر، بیسوادی، به هم

ریختگی روابط اجتماعی و بازسازی جامعه با درک و رفتار عبادی است.

همان طور که وقایع تاریخی که شیوه ی بیان تاریخی به آن پرداخته است تأثیر مهمی در نفوس بر جای گذاشت روش تحلیل اجتماعی- سیاسی پدیده های عمومی، حاوی اشاره های گوناگون دیگری به بعضی ابعاد روانی است؛ مثل مفهوم تقیه و محتوای روانی آن، و مفهوم جهاد و تأثیر سیاسی و روانی آن.

و از چیزهایی که در آن شک وجود ندارد این است که دو روش بیان تاریخی و تحلیل اجتماعی حوادث همان طور که گفتیم برگرفته از روح متون اسلامی و نیز برگرفته از وقایع تاریخی است و این دو مورد به محقق مسلمان قدرت خوبی در ایجاد درک جامع و کامل نسبت به عقیده ی انتظار می دهند که تأثیری بزرگ در مشخص کردن ابعاد روانی این عقیده دارد.

هر دو شیوه با این که از شیوه ی نقلی تأثیر پذیرفته اند اما قادر به بررسی کارآمدی این عقیده بدون دیگری نیستند به همین علت بسیار ضروری می دانیم که محققان برای فهم عقیده ی انتظار و منبع دلالت های روانی آن، هر دو روش را با هم جمع کنند و در عمل بعضی از محققان مسلمان معاصر تلاش کرده اند دو رویکرد را با هم ممزوج کنند؛ زیرا تلاش برای فهم جنبه های عقیده ی انتظار با تکیه بر یکی از آن ها بدون آن دیگری بیهوده است و تحلیل روانی، اجتماعی و استنباط ابعاد روانی انتظار از یک طرف متکی بر اساس دینی خود و از طرف دیگر متکی بر واقعیت تاریخی خود است و تمام این ابعاد الهام گرفته از این و آن است و بسیاری از انگیزه های روانی رفتار افراد منتظر از متن دینی و واقعیت تفکر تاریخی مهدویت، الهام گرفته شده است.

منکران و تأیید کنندگان چنین عقیده ای از این متون و از واقعیت تاریخی آن بی نیاز نبوده اند، به عنوان مثال نفس افراد منکر مایل است حالت های سوء

استفاده ی بد از این تفکر را در راه ایجاد رویکردی که آن را محکوم کند، به کار گیرد تا درجه ای که برخی از آن ها به تضعیف متون اسلامی مخصوص به این تفکر پناه برده اند.(۱) و برخی دیگر از آن ها از متون دینی این تفکر و واقعیت تاریخی آن هیچ بهره ای به دست نیاورده اند و نظریه ای اشتباه تصور کرده اند. که از آن، انگیزه های روانی منفی متضاد برای خالی کردن روان شناسی امت از آثار عقیده ی مهدویت طراحی کرده‌اند.

و به این ترتیب ریشه ی دینی، تاریخی و روانی این تفکر با متن اسلامی چه در تأیید یا رد آن، یا در هر دو حالت مرتبط است و این متن مهم ترین منبع تحلیل محتوای این بحث و درمان آن به مقدار ممکن است.

چهارم: شیوه ی روانی در عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

با این که رویکردهای سه گانه در بررسی عقیده ی مهدویت اهمیت دارد و بررسی های محققان مسلمان درباره ی این مسئله از طریق این رویکردها متمرکز شده است، اما واضح است که تحلیل روانی به پدیده ی انتظار و کشف عناصر و ابعاد روحی آن نپرداخته است، به عبارت دیگر این جنبه هنوز بهره ی خود را از تحقیقات آن علما نبرده است به شکلی که متناسب با حجم روان شناسی این عقیده ی دینی راسخ باشد.

همان طور که رویکردهای قبلی – تاریخی و تحلیل اجتماعی – در شرح این عقیده و تأیید آن یا دشمنی با آن متکی بر متون اسلامی است در این صورت

۱- رک به مقدمه ی ابن خلدون (فصل فاطمی)؛ همچنین کتاب «لا مهدی منتظر بعد الرسول خیر البشر.» و ابو العباس عبد المومن مغربی به ابن خلدون در کتاب الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون پاسخ داده است؛ اما شیخ عبد الله بن زاید آل محمود رئیس محکمه ها و امور دینی در دولت قطر را محقق سعودی شیخ عبد المحسن العباد پاسخ داده است؛ رک به مجله ی الجامعه الاسلامیه بالمدینه المنوره [شماره های ۳, ۴۵, ۴۶].

شیوه ی تحلیل روانی که ما به آن دعوت می‌کنیم متمرکز بر متون و مضمون آن به عنوان سرشاخه ی تفکر اسلامی است و فرد محقق محتوای تحقیق خود درباره ی امور منفی افراد منتظر و امور مثبت انتظار را از محتوای این متون برداشت می کند؛ همان گونه که آن را در مطالعه ی واقعیت روانی شکست خورده ی فرد مسلمان توضیح دادیم و آن را در فصل بعدی توضیح خواهیم داد.(۱)

با این حال این متون منبع اصلی این شیوه است؛ زیرا روش بیان تاریخی حوادث آخرین منبع تحلیل روانی – اجتماعی خواهد بود و بدون آن دو، فرد محقق نمی تواند معانی و ابعاد روانی عقیده ی انتظار را تعریف کند. به همین علت تلاش کردیم از متون شارع اسلامی سخنی در شناخت این ابعاد و نظم دادن به آن و جمع آن در یک واحد، معرفتی کامل به دست آوریم.

اهمیت شیوه ی روانی در بررسی انتظار:

بحث درباره ی ابعاد روانی عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل توجیحات ذیل یک بحث حیاتی:

۱ . کوتاهی کردن در بحث، درباره ی این مسئله از زاویه ی روانی آن و از طرف محققان مسلمان جز اشاره های کوتاه و گذرا در ضمن بررسی ها و بحث هایی که بر جنبه های دیگر متمرکز بوده است و ما تمرکزی که تا حدودی برتر باشد ندیدیم، مگر در برخی بررسی های تحلیلی متمایز همچون بررسی شهید سید صدر [رضوان الله علیه] در بحث خود درباره ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف(۲)؛ این یعنی

۱- به زودی ابعاد بیشتری از روان شناسی عقیده ی انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در فصل پنجم که آخرین فصل از بررسی هایی است که در پیش روی شماست بحث خواهیم کرد.
۲- رک به بحث ارزشمند او (بحثی در مورد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف).

طبیعتِ موضوعِ انتظار، نیازمنـد توجه به ابعاد روانی آن است و گاهی برخی محققان به علت طبیعت روانیِ موضوع، مجبور می شوند — در این جا و آن جا — به بعضـی ابعاد آن از این زوایه اشاره کنند؛ اما این جوشـش محققان و خوانندگان منتظرِ امام را آرام نمی کنـد هر چند نیازمند این اشارات برای ایجاد درک نزد مومنین به ابعاد روانی این عقیده هسـتند به خصوص در زمان ما که در آن بیماری های انسانی در شکل های مختلف انتشار یافته و چالش دشواری برای افراد منتظر محسوب می شود.

۲. متون اسـلامی که دربـاره ی عقیـده ی انتظـار سـخن می‌گویـد مملو از ابعـاد روانی و موضع گیری های رفتاری است؛ مانند بشـارت هـا و تعادل بین ناامیـدی و شـکست خوردگی ها از یک جهت و بین آرزوهای الهام گرفته از این بشارت ها از جهت دیگر؛ همچنین در این متون ابعاد تربیتی می بینیم؛ مثل به مـذکر منسوب کردن دایمی خداونـد، کنترل انفعال ها، متوجه کردن فرد مسلمان به ثواب، عذاب، مفاهیم جهاد، دعا، عقیده ی پیروزی، تسلیم، قدرت مواجه شدن با شکست خوردگی ها و مواجه شدن با حالت های غم و اندوه و ترس، فشارهای ناشـی از احساس از هم پاشـیدگی، خوش بینی نسـبت به برطرف شدن ظلم و تحقق عـدالت، مشـارکت وجـدانی صادقـانه بین رهبری اسـلامی متجسم در امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و گروه هایی که خودشان را تسـلیم رهبری او کرده اند و بر سیاهی موجود در سفیدی تکیه کرده اند؛ یعنی بر متون نوشته شده با مداد سیاه بر روی کاغذهای سفید اعتماد کرده اند.

وقتی این متون پر از ابعـاد روانی مثبت باشـد در این صورت آگـاهی دادن به توده هـای مسـلمان نسـبت به این ابعـاد فقط یک آرزوئی علمی نیست، بلکه مسئولیتی شرعی است که شایسته است علمای ما آن را انجام دهند و بهره مندی

متون از این ویژگی برای استفاده ی شیوه ی روانی در بررسی عقیده ی انتظار و در فهمیدن خصوصیت های روانی ذات فرد منتظر امام کافی است.

۳ . اهمیت این شیوه در قدرت آن بر اصلاح وضعیت روانی و اجتماعی امت و برانگیختن دوباره ی حرکت در شخصیت فرد مسلمان نهفته است و نیاز ما به شناخت ابعاد روانی انتظار مهم است به این دلیل که در هر اقدام برای برانگیختن تمدن در امت ضروری است و نیز این عقیده از ایجاد هرگونه بیماری ها در روان و جلوگیری از آن هشدار داده است و صحیح نیست که فرد منتظر دچار ناامیدی در موضع گیری، یا سرگردانی در تصمیم گیری درباره ی آن گردد، یا دچار شک در کارآمدی آن شود همان گونه که شامل اصولی است که با سنت های الهی در حرکت امت ها و افراد، مخالفت ندارد؛ مانند این که تغییر را از درون نفس آغاز می کند و این که انتظار یک تغییر و عمل صادقانه و استقامت در رفتار است و این ها همگی عناصری است که شادابی و تحرک را در روان فرد مسلمان برمی انگیزد؛ بنابراین شیوه ی روانی، یک سلاح کارآمد در نزدیک کردن مسافت بین فرد مورد انتظار و فرد منتظر برای ساختن اسلامی آینده ی مورد آرزو است.

۴ . همچنین یک سلاح کارآمد در رویارویی با دشمنان و مواجه شدن با تحلیل روانی متضاد با این عقیده است و در حد اطلاعات ما در این موضوع – که خداوند عالم تر است – مخالفان عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متوجه اهمیت استفاده از شیوه ی روانی در دشمنی با این تفکر و نقد آن شده اند، یا این که آن ها حداقل اعتراضات خود بر ضد این تفکر را از خواستگاه روانی انجام دادند و روش دشمنان عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تفسیر آن و تفسیر رفتار مومنین در برابر آن، یک تفسیر روانی است و ریشه های این عقیده را به احساسات روان شناختی عصبی برگردانده اند و این جریان با هدف از بین بردن آن عقیده در روان، ایجاد

تغییرِ متضاد است که منجر به ایجاد واکنش تنفر از این تفکر و افراد معتقد به آن می شود.

حوادث تاریخی که با این عقیده ی دینی مرتبط بوده، تابع این نوع تفسیر بوده است و از آن جدایی ناپذیر است و یکی از افراد مخالف میزان تأثیرِ روانی منفی عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از طریق حالت های سوء استفاده ی بد در تاریخ اسلام بیان کرده است و با تمام توان تلاش می نماید به خواننده القاء کند که عقیده ی امامِ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر صرفاً یک تفکر بیمار است که در نفس های بعضی مسلمانان که اعصاب شان در زیر فشار احساس ناتوانی رنج کشیده و برای فرار از رویارویی با واقعیت و احساس ستمدیدگی و از هم گسستگی در برخی از آن ها و جایگزین کردن شکست این توده ها در تغییر واقعیت فاسد متولد شده است تا به هم ریختگی ناشی از این فشارها و شکست خوردگی ها را کاهش دهد.

مقابله کنندگان با این تفکر — به خصوص معاصران — اهمیت مفاهیم علم روان شناسی و دستاوردهای آن را درک کرده اند و رفتار «مهدویت» دروغین را تحت تحلیل روان شناسی قرار داده اند و تلاش کرده اند روان شناختی فهم منفی از انتظار را روشن کنند — این در صورتی است که شخص منتقد تفکر مهدویت را انکار نکند — و نتایج تحلیل روان شناسی قطعاً به نفع این عقیده نیست و به نفع منتظرین نیز نخواهد بود؛ زیرا بر اساس واقعیتی اشتباه بنا شده است که به روح این تفکر و معنای صحیح آن ربطی ندارد و تفسیرهای آن ها بر افراد مشخصی از دروغگویان و فرصت طلبان و بدبینان مطابقت داده شد و در هیچ حالتی تحلیل های آن ها نمی تواند عادلانه باشد حتی اگر بر همه ی افرادی که از طریق خواستگاهِ صحیحِ خود انتظار را تجربه می کنند مطابقت داده شود.

به همین علت مسئولیت فرهنگیان مسلمان و پایبند این است که از همین

شیوه استفاده کننـد نه فقـط در رویـارویی بـا تحلیل روانی متضاد، بلکه برای اسـتخراج آن چه این عقیـده در درون خود دارد؛ یعنی ابعاد مثبت تا به آن منتقدان – که برخی از آن ها علاقه مند به حقیقت هستند – توضیح دهد که ایمان به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و عمل انتظار یک تقدیر غیبی خارج از سنت های تعریف شده و یک معجزه نیست که نقش عنصر بشری در تأثیر گذاشـتن روی آن را ملغی کند. و از فهمیدن واقعیت انسانی و پیروی آن از سـنت ها دور نیست، بلکه عملی هماهنگ با قوانین الهی در تـدبیر هستی و جهت دهی به سـرنوشت های جوامع است؛ پس تغییر صـحیح، بدون شـرایط ذاتی و موضوعی آن وجود ندارد و ظهور مورد انتظار که خالی از شرایط سازگار با حرکت تغییر جدید باشد وجود نخواهد داشت.

چه بسـا در حـدی که ما می دانیم بررسـی های روانی مفصل و کامل و متضاد با این تفکر در میان بحث های محکومین وجود نداشـته باشد؛ اما اشاره های پراکنده توسط برخی از نویسـندگان مخالف تلاش می کند از مفاهیم روان شناسی جدید در تأیید ادعاهای خود درباره ی عصبی بودن رفتار در شخصـیت مومنین به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف بهره برداری کنند و این اشـارات که همیشه بین عصبیّت و این عقیـده ربط برقرار می کنـد ناچیز شـمرده نمی شود به خصوص اگر از طرف تأیید کنندگان آن با شیوه ی مشابه یا با پاسخ قوی تر از آن مواجه نشود.

این تحلیـل هـای روان شناسـی متضـاد با عقیـده ی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف می توانـد در ذهنیت عمومی فرد مسـلمان که دور از اصول فرهنگی اسـلام است می تواند اضطراب ایجاد کند؛ آن اصولی که محتوای شخصیت فرد مسلمان را از زمان ظهور رسالت شکل داده است و همچنان قادر به ساختن و بازگرداندن تعادل است و همیشه یک رویکرد روانی متضاد در روان بعضی فرهنگیان ایجاد کرده است، حتی اگر برخی از آن ها متدین باشند؛ زیرا تأثیر گذاشتن آن در نفس های با

ایمانِ ضعیف آسان تر است و همچنین در نفس های بیمار که از اسلام ناخشنود هستند حتی اگر از مسلمانان باشند.

ابراهیم بن سلمان الجبهان – که از علمای ریاض است – رساله ای برای مجله ی الامان لبنان نوشته است که در آن عقیده ی مهدویت را انکار کرده است و عقل مومنین به آن را بی خرد دانسته است و این از طریق پرداختن به پیشرفت این عقیده ی تاریخی در زندگی جوامع اسلامی و برجای گذاشتن چیزی است که از نگاه او مصیبت بار است.

و ما – به عنوان نمونه – برای روش بحث غلط در برخی از نویسندگان که خود را به نا آگاهی از منابع اصلی این تفکر می زنند آن را انتخاب کرده ایم. جبهان در رساله ی خود که عنوان آن «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تاریخ اسلامی» است، می گوید:(۱)

تفکر مهدویت از خرافاتی است که به واسطه ی برخی از ویرانگران و کسانی که تظاهر به اسلام می کردند به جوامع اسلامی سرایت کرد. اصل این تفکر را خاخام های یهودی ابداع کردند تا برای خود و پیروان شان توجیه کنند که یک فرد مخلص خواهد آمد و آن ها را از چیزی که در معرض آن هستند یعنی ستمدیدگی نجات می دهد. اولین کسی که لقب مهدی به او اطلاق شد «محمد بن حنفیه» است که مختار بن ابی عبید ثقفی این لقب را بر او اطلاق کرد به گونه ای که ادعا کرد او مهدی است و این که او نمرده است و هرگز نخواهد مرد تا این که زمین را از عدالت پر کند همان طور که از ظلم پر شده است. بعد از کشته شدن مختار، این تفکر باقی ماند و با مرگ او از بین نرفت بلکه برخی از طایفه ها

۱- رک به مجله ی الامان، شماره ۴۲ .

آن را گرفتنـد و کلمه ی «منتظر»را به آن اضافه کردند؛ چنان که نسب مهدی و نام او، مکان وجود او، نشانه های ظهور، تعداد کسـانی را که بـا او بیعت می کننـد و مکـانی را که بـا او در آن جـا بیعت می کننـد. تعریف کردنـد وقتی عباسـیان به خلافت رسـیدند ابو جعفر منصور مناسب دید که از رواج و گسترش داشـتن احادیث مهدی سوء اسـتفاده کند و به پسـرش لقب مهدی داد تا حکومت او را تثبیت کنـد و هاله ای مقدس به او بدهد؛ سـپس اسـماعیلیان از ظلم هایی که بنی اغلب در آن جا مرتکب می شدند سوء اسـتفاده کردند و این تفکر را به شـمال آفریقا انتقال دادند و در سرزمین بربر تفکر مهدویت را رواج داده و آن ها را به انقلاب تشویق کردند و توانستند با رهبری ابو عبد الله شیعه بر کارگزاران بنی عباس غلبه کنند و «عبید الله» را که ملقب به مهـدی بود و ادعا می کرد از فرزنـدان فاطمه است [با این که او در حقیقت در دامن ابن قداح مجوسـی بزرگ شده بود] به رهبری منصوب کنند و از نسل این مهدی خلفای فاطمی به طور پی در پی در مصـر و شـمال آفریقا به حکومت رسـیدند و آن ها برای خودشان ادعای قداست می کردند، چیزی که نسـبت دادن آن جایز نیست مگر فقط به خداوند و هدف اساسـی آن ها محو کردن اسلام و نابودی مسلمانان بود.

بعد از عبد الله مذکور که دولت فاطمی را تأسیس کرد مردی در مغرب مردی ظهور کرد که محمد بن تومرت خوانده می شد، و او نیز ادعا کرد مهـدی منتظر است و دولتی تأسـیس کرد که آن را دولت موحدین نامید و طاغوت های آن در ظلم کردن به بنـدگان و فساد کردن در سـرزمین کوتاهی نمی کردنـد. در انـدلس عبـد الرحمن بن منصور ادعای مهدویت کرد و محمد بن هشام اموی که ادعا کرده بود او مهدی حقیقی است علیه او قیام کرد و جنگید و بر او پیروز شد؛ سپس پیروان خود را به شکل فجیعی به قتل رساند.

این چیزی است که در مغرب رخ داد اما مشرق؛ امویان یک مهدی اختراع کردند و نام آن را سفیانی گذاشتند و این هنگامی بود که احساس کردند زمین زیر پای شان می لرزد؛ سپس در عراق رهبر زنگیان ظهور یافت که ادعا کرد از نسل علی بن ابیطالب است و زمین و زمان را نابود کرد و فقط در یک روز در بصره بیشتر از سیصد هزار مسلمان را به قتل رساند. (۱)

و بعد از رهبر زنگیان قرمطیان ظهور کردند که به رهبر خود لقب مهدی را اطلاق نمودند و آن ها فرقه ای از اسماعیلیان هستند که ادعا کردند متون دارای یک ظاهر و یک باطن است و ظاهر، همان چیزی است که از متن فهمیده می شود و باطن، همان چیزی است که آن ها آن را می فهمند، نه دیگران! باطنیه همان از کسانی بودند که اسلام و مسلمین را به بیشترین شکل تحت فشار قرار دادند. و آن ها با مردم شام جنگیدند و در میانشان قتل فجیعی انجام دادند. هر سال در مسیر رفت یا بازگشت در کمین قافله های حج می نشستند و به گردن آن ها زنجیر می بستند و بعد آن ها را از نسل پدران شان نابود می کردند. همچنان

۱- تصور کنید چگونه جبهان در مشخص کردن تعداد مقتولان شهر بصره ی عراق به دست رهبر زنگیان مبالغه کرده است بدون این که سند تاریخی برای گفته ی خود ارائه کند و کشتن این تعداد زیاد نفرات حتماً نیاز به ابزار قتل وحشتناک و خونریزی مثل بمب اتمی دارد و این در آن زمان غیر ممکن است همان گونه که سلاح شمشیر یا نیزه که ابزار جنگ آن زمان بوده است قادر نیست این تعداد از مردم را فقط در یک روز نابود کند. و این مشخص کردن نیازمند وجود ابزارها و تجهیزات گردآوری آماری پیشرفته ای برای سرشماری این تعداد مقتول است؛ اما مبالغه ی سنتی که آن را ذکر کردیم و آن چه نفس در درون خود دارد یعنی ناخشنودی صاحب خود را وادار به این افسارگسیختگی و سماجت می کند که گمان می کند عقل مردم همانند عقل خرگوش است. ما به طور قطع می فهمیم که رهبر زنگیان مرتکب قتل های فجیعی برای رسیدن به اهداف خود شده است اما سخت است تصور کنیم ابزار جنگ سنتی که در دست او بوده است او را قادر به این امرکرده باشد که فقط در یک روز تعدادی از مردم را نابود کند و خون شان را بریزد که بیشتر از نصف ساکنان بحرین در پایان هزاره ی دوم است [نویسنده].

که از سال [۲۸۰ ه .ق]تا سال [۳۱۷ ق] این مـذهب شان بود به گونه ای که در موسم حج مکه را سیاهپوش کردند و حجاج و اهـل مکـه را بـه شـکل فجیعی بـه قتـل رساندنـد و هرآن چـه را کـه دست شـان به آن رسـید غـارت کردنـد و هر چیزی را که نتوانسـتند با خود ببرند آتش زدند. رهبرشان در حالی که مست و سوار بر اسب خود بود به صحن طواف خانه خدا رفت و می گفت:

«أنا بالله و بالله أنا

یخلق الخلق و أفنیهم أنا»

به خدا سوگند به خداوند سوگند، پروردگار خدا مردم را می آفریند و من آن ها را نابود می کنم.

بعد از قرمطیان حشاشـیان ظهور کردند. کسانی که به واسـطه ارتکاب حوادث ترور کننده در هر جا وحشت ایجاد کردند و هر فرقه از آن هـا ادعـا می کرد زمین را از عـدالت پر خواهـد کرد همان گونه که از سـتم پر شـده است؛ اما در حقیقت و واقعیت مسئله این بود که فقط زمین را از خون بی گناهان، اشک های داغ دیده گان،یتیمان و ضعیفان پر کردند.

در عصـر جدیـد یک دجال در هنـد ظهور کرد که «میرزا علی محمـد» خوانده می شد و تظاهر به زهد و تقوا می کرد و مدعی [نیابت] بود که مردم از طریق او به امام دسترسـی دارند؛آن گاه در ادعاهای خود پا فراتر گذاشت تا جایی که ادعا کرد مهدی در او حلول کرده است و برای پیروان خود تعلیمـاتی وضع کرد که هـدفش انتشار اباحه گری و حلال کردن تکالیف و اخلاق بود و در حقیقت او (نایب) دجال های بهایی بود تا راه را برای فتنه ی مسیح دجال فراهم کند.

سپس در هند دجال دیگری ظهور کرد که«غلام احمد» نامیده می شد. او نیز ادعا کرد مهدی منتظر است و خداوند در جسم او حلول کرده است «و خدای تعالی از آن چه ظالمان می گوید بسیار متعالی است.» هدف اول و آخر او لغو

جهـاد و حرکت در رکـاب انگلیسـی هـا و مصالحه با آن ها بود. حکومت انگلیس در زمینه مادی و معنوی از او حمایت کرده بود تـا اینکه و پیروانش در زمین فعالیت کننـد و این که توانست افکار خود را انتشار دهـد و به پیروانش کمک کرد و وظایف مهمی را به آن ها واگـذار نمود و مراکز حساس را در اختیار آن ها قرار داد و با امکانات خود وسایل رسانه ای و تبلیغ را برای آنهـا در بسیاری از کشورهـای اسـلامی فراهم کرد به طوری که هـدف امروز آن ها توقف اسـتمرار اسـلام و به وجود آوردن مشکلات بر سر راه دعوت کنندگان اسلام است.

بعـد در سودان مهدی جدیدی ظهور کرد که توانست بر سودان مسـلط شود و اروپائیان را از آن جا بیرون کند و قصد حمله به مصـر را داشت؛ امـا مرگ او فرا رسـید و وقتی جانشـینش اوضاع را در دست گرفت مصـمّم شـد خواسـته ی نفر قبلی را محقق کند؛ اما بریتانیا مانع او شد و با اشغال تمام سودان به رویا های او پایان داد.

قبل از جنگ جهانی در سومالیِ انگلیسـی مهـدی دیگری ظهور کرد و چیزی نگذشت که تبدیل به دست نشانده بریتانیا شد به طوری که او را به خـدمت گرفت و بعد از شـر او خلاص شد تا ایتالیایی ها کار او را تمام کنند و آخرین نفر، نفر آخر نخواهد بـود. بزرگ تریـن جرم قرن بـه دست زنـازاده ای رخ می دهـد کـه ریختن خـون در سـرزمین حرام در مـاه حرام را حلاـل می کند.(۱)

از مطالبی که ذکر شد روش می شود که خرافه ی مهدی منتظر آلودگی هایی را

۱- نویسـنده در این جا به جبهان و گروه او اشاره می‌کند که در کنار نیروهای امنیتی سعودی در بیت الله الحرام بعد از حمله به این خانه ی مقدس درگیری ایجاد کردند و تلویزیون سعودی تصویر آن ها را در کنار رهبرشان «جبهان» پخش کرد. کسی که گفته شده او اعلام کرده است «مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف» است و پیروانش او را تأیید کرده اند.

بر اسلام و مسلمانان وارد کرده است که برای نابودی امت ها و از بین بردن تمام ملت ها کافی است و موجب عقب ماندگی ما برای چندین قرن شده است. عجیب این که همه ی آن ها دجال هایی بوده اند که ادعا می کرده اند از نسل علی بن ابیطالب علیه السلام هستند و واقعیت اثبات کرده است که آن ها دروغگو و دجال هستند و ادعا می‌کنند که بر ظلم یورش می برند؛ اما وقتی پیروز شدند نمونه ی بدترین ضرب المثل ها در ظلم کردن و ارتکاب جرایم شدند و دشمنان خود را به علت ستم کردن سرزنش می کردند؛ اما وقتی حکومت را به دست گرفتند تبدیل به فرعون شدند و زمین را از ستم و طغیان پر کردند و حکومت ها را متهم به فاجعه می کردند اما وقتی به قدرت و حکومت دست یاختند نقاب های شان کنار رفت و حقیقت خود را آشکار کردند و آرزوهای ملت ها را برباد دادند و آن ها را مجبور کردند به دنبال مهدی جدیدی بروند.

مسئولیت بزرگ در همه ی آن چه رخ داد و روی خواهد داد در درجه ی اول فقط بر عهده ی کسانی است که احادیث را جعل کردند و سخنانی را به هم بافتند و به رسول خدا چیزی را نسبت دادند که نگفته بود. به گونه ای که همه ی آن چه از احادیث که درباره ی مهدی وارد شده، باطل است و اساسی از درستی ندارد.(۱)

امید من به پروردگار و بعد به علمای صاحب فضیلت زیاد است که تلاش خود را متمرکز کنند بر پالایش کردن میراث اسلامی ما از آن چه به آن مخلوط

۱- جبهان دلایل خود را در نقد احادیث مهدویت ارائه نکرد و فقط به روش انشا و دور از شیوه ی علمی تکیه کرد و آن چه را «احادیث باطل» می نامد که اساسی از درستی ندارد. به راحتی کوچک شمردن منزلت تعداد زیادی از علمای مسلمانان است که تفکر مهدوی منتظر را پذیرفتند و در تألیفات خود از آن دفاع کردند. دفاعی که شایسته ی تمجید است، همان طور که بیان تاریخی حالت های سوء استفاده از مهدویت توجیهی برای او در این تاختن آسان به صدها حدیث وارد شده در کتاب های اهل سنت درباره ی مهدویت نیست.

شده است؛ یعنی از شبهات و آن چه از آلودگی های دست دروغگویان و دسیسه کنندگان به آن سرایت کرده است و این که آن را جنگی فراگیر بر ضد تعصب و تقلید کورکورانه و بی‌شعوری ذهنی اعلام کنند و خداوند پاداش کسی را که کار نیک انجام دهد تباه نمی کند.

علامه فضل الله به رساله ی قبلی با رساله ی دیگری پاسخ داده و در آن به استفاده از شیوه ی اسلامی و علمی در مطالعه و بررسی تفکر مهدی منتظر دعوت کرده است و خود مجله ی الامان رساله ی فضل الله را منتشر کرده است.

فضل الله در رساله ی خود می گوید:(۱)

هر از چند گاهی اختلافات فکری اسلامی درباره ی بعضی مسائلی که مربوط به جزئیات عقیده یا جزئیات شریعت در حرکت زندگی است برانگیخته می شود که مبنای آن برخی از حوادثی است که خودش را بر صحنه تحمیل می کند یا برخی شرایط طایفه ای یا مذهبی مربوط به این یا آن دیدگاه اسلامی، یا مربوط به این اجتهاد شرعی یا آن یکی. ما عادت کرده ایم که در پرداختن به این امور با روش های متنوعی مواجه شویم؛ مانند روشی که متکی بر تحریک و انفعال است و مبنای آن الفاظ توهین آمیز، ناسزا، اتهام های سریع و حکم های پشت سر هم است، یا روش هایی که تلاش می کند هر مقدار که فضای روانی یا واقعیت به آن اجازه بدهد جعلی باشد و چه بسا در نتیجه ی درگیری با آن از فضای اسلامی خود دور شود و به فضای عاطفی تبدیل گردد. چیزی که گروه های کفر و گمراهی آن را بر می انگیزانند تا از آن در زمین گیر کردن زندگی اسلامی، زشت کردن تصویر حقیقی تفکر اسلامی و ایجاد درگیری های شدید در درون جامعه ی اسلامی سوء استفاده کنند تا بازی طایفه ای که استعمار کافر آن را پیش می برد به

۱- مجله ی الامان، شماره ۵۱.

سلامت عبور کند.

از مسائلی که شاید در این روزها بیشتر از همه تحریک آمیز بوده است مسئله ی «مهدی منتظر» باشد که تبدیل به موضوعی برای جدال بین مسلمانان شده است تا جایی که کتابخانه های اسلامی دربردارنده تعداد زیادی از تألیفات پر حجم شده است که از دیدگاه های گوناگون و با روش های مختلف به این موضوع می پردازند. و همچنان کتاب ها در مورد این موضوع تالیف می‌شوند و هر روز پشت سر هم می آیند.

از اسباب و علل این تحریک حوادث مهمی است که جهان اسلام را می لرزاند و فتنه های کوری است که بر آن سیطره می یابد چیزی که باعث می شود بسیاری از مسلمانان ساده لوح آن را هشداری از نشانه های آخر الزمان به حساب آورند و حدیث درباره ی آن در کتاب های روایی مختلف فراوان است؛ به خصوص آن چه که از دور و نزدیک آن حوادث مشخص برداشت می شود؛ و نیز از اسباب آن حادثه ای که جهان اسلام را لرزاند از طریق جسارت به حرمت مسجد الحرام که خداوند آن را محل امنی برای مردم قرار داده است به طوری که این مسئله – از طریق رسانه های تبلیغاتی – به تفکر مهدی منتظر ارتباط داده شد آن گونه که رهبر این عملیات خودش این ویژگی را ادعا کرد.

این واقعه منجر شد به این که چنین تفکری از اصل با یک عکس العمل انفعالی مواجه شود که متناسب با شیوه ی علمی برای مطالعه ی افکار و عقاید نیست و تصریحات سریعی را ملاحظه کردیم که آن را «خرافه» و «کینه توزی» به حساب می آورند و از علما دعوت می کنند افسانه بودن، خرافی و یهودی بودن آن را اثبات کنند و بدون اینکه هیچ اساس علمی محکمی داشته باشد برای روشی جدید در پرداختن به مسایل اسلامی، مطالعه ی آن و قضاوت درباره ی آن

فضا را باز کند که بر مبنای سوء استفاده از برخی شرایط یا شخصیت های آن برای اهداف ناسالم یا بی فایده از نظر اسلامی است.

ملاحظه کردی که چگونه این نویسنده(۱)«در مجله ی الامان» از طریق طرح تاریخی حالات سوء استفاده از این تفکر به آن پرداخته تا القاء کند که این موارد به عنوان دلیلی برای محکوم کردن این تفکر از نظر اسلامی این گونه و به همین سادگی و راحتی کافی است.

ما سؤال می کنیم: آیا سوء استفاده از هر تفکری دلیل بر اشتباه بودن آن تفکر و منحرف بودن آن است؟ و اگر این صحیح باشد آن گونه که نویسنده می خواهد القاء کند آیا می توانیم بیشتر ارزش ها و مفاهیم اسلامی را نابود کنیم همان گونه که تعدادی از افراد ظالم و منحرف در حال و آینده مورد سوء استفاده قرار داده اند تا ظلم و انحراف خود را توجیه کنند که بر مبنای جهل مسلمانان از معانی عمیق این ارزش ها و مفاهیم انجام شده است ...سپس چرا این مسئله بالعکس نباشد و کسی ادعا کند نیاز آن ها به سوء استفاده از این تفکر آن طور که معتقدند دلیلی بر آشکار بودن این تفکر به عنوان یک اصل در افکار مردم مسلمان در سطحی است که هیچ فرصتی برای شک و تردید در آن پیدا نمی کنند به طوری که سوء استفاده ی افراد سوء استفاده کننده در پی جنبه ی اجرای آن می رود چرا که این نظریه بالاتر از سطح شبهه است.

ما معتقدیم از نشانه های اخلاص برای اسلام و مسلمانان این است که سراغ قواعد شیوه ای برویم که گذشتگان درستکار از علمای نیکوکار در کنارشیوه ی

۱- منظورش نویسنده ی سعودی ابراهیم جبهان است که بی اعتبار اعلام کردن متون اسلامی در مسئله ی مهدویت و پاکسازی کامل آن از میراث فکری و شرعی را درخواست کرده است و در این راه شیخ عبد الله آل زید در کتاب خود «لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر» او را تأیید کرده است.

تحلیلی در نقد تاریخ و متون آن را پذیرفته اند تا از طریق آن برای مان شیوه ی علمی جدید در شناخت حقایق اسلامی کامل شود و وقتی این عقیده محتوای حدیث نبوی باشد می توان طبیعت صادره ی حدیث از پیامبر، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی کرد که آیا از او صادر شده است یا خیر و در چه شرایطی حدیث مطرح شده است تا فضای صادر شدن و طبیعت آن را بشناسیم؛ سپس طبیعت محتوای آن را بررسی می کنیم تا از مطابقت آن با کتاب خداوند و حقایق اسلامی عمومی ثابت شده به شکل قطعی و یقینی مطمئن شویم و می توانیم اگر در سند یا متن نقصی یافتیم که قدیمی ها آن را در صدور یا محتوا به وجود آورده بودند حدیث را کنار بگذاریم تا این تفکر را از همین طریق کنار بگذاریم اما اگر در آن هیچ نقصی در هیچ جنبه ای از جنبه های آن نیافتیم باید آن را قبول کنیم؛ اگر مخالفی در سطح خود یا بالاتر از خودش نداشته باشد ...و علمای قدیم و جدید اقدام به بررسی جعل و جاعلان کرده اند و در این راه به قانع کننده های وجدانی یا اجتهادی رسیده اند، می توانیم آن را در هر چیزی که در آن اختلاف داریم یعنی مسائل فکری، عقایدی و شرعی در پیش روی خود قرار دهیم تا بتوانیم بین دیدگاه صحیح و دیدگاه منحرف بر اساس قواعد علمی اسلامی تفکیک قائل شویم. ما می توانیم برای خودمان یا دیگران ادعا کنیم که این رویکرد در نقد متون میراث اسلامی می تواند در رویارویی با اختلافات مذهبیه ما آرامش فکری و روانی بدهد، فرقی نمی کند مربوط به جنبه ی دیدگاهی مفاهیم باشد یا جنبه ی عملی شریعت؛ پس صحنه در اختیار اتهام های غیر مسئولانه و تشنج های نامعقول یا انفعال های خودخواهانه قرار نخواهد گرفت تا کینه و دشمنی و تعصب کورکورانه آن را برانگیزاند و تنها به این شکل می توانیم دروغ دروغگویان وسوء استفاده ی سوء استفاده کنندگان را کشف کنیم چیزی که راه را بر همه ی کسانی

که می خواهند با عقاید مردم و مقدسات آن ها بازی کنند می بندد تا این راهی برای رسیدن آنان به طمع های شان نباشد. در مورد این موضوع یکی از علمای سعودی در مکه یا مکانی دیگر [که ذکر نمی کنم] در توجه کردن به مسئله ی ادعای مهدویت در فتنه ی مسجد الحرام مرا شگفت زده کرد(۱) به گونه ای که بحثی را مطرح کرد که در آن صفات مفصل مهدی را ذکر می کند آن طور که در احادیث صحیح وارد شده است و آن را با یک مدعی دروغ مقایسه می کند تا دروغگو بودن او را در یک بحث علمی آرام نشان دهد. من آرزو داشتم دیگران به سبک این عالم بزرگ در توجه به مسائل با آرامش و با علم، نه با انفعال و بداهه گویی رفتار کنند و در پایان این ملاحظه من باید امیدواری و از علمای مسلمان خود در رویکردهای مختلف اسلامی درخواست خود را بیان کنم که فضای گفت وگو ونقد علمی را دور از فضای اتهامات سریع و غیر مستند بر واقعیت آغاز کنند و بر منابع مورد اعتماد تمام رویکرد های فکری اسلامی متمرکز شوند تا گفت وگو شبیه به گفت وگوی افراد ناشنوا نشود و هر کدام به دیگران چیزی را که اعتقاد ندارند نسبت می دهند و آن چه را که نمی‌گویند سخن آن ها معرفی می‌کنند؛ به خصوص در این شرایط دشوار که در جهان اسلام ما از طریق هجوم استعمار کافر وجود دارد و به جهان اسلام و انقلاب طلوع کرده ی آن در ایران و افغانستان رو آورده است، این یک مسئولیت سنگین است؛ اما برای مخلصین و اهل تقوا هرگز سنگین نخواهد بود و آخرین سخن ما این است که سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

شیخ عبد العزیز بن باز می‌گوید: «مهدی از امور غیبی است که برای هیچ

۱- چه بسا منظورش بحث شیخ عبد المحسن عباد، یا شیخ عبد العزیز بن باز باشد.

مسلمانی جایز نیست به طور قطع بگوید فلان کس فرزند فلان کس همان مهدی منتظر است؛ زیرا نسبت این سخن به خداوند و رسول او بدون علم و آگاهی است و ادعا کردن مسئله ای است که خداوند آن را برای خود حفظ کرده است تا زمانی که علایم و نشانه‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را توضیح داده و اعلام کرده که همین ها صفات مهدی است فراهم گردد. مهم ترین و آشکارترین نشانه ها این است که او بر شریعت ولایت می یابد و زمین را از عدالت پر می‌کند همان طور که از ستم پر شده است، در کنار فراهم بودن نشانه های دیگر، مثل این که او از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و این که او پیشانی بلندی دارد و بینی اش قرمز است؛ نام او و نام پدرش مطابق نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. بعد از فراهم بودن تمام این امور فرد مسلمان می تواند بگوید کسی که این صفات را دارد مهدی است.»(۱)

در این متن نکاتی وجود دارد:

۱ – اعتراف به مهدویت به عنوان یک تفکر و عقیده ی دینی.

۲ – تأکید بر بعضی صفت ها و نشانه های او، آن گونه که در روایات آمده است.

۳ – دوری گزیدن از دیدگاه شیعیان و عده ای از اهل سنت در تعیین او به عنوان یک فرد مشخص.

شیخ عبد العزیز بن باز مقاله ی خود را با عبارت های زیر به پایان برده است: «اما انکار مهدی منتظر به طور کامل، آن گونه که برخی از متأخرین ادعا می‌کنند یک سخن باطل است؛ زیرا احادیث قیام او در آخر الزمان و این که او زمین را از عدالت و برابری پر می‌کند همان طور که از ستم پر شده است به صورت معنوی

۱– مجله ی الجامعه الاسلامیه، شماره ۴۵، که شماره ی اول از دو ماه، سال (دو ماهنامه) (محرم و صفر) سال ۱۴۰۰ هجری است. رک به صفحه ی ۱۸.

متواتر و بسیار زیاد است و جوشش دارد، همان طور که گروهی از علماء به آن تصریح کرده‌اند از جمله ابو الحسن آجری و سجستانی از دانشمندان قرن چهارم و علامه سفارینی، علامه شوکانی و دیگران و این به عنوان یک اجماع بین اهل علم است؛ اما جایز نیست بطور قطع گفت فلان شخص همان مهدی است مگر بعد از فراهم شدن نشانه هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در احادیث ثابته بیان کرده است، و بزرگ ترین و آشکارترین آن احادیث این است که او زمین را از برابری و عدالت پر می کند همان طور که از نابرابری و ستم پر شده است.»(۱)

و شیخ محمد مجذوب می گوید:

[و من نیازی نمی بینم که افکار آنان را درباره ی مهدی محاکمه کنم– منظورش کسانی است که حرمت مسجد الحرام در مکه را شکستند – بعد از آن که این بحث از نظر علمی، تحقیقی و مطالعاتی اشباع شده است، و ما در کنار اهل علم هستیم که ظهور او را در روزی و به شکلی که حدیث صحیح پیامبر آن را مشخص کرده است اثبات می کنند و این مشخص کردن بسیار روشن است به طوری که احتمال هیچ شبهه ای وجود ندارد، مگر نزد مدعیان معرفت که جلوتر از بینی خود را نمی بینند خودبین و آن افراد مغرور اثبات کرده اند که مدعیان واقعی هستند.»(۲)

اما شیخ عبد المحسن عباد در مجله ی الجامعه الاسلامیه بحثی طولانی را نوشته است و فرد بحث کننده در آن بر ایمان داشتن اهل سنت به این تفکر و صحیح بودن عقیده ی مهدویت تأکید کرده است هر چند با شیعیان و برخی بزرگان اهل سنت در اعتقاد به این که محمد بن الحسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف همان

۱- مجله ی الجامعه الاسلامیه، شماره ۴۵، ص ۱۹.

۲- مجله ی الجامعه الاسلامیه، شماره ۴۵، ص ۲۳.

مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف غایب مورد نظر روایات است اختلاف دارنـد و عباد بحث خود را به نام «عقیـده ی اهل سنت و آثاری درباره ی مهدی منتظر» نامگذاری کرده است.(۱)

و نویسـنده کتـاب «احـادیث المهـدی من مسـند احمـد بن حنبـل»، متنی را که دبیر کل سازمان جهان اسـلام در مکه ی مکرمه صادر کرده و جواب مدیر مجتمع فقهی اسلامی استاد محمد منتصر کتانی را منتشر کرده است.(۲)

شیـخ یوسف بن عبـد الرحمن البرقاوی بحثی را در مجله ی البحوث الاسـلامیه با عنوان «عقیـده ی امت درباره ی مهـدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف»(۳) نوشته و در آن مهدی را از نشانه های قیامت بزرگ و از شروط آن دانسته است.

تحلیل روان شناسی متضاد و تفسیر آن از پدیده ی عقیده ی مهدویت:

اشاره

گفتیم که مبارزین با عقیده ی مهدویت شیوه ی روان شناسی را در نقد آن بکار گرفته اند و آن را مورد تحلیل انتقادی روان شناسـی قرار داده انـد تا نظرات شان را تأییـد کنـد، و از چیزهایی که در آن شـکی وجود نـدارد این است که این شـیوه دارای نیروی علمی و منطقی است که در محاکمه ی دیدگاه ها و نقد معرفتی و آزمون و آزمایش آزادِ آن، نادیده گرفته نمی شود.

و طبیعی است که افراد شـکاک و منکر از کارآیی این شیوه و بهره برداری از قدرت منطقی آن در قانع کردن و برهان آوردن اسـتفاده کنند؛ به خصوص در پرداختن به مسـئله ای ریشه دار در عمق درون مردم برای قرن های طولانی و متوالی که کارآیی تأثیرگذاری در روان شناسی توده های مسلمان دارد. و گروه

۱- رک به شماره های مجله ی مذکور (۳, ۴۵, ۴۶) و او کتابی درباره ی این مسئله با همین عنوان نوشته است.

۲- احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من مسند احمد بن حنبل، ص ۱۶۲-۱۶۵.

۳- مجله ی البحوث الاسلامیه، شماره ۴۹، رجب تا شوال سال ۱۴۱۷ هجری، ص ۳۰۳-۳۵۷.

شکاک خواسته اند در برابر عقیده ی مذکور با سلاح تحلیل روان شناسی اجتماعی مقاومت کند و از آن به عنوان ابزار متنفر کردن روان از این تفکر و ایجاد دیدگاه روانی و ذهنی متضاد آن استفاده کنند تا زمینه ساز نابودی آن و بیرون آوردن ریشه ی آن باشد.

انگیزه های تحلیل روانی مبارزین متنوع است و برخی از افراد شکاک با یک مستمسک دینی که محتوای آن مخالفت با حفظ کردن دین در برابر افسانه هاست از عقیده ی مهدویت انتقاد می‌کنند و عده ی دیگری از آن ها به دنبال انتقادی رفته اند که تأثیر پذیرفته از دیدگاه مادی است و تاثیر پذیر از دعوت به ساختن بنای تفکر علمی در پرداختن به واقعیت ما و فهم مشکلات آن و ایجاد راه حل هایی برای آن است؛ اما نابود کردن این عقیده وجه مشترکی است که دشمنان را در یک ردیف قرار داده است.

هر چه دیدگاه تحلیلی انتقادی در افراد شکاک با وجود اختلاف آن ها در دیدگاه های شان؛ متفاوت باشد اما نقد روانی در شکل های مختلف آن مصداق محکوم کردن این تفکر و علاقه ی آشکار به پاکسازی آن محسوب می شود و به طور مختصر برخی از تفسیرهای روان شناسی متضاد با عقیده ی مهدویت را بررسی خواهیم کرد.

اول؛ احساس ستمدیدگی:

بعضی ها–از جمله نویسندگان مسلمان–معتقدند که سرچشمه ی ایمان به عقیده ی مهدی منتظر احساس ستمدیدگی در شکل های مختلف و به خصوص سیاسی است که مسلمانان از دست حاکمان ستمکار در دوره های تاریخ اسلامی؛ به ویژه در دوره ی امویان و عباسیان و دولت های کوچکی که در امتداد این تاریخ

شکل گرفته است.

آن نویسندگان – همان گونه که خواهیم دید – معتقدند که افراد فریب خورده در جهان اسلامی ما نتوانسته اند یک توجیه روانی پیدا کنند که جوشش این رنج را کاهش دهد و ناتوانی در رویارویی با واقعیت ظالم و تغییر آن موجب شد تا به دنبال تفکر مهدی منتظر موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند و به او به عنوان یک نجات بخش ایمان داشته باشد که آن ها را از ستم طغیانگران رهایی می‌بخشد و واقعیت ستمدیدگی تلخ را از آن ها برطرف می کند و به این صورت عقیده ی مهدویت نیرنگی از نیرنگ های دفاع روانی است که نفس های مظلوم و عاجز از برطرف کردن نگرانی ها و کاهش احساس ناامنی که ظالمان آن را تحمیل می کنند و به عنوان یک ابزار دفاعی پنهان از ذات ستمدیده به آن پناه برده اند.

استمرار ستم سیاسیِ حاکمان طغیانگر از دوره ی اموی و بعد از آن در جامعه های اسلامی منجر به تمسک به عقیده ی مهدویت و طغیان برای ظهور او به خاطر رهایی آن ها از قساوت این نظام ها شده است؛ به همین علت این عقیده در روان افراد برای رویارویی با گمراهی طغیانگران استمرار پیدا کرده است و ستم نظام عباسیان و گمراهی آن از زمان برپایی دولت عباسیان در سوق دادن روان افراد به تمسک به عقیده ی مهدویت و لحظه شماری برای ظهور او به دلیل خلاص کردن آن ها از قساوت آن نظام جدید و کمتر از نظام اموی فریبکار نبود.(۱)

دیگران نیز همین نظر را داشته اند. برخی از آن ها می گویند: «منظور نویسنده در این جا ابن سبا و پیروان اوست – آن ها شروع به انتشار این تفکر در جامعه ی اسلامی کردند تا آرزویی را که به گمان خود برای بازگرداندن حکومت به اهل

۱- فان فلوتن، سیاده العربیه و الشیعه و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه، ص ۱۳۳.

بیت داشتند از دست ندهند تا برای اهل بیت، ظلم و زجرهای روی داده از طرف دشمنان آن ها یعنی بنی امیه را برطرف کنند؛ پس این یک دعوت سیاسی تروریستی است (۱) و عده ای سخن شیخ محمد رشید رضا را نقل می کنند که: «کسی که همه ی آن چه را که درباره ی مهدی منتظر در احادیث و آثار وارد شده است بررسی کند و موقعیت ورود و منابع آن را بشناسد، می بیند تمام آن ها از شیعیان نقل شده است و این به خاطر آن است که بنی امیه در حکومت کردن بر مسلمانان استبداد داشتند و ظلم و نابرابری مرتکب شدند و حکومت اسلامی را از وضعیتی که قرآن به آن هدایت می‌کند خارج کردند.» (۲) وقتی اینگونه باشد کسی که از میان مردم بیشتر از همه، از آن ناراحت می شود و بر مسلمانان غیرت می ورزد آل پیامبر(عع) خواهد بود و آن ها معتقدند که اینان برای حکومت شایسته تر هستند و برای برپایی عدالت استحقاق بیشتری دارند. کسانی که شیعه ی آن ها هستند برای شان یک زنجیره ی دینی درست می کنند که آن ها را قانع کند، قائمی از آن ها قیام خواهد کرد که به او بشارت داده شده است و عدالت را برپا و دین را حمایت می‌کند و آن چه را که بنی مروان از استبداد و ظلم ایجاد کردند نابود می کند و از چنین اعتقادی است که آن روایات صادر شده است.(۳)

در این جا دیدگاه دیگری وجود دارد که در همین مجرا وارد می شود و معتقد است که عقیده ی مهدویت نتیجه ی حکومت استبدادی است که بر جوامع انسانی حاکم شده است و نتیجه ی منطقی زندگی بدوی است و این عقیده ای که ریشه ی

۱- لا مهدی ینتظر، ص ۴.

۲- لا مهدی ینتظر، ص ۶۴.

۳- لا مهدی ینتظر، ص ۶۴.

آن بـدوی است بر مردم اهـل شـهرها و آبـادی ها تحمیل شـده است یعنی ملت هایی که اسـلام با وجود اختلاف آن با موضع گیری های اساسی افراد جامعه های کشاورزی یا ساکنان شهرها آن را فتح کرد. صاحب این نظر می گوید:

«از میان افکاری که به این شـکل از شـکل های حکومت اسـتبدادی در کشورهای اسلامی حاصل شد تفکر مهدی منتظر است کـه برخی از اهـل سـنت و غیر مسـلمانان به اشـتباه گمـان می کننـد این تفکر محـدود به شـیعه است، نه مـذاهب چهارگـانه ی اسـلامی اهـل سـنت؛ در حـالی که این تفکر در همه از یک سرگشـتگی عمیق در برابر تناقض حاکم بین مسـلمانان در سایه ی حکومت های دارای اسم اسـلام حاصل شـده است که دین را به کناری انداخته و اوضاع اجتماعی ظالمانه را پذیرفته اند و آن افراد متـدیّن و فقیران فریب خورده یـا از روی نـاتوانی. یـا از روی ترس، یـا از روی حکمت می خواهنـد اتحـاد مسـلمانان را با انقلاب کردن متفرق نکنند و در برابر اجحاف و اسـتبداد صبر پیشه کنند. پیش خودشان گمان می کنند این دو حالت ناشـی از اراده ی خداونـد است و به دلیـل یـک حکمت پنهان از درک بشـری است، یا چیزی است که مسـلمانان به خاطر گناه مرتکب شده مجازات شده اند در حالی که آن ها همچنین حیله ای را پیدا کرده اند که به وسیله ی آن بین الگوی آرمانی که برای آن لحظه شـماری می کنند – و دوست داشـتند آن را در جامعه ی خود حاکم ببینند – با واقعیت افسرده، سازگاری برقرار کنند و آن تفکر مهدی منتظر است؛ کسـی که هر لحظه ممکن است از خیمه ی خود بیرون بیاید و دنیا را از عدالت پر کند همان طور که از نابرابری پر شده است.» (۱)

آن ها معتقدند گسستگی در زندگی مسلمانان و ناتوانی از همتائی بین واقعیت

۱- مجله العربی، اکتبر ۱۹۸۲، شماره ۲۸۷، ص ۲۲.

بد و آرزوی اعلام شده شان برای تغییر موقعیت های ظالمانه، بر اعصاب عده ای فشار می آورد و دچار گسستگی شخصیت و توانمندی مهدویت می‌شود آن طور که برخی از نویسندگان (۱)تعبیر می‌کنند و این آرزوی افراد ناتوان است که با زحمت بشری خود جاده ی اوضاع را مطابق قوانین هستی و سنت های خداوند در مخلوقاتش طی می‌کنند و انتظار دارند همراه با نصرتی باشد که از آسمان نازل می شود یا «مهدی» که از پشت ابر فرود می آید.

و نیز همان گونه که این تفکر از تروریست و ترساندن استفاده کرده و همان گونه که این تفکر به بنی امیه و رهبران طغیانگر، وعده ی انتقام داده است چرا که بنی امیه تفکر سفیانی را برای ترساندن دشمنان خود درست کردند و در مقابل تفکر مهدویت به عقیده ای تروریستی تبدیل شده است و رفتار تجاوزگرانه را در روان شناسی افرادی که خود را به عنوان مهدی مطرح کردند بوجود آورد و بعد از این که آن «مهدیون» از تعامل توده های مسلمان با این تفکر سوء استفاده نمودند، با ظلم و نابرابری بر مسلمانان حکومت کردند و این نیازمند جستجوی جدیدی از یک مهدی دیگر است. همین طور جویندگان «مهدی نجات بخش» برای فرار از ستمدیدگی طغیانگران به شخصیت های تجاوزگر تبدیل می شوند، به ویژه هنگامی که در موقعیت حکومت قرار می گیرند.

در هر حال می بینیم به این اتهام پاسخ داده شده است نه برای این که کسانی که در تاریخ اسلام ادعای مهدویت کرده اند مرتکب ظلم و طغیان نشده اند بلکه برای این که ظلم معمولاً ویژگی بارز در رفتار بیشتر افراد غالب و پیروز است، فرقی نمی‌کند ادعای مهدویت کرده باشند یا نه! همان طور که ظلم کردن مهدی

۱- مجله ی الامان لبنانی، شماره ۴۱، ۴۲، ۵۱.

دروغین موجب تنفر از تفکر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی گردد و موجب شک در وجود او نمی شود؛ یا این که شبیه به حالت ادعای نبوت است که این ادعا هیچ وقت موجب تکذیب نبوت نمی شود.

و از افراد منکر چند سؤال می پرسیم:

چرا عقیده ی مهدوی منتظر تا امروز در خاطره ی مومنین به آن استمرار داشته است؟و چرا زمان، تفکر «سفیانی منتظر» را از بین برد و به جنازه ای بی حرکت تبدیل شد؟چرا تفکر «فرد خلاصی بخش» در بعضی ملت ها مثل مسیحیان محکوم نمی شود؟چرا نمی بینیم که این ملت ها شجاعتی نسبت به تفکر وجود یک «فرد خلاصی بخش» ندارند آن طور که حال افراد معتقد به آن در مسلمانان است؟

آیا وقتی «استبداد» منبع این عقیده باشد همچنین منبع تفکر «خلاصی بخش» در بعضی ملت ها و ادیان هم هست؟ و نیز آیا تفکر «روز موعود» در تفکر مارکسیست برگرفته از واقعیت استبداد و تناقض هاست؟اگر این گونه باشد چرا عقیده ی انتظار مذموم است و مبنای روز موعود در نظریه ی مارکسیست سرزنش نمی شود؟ چرا گفته می شود احساس ستمدیدگی چیزی است که مارکسیست را به اعتقاد یافتن به تفکر «نجات بخش» از طریق نابود کردن دولت و برطرف کردن تناقض های جدلی اجتماعی سوق داده است؟ اگر احساس ستمدیدگی سبب اعتقاد به این عقیده است در این صورت با صدها روایت وارد شده در این باره چه کنیم؟ آیا روایات از عمل باز می‌مانند و آن‌ها را از منابع حدیثی پاک کنیم؟

دوم: رفتار مبتنی بر توکل:

افراد منکر به این عقیده نسبت داده اند که به تأیید کنندگان و معتقدان خود

رفتـار مبتنی بر توکـل را تعلیم داده انـد؛ زیرا عـده ای از افراد تنبل و ترسو که از تغییر واقعیت خود ناتوان هسـتند یا تلاش های شـان در رسـیدن به آرزوی آرمـانی خود شـکست خورده است و فاقـد بینش صادقـانه در فهم سـنت های خـدای سبحان و به کـارگیری آن‌هـا در تغییر امت هـا و جوامع مطـابق قاعـده ی اساسـی آن هسـتند یعنی تغییر آن چه در نفس افراد است تغییری دسـته جمعی و فراگیر است و این نـاتوانی سـنگین موجب تراوش رفتـار توکل در آن افراد شـده و آن ها امور را به خیال تغییر حتمی موعود الهی به دست مهـدی منتظر داده انـد و آن گونه که آن ها می‌گوینـد او مردی است که در عالم غیب به سر می برد و وجود ندارد مگر در خیال افراد ناتوان که محرومیت و تلخی آن را چشـیده اند؛ این تفکر ابداع شده تا توکل کردن خود بر دیگران را در روند تغییر اجرایی کنند.

شکست تکراری حرکت های تغییر در نهایت احساس ناتوانی و تسلیم و بی نیازی از تفکر، تلاش بشریت را برای ایجاد تغییر و اتکا به خـدایی به وجود آورد که به زودی در وقت مناسب با فرسـتادن مهدی منتظر تغییر ایجاد خواهد کرد. کسـی که همه ی امور را به بهترین شکل و بهترین حالت درست خواهد کرد. (۱)

با این که توکل کردن و ناتوانی از مقاومت در برابر ظالمان تبدیل به بخشی از روان شناسی برخی افراد تنها مانده و بدبین شده است کسـانی که برای زمـانه و اهـل آن نوحه می سـرایند و برای واقعیت مسـلمانان عزاداری می‌کننـد و شب و روز خود را در زمین‌گیرکردنِ افراد فعال و سـرزنش کردن عملکرد آن ها سپری می کننـد؛ اما انتقاد از رفتار آن ها هرگز نیازمند حمله به این تفکر و انکار آن نیست؛ اگر آن ها در فهم معنای صحیح انتظار عقب مانده‌اند که این امر مبتنی بر

۱- حسین احمد امین، مجله العربی، شماره ۲۸۷، ص ۲۲.

تعامل کردن با سنت های هستی به شکل راهبردی است و هرگز از تلاش بشری در عمل تغییر اسلامی مطابق هدایت قرآن و سنت غفلت نمی کند، اما این عقیده بر جهاد، مقاومت و تربیت تأکید می کند و دلیلش این است که صاحبان این دیدگاه اعتراف می‌کنند که رویکرد دیگری در میان مؤمنان وجود دارد که با انقلاب کردن، منتظر هستند و برای تغییر واقعیتِ منحرف، مجاهدت می کنند تا مقدمه ی ظهور امام باشد آن‌ها اعتقاد دارند که این مقدمه چینی نشأت گرفته از قاعده ی تغییر آن چیزی است که در نفس افراد است، چه در زندگی افراد، یا امت ها و گروه ها، و به تشکیل دولت اسلامی منتهی می شود که زمینه را برای مهدی آماده می کند و برای موفقیتِ حرکتِ تاریخی او زمینه سازی می کند.

عقیده ی مهدی، مسئولِ این ناتوانی و توکل و دست کشیدن از مقاومت افراد ستمدیده از ظالمان نیست؛ به این دلیل که بیشتر قربانیانِ ستمِ طغیانگران از تأیید کنندگان این عقیده هستند و بهای این مقاومت و این جهاد خسته کننده، سیلی و شکنجه و ظلمی است که تاریخ بشریت را تا امروز به گریه انداخته است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خودش از شخصیت فرد مسلمان در طول دوره ی غیبت درخواست می کند که نفس را مغلوب کند و آن را مطابق اصول و اراده تربیت نماید. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «رب أسألك مدداً روحانیاً تقوی به قوای الکلیّه و الجزئیه حتی أقهر بمبادئی نفسی؛ خدایا من از تو کمک معنوی درخواست می کنم که همه ی قوای کلی و جزئی من با آن قوی شود تا بتوانم بر اصول نفس خود غلبه کنم.» (۱)و امام بر مقاومت و جهاد تأکید کرده است و این را در بسیاری از نامه ها و زیارات و دعاهای او می بینیم. برخی از افراد منتظر که انتظار را به معنای

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۸.

صحیح آن فهمیده اند به این درخواست پاسخ داده و وارد صحنه ی جهادی با دشمنان مسلمانان شده اند همان طور که آن را در درگیری مقاومت ملی و اسلامی در لبنان با اسرائیل مشاهده می‌کنیم.

سوم؛ احساس ننگ:

واقعاً باعث تأسف است که بعضی از محققان نتوانسته اند مسیر رویکرد اشتباه در مسلمانان را در فهم این تفکر اصلاح کنند و درخواست کرده انـد ملغی شود تا خود را از آن راحت کننـد و برای این که عقل خود را خلاص کنند از احساس ننگی که به ذات مسلمان از اعتقاد به یک تفکر خرافی وارد می شود و برخی از منکران امامت مهدی تصریح می کنند که ایمان داشتن گروهی به امثال این تفکر ننگ است و قبلاً دیدیم آن چه را ابن قیم جوزیه دراین‌باره گفته بود که «أصبح هؤلاء – یقصد الإمامیّه – عاراً علی بنی آدم، و صحکه یسخر منها کل عاقل؛ آن ها – منظورش شیعیان است – تبدیل به ننگی برای بنی آدم شده اند و مضحکه ای که هر عاقلی آن را مسخره می کند.» (۱) و گروهی دیگر از علمای اهل سنت مثل ابن خلدون، ابن کثیر، ابن حجر و دیگران با او شریک شده اند.

آن ها معتقدند که امت های متمدن دیگر، ما را به سبب اعتقاد داشتن به یک عقیده ی خرافی و توکل کردنی که موجب محرومیت می شود و عقل فرد مسلمان را از فهم علمی قوانین پیشرفت تاریخی و اجتماعی دور می کند و حرکت جامعه ی بشری بر آن شکل می گیرد، مسخره می کنند. با این که این امت ها به همین شکل یا به شکل دیگری به این تفکر اعتقاد دارند.

اعتقاد به تفکری که همچنان در فضای غیب است از وزن تمدنی و ارزشی

۱- المنار المنیف، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ همچنین لا مهدی ینتظر، ص ۵۸.

امت پیش‌روی همه ی امت ها می کاهد، به همین دلیل خلاص شدن از آن و تبرئه کردن خود از پیامدهای آن، راه مناسب برای دفاع از ذات متمدن مسلمان معاصر است. و این راه سالم برای پیشرفت آن به عنوان الگوی آرمانی شخصیت مسلمان واقعی که به وسیله ی منطق راهبردی و دور از افسانه ها با اسباب و علل تعامل می کند.

درخواست ملغی کردن یک تلاش پنهان و علنی برای تبرئه ی ذات مسلمان از اعتقاد به عقیده ای است که نجات دهندگان آن عقیده، به سخیف بودن و بی ارزش بودن آن معتقد هستند به همین علت از آن ها درخواست رهایی از این تفکر افسانه ای کردند که شایسته ی عقل مسلمان و موجب شرافت او نیست؛ آن ها درنهایت خواسته اند این تفکر را از تاریخ، منابع فرهنگی و دینی ما پاک کنند تا تصویر خود را در برابر دیگران نیکو و زیبا کنند.

چهارم؛ القای تاریخی و روانی:

مبارزان با عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر از چند گاهی به یک طرح تاریخی پرداخته اند که حالت های سوء استفاده از این تفکر را متذکر شده اند تا مصیبت های آن را به مردم القا کنند و این یک خرافه و شجاعتی است که شایسته است عقلانیت فرد مسلمان از آن پاکسازی شود و این مطرح کردن تاریخ از حالت های سوء استفاده، زمانی تکرار می شود که یک دروغگو ادعا کند مهدی است به گونه ای که آن ها با تکرار شدن اولین حالت سوء استفاده از مهدویت کار خود را شروع می‌کنند و بعد در ادامه، پیشرفت آن را در تاریخ اسلام تا امروز(۱) مطرح می کنند و هدف از این مطرح نمودن تاریخ متنفر کردن مردم از این تفکر و

۱- به مجله ی الامان، شماره ۴۲. [رساله ی جبهان]

ایجاد یک حالت وجدانی متضاد با آن است.

این مطرح تاریخی همیشگی از امثال این حالت ها به درخواست علمای مسلمان برای نابودی نهایی چیزی منتهی می شود که افراد عقل از دست داده مطابق تعبیر یکی از انکار کنندگان تفکر مهدی منتظر به آن گرویده اند(۱) بلکه بعضی از آن ها به متون حمله می‌کرده و به راحتی و سادگی آن را ملغی می کنند بدون این که این متون را محاکمه کنند و تطابق قواعد جراحی و اصلاح رایج نزد علمای حدیث را بر آن وفق دهند.

اگر تکرار حالات سوء استفاده، به تنفر برخی از مردم از این تفکر منجر شود و اگر مطرح کردن تاریخ دفعات متعدد تکرار شود که آن نیز هدفش متنفر نمودن مردم از این تفکر به طور عمد و واضح است در این صورت گاهی این تکرار دیدگاهی متضاد ایجاد می کند که با این تفکر دشمنی کرده و از آن متنفر می‌شود؛ حتی بدون غربال گری معقول دلایل آن و پالایش متون، و روایات از آن بدون محاکمه یا مناقشه؛ به ویژه که مردم در یک موضوع بسیار حساس قابلیت پذیرفتن القاء و تحریک به هوای نفس را دارند به همین علت تکرار طرح تاریخ که با حالات سوء استفاده مبارزه می کند موضع گیری هایی متضاد و بر ضد خود عقیده ی مهدویت را القا می کند و به این ترتیب هدف آن منکرین از استعمال از طرح تاریخ و تکرار آن، هر بار که حالت ادعا تکرار می شود، این است که مردم پشت ابری از القای تنفر و آرزوی ریشه کنی این عقیده از قلب مسلمانان و عقل آن ها زندگی می‌کنند.

آن گونه که یکی از علمای ما می‌گوید(۲) صرف سوء استفاده می تواند حاوی

۱- یکی از نویسندگان در مقاله ای در مجله ی الامان لبنانی این تعبیر را کرده است.

۲- به مجله ی الامان، شماره ۵۱، مقاله ی فضل الله.

یک مفهوم روانی باشد و پیش آمدن نیاز در برخی افراد برای سوء استفاده از تفکر مهدویت دلیلی قوی بر وضوح آن به عنوان یک اصل اعتقادی در ذهنیت عمومی مسلمانان باشد و دلیلی باشد بر آشکار بودن آن به عنوان یک عقیده ی ثابت در نفس مردم در سطحی که فرصتی درآن برای شک و تردید پیدا نمی‌کنند به طوری که سوء استفاده ی سوء استفاده کنندگان به سمت اجرای آن می رود؛ زیرا این نظریه بالاتر از سطح شبهه و بالاتر از سطح نقد است.

این مسئله بر اطمینان زیاد روانی در مردم نسبت به صحیح دانستن اعتقاد به این عقیده دلالت می‌کند که افراد سوء استفاده کننده تلاش می‌کنند کارایی و تأثیرگذاری آن در نفس ها را به خدمت بگیرند و عقل شخص مسلمان مطمئن است که این تفکر خیالی نیست که جراحت ها، دردها و رنج هایی که ظالمان در زندگی مسلمانان در طول تاریخ خود برجای گذاشته اند آن را به وجود آورده باشد و از ساخته های افکار مظلومین نیست. این یک وعده ی الهی است که برای بازگرداندن تعادل در حرکت جامعه ی انسان و آزاد کردن بشریت شکنجه شده از سختی های تاریخی خود به آن تصریح شده است.

از آن چه سخن آن گذشت می بینیم که منکران از شیوه ی نقد روان شناسی رفتار افراد منتظر و روش های مطرح کردن تاریخ متضاد استفاده کرده اند و این برای باطل کردن عقیده ی مهدویت و القای محکومیت آن در برابر عقل فرد مسلمان است.

برخی از انقلابیّون در جامعه ی اسلامی تأثیر سیاست استبداد سیاسی را بر ضد افراد ستمدیده درک کرده اند و بعضی از آن ها به سرعت سراغ این ادعا رفته اند که مهدی موعودی هست که خداوند او را برای رهایی و نجات افراد ستمدیده و گرفتن انتقام مظلومین مبعوث کرده است؛ آن گونه که حارث بن سُرع این کار را کرد.

آن ها ادعا می کننـد حاکمان مسـتبد نیز علاقه ی حقیقی مردم به حق و برپایی عـدالت را متوجه شده اند و به عمد تلاش کرده انـد این توده هـا را بـا یک عقیـده ی خرافی که پایه و اساس نـدارد سرگرم کننـد و موضع گیری ها و دیـدگاه هایی متضاد و فریبنـده درسـت کردنـد که این تفکر را علیه ظلم و سـیاست ظالمـان توضـیح دهـد و وحشت را در روان افراد حـاکم و مسـتبد برانگیزد تـا افراد فریب خـورده بـا یـک آرزوی هراس آور زنـدگی کننـد، و قلب مظلومـان به آرزوی آرمـانی مشـغول شود و ظالمـان برای غارت خیرات خداونـد و نعمت های او در زمین فراغت داشـته باشـند و در آن مشـغول به فساد شونـد و در نتیجه تفکر مهدویت توهمی باشد که افراد فریب خورده با آن تسلی یابند و قلب هایشان از پرداختن به حاکمان ظالم منحرف شود.

به همین علت برخی از منکرین معتقدند که ملغی کردن نهایی این تفکر از زندگی ما و باور نکردن آن، افراد را برای آسایش، امنیت، آرامش و سـالم مانـدن از شـک هـا آمـاده می کنـد و نگـاه ها را به غارتگران ظالم متوجه نموده و تلاش آن ها را برای مقاومت کردن در برابر آن ها متمرکز می کند.

و ما برای این نظرات برخی از نکاتی را که در ذیل می آید، مطرح می کنیم:

۱ . تفکر «مهدویت» حاصل فشارهای اسـتبداد سیاسـی بر مردم و نتیجه ی احساسات بیمارگونه نیست، مگر در بعضـی افراد که این تفکر را بـا معنـای صـحیح خود و از منابع روایی اصـلی آن دریافت نکرده باشـند، به این دلیل که اسـتبداد بر همه ی جهان حاکم است و بعضی از ملت ها به تفکر «فرد رهایی بخش» و نجات بخش اعتقاد دارند، مثل مسیحیان و یهودیان و در میان آن ها حالت های ادعا کردن رخ داده است.

تکرار شدن حالت های ادعای مهدویت در جوامع ما بر قوت این تفکر و بهره

گیری آن از افکار دلالت می کند و به معنای این است که منبع دیگری غیر از احساسات بیمارگونه همچون عاجز بودن توده ها را بـا ایـن تفکر مرتبـط می کننـد و آن صـدها روایت صـحیحی است که بـا دقت ویژگی هـای مهـدی منتظر را ترسـیم کرده و دروغگویان خواسته اند خود را جای آن معرفی و از آن سوء استفاده کنند.

واقعاً عجیب است که منکرین عقیـده ی مهـدویت ادعا کننـد اعتقاد مسیحیان در جامعه ی مسلمانان به عقیـده ی «فرد رهایی بخش» به علت تأثیر پذیری آن ها از دیدگاه اسـلامی و در نتیجه ی اختلاط طولانی(۱) و تعامل تاریخی دایمی بین مسلمانان و مسیحیان ساکن در محیط های مسلمان بوده است. (۲)

این نظریه تقریباً به طور کامـل بـا دیـدگاه خود مسیحیان در اروپا تقابل دارد. دانشـمند تحلیل روان شناسـی اریک فروم می... گویـد:« هرچند مفاهیم متفاوت باشد، اما اعتقاداتی واحد وجود دارد که شامل تمام شاخه های مسیحیت می شود و آن اعتقاد داشتن به این است که مجسـمه ی مسیح همان «فرد رهایی بخشـی» است که زندگی خود را به برادران خود از میان مخلوقات هدیه کرد.» (۳) آیا اریک فروم از دیـدگاه اسلامی و مسلمانان تأثیر پـذیرفته است در حالی که در میان آن ها زندگی نمی... کند؟

۲ . بعضـی از منکرین ادعا کرده انـد که اعتقاد به مهدویت یک عقیده ی تروریستی است و منبع دایمی فقدان امنیت روانی در عموم مسلمانان است و این

۱- شـیخ عبـد الله بن زیـد آل محمود در کتاب «لا مهـدی منتظر بعد الرسول خیر البشـر» ص ۳-۴ می گویـد: تفکر مهدویت از طریق همنشـینی و انس و رفت و آمد با اهل سنت به آنها سرایت کرده و در عقاید آن ها وارد شده است و در اصل عقیده ی آن ها نیست و بعد به شـکل عمومی هنگامی که عبد الله بن سـبأ آن را در میان مردم رواج داد به جامعه ی اسـلامی انتقال پیدا کرده است همان کسی که به الحاد صریح و دشمنی با اسلام و مسلمانان معروف است.

۲- بررسی هایی بروز کرده است که به تفکر «فرد رهایی بخش» در مسیحیان و مسلمانان می پردازند؛ مثل دو کتاب «المخلص فی الاسلام و المسیحیه» و «المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و المسیح» که متعلق به نویسنده خود به نام هاشمی است.

۳- اریک فروم ،الانسان بین الجوهر و الحقیقه، ص ۱۵۰.

که ملغی کردن کامل آن تعادل روانی را به فرد مسلمان باز می گرداند و راه را در برابر حالت های ادعا و سوء استفاده می بندد.

در برابر این نظریه نظریه ای دیگر و متضاد را می بینیم که می گوید درخواست (باطل) کردن یک تفکر عقیدتی – مثل عقیده ی مهدویت – به خاطر سوء استفاده از آن و بدون مطمئن شدن از صحت محتوای روایات و سندهای آن به معنای اجازه دادن برای ظلم و توجیه انحرافات صادره از سیاست ظالمان است؛ همین کافی است که برخی از محیط های مسلمان هرگز حالت های "ادعای" مهدویت را ندیده و با این حال ملت های آن امنیت روانی نداشته و استبداد سیاسی هیچ وقت به زندگی خود پایان نداده است.

تفکر مهدویت همواره موجب ترساندن مردم و ایجاد وحشت در میان آن ها بوده است به خصوص افراد ظالم بیش از حاکمان؛ زیرا بسیار احتمال دارد که دعوت به ملغی کردن آن اجازه دادن عمدی به سیاست ظالمانی باشد که آن حاکمان مرتکب می شوند تا زمانی که احساس امنیت می‌کنند و ظالمان سرنوشت مصیبت بار خود را احساس نخواهند کرد و خطر نهفته در ملغی کردن عقیده ی مهدویت این است که ملت ها در زیر رحمت مستکبران ظالم قرار بگیرند بدون این که امیدی به تغییر ریشه ای ظلم ها و واقعیت فاسد داشته باشند، و برای ملت ها اشکالی ندارد که برای دوره هایی از تاریخ خود بدی های سوء استفاده از این تفکر را تحمل کند و آن را بپذیرد تا کارآیی آن باقی بماند و منبعی برای نگرانی مستکبران باشد و نیز منبعی باشد که امنیت حاکمان ظالم را تهدید کند. اگر این عقیده ی اسلامی جز این امتیازی نداشت همین کافی بود؛ پس باید این تفکر به عنوان یک «هیولا» باقی بماند که به دنبال افراد مستبد خواهد آمد.

۳. جمع بین این نظریه های انتقادی که بعضی از آن ها تقاضای کنار گذاشتن

نهایی عقیده ی مهدویت را از ذهنیت عمومی مسلمانان دارند این است که هدف مشترک از نابود کردن احساسات گروه های مسلمان و از بین بردن تمام نگرانی های روانی در زندگی حاکمان مستبد و رهایی آن ها از ترس و مأیوس کردن مؤمنان در دوره های تاریخ چنین است که پیروزی قاطعی بر دشمنان حق نخواهند داشت و این با ادعای تشویق این گروه ها به تکیه کردن بر اراده ی خاص خود در ایجاد تغییر در واقعیت انجام می شود با این که اعتقاد به این عقیده ی مبارک نیازمند معجزه ای نیست که از پشت ابر بیرون بیاید – آن طور که برخی ادعا کرده اند – و از تغییر واقعیت جامعه مطابق سنت های راهبردی ناآگاه نیست، بلکه از شرایط موفقیت شخص مسلمان در تعامل با این عقیده این است که مبتنی بر اساس شناخت این سنت ها به عنوان یک ضرورت برای تنظیم حرکت جامعه و مبتنی بر عنصر تلاش بشری در تغییر افراد، گروه ها و امت ها باشد.

وقتی این تفکر ساقط شود – که خداوند اجازه ی آن را نمی دهد – در مقابل فرد مسلمان در دوره ی غیبت از قرار گرفتن در زیر چنگال های شکست خوردگی و سپس بیماری روانی راه فراری وجود ندارد و تا زمانی که توده ها ضربه شکست های مکرر در تجربه ی تغییر واقعیت فاسد را احساس می کنند و تا زمانی که در این تغییر به دست مرد موعود و پنهان شده برای پشتیبانی از مستضعفان و یاری کردن آن ها پرچم آرزو را از دست داده باشد سرانجام در این صورت ناامیدی و شکست خوردگی رفتار تأسف بار خواهد بود و این یک واقعیت روانی سنگین است که چاره ای برای آن وجود ندارد و تقدیری است که رهایی از آن ممکن نیست. بیشتر افرادی که از درد شکست خوردگی رنج می برند در تغییر واقعیت خود شکست خوردند و« امید» حتمی به پیروزی

نداشتند، بلکه با وجود آگاهی عده ای از آن ها از شرایط محقق شدن پیروزی از آن مایوس هستند؛ زیرا آن ها می دانند که سیطره ی واقعیتِ منحرف، برتری دارد. یک برتری سرگرم کننده که هر تلاش ساده ای را که افراد مظلوم به کار ببرند نمی توانند بر آن غلبه کنند و امکانات دو طرف برابر نیست؛ هر چه نیروی یکی از آن دو زیاد شود امکانات دیگر ضعیف می شود ...یا حداقل به گمان برخی از افراد ستمدیده از یک طرف این گونه است.

تا زمانی که اعتقاد به تفکر «فرد رهایی بخش» یک الهام مهم و یک احساس روانی مشترک بین بشریت است در این صورت ملغی کردن عقیده ی مهدویت، به زندگی این احساس غریزی در درون روان بشری هرگز پایان نخواهد داد و اگر این تفکر آن گونه که منکرین می گویند حاصل احساسات بیمارگونه در شخصیت فرد معتقد به این عقیده باشد، مانند عجز و احساس محرومیت و حقارت داشتن در برابر واقعیت استکباری فاسد، در این صورت نفس با فطرت خود به دنبال نجات بخش دیگری خواهد رفت یا به دنبال شخص دیگری می گردد که رهایی بخش باشد؛ به ویژه که واقعیت روانی تلخ در شخصیت بسیاری از افراد به وجود خواهد آمد و ملغی کردن این تفکر از ذهنیت عمومی مسلمانان هرگز به نتیجه نخواهد رسید تا زمانی که مسبب های جستجو از یک نجات بخش که مظلومان را از مصیبت های خود خلاص می‌کند مبتنی بر ترکیب روان شناسی آدمی باشد. حرف آخر این که اگر توده ها از اعتقاد به "مهدویت" به عنوان یک "نجات بخش" خالی شوند، اما آن ها از تفکر فرد خلاصی بخش کوتاه نخواهند آمد؛ زیرا این یک الهام فطری است، و هرگاه سختی ها متراکم و رنج ها شدید شود نفس با فطرت خود سراغ کسی می رود که حال او را اصلاح کند؛ حتی مارکسیست که یک فلسفه ی مادی تندرو است نیاز بشریت به یک مصلح را

درک کرده است. به همین علت به تولد جامعه ی انسانی سعادتمند و انتظار برای آن در پایان پیشرفت تاریخ جامعه ایمان دارد و آن ها روزی را مشخص کرده اند که در آن تبعیض طبقاتی به پایان رسیده و سلطه ی ظلم از بین می رود و تناقض های اجتماعی به پایان می رسد و برای همیشه قدرت دولت و سلطه ی ستمگران آن مغلوب خواهد شد.

پس احیای روز «رهایی» در ساختار روانی آدمی اصالت دارد، اما روش های تعبیر از آن متفاوت است؛ مطابق تفاوت امت ها، ملت ، فرهنگ ها، تفاوت شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی آن ها، بدبینی نسبت به آینده ی انسانی در بسیاری از اوقات ناشی از فریبنده بودن این تفکر و فشارهای واقعیت روانی است که فرد در آن به سر می برد.

خلاصه ی آن چه تحلیل های افراد منکر در خود دارد این است که عقیده ی مهدویت زاییده ی درگیری های اقوامی است که در پی حکومت بودند اما در رسیدن به آن موفق نشدند و پیروان خود را به آینده ای بهتر وعده دادند و این عقیده را در میان آن ها رواج دادند، البته بعد از آن که از بازگشت حکومت به آن ها ناامید شدند و بعد از فشار های استبداد و احساس ناتوانی و نداشتن امنیت. و به پیروان خود وعده ی بازگشت حکومت را دادند و برای آن ها تفکر مهدویت را جعل کردند و آن را در ذهنیت عمومی مسلمانان درست کردند تا همدردی با آن ها و تسلی از محرومیت سیاسی باشد.

فصل چهارم: عوامل مؤثر در روان شناسی افراد منتظر

اشاره

افراد منتظر چه کسانی هستند:

منظور ما از منتظرین مجموعه افرادی هستند که به امام مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف و متولد شده و موجود بالفعل، زنده و غایب ایمان دارند. کسی که در میان ما در زمین پهناور خداوند به دور از چشم مردم زندگی می کند.

آن افراد در زمان پیامبر حضور نداشتند و او را ندیدند و حجت نیز از ایشان پنهان است؛ اما آن ها با سیاهی مرکب روی کاغذ سفید ایمان آوردند یعنی با روایات و سخنانی که بشارت مهدی را داده است؛ همچنین با اصول اسلام و ارکان و فروع آن و در انتظار امام غایب خود هستند که نام، صفات و نشانه های مشخص دارد؛ در دوره ی غیبت طولانی او صبوری می کنند و به علت ایمان شان به غیب بر محبت و ولایت او باقی و به عدالت او علاقه مند هستند. ایشان کسانی هستند که خداوند در کتاب خود آن ها را توصیف کرده است هنگامی که فرمود: ((هُدًى لِّلمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤمِنُونَ بِالغَيبِ)) «راهنمایی برای پرهیزکاران است آن کسانی که به جهان غیب ایمان آوردند.»(۱)

۱- ینابیع الموده، قندوزی، ج ۳، ص ۱۰۱؛ المحجه فیما نزل فی القائم الحجه، فقیه بزرگ بحرین علامه سید هاشم توبلانی، ص ۱۶و۱۷.

افراد منتظر به صورت فردی یـا دسـته جمعی در تمـام نقـاط جهان پراکنـده هسـتند و آن ها عقیـده ی خود در ایمان به مهـدی موجود را انتقال می دهنـد و منتظر فرج به دست او هسـتند و دغـدغه های گوناگون خود را نسل به نسل ارث می گذارنـد؛ اما آن چه شان را از دیگران متمایز می کند ثبات آن ها بر ایمان دینی صادقانه به این عقیده است.

افراد منتظر تا این لحظه ی کنونی یک تاریخ طولانی و پر از رنج و دشواری را سپری کرده اند تا جایی که سینه ی یکی از آن هـا به تنگ آمـد –در حالی که او هنوز در قرن دوم هجری بود – و به امام صادق علیه السـلام گفت: «قـد طال هـذا الأمر علینا حتّی ضاقت قلوبنا و متنا کمداً؛ این مسئله برای ما طولانی شد تا آن جا که قلب ما به تنگ آمد و ما از غصه مردیم.»(۱)

قرن ها گـذشت و ظلم در زنـدگی افراد منتظر و غیر آن ها عمیق تر شـد و برخی از منتظران سـتمدیده در دوران قدیم احساس تنگی خود را بیان کردند و با گرمای اشتیاق دیدار ولی الله غایب گفتند:

«اللهم طـال الانتظـار و شـمت بنـا الفجـار و صـعب علینـا الانتصـار، اللهم أرنا وجه ولیک فی حیاتنا و بعـد المنون؛ خـدایا انتظار طولانی شـد و گناهکاران به ما زخم زبان زدنـد و پیروزی بر ما دشوار شـد خـدایا چهره ی ولی خود را در زندگی ما و بعد از مرگ به ما نشان بده.»(۲)

۱- غیبه نعمانی، ص ۱۲۰.

۲- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۷.

عوامل مؤثر در روان شناسی منتظران:

اشاره

افراد گروه های منتظر از نظر رفتاری ، ذهنی و روان شناسی از تعدادی عوامل تأثیر می پذیرند و منتظرین همانند هر گروه بشری دیگر دارای تاریخی طولانی و تمدنی عمیق و کارآمد هستند و در میان میراث عقیدتی، دینی و تاریخی، اجتماعی زندگی می کنند. این گروه چاره ای ندارد مگر آن که ساختار درونی اش از این میراث تأثیر بپذیرد به خصوص که عوامل تأثیر گذار در روان شناسی افراد منتظر و توانمندی عقلی آن به استفاده از مفاهیم دینی و عناصر معرفتی و روان شناسی مایل است تا بر افراد منتظر تأثیر بگذارد و از محتوای درونی ذات آن ها در طول دوره ی غیبت محافظت کند هر چند قدرت تأثیر در هر مرحله ای در طول دوره ی غیبت متفاوت باشد.

افراد منتظر با وجود تفاوت درجات درک دینی خود و سطح حماسی روانی آن ها نمی توانند به هر مقداری از انفعال در روحیه ی مثبت یا منفی این عوامل تأثیرگذار قرار کنند؛ به ویژه لحظه ای که در معرض وقایع جاری از بشارت ها و فتنه ها قرار می گیرند. گاهی این وقایع مورد انتظار و گاهی اوقات غیر منتظره و پی در پی است.

ما می توانیم بعضی از این عوامل تأثیرگذار در روان شناسی افراد منتظر را مشخص و در عوامل چهارگانه گرد آوری کنیم و –قبل از هر چیز– به این اشاره می‌کنیم که این مشخص کردن یک اجتهاد شخصی است که همه ی عوامل تأثیرگذار را در بر نمی گیرد؛ زیرا مسئله ای عمق دینی و تاریخ طولانی دارد که همچون مسئله ی انتظار یک فرد محقق به تنهایی از کشف همه ی عوامل و عناصر تأثیرگذار عاجز باشد و در نتیجه عوامل دیگری که تأثیر قوی تری دارند از اشاره، پنهان و از بررسی دور می مانند.

فرد محقق این مطالعه، عوامل تأثیرگذار روانی در مباحث روان شناسی افراد منتظر را به شکل زیر گردآوری می کند:

۱ – عامل اول: منبع تأثیر روانی اول نقش متون انتظار در تأثیر بر ساختار درونی افراد منتظر است و این متونی است که فرهنگ انتظار را شکل داده است و در ایجاد فرهنگ افراد منتظر، ارزش ها و رویکردهای آن ها در طول دوره ی غیبت سهیم بوده است.

۲ – عامل دوم؛ ایمان داشتن افراد منتظر در طول دوره ی غیبت به وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده و غایب از دیدگان.

۳ –عامل سوم؛ حوادث و وقایع جاری در طول دوره ی غیبت و فرقی نمی کند یک طبیعت مثبت باشد که در درون خود حامل بشارت های خیر باشد یا طبیعت منفی داشته باشد که افراد گروه منتظران و مخلصان را با فتنه ها و انحرافات، رنج ها و گرفتاری ها احاطه می کند.

۴ –عامل چهارم؛ نقش نخبگان افراد منتظر یعنی علما را در پرداختن به مسئولیت تربیت عبادی نسل های بعدی منتظران در هر مکان و در هر دوره از دوره ی غیبت بیان می‌کند که از نیمه ی قرن سوم هجری شروع می شود تا لحظه ی ظهور فرخنده ی حضرت.

عامل اول: فرهنگ انتظار:

الف) ورودی فرهنگ انتظار:

هر گروهی دارای فرهنگ، رسوم، عقیده، افکار، قوانین و نظام مربوط به خود است و این فرهنگ شاخصه ی آن گروه با ویژگی های مشحص و ذاتی خاص و ساختار معنوی متمایز است و گروه منتظران از این قاعده ی حاکم در زندگی گروه ها جدا نیست؛ زیرا افراد منتظر از تشکیل دهنده های اساسی کمک می گیرند

مثل فرهنگی که در سایه ی آن صدها سال زندگی کرده اند و شاخصه های مخصوصی را در آن‌ها بر جای گذاشته است و در ذات آن ها نیت های دینی، روانی و تمدنی را حک کرده است.

افراد منتظر همیشه گروهی متمایز بودند و مرجع آن فرهنگ متمایزی است که می توان آن را «فرهنگ انتظار» نامید که ما آن را در هر راه و منبعی استفاده می کنیم که به مسئله ی «عقیده ی مهدویت» پرداخته باشد و در آن چه که از واقعیت تاریخی از آن حاصل شده است؛ مثل مجادله، تعامل های فرهنگی، عقیدتی، سیاسی، روانی متراکم که همچنان در وجدان گروه انتظار تا امروز باقی مانده است.

فرهنگ انتظار شامل مفاهیم و افکار و احکامی است که مخصوص به عقیده ی انسان مسلمان درباره ی مهدی منتظر است؛ همچنین شامل برخی ارزش ها و فضیلت ها و موضع گیری های رفتاری است که درپیش‌گرفتن آن از نظر شرعی لازم است و شامل حقیقت های تاریخی می شود که با این عقیده ی دینی دارای ویژگیِ غیبی، مرتبط است و نیز شامل اخلاق و آداب و هنجارهای عبادی خاص می شود. همه ی این موارد منظومه ای فرهنگی است که به افراد منتظر، در طول دوره ی غیبت جهت داده و یک طرح فکری و ارزشی را تشکیل می دهد که در ایجاد روان شناسی افراد منتظر در طول این دوره سهیم است و در تفکر گروه افراد منتظر، احساسات آن ها و انواع عکس العمل های رفتاری آن ها در زندگی، تأثیر گذار است همان گونه که قبلاً اشاره کردیم و همان طور که در فصل آخر خواهد آمد.

ب) منابع فرهنگ انتظار:

اشاره

و فرهنگ انتظار که فرهنگ اسلام اصیل است دارای سه منبع است که عبارت اند از:

۱. متون اسلامی:

چیزی در دین ما وجود نـدارد مگر آن که با متون مرتبط است و هر آن چه امروز داریم یعنی عقایـد، احکام و معرفت از طریق متون – قرآن یا حدیث یا روایت از ائمه ی هدایتگر – به دست ما رسیده است. متون یکی از منابع علمی مهم در فرهنگ افراد منتظر است.

این قاعده بر فرهنگ انتظار منطبق است که به طور قطعی از طریق متون به خصوص متون حدیثی به دست ما رسـیده است و هر آن چه را که به مسـئله ی امـام مهـدی منتظر مرتبط است از عقایـد، افکار و موضع گیری ها و وقایع آن به وسـیله ی این روش شناخته ایم.

متون اولین منبعی است که فرهنگ انتظار با آن آغاز شده و تاروپود و شکل گیری آن در عقل فرد مسلمان و عمل به آن را به وجود آورده است و اگر آن نبود مـا به عنوان مسـلمانان نمی توانستیم به مسـئله ی انتظـار مهـدی موعود عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و دفاع از آن اعتقاد پیدا کنیم و خواننده به زودی کارآیی متون اسلامی را در شکل گیری فرهنگ انتظار در منتظرین در طول تاریخ طولانی چه قبل از آغاز غیبت یا بعد از آن خواهد دید.

این منبع در بیش از یک روش تجسم پیدا کرده است که عقلانیت افراد منتظر را تغذیه می کند و به آن ها معرفت و فرهنگ و جهت گیری می بخشد و احادیث نبوی و روایات صادر شده و نقل شده از ائمه ی اهل بیت علیهم السلام وجود دارد. همچنین

دعاها، زیارت نامه ها، مناظره ها، مکاتبه ها یا نامه نگاری ها و پاسخ به سؤالات و شعر و تفسیر متن قرآن وجود دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی معصومینD از اهل بیت گرامی او حجم زیادی از متون و روایات را بیان کرده اند که به هزاران عدد در منابع عقیدتی مسلمانان می رسد که برای توضیح مسئله ی مهدویت از شرح جزیئات آن و اعتقاد به آن و دفاع از آن استفاده شده است به طوری که خواستگاه بشارت به این عقیده، از زمان رسالت است و سپس در پی آن روایات پشتیبانی کننده از ائمه در طول سه قرن هجری پشت سرهم آمده و این موضوع با هدف افزایش آگاهی از آن و مشخص کردن نشانه های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صفات شخصی او، ضرورت تاریخی او در زندگی بشر، تعیین حوادث و وقایع جاری در دو دوره ی غیبت و ظهور تا رساندن دولت اسلامی جهانی به مرحله ی تأسیس و بنا شدن و سیطره و قدرت یافتن در زمین است.

۲. واقعیت تاریخی:

منبع دیگر فرهنگ «منتظرین» واقعیت تاریخی است و تفاوتی ندارد از نظر رواج یافتن تاریخی متون از زمان رسالت تا آغاز دوره ی غیبت و سپس زندگی در آن در ادامه باشد، یا از نظر پرداختن عملی ائمه به تجربه ی غیبت در طول دوره های تدریجی برای جلوگیری از روی دادن صدمه ی روانی بزرگ به احساسات عمومی مردم و برای شکل دهی یک حالت روانی مثبت باشد که افراد منتظر بتوانند آن را از نظر روانی و عقلی بپذیرند.

این واقعیت تاریخی شامل غیبت، تعامل با آن و حوادثی که در آن رخ داده، است و ثبت نمودن کلی موضع گیری ها – تأیید کننده یا مخالف – نسبت به

تفکر امام مهدی و غیبت با هم و سپس شرایط پیش آمده ای است که در زندگی افراد منتظر بعد از وقوع غیبت گذشته است.

در این واقعیت تاریخی موجود تا امروز بخش هایی از فرهنگ افراد منتظر شکل گرفته و عناصر آن قوی شده است و ریشه های آن در وجدان مردمی افراد منتظر گسترده شده است و همواره حرکت تعامل بین طرف های این واقعیت در این وجدان طوری بیرون می زند که گاهی قوی است و گاهی ضعیف.

عقیده ی «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» یک مسئله ی دینی، عقیدتی و انسانی است و به همه ی مسلمانان توجه دارد، به همین علت در تاریخ تجسم پیدا کرده و در حوادث پی در پی ظهور یافته است. در نتیجه می توان گفت که در این عقیده چیزی وجود ندارد مگر آن که دارای ربط به تاریخ است و هر آن چه که در دست ماست مثل دعاها، نامه ها، روایات، مکاتبه ها، متون و حوادث آن را نیز با روایت تاریخی از این رابطه بین این عقیده و تاریخ درک می کنیم؛ از این رو تاریخ یک منبع برای شناخت ما از این عقیده محسوب می شود.

به سادگی می توانیم بگوئیم که فرهنگ انتظار یک فرهنگ مجادله ای است که از نقطه ی «متون» به نقطه ی «واقعیت» و یا بر عکس شروع می شود و به همین علت متون و واقعیت در شکل دهی تاریخ اسلامی با هم ممزوج شدند و به مهم ترین منابع تأثیرگذار در روان شناسی افراد منتظر تبدیل شدند.

واقعیت تاریخی نیز حاوی عکس العمل چالشی است که افراد منتظر آن را در نتیجه ی هجومی خشن بروز دادند که افراد مخالف هر دو عقیده ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و عقیده ی انتظار آن را مرتکب شدند و این انتقاد و نامشروع دانستن این تفکر و نادان شمردن منطق افراد معتقد به آن منجر به عکس العمل محکمی در افراد و گروه های منتظر شد؛ زیرا آن افراد منتظر جلوی تفکر مخالفان را گرفتند و در

برابر آن مقاومت کردنـد و از واقعیت مقاومت تاریخی یک تفکر، میراث، فرهنگ و عقیده درست کردند که به حمایت از این «تفکر» و رسیدگی به آن در طول زمانی که کوتاه نیست کمک می کند.

در میـان این مقـاومت یک تعامل زنـده و پویا بین آگاهی افراد منتظر و رنـج های فکری، وجـدانی، ارزشـی آن ها و راهنمایی های اسـلام و تعلیمات آن شـکل گرفت که به تقویت عکس العمل چالش منجر شـد؛ زیرا فرهنگ انتظار یک بخش اصـیل از فرهنگ عمومی اسـلام است و در نتیجه با فرهنگ انتظار کسـی تعامل نمی کنـد مگر انسانی که معتقـد است که مسـئله ی امام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در ریشه های خود دارای ویژگی دینی است و با متون شارع فرهنگ ساز درباره ی این مسئله با یک مستمسک، یا با حرارت ایمان دینی، همراهی می کند و قدرت او بر ایستادگی و مقاومت بیشتر می شود؛ چرا که از مفـاهیم عقیـده ی انتظـار آگاهی دارد و توانسـته است به کسانی که رابطه ی خود را با اعتقاد به امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قطع کرده اند پاسخ بدهد.

این واقعیت «گفت و گویی» مبتنی بر آگـاهی از موضع گیری اسـلام اصـیل در برابر مسـئله ی ایمـان به مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشریف است که موجب تولد عکس العمل چالش «آگاهی» می شود و دلیلش این است که افراد منتظر همچنان تا امروز دارای این قدرت در مقاومت و تکیه کردن بر خود هستند.

متنی که از یک حالت روانی در افراد منتظر تعبیر می کند می گوید:

«اللهم طال الانتظار و شمت بنا الفجّار، وصعب علینا الانتصار، اللهم أرنا وجه ولیک المیمون فی حیاتنا؛ خدایا انتظار طولانی شد و گناهکاران به ما زخم زبان زدنـد و پیروزی برای ما دشوار شـد! خدایا چهره ی مبارک ولی خود را در زندگی ما به ما نشان بده.»(۱)

۱- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۷۲.

و در متنی دیگر می گوید: « اگر روزگار طولانی شد و عمر ها ادامه یافت، من نسبت به تو فقط یقین بیشتری پیدا می کنم و فقط محبت من به تو بیشتر می گردد و فقط توکل و تکیه ی من به تو بیشتر می شود؛ و توقع و انتظار من برای ظهور تو بیشتر می شده و مجاهدت من در جلوی تو برای انتظار تو بیشتر می شود.»(۱)

پس این چالش تاریخی باعث شده است «منتظرین» قدرت ایستادگی بیشتری داشته باشند بلکه باعث شده است فرهنگ انتظار را به عنوان یک گرایش فرهنگی آشکار و روشن در جریان های فرهنگی عربی اسلامی پیشنهاد کنند.

فرهنگ انتظار چه برگرفته از متون دینی باشد یا برگرفته از واقعیت تاریخی، یک عنصر جهت دهی به شخصیت فرد منتظر محسوب می شود به طوری که آثار خود را در ساختار روان شناسی و عقلانی فرد منتظر برجای گذاشته است (۲)و آثار واضحی در هر یک از آن ها ایجاد کرده است هر چند آگاهی، رنج بردن و درجه ی ایمان عقیدتی متفاوت باشد تا آن جا که می توان گفت این فرهنگ به افراد منتظر قوام دهنده های متمایزی از دیگران داده است و مشخص کردن ویژگی های عمومی آن ها در طول دوره ی غیبت کبری کمک کرده است، مانند لحظه شماری کردن، حماسه ی دینی، احساس متمایز بودن و قانع شدن عقلی و آگاهانه به این که آینده متعلق به «آن ها» است.

فرهنگ انتظار بین افراد منتظر و گروه های آن ها وحدت ایجاد کرده است هر چقدر هم مسافت زمانی و مکانی بین آن ها زیاد باشد و شرایط واقعیت موضوعی متفاوت باشد و برای آن ها سهم های مشترکی در ویژگی ها، طرز فکرها و عملکردهای رفتاری ترسیم کرده است.

۱- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۷۸.

۲- به عامل چهارم از عوامل تأثیر گذار در روان شناسی افراد منتظر (فصل چهارم) مراجعه کنید

هویت ذاتی گروه های منتظر و خواسته های آن ها یک احساس واحد است، احساس عزت و استقلال و برتری داشتن بر غلبه و سختی های زمان؛ چرا که فرهنگ انتظار افراد منتظر را هر جا که باشند با ریشه ها و قوام دهنده های اساسی اسلام اصیل به هم مرتبط کرده است همان گونه که نسبت به واقعیت تاریخی مستمر، و نسبت به درجه ی باز بودن فعالیت به روی دیگران، و نسبت به قدرت افراد منتظر در نو شدن و اضافه شدن به آن ها، رشد و بالندگی داده است. به همین علت این فرهنگ توانسته است برای تفکیک، حفظ هویت و ارتباط برقرار کردن با اصالت دینی به ذات فرد منتظر کمک کند با وجود باز بودن حرکت به روی دیگران از یک سو و پنهان بودن حرکت تهاجمی بر ضد عقاید افراد منتظر و فرهنگ دینی آن ها از سوی دیگر.

متون اسلامی – که قلب فرهنگ انتظار و روح آن است – درباره ی منتظران ثابت قدم و آن چه از آن بهره مند هستند یعنی ویژگی های رفتار عبادی که شاخصه های اساسی شخصیت دینی آن ها را برای شان مشخص می کند، سخن گفته است. و هدف این سخن گفتن ساختن عقیده و روانشناسی افراد منتظر در دوره ی غیبت است... دوره ی رنج تمدنی مسلمانان!

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هُدًى لِّلمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤمِنُونَ بِالغَيبِ» «خوشا به حال افراد صبور در دوره ی غیبت او؛ خوشا به حال افراد پایداری کننده بر محبت او؛ آنان کسانی هستند که خداوند در کتاب خود(۱) آن ها را توصیف کرده است؛ [این کتاب] راهنمای پرهیزکاران است * آن کسانی که به جهان غیب ایمان آوردند.(۲)

این متون می گوید که امام علی علیه السلام فرمود: «إنَّ اعظم الناس يقيناً قوم يكونون فی

۱- بقره، آیه ی ۲و۳.

۲- یوم الخلاص، ص ۲۲۳؛ همچنین المحجه فیما نزل فی القائم الحجه، سید هاشم بحرانی، ص ۱۷.

آخر الزمـان لم یلحقـوا النـبی و حجب عنهم الحجه، فـآمنوا بسـواد فی بیـاض؛ از جمله ی مردمی که بزرگ ترین یقین را دارند قومی هسـتند که در آخر الزمان می آیند و آن ها پیامبر را ندیده اند و حجت نیز از آن ها پنهان است و آن ها به سـیاهی روی سفیدی ایمان آوردند.»(۱) یعنی به سخنان نوشته شده با مداد سیاه روی صفحه ی سفید.

امام باقر علیه السـلام فرمود: «یخرج بعد غیبه و حیره لا یثبت فیها علی دینه، إلّا المخلصون المباشرون لروح الیقین الذین أخذ الله میثاقهم بولایتنا، و کتب فی قلوبهم الإیمان و أیدهم بروح منه؛ او بعد از مدتی غیبت و سـرگردانی قیام می‌کند که در آن کسی بر دین او بـاقی نمانـده، مگر افراد مخلص و متصـل به روح یقین کسانی که خداونـد از آن ها بر ولایت ما پیمان گرفته است و در قلب آن ها ایمان را ثبت کرده است و با روح خود آن ها را تأیید کرده است.»(۲)

از امام سجاد علیه السلام سخنی خطاب به ابو خالد نقل شده است که فرمود:

«إنَّ أهل زمان غیبه و القائلین بإمامته و المنتظرین لظهوره أفضل من أهل کل زمان لأنَّ الله تبارک و تعالی أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفه ما صارت به الغیبه عنـدهم بمنزله المشاهـده، و جعلهم فی ذلک الزمان بمنزله المجاهـدین بین یـدی رسول الله بالسـیف، أولئک المخلصون حقاً و شـیعتنا صدقاً، و الدعاه إلی دین الله سـراً و جهراً؛ اهل زمان غیبت او، معتقدان به امامت او و افراد منتظر ظهور او بهترین اهل تمام زمان ها هستند؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی به آن ها عقل و فهم و معرفتی داده است که به وسـیله ی آن غیبت نزد آن ها به منزله ی مشاهـده شده است و آن ها را در آن زمان به منزله ی مجاهدان با شمشـیر در کنار رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم قرار داده است. آن ها افراد مخلص واقعی وشـیعیان صادق ما و دعوت کنندگان به دین خداوند در

۱- یوم الخلاص، ص ۲۱۹ به نقل از منابع دیگر؛ کمال الدین صدوق، ص ۱۲.

۲- یوم الخلاص، ص ۲۱۰.

نهان و آشکار هستند.»(۱)

و در متنی دیگر می فرماید: «من بقی علی ولایتنا فی غیبه قائمنا أعطاه الله أجر ألف شهید مثل شهداء بدر و أحد؛ کسی که در دوره ی غیبت قائم ما بر ولایت ما باقی بماند خداوند پاداش هزار شهید همانند شهدای بدر و احد را به او عطا می کند.»(۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «وسیأتی قوم من بعدکم، الرجل الواحد منهم له أجر خمسین رجل منکم؛ بعد از شما قومی خواهند آمد که یک مرد از آن ها اجر و پاداش پنجاه مرد از شما را خواهد داشت.» گفتند: «یا رسول الله، نحن کنّا معک ببدر و أحد و حنین، و نزل فینا القرآن؛ ای رسول خدا ما در کنار شما در بدر و احد و حنین بودیم و قرآن در میان ما نازل شد.» حضرت فرمود: «إنّکم لو تحملون کما حملوا لم تصبروا صبرهم؛ اگر آن چه بر آن ها وارد می شود بر شما وارد شود شما نمی توانید مثل آن ها صبر داشته باشید.»(۳)

این متون و غیر آن، بخشی از فرهنگ انتظار تأثیرگذار در ساختار روان شناسی و ذهنی افراد منتظر است و اشاره به بالا رفتن معنویت ها و تیزبینی های نفس به امید، اعتماد، یقین، برتری یافتن بر واقعیت ظلم، تلخی زورگویی و ریشه دار کردن احساس امنیت و عمیق کردن اصل پایداری بر ولایت اهل بیت و ایمان به رهبری معنوی آن ها به خصوص امام غایب –عجل الله فرجه الشریف– است و

۱- یوم الخلاص، ص ۲۳۳ /معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۱۶۳.

۲- یوم الخلاص، ص ۲۳۳

۳- یوم الخلاص، ص ؛۲۲۱ غیبه الطوسی، ص ۴۵۷؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۱.

این متون در ستایش از افراد منتظر(۱) و سفیه دانستن منافقان(۲) و دشمنان گروه انتظار افاضه کرده است.

متون فرهنگ انتظار دارای راهنمایی ها و آثار روان شناسی مهمی است که برخی از آن را در موقعیت های پراکنده از بررسی خود شناختیم و خواننده ی محترم به زودی مهم ترین ابعاد روان شناسی عقیده ی انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در فصل آخر خواهد شناخت.

این متون از واقعیت انسانی جدا نیست و در خلا حرکت نمی کند، بلکه در این جا گروهی مستضعف از مؤمنان یا طایفه ای مغلوب از آن ها وجود دارد که دین خود را در دوره ای دشوار که در آن وجدان ملی مردم از دین دور شده است حفظ می کند.

از این رو می توانیم تأکید کنیم که فرهنگ انتظار با متون دینی خود، یا با تجربه های افراد منتظر با دیگران در واقعیت تاریخی، مقدار معقولی از تعادل درونی شخصیت فرد منتظر را محقق کرده است؛ هر چند در محدوده ی دنیای او در حالی که این مقدار محدود، از تعادل سالم باعث می شود منتظرین گروهی برتری کننده از واقعیت ظالم و آماده ی هم نوایی با محتوای معنوی این عقیده باشند.

۱- منابع اسلامی مملو از متون بسیاری است که درباره ی برتری منتظران است و از جمله ی این منابع البیان گنجی، ص ۱۰۹؛ معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۱۹۵ و ج ۳ ص ۷۱- ۷۹ ؛ البرهان هندی متقی، ص ۱۵۹,۱۶۳ ؛ القول المختصر ص ۸۳ ؛ عقد الدرر سلمی مقدسی، ص ۱۶۳؛ علامات یوم القیامه ابن کثیر دمشقی، ص ۳۰, احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من مسند احمد بن حنبل، ص ۷۱و ۷۶ و منابع بسیار دیگری است.
۲- و متون ستاینده افراد منتظر در مقابل متون بسیاری است که منافقان، فاسقان، رهبران گمراه کننده، حاکمان ستمکار و علمای بد را نادان/ جاهل معرفی می کند. رک به معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۳۲۰، ۲۰۸ و صفحات دیگر.

۳ .اجتهادهای افراد منتظر و نوآوری های جدید آن ها:

منبع سوم برای فرهنگ انتظار اجتهادهای علما و نخبگان متفکر از افراد گروه منتظر در طول دوره ی غیبت کبرای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و ما در ادامه، تأثیر و کارآیی این منبع فرهنگی را در ساختن ماهیت روانی و عقلی افراد منتظر به عنوان یک عامل مستقل در پایان این فصل بررسی خواهیم کرد.

عامل دوم: وجود «امام» منتظر به صورت زنده:

اشاره

هر حرکت موجودی در هر جامعه ای یا حرکتی که انتظار وجودش کشیده می شود نیازمند یک رهبری حکیمانه و رشد یافته و کارآمد است که به اعضای خود جهت دهی کند و تصوّر موفقیت یک حرکت، بدون وجود رهبری که امور آن را تدبیر کند دشوار است.

الف.مفهوم رهبری:

رهبری – آن طور که دانشمندان جامعه شناس تعریف می‌کنند – یک پدیده ای انسانی است که به شکل های روابط و موضع گیری های رفتاری که افراد یک گروه آن را برای خود پسندیده اند تجسم می بخشد که مطابق اصول و نظام و ارزش های گروهی تعریف شده در یک سند مکتوب یا رایج در میان افراد آن در رفتار اجتماعی موروثی یا منتقل شده به انواعی از رسوم و عادت ها و اخلاق اجتماعی است.

ب. عناصر گروه انسانی:

اشاره

وقتی واقعیت زندگی را به طور دقیق بررسی کنیم، می بینیم هر گروه انسانی زندگی اش مبتنی بر عناصر اساسی است که عبارت است از:

۱ . وجود رهبر برای امت:

وجود رهبری که نفوذ خود را در میان محیط اجتماعی اعمال می کند و گاهی این رهبری در شکل های مختلف به صورت فردی یا اجتماعی، دیکتاتوری یا دموکراتیک و مدنی یا نظامی یا غیر آن تجسم پیدا می کند.

۲. وجود امت برای رهبری:

وجود پیروان که معمولاً ـ افراد گروهی هستند که از رهبری تأثیر می پذیرند و ولایت و اطاعت پذیری خود و پذیرش کامل دستوراتش را به او تقدیم می کنند.

۳. اقلیمی برای سکونت امت:

اقلیم یا منطقه ی جغرافیایی [مکان مشخص] روستایی یا شهری یا تمام جامعه یا شهری مشخص.

۴ . نظام حکومتی و قانونی برای امت:

فراهم بودن نظام اجتماعی مثل امور وراثتیِ رفتاری رایج در زندگی گروهی یا قانون مشخص [مثلاً قانون اساسی] یا سند اجتماعی و قانونی که امور رابطه ی بین رهبر و پیروان را تنظیم کرده و وظایف و حقوق را در میان آن ها تعریف می‌نماید.

گروه منتظران که دارای رنج های تاریخی طولانی هستند همانند سایر گروه های انسانی، نیازمند رهبری هستند تا سایه ی مثبت خود را بر ساختار روان شناسی بیندازد و فرقی نمی کند ناشی از احساس افراد منتظر به منسوب بودن به جایی و متحد بودن باشد، یا ناشی آرامش روانی، یا از نظر عبور از احساس سرگردانی که روی دادن آن به عنوان یک مشکل روانی در دوره ی غیبت انتظار می رود، یا از بین بردن موفقیت آمیز جدال درونی رایج در ساختار هر گروه یا

حرکت اجتماعی یا کمک به افراد گروه منتظر با امید، صبر و استقامت بر اطاعت پذیری و توانایی در رویارویی با دشواری ها و سختی های زمانه و مجهز کردن روان افراد منتظر به محتوای معنوی برای بالا بردن معنویت ها در طول دوره ی غیبت باشد.

شارع اسلامی اهمیت رهبری و ضرورت آن را در زندگی گروه افراد مؤمن در هر زمانی درک کرده است و متون بزرگوار بر اهمیت شناخت آن در جامعه ی غیبت و تمسک به آن برای تضمین تحقق بهتر آن مقدار که ممکن باشد، تاکید کرده است. به همین علت کتاب های مسلمانان و منابع دینی و فرهنگی آن ها به ضرورتِ ارتباط افراد گروه مؤمن با رهبری استقامت بخش اشاره کرده است.

برخی از این متون مطالب زیر را می گوید:

«من مات و لم یعرف إمام زمانه مات میته جاهلیّه» «کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است.»(۱)و این حدیث نبوی در منابع مسلمانان تکرار شده است و در برخی دیگر بر اهمیت شناخت فرد مسلمان نسبت به امام زمان خود تأکید شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:«من بات لیله لایعرف فیها إمام زمانه مات میته جاهلیّه» «کسی که شب بخوابد و در آن امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»(۲)

متون دیگری نیز بر خالی نبودن زمین از حجت متمرکز شده اند (۳)و این که «لو کانت الأرض بلا حجه لساخت» «اگر زمین بدون حجت باقی بماند خشمگین و

۱- غیبه النعمانی، ص ۸۲؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۷-۹.

۲- غیبه النعمانی، ص ۸۰.

۳- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۵۰۷؛ غیبه النعمانی، ص ۸۹؛ و منابع بسیار دیگر.

غضبناك می شود.»[(۱)]و«لم یبق فی الأرض إلاَّ اثنان لکان أحـدهما الحجه» «اگر در زمین فقط دونفر باقی بمانند یکی از آن ها حجت است.»[(۲)]و این که «حجه لله فیهـا ظـاهر مشـهود أو غـائب مسـتور» «در زمین حجتی از طرف خداونـد وجود دارد که یا ظاهر و شناخته شده است و یا غایب و پنهان.»[(۳)]

«اما کیفیت بهره منـدی از من در غیبتم همانند بهره مندی از خورشـید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان کنند.«إذا غیبتهـا عن الأبصـار السـحاب، و إنی لأمـان أهل الأرض، کما أنَّ النجوم أمان لأهل السـماء» و من موجب امان اهل زمین هسـتم همان طور که سـتارگان موجب امان اهل آسـمان هسـتند.»[(۴)] این متن بخشـی از نـامه ای است که امـام حجت به سـفیر خـود محمد بن عثمان عمری خطاب کرده است.

اهمیت روان شناسی وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف:

اشاره

به زودی دربـاره ی این اهمیت وضـرورت وجود آن نخست از متون شـارع اسـلام و سـپس از تعبیرهـای خود «منتظران» سـخن خواهیم گفت.

اندکی قبل بعضـی از متونی آورده شد که بر وجود حجت خداوند در زمین تأکید کرد و نیازی به تکرار آن نیست؛ اما باید در متن دیگری تأمل کنیم.

جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم این سؤال را پرسـید:«هل ینفع الشـیعه بالقائم فی غیبته؟» «آیا شیعیان از قائم در غیبتش بهره ای می برند؟»

۱- غیبه النعمانی ص ۸۷ – ۸۹؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۴-۹.

۲- غیبه النعمانی، ص ۹۰ و ۹۱.

۳- الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۲۸.

۴- غیبه الطوسی، ص ۲۹۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۱؛ کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۲۵.

حضرت فرمود: «إی والذی بعثنی بالنبوه، إنَّهم لینتفعون به، و یستضیئون بنور ولایته فی غیبته کانتفاع الناس بالشمس و إن جلَّلها السحاب» «آری! سوگند به کسی که مرا به نبوت مبعوث کرد مردم از او بهره می برند و از نور ولایت او در غیبتش روشنایی می گیرند؛ همانند بهره بردن مردم از خورشید هر چند ابر روی آن را بپوشاند.»(۱)

در این متن اخیر یک تشبیه حسی برای نزدیک کردن معنا به ذهن خواننده توجه ما را به خود جلب می‌کند و مهدی غایب از دیدگان مردم فایده ای در زندگی امت با نور ولایتش دارد؛ همان گونه که خورشید پرده ی ابر را می شکافد و انرژی روشنایی خود را به تمام موجودات زنده می رساند حتی اگر در بستر دریا و اقیانوس ها و نهر ها باشند؛ همانا خورشید «روشنایی» و «حرارت» تولید می کند و هر دو انرژی طبیعی تجدید شونده هستند که همه ی موجودات زنده از آن استفاده می کنند.

پس خورشید انرژی روشنایی خود را به ما می رساند تا موجب:

۱. احساس «رویت» شود.

۲ . و روشنایی عنصری مهم برای زندگی موجودات مختلف زنده است.

۳ . همان گونه که گیاهان انرژی روشنایی را جذب می کنند و به وسیله ی این جذب، عمل تجسم روشنایی اتفاق می افتد و به این شکل مواد کربو هیدرات به وجود می آیند که گیاهان برای ساختن مواد غذائی مثل پروتئین و چربی از آن استفاده می کنند؛ پس گیاهان روشنایی را با عملی کردن روشنایی به شکل انرژی تجدید شونده ذخیره می کنند و غذا تولید می کنند.

۱- یوم الخلاص کامل سلیمان، ص ۱۳۷ به نقل از منابع دیگر.

۴. روشنایی آب را می شکافد تا به گیاهان و علف ها و جانوران زنده ی موجود در بستر نهرها و دریاها برسد

و همچنین حرارت فواید مشابهی دارد که افراد ساده ی از مردم آن را می دانند.

بنابراین این متن شریف خواسته است – با یک مثال حسی و زنده از طبیعت – نیاز امت به امام غایب را به نیاز مردم به انرژی خورشید پوشیده شده با ابر تشبیه کند و هر دو این ها ضروری است. در نتیجه متن به کسانی که درباره ی فایده ی امام «غایب» سؤال کرده اند و این که حکمت وجود او چیست پاسخ داده است.

و همان گونه که «خورشید پوشیده شده با ابر فوایدی دارد، همان طور» امام پنهان شده از ما، فوایدی عقیدتی، ایمانی، تربیتی و روان شناسی برای امت دارد و این فواید دارای تأثیر مثبت بر ساختار عقلی و روانی منتظران است؛ اما این فواید را کسی که به تفکر انتظار ایمان ندارد و با آن به عنوان یک تجربه ی احساسی و رفتاری و عبادی تعامل نکرده است، درک نمی کند.

و از این فواید تأثیر گذار موارد زیر است:

نخست: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نور و هدایت است:

خداوند متعال خواسته است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوری برای جامعه باشد و او انرژی هدایت برای امت و پایداری در راه حق است و همان طور که گیاهان به سوی روشنایی خورشید حرکت می کنند همین گونه امت مومن به سوی این ولایت حرکت می کند تا از آن نور «هدایت»، ولایت، کمال دینی و ارتباط با رهبری دریافت کند و متون شارع اسلامی به پایداری بر ولایت اهل بیت تأکید کرده است و ایمان به «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» را اعتبار کرده و تسلیم شدن در برابر او، شرط قبولی اعمال ما است.

امام صادق علیه السلام به اصحاب خود فرمود:

«ألاـ أخبرکم بما لا یقبل الله عزَّوجلَّ من العباد عملاً إلاَّ به» «آیا چیزی را به شما اطلاع بدهم از این که خداوند عز و جل هیچ عملی از بندگان را قبول نمی کند مگر با آن؟» یکی از اصحاب گفت: «آری!»

امام فرمود:«شهاده أن لا اله الاَّ الله، و أنَّ محمداً عبده و الإقرار بما أمر الله، و الولایه لنا و البراءه من عدونا – یعنی الأئمه – و التسلیم لهم، و الورع و الاجتهاد و الطمأنینه و الانتظار للقائم» «شهادت دادن به این که خدایی جز الله وجود ندارد و این که محمد بنده ی اوست و پذیرفتن آن چه خداوند دستور داده است، قائل شدن ولایت برای ما، اعلام برائت از دشمنان ما، تسلیم بودن در برابر آن ها – یعنی ائمه – و پرهیزگاری، تلاش و آرامش و انتظار کشیدن برای قائم علیه السلام.»(۱)

در دعاهای منتظران و زیارت نامه های شان این معنا را رواج می دهند و آن را درک و با آن تعامل می کنند. یکی از متن های زیارت منتظران برای امام حجت چنین می گوید:

«أشهد أنَّ بولایتک تقبل الأعمال و تزکی الأفعال، و تضاعف الحسنات و تمحی السیئات، فمن جاء بولایتک و اعتراف بأمامتک قبلت أعماله و صدقت أقواله» «من شهادت می دهم که با پذیرفتن ولایت تو اعمال مورد قبول واقع می شود، افعال پاکیزه می گردد، ثواب ها چندین برابر و بدی ها حذف می شود؛ پس هر کس به ولایت تو معتقد باشد و امامت تو را بپذیرد اعمالش مورد قبول واقع می شود و سخنانش را راست می پندارند.»(۲)

در متنی دیگر می گوید:«الأعمال موقوفه علی ولایتک، والأقوال معتبره بإمامتک، من

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۳۳.

۲- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۷۷.

جاء بولايتك و اعتراف بإمامتك قبلت أعماله و صدقت أقواله، و تضاعف له الحسنات، و تمحى عنه السيئات» «اعمال منوط به پـذيرش ولايـت توست و سـخنان با اعتقاد به امامت تو معتبر می شود کسـی که به ولايت تو معتقـد شود و امامت تو را بپـذيرد اعمالش مورد قبول واقع می گردد، و سـخنانش راست دانسـته می شود و نيکی هايش چنـدين برابر و بـدی هايش از او حذف می شود.»(۱)

دوم؛ تربيت کادرهای منتظران برای ارزش های جهادی:

از جمله ی آن پايـداری، يقين، ترديـد نداشـتن، يکسان بودن درون و بيرون، رشـد نياز فرد مومن به محبت امام، آمادگی برای ياری او و تجديد بيعت با اوست و تعبيرهای منتظران تجسم بخش اين تعامل است.

تعبيرهـای آن هـا چنين می گويـد: «من شـهادت می دهم که تو حق ثـابت هسـتی که در آن هيـچ عيبی وجود نـدارد، وعـده ی خداونـد دربـاره ی تو حق است، و من بـا طولانی شـدن غيبت و دور شـدن مـدت دچار شک نمی شوم، و در کنار کسانی که نسـبت به تو جاهل هسـتند و تو را نشـناخته اند دچار سـرگردانی نمی شوم، و من منتظر و لحظه شماری کننده برای روزگار تو هستم.»(۲)

«خدايا! با دوست داشتن او به ما منفعت برسان, و ما را در گروه او و در زير پرچم او محشور کن.»(۳)

«خدايا! من امروز و هر روز پيمان و عقد و بيعت او بر گردن خود را تکرار می کنم.»(۴)

۱- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ص ۴۶۶.

۲- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ص ۴۷۷.

۳- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ص ۴۶۹.

۴- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ص ۴۶۲.

«پروردگـارا! همـان گونه که قلب مرا با یاد او آباد کردی، سـلاح مرا در یاری کردن او از نیام بیرون بیاور حتی اگر مرگ بین من و دیدار او فاصله اندازد، چیزی که به یقین برای بندگانت قرار دادی.»(۱)

«من شـهادت می دهم ای مولاـی من که ظـاهر سـخنان من هماننـد باطنش و درونش مثل بیرونش است و تو در این باره بر من شاهد هستی و این پیمان من با توست و میثاق تعهد گرفته شده ی من نزد توست.»(۲)

سوم؛ وجود امام ادامه ی نظام ولایت است:

وجود امام موجب آگاهی مردم نسبت به نظام ولایت و حکومت در اسلام و باقی ماندن آن به عنوان یک خط اصیل و مستمر در زنـدگی دینی و سیاسـی مسـلمانان است و عبارت های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در ادعیه اش از ضـرورت برطرف کردن نیـاز «به ریاست» و تشویق به تفکر درباره ی امور دولت اسـلامی تعبیر می کنـد؛ زیرا در ادعیه ی او عبارت های «مجازات های ترک شـده، و احکام کنار گذاشـته شده» تذکر داده شده است.» (۳) و«إنّـا نرغب إلیک فی دوله کریمه تعز بها الإسـلام و أهله و تـذل بهـا النفـاق و أهله» «ما از تو توقع دولت کریمه داریم که با آن به اسـلام و اهل آن عزت دهی و نفاق و اهـل آن را ذلیل کنی.»(۴)«استـخلفه فی الأرض کما استـخلفت الـذین من قبله» «و او را در زمین خلیفه قرار بده همان گونه که افراد قبل از او را خلیفه قرار دادی.»(۵)و عبارت های دیگر که از نظام ولایت تعبیر می کند.

۱- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۷۲.

۲- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۶۹.

۳- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۵۹.

۴- از دعای افتتاح منسوب به امام مهدی الحجه عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵- منبع قبلی

غفلت مردم از این اصل، یا نپذیرفتن آن، یا جنگیدن با آن، ضرری به آن وارد نمی کند؛ چرا که خداوند عز و جل مقدر فرموده است که در روی زمین حجتی داشته باشد و اگر حجت نباشد زمین به همه ی کسانی را که روی آن هستند غضب خواهد کرد، همان گونه که در روایات بسیار وارد شده است.

چهارم؛ رسیدگی به احوال مردم:

اشاره

روایات می گویند که امام به رسیدگی کردن به نگرانی های مردم و درد ها و آرزوهای آن ها مشغول است. و از امثال آن موارد زیر است:

۱. در مراسم حج حضور دارد:

امام در میان تجمع های مردم و در مراسم حج آن ها حضور می‌یابد و به احوال آن ها رسیدگی و در میان آن ها زندگی می کند تا مشکلات عمومی آن ها را بشناسد. و قسمتی از روایت می گوید که او مردم را می بیند و آن ها او را نمی بینند و معنای ظاهری این بخش از روایت این است که نوع تعامل بین او و مردم تعامل مستقیم است و مشکلات آن ها را احساس می کند و در آن‌ها با مردم مشارکت می کند بدون این که او را بشناسند؛ یعنی دیدار شخص او محقق می شود بدون این که «هویت حقیقی» او را بشناسند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إن للقائم غیبتان یشهد فی احداهما المواسم یری الناس و لا یرونه» «قائم دو غیبت دارد؛ در یکی از آن ها در مراسم حج حضور پیدا می کند و مردم را می بیند، اما آن ها او را نمی بینند.»(۱)

۱- غیبه نعمانی، ص ۱۱۷.

۲ . نظارت بر اعمال منتظران:

رسیدگی به احوال افراد منتظر شکل دیگری هم دارد و مطابق اعتقادات عمومی شیعه که در روایت های بسیار آمده است و منابع دینی آن را در خود دارند امام در زمان غیبت به صورت مستمر بر اوضاع و احوال شیعیان خود نظارت می کند. و با الهام از خدای تعالی از اعمال آن ها آگاه است و به حسب تعبیر روایات هر هفته نامه ی اعمال شیعیان به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه می شود و از اعمال و سخنان آن ها مطلع می شود.(۱)

امام به اقتضای این نظریه به احوال شیعیان خود رسیدگی می کند و اعمال آن ها بر او عرضه می شود و حضرت در آن نگاه می کند و اگر اعمال نیکو و صالح باشد خوشحال می شود و هنگامی که اعمال بد باشد ناراحت می شود؛ زیرا باعث طولانی شدن غیبت او می شود.(۲)

وقتی منتظران این نظریه را باور داشته باشند این باور قلبی و با اراده یک راهنمایی تربیتی و روانی دارد. و آن راهنمایی این است که اقدام به نیکو کردن رفتار عبادی خود می کنند تا امام از آن ها راضی شود و اقدام به ارتقای سطح ذات مومن و منتظر کنند تا عمل آن در سطح قابل قبولی از اعمال و آزاد کردن آن از احساس افراطی نسبت به گناه باشد.

۳ . دعا و استغفار برای منتظران:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره ی غیبت خود اقدام به انجام نقش و وظیفه ی عبادی می کند که هدف آن حمایت از افراد منتظر و دفع بلا از آن هاست؛ مثل دعا کردن و طلب مغفرت برای آن ها و امام حجت – به عنوان یک رهبر معنوی – امتداد

۱- کتاب بقیه الله، بحث استاد جعفر سبحانی، ص ۴۱ به نقل از منابع دیگر.

۲- کتاب المحجه، سید هاشم بحرانی، ص ۱۲۴.

خط نبـوت محسوب می شود و به همین علت او در حکم امنیت برای اهـل «زمین» است همـان گونه که در یکی از نـامه هـای خود تعبیر کرده است.(۱)

امام علیه السـلام برای گشایش در کار مومنان و عبور از تنگناها و پرهیز از ناامیـدی و مشـکلات انسانی مثل فقر، بیماری، جفا، غربت، دوری از دین، سرگردانی، اضطراب و شک و تردید داشتن بسیار دعا کرده است.(۲)

دعـا یـک وسـیله ی زنـده برای تعبیر از نگرانی های مومنان، آرزوهای آن ها و رسـیدگی به احوال شان در زمان دشوار غیبت است.

پنجم؛ حل کردن مشکل سرگشتگی و سردرگمی و درگیری روانی:

وجود امـام مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف به صورت زنـده که روزی می خورد همان گونه که شـیعیان امامیه و تعـداد زیادی از علمای حدیث در اهل سـنت نظرشان این است موجب روشن بودن دیدگاه دینی و سیاسـی مسـئله ی امامت در دوره ی غیبت و حل این مشکل است که مسلمانان در این دوره با آن مواجه هستند.

نتیجه ی این وضوح ر تأکیـد بر «مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف» منتظر و موجود بالفعل در حل شدن درگیری است که توقع می رود در نفس سـرگردان و حیرت زده به وجود آیـد؛ کسـی که به روایـاتی ایمـان دارد که می‌گوینـد: «من مـات و لم یعرف إمام زمانه مات میته جاهلیه» «هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

چنین نفس معتقـدی به این روایت و غیر آن، در میـان مردم یک امام معنوی و سیاسـی نمی بینـد که او را از این سـرگردانی و حیرت نجات دهد. او به سمت این

۱- به کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۲۵.

۲- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، صفحات ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۲۱، ۳۳۴، ۳۶۲؛ همچنین منابع دیگر مثل الاحتجاج، ج ۲.

روایات و به سمت واقعیت شدیدی رهنمون می شود که در آن امامی را پیدا نمی کند تا او را بشناسد و با او آرام گیرد و به امامت او ایمان بیاورد؛ در نتیجه چنین فردی مطابق این روایت به مرگ جاهلیت مرده است. این کشمکش برای او یک درگیری ناسالم در درون نفسش ایجاد می کند.

ایمان به «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» موجود و این‌که در میان مردم زندگی می کند و آن ها را می بیند، ولی آن ها او را با نام و مشخصات نمی بینند در حل این درگیری ها کمک می کند و بی خوابی را از نفس برطرف می‌کند و وقتی فرد مسلمان اعتقاد پیدا کرد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود و زنده است امام زمان خود را می شناسد و از او اطاعت می کند و به رهبری او تن می دهد و به مرگ جاهلیت نمی میرد.

این برخلاف یک مسلمان دیگر است که به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده اعتقاد ندارد و می بینیم درباره خود در جامعه بشر جستجو می کند اما در میان آن ها کسی را پیدا نمی کند که شرایط امامت در او فراهم باشد؛ در نتیجه سرگشتگی او در سازگاری برقرار کردن بین محتوای روایات و ناتوانی واقعیت انسانی از ارائه ی نمونه ای اعلی برای امامت معنوی و سیاسی افزایش می‌یابد و به این ترتیب نفس او در معرض غارت حالت درگیری قرار می گیرد بین ضرورت معرفت امام زمان خود و پنهان کردن واقعیت از تشخص دقیق او که متناسب با شرایط دینی باشد.

امام باقر علیه السلام این سرگشتگی را به یک گوسفند سرگردان تشبیه کرده است که چوپان و گله ی خود را نمی شناسد و همچنان سرگردان باقی می ماند. این روایت می فرماید:

«من دان لعباده الله یجهد فیها نفسه، و لا- إمام له من الله تعالی ، فسعیه غیر مقبول و هو ضال متحیر، والله شان لأعماله، و مثله کمثل شاه من الأنعام ضلَّت عن راعیها أوقطیعها فتاهت ذاهبةً، و حارت یومها، فلمَّا جاءها اللیل بصرت بقطیع غنم مع ارعیها

فحنت إليهـا، واعترت، فبـاتت فی ربضـها، فلمّا أصـبحت و سـاق الراعی قطیعه، أنکرت راعیهـا و قطیعهـا، فهجمت متحیره تطلب راعیهـا و قطیعهـا، فبصـرت بسـرح غنم مع راعیهـا، فحنت إلیهم و اعترت بهـا، فصـاح بها راعی الغنم: أیها الشاه الضاله المتحیره، فالحقی براعیک و قطیعک. و هجمت ذاعره متحیره تائهه لا راعی لها یرشدها إلی مرعاها أو یردها إلی دینها، فبینما هی کذلک إذ اغتنم الذئب ضـیاعها فأکلها، و هکذا یا بن مسـلم من أصـبح من هذه الأمه لا إمام له من الله عزَّوجلَّ أصبح تائهاً متحیراً ضالاً، إن مات علی هذه الحال مات میته کفر و نفاق» «کسـی که به عبادت خداوند معتقد باشد و در این کار تلاش کند، اما امامی از جانب خـدای تعالی نداشـته باشـد زحمت او مقبول نخواهـد بود و او یک گمراه و سـر گردان است، و خداونـد اعمال او را بی ارزش می دانـد. مثال او مثال گوسـفندی از چهارپایان است که از چوپان خود یا گله ی خود گم شـده است و در سـر گردانی راه می پیماید و روز خود را سـردرگم سپری می کند، وقتی شب می شود یک گله گوسفند را در کنار چوپان خود می بیند و بـا خوشـحالی سـراغ آن ها می رود و خودش را از آن ها می دانـد و شب را در قلعه ی آن ها سپری می کنـد؛ وقتی صـبح می شـود و چوپـان گله ی خـود را به راه می انـدازد، او چوپـان و گله اش را نمی شـناسد و دوبـاره سـر گردان می شود و به دنبـال چوپان و گله ی خود می رود. یک گله گوسـفند را در کنار چوپانش می بیند و با خوشحالی سراغ آن ها می رود و خود را از آن ها می داند. زمانی که چوپان گوسـفندانش را صدا می زند: می گوید ای گوسـفند گمشده و سـر گردان برو سراغ چوپان و گله ی خودت! و او وحشت زده و سـر گردان و سرگشـته به راه می افتد بدون این که چوپانی داشته باشد تا او را به چراگاهش راهنمـایی کنـد، یـا راهنمـایی که او را به دین خود بازگردانـد. در شـرایطی که این گونه است ناگهـان گرگ تباه شـدن او را غنیمت می شـمارد و او را می خورد و این گونه است ای «ابن مسلم» کسی که از این امت به وضعیتی گرفتار شود که امامی از طرف خداوند عز و جل نداشته

باشد دچار سردرگمی، سرگردانی و گمشدگی خواهد شد و اگر بر این حالت بمیرد به مرگ کفر و نفاق مرده است.»(۱)

اما ایمان فرد منتظر به «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» زنده و موجود، و معرفت دقیق او باعث می شود از این احساس نجات یابد؛ زیرا روایات بر او انطباق پیدا نمی کند به طوری خود را معتقد به امام زنده می داند که او را به طور کامل می شناسد و با او تعامل می کند و در نتیجه سرگردانی او از بین می رود و نفس از شک ها و سردرگمی ها آرامش می‌یابد و تناقض بین متون و واقعیت پنهان می شود و از درگیری و بحران درونی پرهیز می کند.

شارع اسلام به این اشکال که روی دادن آن در دوره ی غیبت مورد توقع است توجه داشته و آن را با مشخص کردن امام به صورت عینی و به شکل دقیق درمان کرده است. او حجت بن الحسن آخرین امام از امامان دوازده گانه است که شیعیان امامیه به او اعتقاد دارند و گروهی از علمای اهل سنت به او اعتراف کرده‌اند.(۲)

و این گونه اعتقاد به وجود مهدی حقیقی و متولد شده بالفعل در منتظران

۱- غیبه نعمانی، ص ۸۰-۸۱.

۲- از میان علمای اهل سنت که با شیعیان امامیه شریک هستند در اعتقاد به تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و باقی ماندن او به صورت زنده و این که در میان مردم زندگی می کند و پنهان از دیدگان است عبارتند از: ابن صباغ در کتاب خود «الفصول المهمه»، ص ۲۸۱-۲۸۲ ؛ کنجی شافعی در کتابش «البیان فی اخبار صاحب الزمان»، ص ۱۴۸-۱۶۰؛ شعرانی در کتابش «الیواقیت و الجواهر» فصل ۶۵؛ الحنفی سلیمان قندوزی در «ینابیع الموده»، ج ۳، ص ۴۵۲؛ شمس الدین محمد بن طولون در کتاب خود «الشذرات الذهبیه فی تراجم الائمه الاثنی عشر عند الامامیه»، ص ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۱۸ ؛ علامه سبط ابن جوزی در کتاب «تذکره الخواص»، ص ۳۲۵ ؛ ابن حجر در کتاب خود «الصواعق المحرقه»، ص ۲۰۸؛ مؤمن شبلنجی صاحب کتاب «نور الابصار»، باب دوم ص ۱۵۲؛ و تعداد بسیار دیگری هستند که صاحب کتاب «المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف فی نهج البلاغه» صد نفراهل سنت را گرد آوری کرده است که به تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتراف کرده اند و دشوار است که این تعداد بر دروغ تبانی کرده باشند همان چیزی که باعث اطمینان در نفس می شود.

شبکه ای از احساسات و آثار و نتایج تربیتی را تولید می کند به دلیل توجه مهدی و افراد منتظر به نقش ها و مسئولیت های عبادی به وجود می‌آورد.

به همین مقدار از این آثار و نتایج مثبت اکتفا می کنیم؛ زیرا می خواهیم در فصل بعدی از آن فیض ببریم.

عامل سوم؛ حوادث و وقایع جاری:

اشاره

دوره ی غیبت – همانند سایر دوره هایی که انسان در آن زندگی می‌کند – صحنه ی تاریخی حوادث و وقایع جاری است. و گاهی در این حوادث خبرهایی داده شده از آینده است که متون اسلامی آن حوادث را قبل از آن که رخ دهند گرد آوری کرده است، و در طول دوره های متوالی و گاهی دور از هم از وقوع آن خبر داده است و در آن حوادث، متون اسلامی و واقعیت با هم مطابقت پیدا می‌کنند. متون درباره ی خبرهایی از آینده سخن می گویند و به شکل واقعیت هایی رخ می دهد که گاهی بشارت خیر است و گاهی فتنه ، ظلم و انحراف است؛ به همین علت خبردهی متون اسلامی در دو رویکرد مخالف حرکت می کند که هر دو بر روان شناسی منتظران به حسب نوع واقعیت و نوع خبردهی و روش تعامل افراد منتظر با آن و شرایط احاطه کننده ی آن ها تأثیر می گذارد.

صحنه ی تاریخی مسلمانان – بعد از صادر شدن متون و رخ دادن غیبت – پر از حوادث و وقایع مثبت و منفی است که گاهی پشت سر هم و گاهی دیگر همزمان و با هم هستند؛ زیرا حوادث به ترتیب یا به نوعیت رخ نمی دهد و جوامع مسلمان باید پذیرش کاملی از سنت های الهی داشته باشند که متون اسلامی را در خود جای داده است. و وقتی نوعِ واقعیتِ تاریخی، یک بشارت اسلامی باشد که خیر آن در مجرای پیشرفت اجتماعی امت بریزد این نوع

واقعیت موجب پـذیرش قانون اجتماعی کنترل کننـده ی حرکت تغییری جامعه می شود که با سـخن پروردگار متعال هماهنگ است؛((وَ لَو أَنَّ أَهلَ القُری ءَامَنُوا وَاتَّقَوا لَفَتَحنَا عَلَیهِم بَرَکتٍ مِّنَ السَّماءِ)) و چنـانچه همه ی مردم شـهر و دیـار ایمان آورده و پرهیزکار می شدند همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آن ها می گشودیم.(۱)

و کاملاً- برعکس واقعیت تـاریخی منفی، تعبیری از سـنت الهی متضاد خواهـد بود و هنگامی که بلایی شدیـد بر امت وارد می شود یا یک رنج طاقت فرسا آن را در می رباید معنایش این است که این نتیجه ی گناهانی است که مردم مرتکب آن شده اند یـا انحرافات و کژی هایی از امت است که آیه ی زیر بر آن منطبق است: ((لکِن کَذَّبُوا فَأَخَذنَهُم بِمَا کَانُوا یَکسِبُون)) و لیکن چون آیات و پیغمبران ما را تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر کردار زشت شان رساندیم.(۲)

بنابراین وقایع و حوادث جاری یا:

الف – بشارت های خیر هستند؛

ب – و یا انحرافات و فتنه ها و بلاها.

نخست؛ احادیث «بشارت»:

بشـارت ها عبارت انـد از حوادث یا واقعیت های مثبت که در آینـده ی دور یا نزدیک از زنـدگی امت رخ می دهـد و در نهاد خود بشارت های خیر برای همه ی امت و بشـریت را نهفته دارد و این بشارت ها بعد از صدور متن به ویژه در دوره ی غیبت و به طور مشخص در آخرین مرحله ی آن رخ می دهد.

۱- اعراف، آیه ی ۹۶.

۲- اعراف، آیه ی ۹۶.

این وقایع در درون غیب زاده می شونـد و در رحم «آینـده»ی انسان زنـدگی می کننـد و گاهی در پی حوادث مصـیبت بار در زنـدگی بشـری متولـد می شونـد و سـرنوشت های جدیـدی روی می دهد که بازتاب ناحیه های مثبت از سـنت های اجتماعی خداوند است. همه ی بشارت ها برای تجسم تغییرات اجتماعی مثبت و مورد انتظار و هماهنگ با محتوایِ این سـنت های وضع شده است.

به این ترتیب بشارت ها سخنی درباره ی گذشته ی انسان نیست، بلکه حرکت و پوشش به سوی آینده است که در ضمیر خود آرزوهای نهفته بشـر را دارد و این آرزوها با هـدف تحقق یک لذت روانی برای افراد منتظر و ورود احساسات اعتماد به نفس، امید به آینده ای بهتر، بالا بردن قدرت در آن ها برای پیش بینی آینده و نگاه به تاریخ به عنوان یک حرکت رو به جلو نیست؛ بلکه همچنین تعبیری از فهم موضوعی سـنت های الهی در حرکت جوامع و خواسـته های انسانی است که تجسم اراده ی افراد، گروه هـا و نقش هـای آن هـا در ایجـاد تغییرات آینـده ای مثبت است. بشـارت یـک تجربه ی انسانی خوب است که مساحت زمانی و مکانی دارد و در میان دندانه های آن دستاوردها و آثار پیش برنده ی آینده ی انسان است و بینش شارع اسلام نسبت به واقعیت و آینده ی دور یا نزدیک را در خبردهی های تاریخی مشـخص می‌کند که علم مطلق خداوند متعال با درستی کامل و ضمانت نهایی به آن احاطه دارد «مشخص می کند» آن طور که شیخ رکابی می گوید.(۱)

بعضـی از خبردهی ها در زمان خود رسول خـدا اتفاق افتاد و برخی دیگر منتظر اجرا شدن است؛ زیرا زمان مشخصـی برای آن تعریف نشده است.

۱- شیخ رکابی، السنن التاریخیه فی القرآن المجید، ۲۰ – ۲۱.

بشـارت هـا وجه مثبت خبردهی هـای اسـلامی صـادق و خبر دادن از وقـایعی است که هنوز اتفـاق نیافتاده است، اما به اقتضای وعـده ی راست و درست خداونـد به وقوع خواهـد پیوست؛ در نتیجه بشـارت اسـلامی گمـان یـا تخمین موقت از یک واقعیت انسانی در آینده نیست بلکه وعده ای حتمی از طرف خداوند عز و جل است که به همه ی زمان احاطه دارد و به تاریخ و افعال انسان از آغاز تا انتهای آن علم دارد.

اما بشارت ها – هر چند یک وعده ی الهی صادق است – افعال بشر را برای ساختن وقایع حال و آینده با هم ملغی نمی کند و شـارع بر پایبنـدیِ به مقیـد بـودن در افعـال و تکلیف هـای عبـادی و شـرعی تأکیـد کرده است و به کنـترل نفس و تربیت ذات مسـلمان بر جهاد، پرهیز از شبهه، تقوا، اخلاق نیکو و عمل به انواع رفتارهای عبادی دعوت کرده است؛ حتی اگر شرایط زمانی برای فرد مؤمن دشوار باشد؛ پس شـریعت اسـلامی به طور کامل در پیش روی او وجود دارد و در «غیبه نعمانی» متن زیر آمده است:

«کسی که دوست دارد از اصحاب قائم باشد باید منتظر بماند و به پرهیز از شبهات و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که انتظار می کشد و اگر بمیرد و قائم بعد از او قیام کند برای او اجر و پاداش کسـی خواهد بود که قائم را درک کرده است.»(۱) و امام صـادق علیه السـلام فرمود: «إنَّ لصـاحب الأـمر غیبه... فلیتق الله عبـد و لیتمسـک بـدینه» «صـاحب این ولاـیت دارای یک غیبت خواهد بود ...پس بندگان باید نسبت به خداوند تقوا داشته باشند و به دین خود تمسک بجویند.»(۲)

بشارت در مفهوم اسلامی با اراده ی بشر تعارض ندارد، بلکه می توان گفت به

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۳۴.

۲- غیبه الطوسی، ص ۴۵۵.

این اراده فرصت می دهـد تا خود این بشارت را ایجاد کنـد ...یعنی در مشارکت بالفعل انسانی در ایجاد وقایع «بشارت دهنده» در آینـده ....و بـه گروه بشریّت، روحی برای دیـدن آینـده را می دهـد و در افراد آن نیروئی منظم و افزاینـده و هدفمنـد برای تحقق بشارت با شادابی کامل می آفریند.

همـان گونه که بشـارت، اراده ی بشـر را برای کـار از طریق تقویت روانی و ساختـار فرهنگی و رشـد محتوای ذات عبـادی در عناصـر مختلف و جنبه های آن آماده می کند و این برای آن است که در رویارویی و پذیرش مسـئولیت در دوره ی غیبت که همزمان پر از رنج ها و دشواری ها و انحرافات مختلف است توانمند باشد.

و به همین علت بشـارت هـا به ویژه در دوره ی طولاـنی انتظـار یـک نیروی پیش برنـده ی روانی در میـدان صـحنه ی تاریخی محسوب می شود؛ و فرقی نمی کند با فهم بهتر از سـنت های اجتماعی وضع شده برای تحقق بشارت ها باشد، یا با شکل دهی تجربه های معرفتی برای درک شـرایط مفید از بشارت ها در تنظیم و کنترل حرکت ذاتی فرد مسلمان و منتظر و نیز غیر منتظر و حرکت در رویکرد دور از سرگردانی و گمراهی.

بشارت ها در متون و روایات متنوع است و احادیث فراوانی درباره ی ظهور کسانی وجود دارد که اسـلام را در هر قرن هجری تکرار می کنند.(۱)و احـادیثی دربـاره ی حرکت «زمینه سـازان» و طایفه ای که روایات آن‌ها را توصـیف کرده که پدیـده ای برحق است وجود دارد و نیز روایت هـای دیگری درباره ی ظهور پرچم های سـیاه و آزاد سازی فلسـطین وجود دارد، و قیامت برپا نمی شود مگر آن

۱- در روایت ها آمـده است:«که خـدای تعالی برای این امت در هر صـد سال کسـی را مبعوث می کنـد که دین آن ها را تازه کند»؛ المعجم، ج ۱، ص ۶۹ ،حدیث شماره ۳۹.

که مسلمانان با یهودیان می جنگند و مسلمانان آن ها را به قتل می رسانند (۱)و بشارت اسلامی در اوج خود به بشارت قیام «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» برای بازگردان حکومت حق به جامعه ی انسانی می رسد.

و از متون بشارت که برخی از آن ها بالفعل واقع شده است و همچنان برخی دیگر در انتظار وقوع بوده، این است که علامه مجلسی در البحار از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «رجل من قم یدعو الناس إلی الحق، یجتمع معه قوم قلوبهم کزبر الحدید لا تزلهم الریاح و العواصف، و لا یملون الحرب و لا یحبنون، و علی الله یتوکلون، والعاقبه للمتقین» «مردی از قم مردم را به سوی حق دعوت می کند و مردم در کنار او جمع می شوند و قلب های آن ها همچون تکه های آهن است و باد و طوفان آن ها را تکان نمی دهد و از جنگیدن خسته نمی شوند و دچار ترس نمی شوند و بر خداوند توکل می کنند و سرانجام متعلق به پرهیزگاران است.»(۲)

متون دیگری به آزادسازی فلسطین بشارت می دهند: «تقوم الساعه حتّی یسوق الله خیار عباده إلی بیت المقدس و إلی الأرض المقدسه، فیسکنهم أیّاها» «قیامت برپا نمی شود مگر آن که خداوند بهترین بندگان خود را به سوی بیت المقدس و سرزمین مقدس سوق می دهد و آن ها را در آن جا ساکن می کند.»(۳) و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «بیت المقدس بناءً لم یبنَ مثله» «بیت المقدس را به شکلی تجدید بنا می کند که مثل آن ساخته نشده است.»(۴) و نیز متن دیگری می گوید: «یخرج رجل من أمتی یعمل بسنتی، ینزل الله له البرکه من السماء و تخرج له الأرض برکتها، یملأ الأرض عدلاً کما ملئت جوراً، یعمل سبف سنین علی هذه الأمه، و ینزل بیت المقدس»

۱- معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۳۱۲، حدیث شماره ۲۰۴.

۲- بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ۴۴۶.

۳- المعجم، ج ۱، ص ۲۱۷، حدیث ۱۲۵.

۴- المعجم، ج ۱، ص ۳۴۶؛ به نقل از منابع دیگر حدیث ۲۲۸.

«مردی از امت من قیام می کنـد که به سـنت من عمل می‌نماید و خداوند برکت را از آسـمان بر او نازل و زمین برکت خود را برای او خارج می‌کنـد او زمین را از عـدالت پر می کند همان طور که از نابرابری پر شده است و هفت سال برای این امت کار می کنـد و در بیت المقـدس ساکن می شود .»(۱) و «أنّه لاـ تقوم السـاعه حتّی تعود أرض العرب مروجـاً و أنهاراً، و حتّی یسیر الراکب بین العراق و مکه لاـ یخـاف صـلال الطریـق» «قیـامت برپـا نمی شـود مگر آن که سـرزمین عرب اعم از دشت هـا و نهر هایش به آن باز می گردد و فرد سواره در مسیر بین عراق و مکه حرکت می کند و از هیچ راهزنی نمی ترسد.»(۲)

اوج بشارت به برپایی دولت اسـلامی در دوره ی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف بعـد از غربت طولانی او می رسد؛ زیرا امام صادق علیه السلام با بشارت دادن به دولت اهل بیت در آخر الزمان می فرماید: «لکل أناس دوله یترقبونها، ودولتنا فی آخر الدهر تظهر» «هر مردمی دولتی دارند که منتظر وقوع آن هستند و دولت ما در انتهای روزگار ظاهر می شود.»(۳)

و رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: «إنَّ الإسـلام بـدأ غریباً، وسـیعود غریباً کما بدأ، فطوبی للغرباء» «اسـلام غریب آغاز شد و دوباره همانند اول غریب می شود؛ پس خوشا به حال افراد غریب.»(۴)

با این حال دشوار است که حدیث بشارت را به یک واقعیت مشـخص معطوف کنیم [یا ربط بدهیم] یا آن را به دلیل توجیهات متعدد در حادثه ی

۱- المعجم، ج ۱، ص ۱۳۴، حدیث ۷۳.
۲- المعجم، ج ۱، ص ۲۷۵، حدیث ۱۷۶.
۳- المعجم، ج ۳، ص ۴۲۶.
۴- غیبه نعمانی، ص ۲۲۰-۲۲۱.

مشخص منحصر کنیم. از جمله این که نفس ها سست نشوند و حماسه شان کم نگردد؛ زیرا از بشارت ها به عنوان وقایع جاری در پیش روی آینده و حرکت آن متون نسبت به تاریخ و زمان مشخص آن، چیزی را تعیین نکرده اند و به همین علت بشارت ها دارای طبیعتی منعطف هستند که حوادث و وقایع زندگی انسان را در خود جای می دهند. مثلاً وقتی در روایت آمده است: «بنی فلان در میان خود دچار اختلاف می شوند و در آن هنگام منتظر فرج باشید، و فرج شما محقق نمی شود مگر با وجود اختلاف بنی فلان»(۱)دشوار است که محتوای آن را در قیام مردی مشخص یا روی دادن واقعه ای معین در دوره ای خاصی منحصر کنیم؛ هر چند معنای عمومی روایت خبردهی و تصور و تلاش جدی برای مطابقت نشانه های یک واقعه را با محتوای روایت اجازه ی می دهد و شاید این یکی از اسبابی باشد که مردم را به انحصار و تشخیص و تمرکز بر واقعه ای مشخص یا معیّن مجبور کرده باشد به این ترکیب که این موردِ نظر بشارتی است که روایت از آن سخن گفته است. و گاهی مطابقت نشانه های واقعه ای دیگر با محتوای همین روایت در دوره ای دیگر تکرار شده است و دیگران تلاش می کنند این مطابقت را این گونه بفهمند که وقوع یک بشارت دیگر است.

دشواری انحصار وتشخیص مانع از وقوع تأثیر بشارت ها در نفس ها و برانگیختن شادابی آن ها و جریان خون تازه نشده است تا گروه افراد منتظر را سرمست از نشاط، نیرو، امید و احساس به نزدیکی امر«فرج» کند.

با این حال گاهی سختی انحصارو تشخیص منجر به استفاده ی بد از بشارت ها می شود؛ همچون تلاش عده ای از عباسیان برای استفاده ی نادرست از پرچم های

۱- غیبه نعمانی، ص ۱۷۱.

سیاه به خاطر اثبات ولایت بنی هاشم و قانع کردن مردم به همکاری با دعوت آن ها به اعتبار این که این ها پرچم اهل بیت است.

بلکه خود بشارت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به علت تأثیر بزرگی که در افراد مسلمان دارد بارها از طرف مدعیان «مهدویت» مورد سوء استفاده قرار گرفته است به گونه ای که هر از گاهی مهدی های دروغین قیام می کنند.(۱)

دوم؛ احادیث «فتنه» و سختی ها و انحرافات:

حوادث و وقایع جاری در جامعه ی بشر در طول دوران غیبت کبری وجه دیگری نیز دارد و آن چیزی است که امت مسلمان در آن به سر می برد؛ یعنی فتنه ها، بلاها و انحرافات عمیق و شدید که افراد و گروه ها را در می رباید و تأثیر منفی بر روان شناسی منتظران می گذارد و تا درجه ی شکست خوردن و وانهاده و هدر رفتن کرامت به صورت آشکار و پنهان از طرف مستکبران و ظالمانی که هیبت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تبلیغاتی خود را گسترش می دهند و تمام نیروی خود را برای تقویت سیطره ی خود به کار می برند، ادامه می یابد.

متون اسلامی درباره ی یک انحراف گسترده خبر داده اند که به مردم وارد می شود و فتنه های داخلی و خارجی روی می دهد که جامعه را متلاشی می‌کند و درباره ی سلسله وقایع بلا و سختی خبر داده اند که با تفاوت در قدرت خود در طول مراحل دوره ی غیبت کبری جریان می یابد و در مرحله ی آخر از دوره ی آخر الزمان که مرحله ی قبل از حرکت ظهور است به اوج و نهایت کامل خود می رسد به گونه ای که روایات به افزایش تدریجی بلا، شرارت و نمود بی تابی و دشواریِ زمانه در طول این مرحله اشاره می کنند.

۱- آخرین موردی که روی داد در حرم مکه در محرم الحرام سال ۱۴۰۰ ه . ق بود.

این نوع از احادیث «فتنه» بر خبردهی از آینـده ی وقایع منفی و پیش بینی حوادث مصـیبت بار در زندگی مسـلمانان به صورت مشخص و در زندگی بشریت به طور عمومی متمرکز است.

منابع اسـلامی اهل سـنت و شـیعه هر دو به بلایای شدید و ناامنی و بی تابی انسان مؤمن و تعطیل شدن احکام دین اشاره کرده، اند(۱) تا جایی که این متون زندگی مردم را به «جاهلیت» توصیف کرده همان گونه که از پیامبر وارد شده است.

متن می گویـد: «بعثت بین جاهلیتین إحـداهما أشد من الأخری» «من در میان دو جاهلیت مبعوث شدم که یکی از آن ها بدتر از دیگری است.»(۲)

این متون از نابودی تقریباً کامل احکام دین به ما خبر داده انـد و به همین علت متون اسـلام بر زنده کردن آن چه از دین کهنه شـده و اجرای دوباره ی عمل به مجازات های تعطیل شـده و احکام ترک شده به دست امام مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف متمرکز شده است.(۳)

اما احادیث ظلم و پر شدن زمین از آن حجم زیادی از متون را به خود اختصاص داده است و شاید در صدر احادیث و روایاتی باشد که از واقعیت

۱- در یـک دولت مسـلمان دادگـاه عالی قانونی را لغو کرد که زنا را جرم می دانست و در آن زن زنا کار و نه مرد زناکار به حبس بین شـش مـاه تـا سه سال محکوم می شـد و به این دلیل دادگاه عالی قانونی را لغو کرد که حاوی تبعیض بین مرد و زن است و تسـاوی بین دو جنس را نقض می کنـد که قـانون اساسـی حتی در جرایم به آن معتقـد است .و یکی از وکلاـ در یک دولت مسـلمان دیگر مجبور شد بر ضد قانون نیرنگ کند با اطلاع به دادگاه مبنی بر این که موکل او با زنی غریبه رابطه ی زنا برقرار کرده است از ترس مجازات شدیدِ قانون در صورتی که ثابت شود این زن همسر دوم اوست؛ زیرا قانون این دولت تعدد زوجات را منع می کند.

۲- معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، حدیث ۲۱.

۳- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیرازی، ص ۳۵۹.

مردم و آینده ی آن ها قبل از ظهور خبر داده است. و گمان نمی‌کنیم که متون بر مشکل روان شناختی که برای مردم پیش می آیـد هماننـد تمرکز بر مشـکل «ظلم» در شـکل هـای مختلف خود تمرکز کرده باشـد، بلکه گسترش یـافتن ظلم باعث می شود مؤمن آرزوی مرگ کند(۱) و بیماری های اجتماعی و اخلاقی و دینی گسترش یابد.

و متون اقسامی از انحرافات و انواعی از مشـکلات و بلاهایی را برمی‌شـمارد که از سـختی زمانه و دشواری آن برای مردم تعبیر می‌کند، و متون بسـیاری درباره ی رهبران گمراه کننده، حاکمان ستمکار، سرزنش کردن علمای بد و فاسقان، گسترش حالت نفاق به عنوان غـده ای خبیث در ساختار روانی جامعه، کنار گذاشـته شدن جهاد(۲) و متهم کردن «مجاهـدان» به تجاوزکاران، وارد شده است.

ظلم عرضه می شود و دنـدان هـای خود را بـا قـدرت فرو می‌کنـد؛ آشـکارا به خداونـد کفر ورزیـده می شود(۳) و اگر کسـی بگوید الله به قتل می رسد(۴)و این وضعیت او را مجبور می کند تا دیانت خود یا گرایش خود به دینداری را پنهان کند و نمی تواند به اجرای شـریعت خداوند دعوت کند مگر با ناامنی یا به صورت مخفیانه(۵)همچنین در دفـاع از خود و انتقام از ظالم از حقوق خود محروم می شود چرا که به ظالم نمی تواند بگوید: تو «ظالم» هستی (۶)و فرقی نمی کند در محاصره ی

۱- رک به علامات یوم القیامه، ابن کثیر دمشقی، ص ۲۷-۲۹؛ همچنین عقد الدرر سلمی، ص ۴۱۳ .

۲- معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۱۰۰.

۳- البرهان، ص۱۰۴.

۴- عقد الدرر، ص ۹ ، ۱۷۵.

۵- علامات یوم القیامه، ص ۸۹، ۹۳ ؛عقد الدرر، ص ۹۳.

۶- علامات یوم القیامه، ص ۳۴.

اقتصادی باشد یا در شرایط غصب کامل همه ی مقدسات و سرزمین های اسلامی آن گونه که برای عراق، لیبی، فلسطین و دولت های دیگر رخ داده است.(۱)

ما به طور قطع نمی توانیم مظاهر فساد گسترده شده را مانند دست های اختاپوس کوتاه کنیم و وقایع و انواع آن را پیش بینی کنیم؛ زیرا هدف از اشاره به احادیث فتنه فقط یادآوری به عاملی است که تأثیر شدیدی در روان شناسی افراد منتظر دارد و آن چه از آثار و مشکلات طاقت فرسا در زندگی مسلمانان بر جای می گذارد؛ مانند ناامیدی، سرگردانی، نگرانی، درگیری و ناکامی های متراکم و فشار آورنده که گاهی منجر به سرشکستگی عمیق می شود؛ هر چند در بعضی اوقات فتنه ها رویکردی مثبت به سوی بیداری و علاقه به بازگشت به دین و اصول طاهر آن را به وجود می آورند؛ اما این رویکرد رشد نمی کند مگر بعد از وقوع صدمه ی انفعالی شدید که فرد خواب را بیدار کرده و هوشیاری از دست رفته‌ی او را بازگرداند.

با وجود حالت بی‌تابی شدیدی که از این واقعیت افسرده کننده به مردم وارد می شود اما مردم در کیفیت پذیرش این چالش تلخ متفاوت هستند؛ بعضی از آن ها بر واقعیت منحرف چیره می شوند و آن را هر مقدار که ممکن باشد در تربیت ذات خود و آماده کردن آن با جهت دهی عبادی سالم به خدمت می گیرند، هر چند فشار انحراف اجازه ندهد که شخصیت فرد منتظر به تربیت آرمانی و کامل و خالی از سختی ها برسد؛ اما گاهی در نتیجه ی این چیرگی علاقه ای به محافظت از هویت عقایدی و تمسک جستن به اهداف فضیلت، دین و حکمت عقل برای شخص بوجود می آید.

۱- دکتر کامل سلیمان در کتاب خود یوم الخلاص گوشه ای از انحرافات را در سایه ی متون و روایت های اسلامی مطرح کرده است.

تعبیرهـای خـود افراد منتظر از این چیرگی و غلبه بر زورگـویی، اعتمـاد به نفس، اظهـار احساسـات وجـدانی خود در برابر امـام غایب و رویکرد آن ها به سوی علاقه مندی به رهبری علما، قیام در کنار آن ها زیر پرچم حق همچون تکه های آهن که باد و طوفـان آن هـا را نمی لرزانـد و نمی ترسـند، و از جنـگ خسـته نمی شونـد؛ همچنین اهتمام آن ها به تربیت نسل «زمینه سازان ظهور» و آماده کردن آن‌ها برای قبول مسئولیت رویارویی با واقعیت، چیره شدن بر آن با اراده و عزت استوار و تجدید بیعت با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قبلاً مطرح شد.

عـده ای از مردم در مواجه شـدن بـا این چـالش ضـعیف هسـتند و خود را آن گونه که روایـات خبر داده است در چنگال یک انحراف بزرگ و بـا نفسـی مستضـعف می بیننـد که علاـقه منـد به رهـایی از فساد است؛ اما به سـبب ناتوانی درونی و پـذیرش خواری اطاعت از ظالم، در اسارت و بدون اراده باقی می مانند.

گـاهی گروهی سـوم در انحراف غرق و بـه یـک نیروی «یـاری گر» ظلم تبـدیل می شونـد. واقعیت شـکست خـورده ی تلـخ و مشکلات مختلف او و این نوع بیمار از تعامل با چالش ها را، افرادی از گروه مسلمانان توضیح می دهند.

دوست داریم در پایان به این مورد اشاره کنیم که گردآوری و مشـخص کردن تمام احادیث «فتنه» هماننـد احادیث بشارت در یک واقعیت معین دشوار است. به عنوان مثال بیش از یک روایت با محتوای واحـد و مـدّون در منابع حدیثی درباره ی یکی از وقایع آینده وجود دارد. این روایت می گوید: «العجب ... کل العجب بین جمادی و رجب» «تعجب است ... بسـیار تعجب است از حوادث بین ماه جمادی و ماه رجب .»(۱)

۱- یوم الخلاص، ص ۵۵۷ به نقل از منابع دیگر.

احتمالات فهم معنای این روایت متعدد است با فرض این که در محتوا و سند صحیح باشند.

زمان فاصله بین دو ماه جمادی و رجب یک شب است؛ یعنی این زمان آخرین ساعت های دو ماه جمادی الثانی و آغاز ساعت های ماه رجب است. در این شب که بین (۱۶-۱۷) ماه ینایر(۱) سال ۱۹۹۱ میلادی واقع است حمله ی نیروهای متحد به عراق رخ داده و احتمال دارد آن چه نیروهای متحد در عراق ایجاد کردند؛ یعنی خرابی و ویرانی؛ همان منظور از «تعجب است بسیار تعجب است از حوادث بین ماه جمادی و ماه رجب.» باشد این صرفاً یک احتمال است.

این روایت می تواند راست باشد: زیرا حمله در این شب انجام شده است؛ یعنی شب پنج شنبه که در فاصله ی آخرین ساعت های روز چهارشنبه ۱۶ ینایر سال ۱۹۹۱ میلادی و بین اولین ساعت های روز پنج شنبه مطابق با ۱۷ ینایر ۱۹۹۱ میلادی. به خصوص که روایتی مشابه روایت قبلی وجود دارد که می گوید: «چقدر عجیب است بسیار عجیب است از حوادث بین ماه جمادی و ماه رجب که افراد پراکنده با هم جمع می شوند و گیاهان درو می شوند و صداهایی پشت سرهم شنیده می شود.»(۲) این نیز با فرض صحت آن است.

روایت دوم نشانه های آشکار تری را مشخص کرد که بر جنگ متحدان به عراق بعد از تهاجم او به کویت منطبق است اما دشوار است که این انحصار و تشخیص را به شکل تدبیر نشده قبول کنیم که گردن روایت را به سمت حادثه ای مشخص خم کند که ممکن است همان باشد و ممکن است واقعه ی دیگری باشد؛ در نتیجه اگر انسان انطباق آن با یک واقعیت را در دوره ای از گذشته بفهمد

۱- اسم ماه کانون دوم در برخی کشورهای عربی است.

۲- یوم الخلاص، ص ۵۶۱.

انحصار کارایی خود را از دست می‌دهد.

به عنوان مثال می توان «جمع شدن افراد پراکنده» را به دولت های بیست و نه گانه ای تفسیر کرد که بر ضد نظام بعثی درعراق جمع شدند که او جرم حمله ی قدرت مندانه به کویت را مرتکب شده بود و این یک اجتماع نظامی متحدان دولت های مختلف در ملیت یا نژاد و تفاوت در رویکرد سیاسی و انتساب قومی است، اما در منافعی نزدیک به هم برای پاسخ به تجاوز یک دولت بر ضد دولت دیگر جمع شدند.

اما مقطع آخر از متن «درو کردن گیاهان و صداهایی پشت سر هم است.» به فضای جنگ، فریادهای آن، آثار ویرانگر آن عبارت، خشونت ابزار جنگ و به نبود کلامی اشاره دارد. و این نیز صرفاً یک احتمال است.

همه ی این صرفاً تلاش های اولیه و اجتهاد برای فهم انسان مسلمان از یکی از متونی است که درباره ی نمونه ای از حوادث جاری سخن می گوید که به زودی در زمان بعد از زمان صدور متن به وقوع خواهد پیوست.

با آن که این روایت به سوی فضای فتنه هایی جهت داده می شود که نظام صدام آن را به وجود آورده است، اما ریسک بزرگی است که این بی تدبیری در فهم روایت مذکور و تفسیر آن در سیاق حوادث حمله ی عراق به کویت را قبول کنیم؛ زیرا این روایت به صورت روشن عراق را به عنوان سرزمینی مشخص نکرده است که بسیاری از متون خبر دهی اسلامی آن را میدان و صحنه ی وقوع حوادثی بیان کرده اند که در طول دوره ی غیبت کبری روی خواهد داد.

اگر این روایت عراق را به طور واضح مشخص کرده بود می توانستیم این تفسیر را قبول کنیم از باب این که یک احتمال قابل بحث و سؤال و جواب است؛ در حالی که کنار گذاشتن این روایت به این دلیل که مشخص کردن،

ضعیف‌تر از سوق دادن این روایت به سوی این دیدگاه به شکل قطعی و حتمی است و باقی مانند این تفسیر که صرفاً یک فرضیه باشد به گمان نزدیک تر است تا به یقین؛ به خصوص که روایات به طور دقیق زمان مشخصی را برای حوادث تعریف نمی کنند؛ در نتیجه عقل اسلامی با محتوای روایت با منطق احتمال همنوا می شود و می‌گوید این روایت به واقعه ای اشاره می کند که در عراق و کویت و جزیره العرب رخ داده است؛ یعنی اجتماع دولت های گوناگون در یک جنگ نفس گیر که تر و خشک را سوزانده است و همچنان فریادهای تبلیغاتی و آثار روانی آن تا امروز و حتی بعد از گذشت هشت سال استمرار دارد.(۱)

به همین علت احادیث فتنه و بشارت در سختی انحصار و مشخص کردن آن در وقایع معین برای اثبات مطابقت متن روایت با واقعیت، و اثبات درستی و راستی اسلامی و تحقق آن، مشابه یکدیگر هستند و صحنه ی تاریخ پر از وقایع مشابهی است که در ادامه تکرار می شود؛ در نتیجه متون اخبار اسلامی به تفسیر اشتباهی از وقایع آینده تفسیر می شود.

عامل چهارم؛ نقش نخبگان در تربیت عبادی منتظران:

اشاره

قبل از وقوع غیبت و در طول آن و بعد از آن اسلام بر تربیت عبادی افراد و گروه ها متمرکز شده است و در نظام تربیتی خود بر تلاش داوطلبانه ی افراد در تربیت خودشان و بر تلاش سازمانی مؤسسه های تربیتی تکیه کرده است؛ مانند تمرکز اسلام بر فعالیت مسجد در کار سازندگی اجتماعی.

۱- لشکر صدام طاغوتی در دوم اغسطس سال ۱۹۹۰ میلادی به کویت حمله کرد و همچنان به تهاجم آن ادامه داد تا این که نیروهای متحد حمله ای را بر ضد لشکر عراق در صبح روز ۱۷ ینایر سال ۱۹۹۱ میلادی انجام دادند؛ و این فصل در سال ۱۹۹۹ میلادی بازنویسی شده است.

نظام تربیتی در اسلام اهداف و ابزارها و وسایل متنوع خود را برای موفقیت طرح خود در ساختن جوامع و جهت دهی به افراد مشخص کرده است، سپس یک فضای آزاد در زمینه ی تربیتی برای اضافه و اجتهاد تربیتی و روزآمدی و مطابقت دستاوردها برای انسان -مؤمن یا غیر مؤمن- باقی گذاشته است.

نظام تربیتی فرهنگ انتظار از ساختن شخصیت عبادی منتظر غافل نشده است و ابزارهای این نظام ومفاهیم و ارزش ها و اهداف انسانی بالنده‌ی آن را در خدمت طراحی ساختار اساسی منتظران و ساختن آن مطابق معیارهای تربیتی عبادی قرار داده است که خداوند اراده کرده تا آن را حفظ کند در طول همه ی زمان ها و تا هنگامی که خودش وارث زمین و افراد روی آن شود.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مسئولیت تربیتی و جهت دهی به منتظران را در دوره ی غیبت به علما و فقیهان به عنوان امانت داران رسولان و وارثان پیامبران واگذار کرده است همان گونه که در حدیث شریف نبوی آمده است؛ زیرا علما یکی از کانال های جهت دهی تربیتی عبادی به مردم از نظر اسلام و ائمه ی اهل بیت هستند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

«إنَّ الله معنا و لا فاقه بناإلی غیره، والحق معنا فلن یوحشنا من قعد عنا، و نحن صنایع ربنا، والخلق بعده صنایعنا» «خداوند با ماست و ما نیازی به غیر او نداریم و حق با ماست؛ پس کسانی که از ما دست می کشند هرگز ما را به وحشت نمی اندازند، و ما دست نشانده های پروردگارمان هستیم و آن‌گاه مخلوقات دست نشانده ی ما هستند.»(۱)

بدیهی است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش بزرگ علما در زندگی منتظران و

۱- غیبه الطوسی، ص ۲۸۵.

تأییدکننـدگان خود را درک می کنـد. به همین علت در متون خود، مأموریت تربیتِ مؤمنین به امامت خود را به علما و فقیهان ارجاع داده است.

در یکی از متون رایج در میان منتظران می فرمایـد: «و امـا احکام فقهی جدیـدی را که روی می دهـد را به راویان حـدیث ما ارجاع دهید؛ زیرا آن ها حجت من بر شـما هسـتند و من حجت خداوند بر مخلوقات هسـتم.» و سخن او در روایتی دیگر: «و اما کسـی که از فقها باشد و از خودش مواظبت و دین خود را حفظ کند و با هوای نفس خود مخالفت کند و مطیع دسـتور مولای خود باشد عموم مردم باید از او تقلید کنند.»

و امام هادی علیه السلام می فرماید:

«لولا من یبقی بعد غیبه قائمکم من العلماء الداعین إلیه، والدالین علیه والذابین عن دینه بحجج الله، والمنقذین للضعفاء، من عباد الله من شـباک إبلیس و مردته، لمـا بقی أحـد إلاّـ ارتـد عن دین الله، ولکنهم یمسـکون أزمه قلوب الشـیعه کما یمسک صاحب السـفینه، أولئک هم الأفضلون عند الله عزّوجلّ» «اگر بعد از غیبت قائم شما علمایی وجود نداشتند که شما را به سوی او دعوت و به او راهنمـایی کننـد و از دین او بـا حجت هـای خداونـد دفـاع نماینـد وافراد ضـعیف از بنـدگان خداونـد را از دام ابلیس و پیروانش نجات دهند کسـی باقی نمی ماند مگر این که همه از دین خداوند مرتد می شدند؛ اما آن ها افسار قلب شیعیان را در دسـت می گیرنـد همـان گـونه کـه صـاحب کشـتی فرمـان را در دسـت می گیرد. آن هـا بهـترین افراد نزد خداونـد عز و جل هستند.»(۱)

امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در دعـایی نگرانی هـای عمومی و در حالی که منتظران چه علما و چه شاگردان و گروه های دیگر را به تربیت خودشان و به انتقال فرهنگ انتظار،

۱- یوم الخلاص، ص ۲۴۸.

ارزش ها و محتوای ایمانی آن به واقعیت شخصی و اجتماعی شان دعوت می کند می فرماید: «اللهم ارزقنا توفیق الطاعه و بعد المعصیه و صدق النیه و عرفان الحرمه، و أکرمنا بالهدی و الاستقامه، و سدد ألسنتنا بالصواب و الحکمه، واملأ قلوبنا بالعلم و المعرفه، و طهر بطوننا من الحرام و الشبهه، واکفف أیدینا عن الظلم و السرقه، واغضض أبصارنا عن الفجور و الخیانه، واسدد أسماعنا عن اللغو و الغیبه، و تفضل علی علمائنا بالزهد و النصیحه، و علی المتعلمین بالجهد والرغبه و علی المستمعین بالاتباع و الموعظه» «خدایا به ما توفیق اطاعت و دوری از معصیت و نیت صادقانه داشتن و شناختن چیزهای حرام را عطا کن و با هدایت و استقامت به ما کرامت بده و زبان ما را با چیزهای درست و حکمت حمایت کن؛ و قلب ما را از علم و معرفت پر کن؛ و باطن ما را از پول حرام و شبهه دار پاک کن، و دست ما را از ظلم کردن و دزدی باز بدار، و چشمان ما را از گناه و خیانت ببند؛ و گوش ما را از شنیدن حرف لغو و غیبت مسدود کن، و به علمای ما فضیلت زهد و خیرخواهی را عطا کن؛ و به علم آموزان فضیلت تلاش و علاقه عطا کن؛ و به شنوندگان علم فضیلت پیروی و پند پذیری عطا فرما!» و بعد دعای شریف او در جهت دهی به همه ی گروه های جامعه ادامه پیدا می کند.

و به این ترتیب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعاهای دیگر ویژگی های اساسی ساختن شخصیت منتظران را مشخص کرده است؛ زیرا او مسئول تربیت خودش است همان گونه که در متون قبلی آمد همانند: «کسی که دوست دارد از اصحاب قائم باشد ...باید منتظر بماند و از چیز شبهه ناک پرهیز کند و اخلاق نیکو داشته باشد در حالی که انتظار می کشد.»

مسئولیت های نخبگان از افراد منتظر:

متون امام که بیان شد مسئولیت ها و نقش های مهم گروه علما و فقها (۱)را به عنوان نخبگان جامعه ی مسلمان تعریف کرد. از جمله ی این مسئولیت ها عبارت است از:

۱ . گروه «علما» اقدام به تبلیغ احکام و توضیح فقه اسلام و تعلیمات مختلف آن در موضوعات زندگی و بطور مشخص در دایره ی فقه می کنند که شامل عبادت ها و معاملاتی است که منتظران انجام می دهند.

۲ . این گروه به عمل «رشد» تربیتی مستمر به منتظران با وسایل مختلف که اسلام آن را پذیرفته است اقدام می کنند؛ همانند خطبه، سخنرانی، همه ی دیدارهای فرهنگی، تألیف کتاب، تولید وسایل آموزشی و فرهنگی که در خدمت اهداف گروه منتظران در زندگی است، و با وسایل و ابزارهای ارتباطی فرهنگی جدید.

۳ . علما اقدام به نقل متون اسلامی و انتشار و رواج آن در میان منتظران نسل بعد از نسل می کنند و اگر این تلاش علمی نبود شخصیت های افراد منتظر تأثیر منفی می پذیرفت.

۴ . گروه همچنین علما وظیفه ی مهم دیگری را انجام می دهند که دارای تأثیر در عمل سازندگی اجتماعی منتظران است و این یک وظیفه ی دینی و اجتماعی است که محدوده ی آن وسیع و شامل همه ی بافت های جامعه می شود.

گروه «علما» اقدام به انجام فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر می کنند و

۱- نقش تربیتی گروه علما در دوره ی غیبت کبری را در کتاب خود «بناء الشخصیه فی خطاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» بحث کرده ایم.

این وظیفه از ناحیه ی آموزشی و تربیتی شبیه به چیزی است که روان شناسان تربیتی آن را عمل تغذیه ی مرجعی یا استفاده شده می نامند؛ زیرا فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر چیز را که از نظر شرعی صحیح است برای مسلمانان و منتظران تعریف می کند و آن ها به آن عمل می‌کنند و چیزی را که غیر شرعی است تعریف می کند و آن ها عمل را ترک می کنند و این عصاره ی عمل تغذیه ی مرجعی است. معنای امر به معروف شناختن چیز درست و مقید بودن به آن و معنای نهی از منکر دانستن راه اشتباه و کنار گذاشتن آن است.

۵ . این نخبگان به یاری کردن منتظران برای برطرف کردن نیازهای اساسی اقدام می‌کنند و در رأس آن نیاز به استقامت و نیاز به معرفت و غیر آن است و قبلاً این مسئله را در کتاب خود «بناء الشخصیه فی دعاء الاهتمامات العامه» بحث کرده ایم.

۶ . علما از مشکلات رفتاری، اجتماعی، دینی و تربیتی که جامعه ی منتظران با آن مواجه می شوند جلوگیری می کنند در هر جا که باشند و برای یافتن راه حل درمان آن تلاش می کنند.

از مشکلات مورد توقع از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که منتظران روبرو می‌شوند با شک، تردید و دو دولی و حالت های ارتداد از دین، ظهور نمونه هایی از رفتار دور از معیارهای اسلامی، و ظاهر شدن دروغگویان که مدعی مهدی منتظر هستند. و در این هنگام علما مسئول رسیدگی به امثال این مشکلات می‌شوند و نیز یاری رساندند به افراد ضعیف از منتظران و مستضعفان برای عبور از آن مشکلات؛ و افسار قلب شیعیان را در اختیار می گیرند آن گونه که صاحب کشتی سکّان را در اختیار می گیرد مطابق تعبیر حدیث شریف که آن علما را بهترین افراد نزد خدای عز و جل توصیف کرده است.

۷. همچنین علما تجسم الگوی جامعه ی منتظران هستند به طوری که افراد منتظر تجسم پیروان هستند و الگوی نیکو ی علما عادت های عبادی سالم و ادغام شدن در محیط ایمانی صالح وتربیت کننده ی ذات منتظران بر ارزش ها و عادت ها و اعتقادات اسلامی است.

۸. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابزارهای جهت دهی تربیتی را برای شخصیت عبادی که با آرزوها و دردهای انتظار طولانی خود زندگی می کند تعریف می نماید که آن را توضیح دادیم، به طوری که در شکل دهی فرهنگ انتظار سهیم است و روش های آن قادر به تربیت افراد منتظر از طریق چیزی است که از خود برجای گذاشته است؛ همانند متون، ادعیه، نامه نگاری ها، مکاتبه ها و پاسخ دادن به سؤالات مختلف و مورد ابتلا؛ و این ابزارها را عنصر مهمی برای ساختن و ایجاد ذات منتظران و عبادت کننده ی خالصانه برای خداوند قرار داده است که ثواب آن ها همانند کسانی است که امام را بعد از ظهور درک کرده اند.

این ثروت تربیتی و فکری به علمای امت در بررسی و استفاده از آن در عمل تربیت عبادی منتظران به صورت فردی و گروهی کمک کرده است؛ زیرا این ثروت به همه ی افراد منتظر – نخبگان و افراد معمولی – فرصت جهت گیری و تربیت پیشگیرانه و درمانی به طور همزمان داده است، بلکه این ابزارها به هدفی برای بررسی های علمی پربار و کارآمد در سازندگی شخصی و اجتماعی ذات افراد مؤمن تبدیل شده است مثل شرح دعای افتتاح(۱) و نگرانی های عمومی که شرحی تحلیلی است. به همین علت تربیت عبادی منتظران که علما و فقیهان آن را برای صدها سال در اختیار گرفته اند بسیار دشوار بوده است تا این که کم کم

۱- آن مقدار که ما می دانیم سه بررسی تحلیلی از شرح دعای افتتاح وجود دارد؛ یکی از آن ها متعلق به سید محمد حسین فضل الله است، دیگری را ابراهیم موحد نوشته است و سومی را علامه محمد تقی مدرسی نوشته است.

در دایره هایی رشد کرد که مرکز را احاطه کرده و در محیط توسعه می‌یابند، هر چند گروه های دیگری از افراد منتظر به علما در انجام این مسئولیت کمک کرده اند همچون توانمندان از منتظران با ادای حقوق مالی، و افراد فرهنگی که به علوم دیگری غیر از علوم دینی مشغول هستند.

۹ . توجه تلاش علما در ساختن و آماده سازی به سوی سه نمونه از نسل های منتظران که عبارت است از:

الف) تربیت نسل «زمینه سازان» در دوره ی غیبت... یعنی قبل از ظهور و این نمونه در افرادی تجسم می‌یابد که عمل به مفهوم انتظار به شکل مثبت و حرکت ایمانی و عبادی سالم را پذیرفته اند و این با هدف زمینه سازی برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ب) نمونه های دیگر از شخصیت منتظران به صورت بالفعل دریاری کردن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور مبارک او و نه در دوره ی غیبت شرکت خواهند کرد، این نمونه مصداق نسل «یاران» هستند که روایات درباره ی آن‌ها سخن گفته شده است و درباره ی نقش مورد توقع آن ها در ایجاد تغییر قاطعانه در واقعیت بشری بعد از شکست دادن نیروهای ظالم و مستکبر خبر داده است که با حرکت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبارزه می کنند.

ج) و نمونه ی سوم از منتظران در دوره ی غیبت زندگی می کنند که آگاهی آن ها هنوز به سطح «زمینه سازان» یا «مقدمه سازان» برای مهدی نرسیده است و بیش تر افراد این نمونه از عموم منتظران مخلص هستند که توانمندی علمی و معنوی آن ها کمتر از نسل «زمینه سازان» است.

افراد بیسواد از منتظران و صاحبان توانمندی های معطل در این نمونه قرار می گیرند، اما صاحبان این نمونه با جدیت و زحمت تلاش می کنند تا به وضعیت

معنوی و ایمانی برسند.

۱۰. و این تلاش تربیتی عبادی دارای نتایج ملموسی در ساختار روانی افراد منتظر بوده؛ است مثل محافظت از استقلال ذات و باقی نگه داشتن احساس تمایز که تا امروز ادامه داشته است و ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان و چیره شدن بر زورگویی و عمیق کردن احساس منسوب به یک گروه متمایز که متون شارع اسلام در ستایش از آن افاضه کرده است.

اگر این تلاش ها نبود هر فرد منتظری تمایز و هویت خود را از دست می داد؛ زیرا تلاش نخبگان علما بر نقل و انتشار و رواج دان متون انتظار متمرکز بوده است و در نتیجه، این تلاش تبدیل به یک عنصر کارآمد در افراد شده است که اجازه ی محافظت از ویژگی های متمایز افراد گروه انتظار و باقی نگه داشتن ارتباط آن ها با منابع فرهنگی انتظار را داده است و با وجود رنج های بی رحمانه ای که در تربیت عبادی افراد منتظر پیش آمده تا امروز وجود داشته است.

همان گونه که تربیت عبادی که علما آن را رهبری کردند به اعتمادسازی و احساس شایستگی در دفاع از ذات مسلمان و منتظر با روش های منطقی و دور از انحراف و غنای این ذات با معانی انسانی بالنده که در متون ذکر شده، کمک کرده است.

پایه های طرح تربیت عبادی منتظران:

و این گونه طرح تربیت عبادی افراد منتظر مبتنی بر پایه های مهمی است که عبارت اند از :

۱.محبت داشتن به خداوند و این محبت از طریق ثابت ماندن بر ولایت اهل‌بیت علیهم السلام عبور می کند به خصوص ثابت ماندن بر ولایت قائم علیه السلام

۲ . تربیت کامل و فراگیر در ویژگی های ایمانی و جهادی و علمی.

۳ . عملکرد متمدنانه ی گروه منتظران.

۴ . آگاهی از سنت های تاریخی جامعه در رویارویی با حوادث جاری.

۵ . آگاهی از فرهنگ اسلام اصیل که در آن فرهنگ انتظار وجود دارد.

فصل پنجم: ابعاد مثبت روان شناسی در عقیده ی مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

در صفحات گذشته اشاره کردیم که اعتقاد به مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در درون خود حاوی تعداد زیادی از ابعاد روان شناسی است و این ابعاد در روان فرد منتظر تأثیر مثبت می گذارد به گونه ای که برای شخصیت فرد مسلمان قدرتی معقول از سازگاری روانی محقق می کند بر خلاف آن چه مخالفان و دشمنان این عقیده ادعا می کنند که در فصل سوم مطرح شد.

در بعضی موقعیت های بحث خود برخی از این ابعاد را بررسی کردیم و ترجیح دادیم این فصل را ارائه کنیم تا مکمل ابعادی باشد که در مراحل بررسی خود به آن می پردازیم یا به طور کوتاه به آن پرداخته ایم و توجه دیگری نیازمند بود تا این دیدگاه بیشتر کامل شود و با این وجود که این فصل مخصوص ابعاد روان شناسی است که عقیده ی مهدویت را در بطن خود دارد، اما به بعضی از این ابعاد در موقعیت های قبلیِ بحث، اشاره کرده ایم و این ثابت می کند که این ابعاد در هم تنیده و به هم پیوسته است و تفکیک کردن آن ها دشوار است و زمانی که ما درباره ی واقعیت روانی فرد مسلمان و تجربه های ناکامی او در دوره ی غیبت سخن گفتیم ممکن نبود که این واقعیت و حالات عصبی آن را از آن چه عقیده ی انتظار از ابعاد روان شناسی سالم و جذاب در درون خود دارد تفکیک کنیم و این

ابعاد باعث می شود فرد مسلمان در برابر امور منفی واقعیت روانی مقاومت کند و محرک های عصبی آن را به چالش بکشد؛ مانند تحریک این عقیده نسبت به احساسات مظلومان و تحقق امنیت مستضعفان ستمدیده از طریق انجام مسئولیت جهادی و به کارگیری این روحیه در میدان رویارویی با همه ی ناکامی های مستمر و در تحقق تعادل بین واقعیت ناامیدی و بشارت پیروزی.

و اگر ما تا امروز از شناخت همه ی ابعاد روان شناسی عقیده ی مهدویت ناتوان بوده‌ایم و فقط برخی از آن برای ما روشن شده است؛ اما زمان کفالت است که خداوند کسی را فراهم کند که ابعاد دیگری از آن را یکی پس از دیگری برای ما کشف کند و هرچه روزها سپری شود و اقیانوس انحراف در جهان انسان دست یابد نیاز جدی تری به شناخت این ابعاد و فهم روان شناسی بهتری از حالت انتظار به وجود خواهد آمد و امیدواریم ابعادی که ما تعریف کردیم راه ورودی به این آگاهی روان شناسی امید بخش باشد و توسعه‌ی مساحت این ابعاد در آگاهی فرد مسلمان و منتظر فقط زاییده ی درک دستاوردهای انتظار از درون متون و نتیجه ی تعامل های فشار آورنده‌ای است که در آن به سر می برد، و در این جا با اشاره به برخی از این ابعاد که متون آن را تعریف کرده اند اکتفا می کنیم:

۱. امید به پیروزی

متون بشارت مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف حاوی وعده به شکوفایی آینده و پیروزی افراد منتظر و مستضعف بر نیروهای مستکبر و برتری بر آن ها در پایان این درگیری تاریخی بین دو گروه است و زمین پر از عدالت و امنیت خواهد شد آن طور که متون تأکید کرده‌اند بعد از آن که پر از ستم و نابرابری شده است و برخی از متون بشارت را بر روز موعود روز خلاصی اطلاق کرده‌اند که کلمه ای است که

دارای مفاهیم روان شناسی است به گونه ای که در آن افسانه ی برتری که مستکبران بر ضد مستضعفان به خصوص مؤمنان در طول تاریخ همه ی انسانیت داشتند به پایان می رسد.

و متون بسیاری وجود دارد که روان فرد منتظر را به پیروزی و تحقق فرج و زنده شدن ارزش های حق و عدالت در زندگی انسان وپذیرفتن اصل خلافت در زمین برای مؤمنان اطمینان می دهد.

((وَ نُرِیدُ أن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ استُضعِفُوا فِی الأَرضِ وَ نَجعَلَهُم اَئِمَّهً وَ نَجعَلَهُمُ الوَارِثِینَ))؛و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ی ضعیف و ذلیل در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم*(۱)

((وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ ءَامَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصَّلِحَتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرضِ کَمَا استَخلَفَ الَّذِینَ مِن قَبلِهِم وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دِینَهُمُ الَّذِی ارتَضَی لَهُم)) ؛و خدا از شما بندگان به کسانی که ایمان آورند و نیکوکار گردند وعده فرموده که در زمین خلافت دهد چنان که امت های صالح پیامبران گذشته جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت دین نیکو آنان را بر همه ی ادیان تمکین و تسلط عطا کند*(۲)

((هُوَ الَّذِی اَرسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدَی وَ دِینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَو کَرِهَ المُشرِکُون)) ؛اوست خدایی که رسول خود محمد مصطفی را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ی ادیان عالم تسلط و برتری دهد، هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند*(۳)

۱- قصص، آیه ی۵.

۲- نور، آیه ی ۵۵.

۳- توبه، آیه ی ۳۳.

گنجی شافعی معتقد است که این آیه درباره ی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل شده است.(۱)

((وَلَقَد کَتَبنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعدِ الذِّکرِ اَنَّ الاَرضَ یرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّلِحُونَ)) و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم و در کتب انبیای سلف وعده دادیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.(۲)

اما متون سنت بیش از صدها مورد است از جمله: «انتظار الفرج من الفرج» «انتظار کشیدن برای فرج بخشی از فرج است»(۳) و«انتظار افرج بالصبر عباده» «انتظار کشیدن برای فرج همراه با صبر عبادت است.»(۴)و «إنما یجیء الفرج بعد الیأس» «بعد از آن که ناامیدی روی دهد فرج حاصل خواهد شد.» (۵) «انتظروا الفرج و لا تیأسوا من الله، فإنَّ أحب الأعمال إلی الله عزَّوجل انتظار فرج» « برای فرج انتظار بکشید و از خداوند ناامید نشوید؛ زیرا محبوب ترین کار نزد خداوند عزوجل انتظار کشیدن برای فرج است.»(۶)

وعده به پیروزی ابتدا از دروازه‌ی تحولات روان شناسی، اجتماعی و سیاسی در محتوای درونی ذات فرد مسلمان در طول دوره ی غیبت کبری گذر می کند و این بشارت نبوی است که قبل از ظهور داده شده است و وقتی این تحولات محقق شود آن طور که حال بیداری اسلامی امروز است و چارچوب آن توسعه یافت، وعده ی الهی نقش تاریخی خود را در برپایی دولت حق در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کامل خواهد کرد.

۱- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۵.

۲- انبیاء، آیه ی ۱۰۵.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۶.

۴- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۶.

۵- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۶.

۶- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۶.

و ساختار روان شناختی پیروزی در زندگی منتظران مبتنی بر کارآمدی متون اسلامی است که به قطعی بودن پیروزی اطمینان دارد؛ و نیز مبتنی بر جهاد و فداکاری‌های بزرگ آن منتظران است که با متن و محتوای انسانی آن با وجود واقعیت بد روانی مسلمانان تعامل کرده‌اند اما منتظران در برابر همه ی اهانت های روانی یا مادی که به آن‌ها وارد می شود مقاومت می‌کنند و متون و واقعیت هر دو اثبات را می‌نمایند که شکستن هیبت واقعیت فاسد گسترده بر افراد که مستکبران آن را تحمیل کرده اند چیزی است که راه فراری از آن وجود ندارد و بشارت های انقلاب در افراد مسلمان بر ضد این واقعیت آغاز شده است و تلاش آن ها برای شکستن همه ی هیبت مستکبران توسعه یافته است و این درگیری شدید و خونین بین مجاهدان و مستکبران در این دوره چیزی جز نشانه ای بر بیداری آگاهانه ی جهان اسلام و علاقه ی آن به رهایی خود از تاوان دنباله رو بودن و گردن نهادن به اسارت آن و نشان دادن خود به عنوان شخصیت متمدن و متمایزِ ناخشنود از ربایش تمدنی نیست، و امید به پیروزی در نفس فرد مسلمان حماسه‌ای بزرگ برانگیخته است و همت او را در مقاومت بر ضد ظالمان قوی کرده و هر لحظه به دنبال ایجاد تغییر روان شناختی در ساختار درونی امت است و به دگرگونی معیارهای حوادث به نفع مسلمانان کمک می کند و واقعیت معاصر ما که در آن زندگی می کنیم شاهد آن است.

به جای احساس از هم پاشیدگی که مستکبران به طور مداوم تلاش می‌کنند آن را در روان فرد مسلمان عمیق کنند این احساسات به تدریج تبدیل به گرمای این بشارت می شود و چارچوب تغییر روانی، اجتماعی و سیاسی در امت با برپایی دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسعه می‌یابد و احساس حقارت در مسلمانان اندک می شود و متوجه بی ارزش بودن تمدنی می شوند که فرد مستکبر آن را درست

کرده است؛ همچنین متوجه حقارت دستاوردهای آن می شوند حتی اگر افراد دور و نزدیک را شگفت زده کرده باشد و امثال این احساس ضرورتی حیاتی برای غلبه بر مستکبران است؛ زیرا متناسب با حجم تغییری است که خود امام بعد از قیام مبارک خود آن را رهبری خواهد کرد.

از چیزهایی که در آن شکی وجود ندارد این است که روانشناختی پیروزی در شخصیت فرد منتظر یک نیروی معنوی است که عقیده ی انتظار بر آن متمرکز است؛ زیرا روان مغلوب هرگز نمی تواند با مسئله ی درگیری تاریخی بین مستضعفان و مستکبران تعامل کند و به نفع آن مسئله بر آن غلبه نماید تا زمانی که حرکت خود را بر اساس احساس امید و احساس فرج و آرامش روانی با پیروزی حامی پایه گذاری نکرده باشد.

ما معتقدیم که ابعاد دیگر این عقیده تا حد زیادی مربوط به این بشارت و این امید بزرگ است که قلب فرد مؤمن را – با شکوفایی آینده برای اسلام – فرا می گیرد هر چقدر هم که مشکلات متراکم شود و رنج ها بر او مجروح کننده باشد؛ اما یک اشکال بر ضد تأثیر مبالغه در اعتماد به این وعده به وجود می آید و ممکن است آن گونه که در عمل روی می دهد روان فرد مسلمان در موضع گیری های جهادی خود شکست بخورد و در نتیجه ی این ناکامی بدبینی به درون او سرایت کند و یکی از علمای مسلمین در این‌باره توضیح می دهد که: «پاسخ آن را باتحلیل تاریخی روانی و آن چه این عقیده از قدرت مثبت در ساختن تاریخ و اصلاح آن محقق کرده است و همچنان ادامه دارد طولانی نمی کنیم ...اما به اصل دستور خداوند عزوجل به رسول او در ابلاغ این بشارت استدلال می کنیم.

خدای متعال می داند که نتیجه برانگیختن امید به پیروزی اسلام در جهان به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مسلمین یک حالت توقع روانی خواهد بود که در

خوش بینی بسیار افراطی عمل خواهد کرد. با این حال به رسول خود دستور داد این بشارت را ابلاغ کند و آن را در روان افراد مسلمان رسوخ دهد و این گونه نیست مگر به خاطر این که از این خوش بینی ضرری حاصل نمی شود، بلکه ضرورتی برای تحقق دو هدف اساسی از ابلاغ بشارت به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط پیامبر وجود دارد که اولین آن عبارت است از: بر حذر داشتن مسلمانان از انحراف با موج انحراف عمومی که روی خواهد داد و دومین آن: برانگیختن امید در افراد مسلمان نسبت به پیروزی مجدد اسلام و غلبه آن بر همه ی دین ها ست.(۱)و این دو هدف را عزت نفس فرد مسلمان با وجود توسعه ی تدریجی انحراف که اوج آن در آخر الزمان و اندکی قبل از ظهور خواهد بود. در طول همه ی تاریخ اسلامی محقق کرده است.

۲. در هم شکستن هیبت واقعیت استکباری:

تقریباً مورخان تمدن ها اتفاق نظر دارند که واقعیت استکباری حقیقتی تاریخی است که انسان آن را از آغاز وجودش بر روی زمین شناخته است و این واقعیت نابرابر همه ی جهان را فرا گرفته است حتی در دوره ی پیامبران؛ به گونه ای که افراد آن به دلیل تقابل منافع آن ها به مستکبر و مستضعف تقسیم شدند و تجربه ی طولانی انسان ثابت کرده است که استکبار تبدیل به یک خط مصیبت بار شده است که افراد آن در درون خود حاوی ویژگی های رفتاری مشخصی هستند و اجزای تقسیم شده ی یکسان و تکراری از آغاز حرکت درگیری تدریجی بین دو طرف هستند و به همین علت هرگز درباره ی مستکبرانی سخن نمی گوییم که در این کشور و آن کشور زندگی می کنند، بلکه فقط درباره ی گروهی سخن

۱- علی گورانی، الممهدون للمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۵.

می گوییم که رفتار تجاوزگرانه بر ضد گروه های مستضعف دیگر داشته‌اند و آن چه برای ما مهم است ویژگی های روانی مشترک استکبار است نه اشخاص. و این ویژگی ها همان چیزی است که باعث می شود ما، بین موسی و فرعون، ابراهیم و نمرود، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ابولهب و ابوجهل و غیر او فرق بگذاریم و این ویژگی ها یک درخت واحد از رفتار تجاوزگرانه خواهد شد که ادامه دارد تا زمانی که خداوند اجازه ی پیروزی حتمی را به بندگان صالح و مستضعف خود در زمین بدهد.

همه ی جهان با منطقه ی اسلامی که در آن است شاهد فروپاشی واقعیت استکباری بر ضد گروه مستضعفان است و فقرای مسلمانان و مساکین و فریب خوردگان آن ها تأثیرات این واقعیت را بر خود احساس می‌کنند با همان قدرت یا بیشتر از شکلی که مستضعفان زمین ظلم های مستکبران را احساس می‌کنند. و برتری فناوری بزرگ امت های مستکبر و به خصوص برتری صنعتی ونظامی موجب احساس کمبود در مجموعه های بزرگی از مستضعفان شده است و این احساس مغلوب شدن و شکست خوردن به ناامیدی، سرگردانی، عقب گرد و شک در توانمندی های خود به عنوان مسلمانان در شکست واقعیت استکباری دروغینی که بر ما سلطه دارد منجر شده است؛ همچنین کارآیی ما را در عبور از احساس شکست از بین برده است، به همین دلیل متون اسلامی به مشکلات انسان مؤمن در دوره ی غیبت توجه کرده است.

بسیاری از مسلمانان این زمان وعده‌ی خداوندی را که در وعده اش تخلف نمی کند فراموش کرده‌اند و در برابر امکانات و سلاح های پیشرفته‌ای که در اختیار مستکبران است ناتوان مانده‌اند و با شک سوال کرده اند آیا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند با شمشیر پیروزی های خود بر طغیان گران مستکبر را محقق کند؟ و

سلاح سنتی ناکارآمدی در برابر سلاح های وحشتناک و دستگاه های فناوری قوی و فوق العاده پیشرفته چه کار می تواند بکند؟ یا این که شمشیر یک تعبیر رمزی از سلاحی است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن استفاده خواهد کرد؟ پاسخ به این سؤال در سه نکته نهفته است:

اول: بشارت پیروزی که قبلاً به آن اشاره کردیم و مفهوم روانی آن در شخصیت فرد مسلمان و منتظر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این بشارت که متون آن را وعده داده تضمین آینده‌ای است که معنویت های مسلمان را بالا می برد و به او نسبت به آینده ی درگیری بین استکبار و اسلام اعتماد می‌بخشد و این بشارت های پیروزی و تحولات روانی امت متکفل در هم کوبیدن همه ی هیبت مستکبران در روان ما و آغاز کننده ی تربیتی ایجاد احساس اعتماد به نفس است.

دوم: متون اسلامی در ایجاد رویکرد روانی عمومی در شخصیت فرد مسلمان و منتظر در چیره گی بر مستکبران تأثیر گذاشته است حتی اگر دارای ابزارهای قدرت و تجهیزات برتری مادی و روش های آن باشند و این چیزی است که قرآن با اصحاب کهف انجام داده است هنگامی که واقعیت استکباری را در چشم آن ها کوچک کرد هر چقدر هم که بزرگ باشند و در سایه ی خبردهی های متون اسلامی برتری شخصیت مسلمان در دوره ی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مستکبران با این که آن ها وسایل قدرت را در اختیار دارند روی خواهد داد؛ زیرا در روایت آمده است: «لاتقوم الساعه حتی یقاتل المسلمون الیهود فیقتلهم المسلمون» «قیامت بر پا نخواهد شد مگر آن که مسلمانان با یهودیان می جنگند و مسلمانان آن ها را به قتل می رسانند.»(۱)

۱- مسلم آن را روایت کرده است؛رک به معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ج ۱، ص ۳۱۱ حدیث ۲۰۳, ۲۰۴.

سوم: متمرکز شدن بر فروپاشـی ساختار روحی مسـتکبران؛ درست است که انسان مستکبر وسایل مادی پیشرفته‌ای دارد، اما این با شکست روانی و فروپاشی ساختار روحی استکبار و یارانش فایده ای ندارد.

با توجه به این نکته های سه گانه عناصـر آن از طریق بررسـی آن‌ها با هم تـداخل پیـدا می‌کنند اما قبل از این که آن را شـروع کنیم به برجسـته کردن مهم‌ترین ویژگی در شخصیت مستکبران غربی می پردازیم به اعتبار این که طبل استکبار جهانی معاصر را امروز مسـتکبران اروپا و آمریکا به صـدا می آورنـد. [رهبری می‌کنند] کسانی که خود را رهبران نظام جدید بین المللی می دانند و به دلیل این که ریشه های این پدیده در اعماق شخصـیت سیاسی و اجتماعی غربی ها وجود دارد و این یکی از تشکیل دهنده های آن است به اعتراف برخی از دانشمندان اروپایی و شهادت یکی از دانشمندان آن ها را ثبت خواهیم کرد تا با دقت این شهادت را بخوانیم:

اریک فروم که الگوی آرمانی شخصـیت اروپایی را به قهرمان مانـدگار و قهرمان مسـیحی تقسـیم می کنـد، می‌گوید: «قهرمان ماندگار همان گونه که در قهرمان های باسـتانی و ژرمن تجسم پیدا می کند نهایت چیزی که این نوع اخیر از قهرمان ها به آن علاقه مند بودند و این گونه بود که حمله کند و پیروز شود و این که ویران کند، غارت نماید و سرقت کند؛ تحقق زندگی نزد آن ها غرور، تکبر، ابهت، سـلطه، شهرت و برتری در قدرت کشتن و خون ریزی بود. اوغسطین پدر روحانی، تاریخ رومانی را به تاریخ گروه دزدهـا تشبیه کرده است که ارزش قهرمان مانـدگار آن طور که فروم می گویـد توان منـدی در سـلطه گری و چنگ زدن به آن بود و او در صحنه ی جنگ و لحظه ی مرگ سعادتمند می مرد.»(۱)

۱- اریک فروم ،/الانسان بین الجوهر و المظهر، ص ۱۵۱.

بعد از آن که فروم ویژگی رفتار استکباری در نظر غربی های آن دوره را برجسته می‌کند تقریباً آن را بر همه ی تاریخ اروپا تعمیم می دهد و بار دیگر می گوید: «اگر ما در خودمان دقت کنیم، در رفتار بیشتر مردم و در رهبران سیاسی خود به طور یقینی خواهیم دید که قهرمان ماندگار نمونه ای است که آن را نیکو به حساب می آوریم؛ نمونه ای که فکر می کنیم دارای ارزش است و تاریخ اروپایی – آمریکای شمالی با وجود اعتقاد به مسیحیت چیزی جز تاریخ حمله کردن و ابهت داشتن و تکبر و حرص نیست و بزرگ ترین ارزش های ما این است که قوی تر از دیگران باشیم و به آن ها حمله و آن ها را مغلوب کنیم و به خدمت بگیریم. این ارزش ها با الگوی برتر مردانگی مطابقت دارد و کسی مرد نیست مگر آن که بتواند بجنگد و غلبه کند، و هر کسی نتواند از خشونت استفاده کند شخصی ضعیف است؛ یعنی مرد نیست.

ما نیازی به اثبات نداریم که تاریخ اروپا تاریخ حمله، بهره کشی، قدرت، تسلیم و مغلوب کردن است و تقریباً هیچ دوره یا مرحله ای از تاریخ اروپا نیست مگر آن که ویژگی اش این بوده است و هیچ طبقه و ملیتی از آن استثناء نمی شود و هیچ جرمی یافت نمی شود مگرآن که مرتکب شوند که از جمله به آن عملیات نابودی دسته جمعی همه ی ملت هاست مثل آن چه در هندی های سرخ پوست روی داد؛ حتی جنگ های صلیبی که از دین پوششی برای خود درست کردند از این مورد استثناء نبود.»(۱)

این چیزی است که واقعیت تاریخی استکبار غربی آن را تأیید می کند و تکبر و علاقه اش به سلطه گری و شهوت او در تهاجم و پیروزی مستکبر غربی

۱- اریک فروم ،/الانسان بین الجوهر و المظهر ترجمه ی سعد زهران، ص .۱۵۱

است؛آن گونه که فروم می گوید: « بخش اساسی تشکیل دهنده‌های شخصیت اجتماعی است. »(۱) و وقایع تاریخ معاصر بر آن شهادت می دهد و چیزی که در حرکت های استعماری و سیطره ی غربی بر امت های دیگر تجسم یافته است.

همچنین ملاحظه می شود که بعضی از متون اسلامی که رفتار استکباری مردم را در طول دوره‌ی غیبت کبری برجسته کرده اند عبارت «ترک و روم» را اطلاق کرده اند تا بفهمانند که بخش بزرگی از مستکبران در این زمان از این دو گروه هستند. و از امثال آن این است: «خداوند مردی از عجم را بر شما مبعوث خواهد کرد.»(۲)و این ها هر کسی باشند عرب نیستند و«زمانی که روم و ترک بر شما برانگیخته شوند و لشکرها را به حرکت درآورند.»(۳)و «ترک در جزیره ساکن می شود و رومی ها در فلسطین ساکن می شوند.»(۴)و با این گونه متون و واقعیت استکبار غربی و تجاوزگری و مغلوب کردن امت ها، ملت ها و ستم دیدگی ناسالم آن ها اثبات می شود.

از آن جا که تکبر یک بیماری روانی است تا یک بیماری فکری، در این صورت مستکبران به طور ضرورت کافر ومشرک نیستند و در سایه ی متون اسلامی ممکن است فرد مسلمانی که نسبت به دین خود که آگاهی دارد از این بیماری رنج ببرد، به خصوص وقتی ابزارهای قدرت را در اختیار داشته باشد. یک متن با اشاره به تکبر برخی از مردم عادی می گوید: «هر مردی تکبر یا

۱- اریک فروم ،/الانسان بین الجوهر و المظهر ترجمه ی سعد زهران، ص ۱۵۲.

۲- یوم الخلاص، ص ۴۱۵ تا ۴۱۹.

۳- یوم الخلاص، ص ۴۱۵ تا ۴۱۹.

۴- یوم الخلاص، ص ۴۱۵ تا ۴۱۹.

زورگویی کنـد به خاطر ذلتی است که در درون خود احساس می نماید.»(۱)و متن دیگری با اشاره به تکبر برخی حاکمان می گویـد: «بعـد آن خلفایی خواهنـد آمـد و بعـد از خلفاء امیرانی خواهنـد آمـد و بعـد از امیران پادشاهانی خواهنـد آمد و بعد از پادشاهان زورگویانی خواهند آمد.»(۲)

در هر حال فرقی نمی کنـد تکبر از فرد کافر یا مسـلمان بی مسـئولیت صادر شود و این یک ویژگی علنی حاوی احساس پنهان ذلت و پستی است، بلکه تکبر در بعضـی از مسـتکبران از مسـلمانان به مقـدار احسـاس آن هـا از کمبود و بی مقـداری در برابر نیروهای استکبار جهانی است.

بـار دیگر به نقـاط مشترک مورد اشـاره بـاز می گردیم، اما قبلًا درباره بشارت پیروزی و تأثیر آن در شخصـیت فرد مسـلمان و منتظر سـخن گفتیم و بررسی نکته ی دوم و سوم باقی مانده است که به شکل گیری احساس برتری در فرد مسلمان و فروپاشی ساختار روحی افراد مستکبر اختصاص دارد؛ اگر هم چنان ابزارهای پیشرفت مادی را در اختیار داشته باشند آن گونه که آن را در واقعیت می بینیم.

بررسـی ایـن نکـات پاسخ بـه سؤالی است که مطرح کردیم و به پیروزی مستضـعفان به رهـبری مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف بر مستکبران با وجود برتری مادی قابل ملاحظه‌ی آن ها اختصاص دارد. آیا سلاح سنتی او– شمشیر– در برابر سلاح های پیشرفته نتیجه بخش خواهد بود؟

اگر در بعضی از متون نقل شده تأمل کنیم، می بینیم ابزارهای پیروزی و

۱- جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲- الفصول المهمه ابن صباغ، ص ۲۸۸؛البیان، کنجی، ص ۱۴۱ ؛عقد الدرر سلمی مقدسی، ص ۳۹،۹۳،۹۵؛ البرهان فی علامات المهدی آخر الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متقی هندی؛ صاحب کنز العمال، ص ۹۲,۹۴,۱۶۵.

سلاحـهـایی را که در جنـگ هـای نظامی در اختیار می گیرد برای او فراهم و نزد دشـمنانش از مسـتکبران ناشـناخته است. این سلاح از نوع جدیدی است آن طور که به نظر می رسد یا مشابه فناوری سـلاحی است که دشـمن از آن استفاده می کند همان طور که دارای تاکتیـک نظـامی کارآمـد است که بر عنصـر غـافلگیری، سـرعت، نیروی روانی به نفع یاران و ضـعف روانی در دشمنانش متکی است و همه ی این ها او را در زمین زدن دشمن قبل از آن که در عمل با او روبه رو شود کمک می کند.

و از جملهی این متون که سلاح او را توصیف می کنند عبارت اند از:

«آن ها دارای شمشیرهایی از آهن هستند که مثل شمشیرهای شما نیست وقتی یک نفر با آن به کوه بزند آن را تکه می کند.»

«وقتی او ظهور کنـد سـلاح ها متوقف می شود و به سوی او حرکت نمی کنـد و شاید اشاره به این مطلب باشد که سـلاحی به وجود می آید که سـلاح های موجود در آن زمان تحت فرمان آن باشد، و شاید اشاره به این مورد باشد که او از نوعی سـلاح اسـتفاده می کنـد که همه ی سـلاح هـای موجود را از کارایی ساقط یا همه ی ابزارهای متحرک را بی حرکت می کنـد» (۱)و هرگز منعی وجود ندارد که به کمک غیبی تکیه کند.

«او با سپاهی قیام می کند که اگر با آن سراغ کوه بروند آن را ویران و در آن جاده ایجاد می کنند.»(۲)

ماننـد ایجـاد تونـل در وسـط آن یـا بکـار گیری آن به عنوان پایگاه نظامی یا دژ جنگی و به یقین این کار با سـلاح سـنتی مثل شمشیر انجام نمی شود، بلکه با

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیراوی، ص ۳۸.

۲- یوم الخلاص، ص ۲۳۲؛ البیان؛ کنجی شافعی، ص ۱۳۲؛ القول المختصر، ابن حجر، ص ۴۸.

سلاح های روز است که از نظر فناوری پیشرفته تر باشد همانند مواد منفجره و شدیدتر از آن و قبلاً گفتیم که کلمه ی «سیف» می تواند رمزی برای سلاحی شناخته شده در زمان او باشد.

آن گونه که برخی از روایات می گوید او سپاهی دارد که سپاه خشم نامیده می شود و این نامگذاری مفهوم روانی خود را دارد که بعد از نقل متون مربوط به این سپاه به آن اشاره خواهیم کرد. امام علی علیه السلام می فرمایند که: «یخرج موتوراً عضباناً أسفاً لغضب الله علی الخلق» «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان فرد ظلم دیده و با خشم و تأسف در تأثیر از خشم خداوند بر مردم قیام می کند.»(۱)و هنگامی که از امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خدای تعالی «اَتَی اَمرُ الله فَلَا تَستَعجِلُوُه» سؤال شد حضرت فرمود: «هو أمرنا، أمر الله عزوجل ألا نستعجل به، یؤیده الله بثلاثه أحفاد... بالملائکه، و بالمؤمنین، و بالرعب» «این امر ماست که خدای عزوجل دستور فرموده نسبت به آن عجله نکنیم؛ خداوند او را با سه گروه از یاران مورد حمایت قرار می دهد ملائکه، مؤمنان و با ایجاد رعب و وحشت.»(۲)

«ینشر رایه رسول الله السوداء، فیسیر الرعب قدّامها شهراً و عن یمینها شهراً، و عن یسارها شهراً» «پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را که سیاه است به اهتزاز در می آورد و یک ماه قبل از خودش، از سمت جلو، راست و چپ وحشت همه جا را فرا می گیرد. »(۳)و چه بسا معنایش این باشد که نیروهایی که خبر حرکت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیروزی های او را می شنوند از انتقام او وحشت می‌کنند، حتی اگر در دورترین نقطه‌ی دنیا باشند و روحیه‌ی فرماندهان فروپاشیده می شود و در برابر او قبل از

۱- یوم الخلاص، ص ۲۱۰.

۲- غیبه نعمانی، ص ۱۶۲.

۳- یوم الخلاص، ص ۲۱۰.

رویارویی نظامی تسلیم می‌گردند و نیز داوطلبانه یا اجباری با او بیعت می‌کنند آن گونه که روایات نقل می‌کنند.

«والقـائم منّا منصور بـالرعب، مؤیـد بالنصـر، تطوی له الأرض و تظهر له الکنوز و یبلغ سـلطانه المشـرق و المغرب» « قائم از ما با ایجاد وحشت یاری و با نصـرت مورد حمایت قرار می گیرد زمین برای او کوتاه و گنـج ها برای او نمایان می شود و حکومت او مشرق و مغرب را فرا می گیرد.»(۱)

«إن الله یلقی فی قلوب محبینا الرعب من عـدونا. فإذا وقع أمرنا و خرج مهدینا کان الرجل من شـیعتنا أجراً من لیث» «خداوند در قلب دوست داران ما نسبت به دشمنان ما وحشت ایجاد می کند و هنگامی که زمانه‌ی ما فرا برسد و مهدی ما قیام کند مردان شیعیان ما جرأت شان از شیر بیشتر خواهد شد.»(۲)یعنی ظهورش در رفتارهای بعد از ظهور امام اصلاحاتی ایجاد می کند.

«اذا هزّ رایته أضـاءَ لهـا مـا بین المشـرق و المغرب، و وضع الله یـده علی رئوس العبـاد، فلا یبقی مؤمن إلاّ صار قلبه أشـد من زبر الحدیـد» «وقتی پرچم او به اهتزاز درآیـد میان مشـرق و مغرب را روشن می کنـد و خداوند دست او را بر سـر بندگان قرار می دهد و هیچ مؤمنی باقی نمی ماند مگر آن که قلبش از تکه های آهن محکم تر خواهد شد.»(۳)

قنـدوزی نقـل کرده است که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم به علی فرمود: «اعجب النـاس إیمانـا و أعظمهم یقینـاً قوم یکونون فی آخر الزمـان لم یلحقوا النـبی، و حجبت عنهم الحجه، فـآمنوا بسواد علی بیـاض» «عجیب ترین مردم از نظر ایمـان و بزرگ ترین آن ها از نظر

۱- یوم الخلاص، ص ۲۱۶.

۲- یوم الخلاص، ص ۲۳۱؛ ینابیع الموده، ج ۳ ؛ص ۱۶۴-.۱۶۵

۳- یوم الخلاص، ص ۲۱۰.

یقین مردمانی هستند که در آخر الزمان می آیند. آن ها پیامبر را ندیده اند و حجت از آن ها پنهان است و آن ها به سیاهی روی سفیدی ایمان آورده اند.»(۱)و منظور حدیث ایمان آوردن به نوشته های سیاه روی کاغذ سفید است.

و این متون ما را به دو حقیقت راهنمائی می کند:

۱ . ترس فرد مؤمن قبل از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ثبات، قدرت و جرأت بعد از ظهورش تبدیل می شود.

۲. تسلط مستکبران قبل از قیام او تبدیل به ترس و وحشت بعد از آن می شود وقتی که خبر تحرکات و پیروزی های قاطعانه‌ی او را می شنوند و دشمنی ظالمانه شان خاموش و ترس شان از او پدیدار می شود.

همان طور که این متون گوشه‌ای از توانمندی های مادی و معنوی سپاه امام را مشخص می کند که موسوم به سپاه خشم است و حالت روانی دایمی بعضی از مستکبران وحشت زده از او و تسلیم در برابر او بدون جنگیدن را نشان می‌دهد(۲)، حتی اگر نیروهایش دور از او باشند و این متون به برتری سلاح های او اشاره می کند همان طور که نیروی روانی امام و سپاه مبارک او را نشان می دهد که پشتوانه‌ی توانمندی مادی اوست و درگیری را در مدتی کمتر از یک سال کامل به نفع او تمام می کند آن گونه که برخی روایات راهنمایی می کند، بلکه این نام گذاری برای سپاه او به طور حتمی معنویت کمک کننده به آن ها را در طول دوره ی غیبت کبری بالا ـ می برد و در روان آن ها احساس برتری و قدرت و غلبه بر دشمنان خداوند و علاقه ای حماسی می‌آفریند که منجر به درهم کوبیدن همه‌ی

۱- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۷۰.

۲- ر.ک به کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»، متقی هندی، ص۱۲۴؛ و سخن کوتاه ابن حجر در «علامات المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف»

هیبت مستکبران در تصورشان می شود و هر یک از افراد برای امام انتظار می کشد و آرزو می‌کند زیر پرچم پیروزمند سپاه خشم روشنایی بگیرد، سپاهی که کسی در برابر آن توان مقاومت ندارد و هرگز شکست را نمی شناسد و آنها در این شرایط – یعنی افراد مسلمانِ منتظر – بر واقعیت استکباری احساس برتری دارند و آن را به حساب نمی آورند با وجود اینکه امکانات مادی در اختیار آن ها وسیع است.

برتری استکباری در دوره ی غیبت مسئله ی واقعی است که آن را انکار نمی‌کنیم اما هدف این روایات نقل شده برای ما که نوع مقابله‌ی امام و مستکبران را مشخص می کند تغییر معادله و بازگرداندن ترازوی برتری به نفع مسلمانان است. و این ابتدا با درهم کوبیدن هیبت آن ها در تصور مستکبران و از بین بردن نگرانی های آن ها از این برتری و درهم کوبیدن همه ی احساس حقارت در فکر ما در برابر مستکبران است و هیچ مسلمانی – در هر زمان و مکانی – هرگز نمی تواند احساس برتری دروغین استکباری را در خود از بین ببرد مگر با ایجاد یک نیروی مادی بزرگ و با آمادگی روحی و عقیدتی و آماده سازی روانی کامل نسبت به حتمی بودن پیروزی اسلام بر نیروهای دیگر و این شاخصه هایی برای تغییر محتوای درونی ذات فرد مسلمان و منتظر در دوره ی غیبت است.

هدف وارد شدن عبارت «سپاه خشم» در متون فقط ایجاد احساس اعتماد در افراد مستضعف و مؤمن و رشد احساس عزت و روحیه ی برتری بر قدرت مستکبران است هر چقدر هم که بزرگ باشند. فهماندن این مطلب به همه ی مستضعفان – حتی اگر غیر مسلمان باشند – این است که آن ها سپاهی دارند ذخیره شده و در نیروی معنوی و مادی هیچ سپاهی بر آن ها برتری ندارد و چه بسا این نام گذاری در وقت ظهور حضرت به گوش طغیانگران برسد و یک ماه

زودتر و یک ماه قبل از آن که حضرت به آن ها برسد وحشت آن ها را فرا بگیرد و این دوره موجب فروپاشی روحیه ی مقاومت در آن ها می شود و در این هنگام ابزارهای کشتار نظامی و سلاح های پیشرفته هرگز به درد مستکبران نمی خورد؛ چرا که ساختار روحی آن ها فرو پاشیده شده و وحشت و ترس آن را می خورد حتی قبل از این که مستقیم با او روبه رو شوند.

با تأمل در متون می بینیم که این متون به احتمال روی دادن جنگ ها و فتنه هایی قبل از ظهور امام اشاره می کند و – خدا بهتر می داند – در این میان بیش از دو- سوم مردم جهان با جنگ، بیماری، فقر و گرسنگی نابود می شوند و بسیار احتمال دارد که این جنگ ها ابزارهای نظامی نیروهای مستکبر را ویران کند و فروپاشی ساختار روحی آن ها به حدی برسد که نمی توانند خود را بازسازی کند؛ زیرا نفس فرو پاشیده شده است و این شرایط عنصری می شود که امام با آن پیروز می گردد، و سلاحی می شود که آن را در حرکت تاریخی خود مورد استفاده قرار می دهد و جهاد او به دنبال جراحت‌های مستکبران از یکدیگر و حاصل شده از اختلاف آن ها با یکدیگر است همه ی این ها صرفاً فرضیه است که قابلیت دارد این گونه باشد یا نباشد.

و هرگز بعید نیست که این جنگ به دستاوردهای مدنی و فناوری جدید با ویرانی سنگین کارخانجات و مرگ بسیاری از دانشمندان مخترع و فروپاشی مردان سیاسی و اقتصادی و عقب گرد در مسیر خط صنعتی امت های مستکبر پایان دهد و منظور از آن عقب ماندن از پیشرفت فناوری نیست و ما توقع این را نداریم؛ بلکه عقب گرد تولید صنعتی به طور موقت با کم شدن تعداد نوآوران و مخترعان و نابودی بسیاری از تجهیزات علمی مورد استفاده در شرایط صلح و جنگ هر دو روی می دهد و بشریت بعد از این جنگ دچار بحران یا فاجعه ی

فناوری می شود و همه ی این ها صرفاً یک احتمال است.

در سایه ی این احتمال هیچ کس نمی تواند توقع مثبت و همیشگی از سرنوشت تمدن استکبار داشته باشد از نظر رشد نیروی آن به صورت افزایشی یا کاهشی داشته باشد و نیز نمی تواند رشد تمدن های دیگر را نادیده گرفت که به وجود خواهند آمد و از امنیت، عدالت و ارتقای بیشتری برخوردارخواهند بود و با تمدن استکباری امروزی رقابت می کنند و بر خرابه های آن بنا خواهد شد. تمدن استکباری به سبب تناقض های درونی خود در بطن خود بذر تمدن دیگری را حمل می کند که برتری آن بیشتر است و تاریخ اثبات می‌کند که تمدن ها هرچقدر هم که عمر کنند و زمانه را سپری کنند اجل مشخصی خواهند داشت.

آیا سوره ی کهف را خوانده‌ای؟ آیا درباره‌ی آن جوانانی خوانده‌ای که به پروردگار خود ایمان آوردند و خداوند هدایت آن ها را تکامل بخشید و با یک نظام بت پرستی روبه رو شدند که رَحم نمی کرد و در دالان هیچ بذری از بذرهای توحید و بیرون آمدن از چاله ی شرک حرکت نمی کرد؛ نفس آن ها به تنگ آمده و در آن ناامیدی به وجود آمد و دریچه های امید پیش روی آن ها بسته شد و به غار پناه بردند تا حل مشکلات خود را از خداوند طلب کنند بعد از آن که از حل آن عاجز شدند و برای شان سنگین بود که باطل همچنان حکومت و ظلم کرده و حق را مغلوب کند و افرادی که قلب شان برای حق می تپد را پاک سازی کند. آیا می دانی خداوند با آن ها چه کرد؟ او آن ها را سیصد و نُه سال در آن غار به خواب برد و سپس آن ها را از خواب خود بیدار کرد و به صحنه ی زندگی باز گرداند بعد از آن نظامی که با زور و ظلم خود آن ها را مغلوب کرده بود و اکنون اسمش خوانده می شود و ساقط شده و تبدیل به تاریخ شده است که کسی را نمی ترساند و ساکن است و متحرک نیست. همه ی این ها به خاطر این است که آن جوانان شاهد بر زمین افتادن آن باطلی باشند که بهره کشی و قدرت

و استمرارش برای شان سنگین آمده بود و پایان کار آن را با چشمان خود ببینند و باطل در نظرشان کوچک بیاید و اگر این دیدن واضح برای اصحاب کهف تحقق پیدا کرد با همه ی آن چه با خود دارد یعنی موقعیت و سربلندی روانی از طریق آن حادثه‌ی منحصر به فرد که زندگی شان سیصد سال طول کشید؛ اما همین چیز برای رهبر منتظر از طریق عمر او محقق شود که به او اجازه می دهد بزرگانی را ببیند که ریز بودند و درختان باردهی را ببیند که بذر بودند و طوفان هایی را ببیند که صرفاً نسیم بودند، (۱) این یک مثال قرآنی از تاریخ بشریت است تا اعتماد مستضعفان به خودشان در شکست مستکبران تقویت شود؛ مثالی برای تربیت منتظران برای اعتماد داشتن به خود است.

در تاریخ نزدیک و معاصر ما، مستضعفان با چشمان خود سقوط اتحاد شوروی به عنوان یک قدرت بزرگ و فروپاشی کامل پیمان ورشو را دیدند و این مثالی دیگر و شاهد بر امکان شکست مستکبران و در هم کوبیدن هیبت آن ها به اذن خداوند متعال است.

۳ . ستایش از افراد منتظر و نادان شمردن مستکبران:

برای رویارویی با واقعیت استکبار بیمار و در هم شکستن هیبت آن در نگاه افراد مستضعف از مؤمنان تعدادی از متون(۲) به ستایشِ شخصیت فرد مسلمان و منتظر امام پرداخته اند و فضیلت های آن ها را در طول دوره‌ی غیبت ذکر کرده اند و

۱- سید صدر، بحث حول المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۵-۱۶؛ صاحب کنز العمال در کتاب خود البرهان می گوید برخی از یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اصحاب کهف هستند ر.ك. به البرهان، ص ۸۷، ۱۵۰ مراجعه کنید و معنایش این است که خدای سبحان و متعال اصحاب کهف را بار دیگر شاهد شکست دیگری برای واقعیت استکباری قرار می دهد .ر. ك .به معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ج ۱، حدیث شماره ۳۱۳ مراجعه کنید.

۲- در گوشه و کنار تعدادی از این متون را ذکر کردیم و خواننده ی محترم می تواند بار دیگر در فصل چهارم ص ۱۰۷-۱۱۵ و در صفحات دیگر به آن مراجعه کند.

متون دیگری نیز به نـادان شـمردن مسـتکبران، منحرفـان، منافقـان و بیـان عیب های آن ها پرداخته است. (۱)و این تقابـل مثالی برای تـوجه بـه واقعیـت انسـانی بـا روش تـوجه به نقطه ی متضـاد است که شـارع مقـدس اسـلامی آن را مبنـای اصـلاح رفتـار شخصیت و بازسازی آن مطابق معیارهای عبادی، قرار داده است.

ستایش از منتظران و نادان شـمردن منحرفان مربوط به تعـدادی از اهداف روانی برای افزایش قدرت منتظران در مقابله و مجهز کردن روانی خود به اعتماد، قوی کردن آسـتانه ی تحمل ناکامی در آن ها، محافظت از قدرت برتری در آن ها در طول تعامل شـان بـا مسـتکبران و اصـالت دادن به روحیه ی تمایز در روان منتظران است در حالی که در جاهلیتی بـدتر از قبل زنـدگی می کنند و با دشوای های مختلفی روبه رو هستند.

در مقابل آن، تعداد زیادی از متون را می بینیم که جنبه های حقارت در افراد منحرف را توضـیح می دهد و از عملکرد ماهیت ظالمان مسـتکبر به شـکل خاصـی انتقاد کرده است و به موقعیت های کاستن از این گروه و مقایسه بین آن و بین شخصیت فرد متعهـد اشاره کرده است و هـدفش یادآوری دوری آن ها از اصول فرهنگی و معنوی اسـلام و مسـلمانان است، همان گونه که هدفش از عمل نادان شـمردن نیز یادآوری حقارت نفس به گروه مسـتکبر است حتی اگر دارای وسایلی باشند که این احساس را پنهان کنـد و رفتار فرد مسـتکبر پوششـی علنی برای حقارت ذلیلانه‌ای است که سر خود را در درون نفس دفن می کند؛ اما فرد مسـتکبر وجود آن را انکار کرده تا برای خودش توجیه رفتارِ اسـتکباری صادر شـده از آن را فراهم کند و سـتایش و نادان شمردن در رویکردی واحد وارد می شوند

۱- همچنین در این کتـاب متون اسـلامی که از گروه مسـتکبران و منحرفـان و منافقان و یاراشان انتقاد کرده انـد بطور پراکنـده آمده است.

و هدفی واحد را محقق می کنند و آن درهم کوبیدن هیبتی است که نفس افراد مسلمان و ضعیف در برابر مستکبران حساس می‌کنند و این دو با وجود رویکردهای متقابل خود در نهایت در یک مجرا وارد می شوند و آن باقی نگه داشتن شخصیت فرد مسلمان و منتظر امام در حالت تعادل روانی و عقلی در وسط دایره ی انحرافات متراکم و قانع شده به برتری فناوری سنگین تمدن استکباری است؛ از جهتی نشان دهنده ی ستایش از موقعیت های قدرت در شخصیت هر فرد منتظر است و از جهت دیگر متون به سفیه دانستن روان افراد منحرف و رفتار ناسالم شان می پردازد و ترازوی روانی به نفع فرد مسلمان و منتظر متعادل می گردد.

اگر مستکبران احساس امثال این حقارت را در خودشان نکنند برای منتظران همین کافی است که در خود احساس اعتماد کامل کنند و این احساس را با قدرت ادامه دهند در حالی که هر روز با ناکامی مستکبران و سقوط آن ها روبه رو هستند و این احساس حاصل نمی شود مگر از رشد روز افزون توانمندی های منتظران در برهم کوبیدن هیبت مستکبران ساختگی و ساختن ذات عبادی خود برای حمایت از خود در برابر تأثیرات انحراف و فشارهای شدید آن.

از چیزهائی که در آن شکی وجود ندارد این است که این مقایسه تأثیری روانی در دادن حالتی از برتری روانی به شخصیت فرد منتظر دارد، همان طور که ماهیت عملی کاستن از ذات افراد منحرف این است که احساس حقارت و بی ارزشی، ناخشنودی پنهان از خود، علاقه به انتقام و پنهان شدن پشت استکبار برای پوشاندن امثال این احساسات را ایجاد می کند؛ بنابراین ستودن و نادان شمردن دارای تأثیر روانی خود را بر شخصیت فرد منتظر و مستکبر دارد.

هدف متونی که از منتظران ستایش کرده است رشد امکانات آن ها در

رویارویی با انواع بیماری های عصبی و حالت های مختلف آن در موضع گیری ها و پذیرش های رفتار عبادی سالم است و نیز تعامل با آن بدون این که در آن سقوط کند و خود را از پیروی کردن از دیگران منع کنند و آن را از گودال تردید و سرگردانی و دگرگونی مزاج نجات دهند و خود را با حصارهای عزت و دیوار کرامت احاطه کنند و این از چیزهایی است که برای شخصیت فرد مؤمن و منتظر یک قدرت معقول از تعادل درونی محقق می کند و نگرانی را که معمولاً ـ حالات بیماری عصبی روانی آن را تقویت می کند از آن دور کند مانند احساس ذلت و نداشتن اعتماد به نفس.

اما تأثیرات روانی سفیه دانستن این است که یک حالت تنفر درونی و ناخشنودی از خود در شخصیت فرد مستکبر ایجاد می کند و منجر به از بین رفتن احساس اعتماد می شود؛ اما با این حال همچنان به ناحق متکبر است و بر دیگران برتری طلبی کرده و در زمین فساد می کند؛ از روی گناه؛ برای خود عزت قایل می شود؛ وقتی که به او گفته شود تقوا داشته باش کاری انجام می دهد که نگرانی، اضطراب و تجاوزگری او را به دیگران بیشتر می کند و تعادل او را به هم می‌زند و معنویت او را ضعیف می‌کند و این به رشد و تربیت بهتر توانمندی های منتظران و قدرت آن ها کمک می کند.

همان طور که رفتار استکباری که متون اسلامی آن را مورد انتقاد و نادانی/ جهالت آن قرار داده اند گاهی منجر به عقبگردی مرگبار در روابط عمومی بین مردم می شود و قلب ها قساوت پیدا می‌کند و زمین از نابرابری پر می شود و قتل زیاد می شود تا جایی که صاحبان فرزند اندوهگین و افراد نازا خوشحال می شوند(۱) و شکم ها شکافته می شود؛ زیرا قتلی که مستکبران در زمین انجام

۱- یوم الخلاص، ص ۴۳۸؛ همچنین، عقد الدرر، ص ۱۰۸.

می دهند باعث می شود افراد نازا و افراد صاحب فرزند از نظر محرومیت از فرزند مساوی شوند و افراد نازا از اصل از بچه دار شدن و ذریه محروم بوده اند اما زنان باردار و صاحب فرزند با مرگ فرزندان شان از آن ها محروم شده اند و این وضعیت مصیبت بار منجر به خوشحالی بیمار گونه ی افراد نازا می شود؛ زیرا احساس مساوی بودن با سایرین می کنند.(۱)

این گونه ستایش کردن از ذات و تحقیر آن کارآمدی روانی واضحی در محافظت از تعادل شخصیت فرد منتظر دارد که با استکبار دشمنان حق مواجه است؛ همچنین دارای کارآمدی در متنفر کردن رفتار استکباری سرخورده و درهم کوبیدن احساس هیبت از مستکبران و ریشه کنی این احساس بیمار از روانشناسی منتظران است.

۴ . مقاومت در برابر تجربه های شکست خورده:یا [تجربه های ناکام]

از ثمرات چنین عقیده ای این است که شخص مسلمان و منتظر از قدرت رویارویی با چالش ها و صبر آگاهانه بر تحمل دردهای مواضع شکست خورده ای بهره مند می شود که زندگی، انحراف دایمی آن را ایجاد می کند. و از ویژگی های منتظران آن گونه که متون ذکر می کنند موفقیت آن ها در بهره مندیِ مقدار زیادی از آستانه ی تحمل شکست خوردگی است بعد از آن که بسیاری از مردم در گرفتاری های مختلف شکست می خورند؛ ایمان به پیروزی تاریخی و یقین به حتمی بودن وقوع آن به شخصیت فرد مسلمان و منتظر امکان کسب تجربه ی جهادی می دهد که در برابر موضع گیری های شکست خورده ی مختلف که به طور مستمر با آن مواجه است مقاومت کند همان طور که وجود این آستانه ی

۱- رک به منبع قبلی فصل های انصار و بیعت ، مؤمنان منتظر، اهل آخر الزمان.

تحمل در شخصیت او به عمل آماده سازی تربیتی و فرهنگ سازی عقیدتی مستمر باز می گردد؛ همچنین به کارآمدی برخی مفاهیم اسلامی مثل ثواب دادن و جایگزین کردن برای دردهای این ایستادگی و فشارهای سلسله شکست خوردگی های مستمر با ثواب آخرت و پاداش بسیار بزرگ باز می گردد «کسی که در دوره ی غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت بماند خداوند پاداش هزار شهید را همانند شهدای بدر و احد به او خواهد داد.»(۱) و« مردمانی بعد از شما خواهند آمد که یک مرد از میان آن ها ثواب پنجاه نفر از شما را دارد گفتند:ای رسول خدا ما در کنار تو در بدر و احد و حنین بودیم و قرآن در میان ما نازل شد. فرمود: اگر آن چه که برای آن ها پیش می آید برای شما پیش بیاید نمی توانید صبری را که آن ها دارند داشته باشید.»(۲)

دوره ی انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن است طول بکشد و دور باشد و شایسته است فرد مسلمان و منتظر خود را برای آن آماده کند. اگر از نگاه آرزوهای افراد – هر کس به طور مشخص - به آن نگاه کنیم نفس این انتظار را طولانی می بیند و مرگ افراد را با خود می برد بدون این که چشمان شان با طلوع این آرزوها سرمه کشیده شود و نسبت به آن ها دور و دور است؛ همچنین یک آرزوی دور است نسبت به هر جامعه ای به تنهایی، و بطور خاص؛ و قرن ها بر جامعه ای می گذرد بدون این که در ساختار و مؤسسات خود این آرزوی بزرگ را محقق کند؛ اما این آرزو در سطح نوع تمام بشر یک آرزوی نزدیک است؛ زیرا حوادثی که سرنوشت همه ی جنس بشر را تغییر می دهد با عمر افراد یا اجتماع ها یا جوامع و با حرکت تاریخی در این چارچوب یا آن دیگری و آن یکی مقایسه

۱- میزان الحکمه ،ج ۱، ص ۲۸۲.

۲- میزان الحکمه ،ج ۱، ص ۲۸۱.

نمی شود و فقط با آن چه متناسب با حجم نوع همه ی انسان است و با حرکت تاریخ همه ی جهان مقایسه می شود. مثلاً هزار سال در عمر یک فرد زمانی بسیار طولانی است؛ همچنین نسبت به عمر حرکت تاریخی در یک جامعه از جوامع، اما هزار سال در عمر همه ی بشریت زمانی کوتاه است نسبت به دوره های تحول تاریخی بزرگ که تغییری فراگیر را در سرنوشت تاریخی همه ی جنس بشر وارد کرده اند و آن را از یک سطح مشخص به سطحی بالاتر از آن در مرتبه و کیفیت منتقل کرده اند. دوره های تحول تاریخی بزرگ – همان طور که می دانیم – هزاران سال یا بهتر بگوییم ده ها هزار سال را دربر می گیرد. این است حرکت بزرگ تاریخ! (۱)

و شاید این انتظار دور با این معیار – عمر فرد در برابر یک جامعه – برای برخی از افرادی که این مفهوم و حرکت تاریخ را درک نکرده اند موجب شکست خوردگی شود و ما نمونه هایی از این افراد را دیده ایم زمانی که سختی ها برای او متراکم و فشارها بر او شدید شود. و ما سعی کرده ایم بین این ناامیدی و شکست خوردگی به وسیله ی اشاره [گشایش] به فرج خدای تعالی تعادل برقرار کنیم. آن ها با روانی شکست خورده و گرفته و اندوهگین از آینده به ما پاسخ می دهند که این فرج چه زمانی اتفاق خواهد افتاد و گویا عقل آن ها به سخن خدای تعالی اعتماد ندارد؛ (آن ها او را دور می بینند و ما او را نزدیک می بینیم (۲)

به همین علت می بینیم مجاهدان جهان اسلام که عقیده ی انتظار را فهمیده اند در زندگی خود ناامیدی را نمی شناختند با این که فشارهای واقعیت شکست خوردگی استمرار داشته است، اما آن ها خود را برای رضایت خداوند و محقق

۱– حرکه التاریخ عند الامام علی، / محمد مهدی شمس الدین، ص ۲۱۸.

۲– سوره معارج، آیه ۷.

کردن هدف بزرگ خود در ساختن جامعه ی اسلامی که زمینه ساز دولت حق در چارچوب این آرزو یا در چارچوب این بشارت پیروزی است نذر کرده اند، لکن کفر و پیروانش از منافقان جهان و مستکبران و منحرفان آن تمام نیروهای خود را برای نابود کردن رفتار مؤمنان در رسیدن به آرزوی انسانی بزرگ شان جمع می کنند.

اما تأثیر این مقاومت در برابر تجربه ی شکست خوردگی در تعادل روانی شخصیت فرد مسلمان و منتظر چیست؟

وقتی افراد مجاهد ایستادگی و مقاومت داشته باشند – و این چیزی است که متون بشارت از آن خبر داده‌اند – یک خطر حقیقی، امنیت مستکبران را تهدید می کند و جوانب آن ها را نگران می‌کند و تمام هیبت آن ها را در درون افراد مستضعف می‌شکند و کسانی که از خسارت دیدگان و ستمدیدگان هستند برتری می‌یابند و اعتماد در درون شان تقویت می شود و قدرت افراد مجاهد به ضرر طرفدارانِ واقعیتِ منحرف، رشد می‌کند و مقدمه سازی جدیدی انجام می شود که در آینده یک جامعه ی عادلانه ی الهی موعود در آن می روید و به معنای پایان یک باره ی تناقض های تاریخی نیست، بلکه کاملاً برعکس آن است و جنگ تمدنی فراگیری بین دو طرف روشن خواهد بود تا روز موعود و تناقض ها تا آن روز موعود ادامه خواهد داشت و معنای آن این مسئله است که این یک تغییر قابل ملاحظه در ترازوی نیروها به نفع مسلمانان است که در نهایت در روز رهایی «یعنی دوره ی ظهور» کار را تمام می کند.

از آن جا که مؤمنین به عقیده ی انتظار در توانمندی های روحی کاملاً مساوی نیستند و در شایستگی های علمی و فکری و درجات کفایت اداری و سیاسی خود متفاوت هستند در این صورت بعضی از افراد، بیمار و از هم گسسته

می شوند و دگرگون می گردند و اجازه می دهند مقداری ناامیدی به ضمیر آن ها سرایت کند به خصوص وقتی که بحران ها متراکم شود و مستکبران این بخش خیال کنند تحقق پیروزی نزدیک یا دور محال است. و ما همان طور که گفتیم از طریق زندگی روزمره ی خود دیدیم که برخی از موضع گیری های شکست خورده مانع از دیدگاهی روشن در عده ای از مسلمانان منتظر می شود که در اثر شکست ها و عقب نشینی هایی است که در نتیجه ی برنامه ریزی غلط یا ضعف آگاهی یا کندی در کار یا زیاد شدن قدرت دشمن شان به آن دچار شده اند.

اما اثراین شکست خوردگی هنگامی که مسلمانان در این جا و آن جا برخی پیروزی ها به دست آورند به سرعت از بین می رود و می توان با افتخار و عزت گفت که آستانه ی تحمل شکست خوردن در شخصیت مسلمان معاصر به یک پختگی [تکامل] رسیده است که در برابر هر برتری طلبی و هر توطئه ای برای درهم شکستن احساس درونی ما نسبت به پیروزی اسلام و امید به پیروزی حتمی مقاومت می کند.

به نظر می رسد آستانه ی تحمل شکست خوردن و قدرت مؤمنان منتظر بر مقاومت کردن در برابر این شکستگی امروزه سبب رشد انگیزه های رویکرد به اسلام در میان جوانان است و اگر این مقاومت در برابر همه ی شکست خوردگی های ظالمانه نبود بسیاری از پیروزی هایی که بخشی از معادله های بین المللی ظالمانه را تغییر داده است و برخی از معیارهای مقابله به نفع مسلمین را دگرگون کرده است به تأخیر می افتاد. بخصوص در سال های اخیر از قرن بیستم و امثال این تحولات — با این که محدود است — احساس ناچیز بودن در روان فرد مسلمان را احاطه کرده و روح اعتماد را به سینه ی او بازگردانده است و بیداری اسلامی را متولد کرده که جهان را وادار به اعتراف کردن به قدرت تمدن

اسلامی و تأثیرات معنوی و سیاسی آن کرده است.(۱)

از بزرگترین مفاهیم روانی مفهوم انتظار افزایش قدرت به همراه مقاومت در برابر هر تلاش دشمنانه ای برای فلج کردن حرکت امت در رویکرد اسلام و تعامل با مسئله ی اول آن ...مسئله ی اثبات ذات و تأکید بر متمایز بودن وجود تمدنی امت و رهایی روح آن از چنگال پیرو بودن و ربودن و سقوط تمدن در دامن قدرت های استکباری است.

۵. خالی کردن مثبت عوارض غلبه:

قبلاً گفتیم که انسان و بخصوص فرد مؤمنی که منتظر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است در دوره ی غیبت کبری که طولانی مدت است با انواع مختلفی از فشارها، مصیبت ها و رنج های خشن روبه رو می شود و در اثر این بحران ها به حالت های بیماری عصبی و چه بسا فکری دچار شود؛ مانند نگرانی، سرگشتگی، تفرقه، (..) و شک و تردید، اندوه، مغلوب شدن و ترس و تمام این ها از ثمرات واقعیت اجتماعی و سیاسی فاسد است که از هر پستی و بلندی او را احاطه کرده است.

متون اسلامی بسیاری بیان می کنند که مردم به طور مشخص سال های اندکی قبل از روز موعود دچار امثال این بحران ها و امثال این حالت های روانی می شوند و انفعال های اندوه و مغلوب و وحشت شدید انسانیّتِ انسان را به قتل می رسانند و از چیزهایی که در آن شکی وجود ندارد این است که این پدیده ی اندوهبار که بر همه ی جهان حکم فرماست تا حد زیادی مربوط به ظلم های مستکبران و مصیبت های آن ها بر ضد فقیران، ضعیفان و خسارت دیدگان در همه ی نقاط

۱- و برای متوقف کردن این قدرت، دشمنان اسلام با شکل های مختلف بدنامی با آن مقابله کرده اند و با سو استفاده می خواهند اشتباه در رفتار برخی افراد متدین را مورد تأکید قرار دهند؛ مثل استفاده از زور بر ضد دیگران.

جهان است، اما در همین زمان روان افراد مظلوم را برای همکاری با حرکت تغییر بزرگ و مورد انتظار در دوره ی ظهور فرخنده آماده می کند.

با این که سهم بزرگتر از عمل زورگویی را مستکبران به گروه های مؤمن در همه جای زمین وارد کرده اند، اما ظلم با قدرت بیشتری به تمام گروه های مستضعف و مصیبت زده، بدون استثناوارد شده است؛ زیرا روان مستکبرین آرام و راحت نمی شود مگر با خالی کردن احساسات تجاوزکارانه خود و جایگزینی تمام اهانت های روانی که بر ضد آن ها اعمال می شود البته به وسیله ی انتقام از دیگران و مغلوب کردن آن ها و تکبر کردن بر آن ها؛ و فرقی نمی کند مسلمان باشند یا غیر مسلمان. و مستکبر تجاوزگری خود را انجام می دهد و دین و احساسات انسانی را نمی فهمد.

تیزی احساسات مغلوب کردن مستضعفان و بخصوص مؤمنان و صابران و منتظران حکومت خدای تعالی با گذشت زمان وسیع تر و شدت آن بیشتر می گردد هر مقدار که شکاف تناقض تاریخی بین آن ها و قدرت های استکباری بیشتر شود بخصوص بعد از آن که در عمل، ابزار های سرکوب گر از نظر فناوری پیشرفت کرده است و این ابزارها را معمولاً مستکبران در اختیار دارند نه مستضعفان. استکبار برای بازگرداندن اعتبار خود و محافظت از منافع خود راهی جز استفاده از این تجهیزات سرکوب گری پیشرفته را ازنظر فناوری ندارد؛ چرا که جهاد مستضعفان به صورت بالفعل امنیت آن‌ها را تهدید می کند و رسوایی های مستکبران ظالم را برای تاریخ و بشریت آشکار می کند.

و با تأمل در پدیده ی مغلوب کردن روانی، اجتماعی و سیاسی رفتار استکباری می بینیم حاوی دو چیز است که هر کدام به دیگری متصل است و آن دو عبارت اند از:

الف – هنگامی که کینه ی مستکبران را زیر ذره بین روان شناسی قرار دهیم

می بینیم تعبیری از خواسته ی این گروه ظالم در انتقام از دیگران و انجام سیاست رفتار پدرانه بر ضد آن هاست و وقتی مردم این حس بیمار را نپذیرند مستکبران خشم شدید خود را بر ضد مظلومان خالی می‌کنند و آن ها هدف ظلم و آزار قرار می گیرند نه به خاطر دلیلی بلکه فقط برای این که خواسته اند تنها بنده ی خداوند باشند و نپذیرفته اند که این عبودیّت را افرای مثل خودشان به تن کنند.

و شایان ذکر است که صرف کینه – به تنهایی – برای ارضای خواسته ی مستکبران در مغلوب کردن دیگران کافی نیست. وقتی در آن ها قدرتی فراهم نباشد که آن ها را قادر به تحمیل مغلوب شدن کند کینه ی آن ها در میان قفسه ی سینه شان حبس می شود و به دنبال فرصتی مناسب برای رهایی می‌گردد و حالت وجدانی منفی باقی می ماند که ذات مستکبرین را از درون می خورد؛ اما این کینه ی خشم آور با قدرت آزاد می شود هنگامی که برای فرد مستکبر قدرت مغلوب کردن و ابزارهای مغلوب کردن فراهم باشد.

ب – احساس مستکبران [در برتری جویی] در اصل ناشی از یک احساس بیمار است که دو طرف آن متناقض است؛ یعنی احساس حقارت ذات و احساس بالندگی به قدرت خود. به همین علت افراد ظالم به جایگزین کردن این تناقض وجدانی به وسیله ی اثبات قدرت و انجام رفتار استکباری پناه می برند بخصوص هنگامی که در عمل، ابزارهای سرکوب فراهم باشد که به آن ها کمک کند تا سیاست های ظالمانه ی خود را بر ضد دیگران اعمال کنند. برخی از سخنان اسلامی درباره ی پدیده ی استکبار تصریح کرده اند به طوری که از امام صادق علیه السلام این سخن نقل شده است: «ما من أحد یتیه إلا لذله و جدها فی نفسه» «هیچ کس هلاک نمی شود مگر به خاطر احساس ذلتی است که دارد.» و در روایت دیگری می فرمایند: «ما من رجل تکبر أو تجبر إلاّ لذله وجدها فی نفسه» «هیچ مردی تکبر یا

زورگویی نمی کند مگر به علت احساس ذلتی که دارد.»

و به اقتضای این دو نکته می بینیم ریشه ی روانی رفتار استکباری همان احساس حقارت است و وقتی مستکبرین احساس حقارت کنند و این احساس آن ها را بسیار نگران کند تلاش می کنند در مغلوب کردن دیگران برای پنهان کردن حقارت درونی خود با تظاهر به بزرگی و برتری طلبیِ بدون توجیه وسیله ای بیابند و با این حیله و این روش تلاش می کنند از شدت نگرانی و شکست دردناک بکاهند و احساسات شکست خوردگی را کاهش دهند.

تیزی این احساس بیشتر می شود و به طور قطعی به دنبال آن استکبار حمایت شده می آید هنگامی که مستضعفین اجازه ی پذیرش رابطه ی مغلوب شدن را ندهند آن هنگام که مستکبران برای تحمیل آن تلاش می‌کنند و به اقدامات سرکوب گرانه می پردازند بخصوص که ذات فرد مستکبر به صورت واقعی مقبولیت نداشته باشد و برخی از قدرت ها و امکاناتی که در اختیار دارد او را در استمرار به رفتار تکبرآمیز بر ضد دیگران و تجاوزگری به آن ها مغرور کرده باشد.

چیزی که سینه ی آن مستکبران را می سوزاند و خاطرات کینه ی آن ها بر ضد مؤمنان منتظر را بر می انگیزد علاقه ی گروه های مؤمن به پاکی و متعالی بودن و پالایش هر نوعِ تکبری از عقل طغیان گران زورگوست؛ زیرا تکبر و بزرگی در تفکر فرد مسلمان فقط از حقوق خداوند است و طغیان گران چیزی جز بندگان او نیستند و از هیچ کس در هیچ چیز تمایز ندارند؛ اما مستکبران این ساختار روانی را نپذیرفته‌اند و نفس بیمارشان توهم رقابت با خداوند را در زینت او و برای شان به وجود آورده است، نه فقط برای پوشاندن احساس حقارت خود و کاهش شدت نگرانی، بلکه برای ارضای خواسته های خود در شکنجه ی افراد؛ زیرا آن ها می دانند که ثمره ی طبیعی این استکبار دشمن شدن دیگران با آن هاست و اصرار

ورزیدن بر ارتکاب آن فقط به معنای جایگزین کردن احساس حقارت یا حفظ تمایز ها نیست؛ بلکه پذیرفتن دشمنی مردم و ناخشنودی آن هاست و این نوعی بیماری است که در آن نفس با شکنجه ی دیگران به آرامش می رسد و از رفتار منحرف راضی می شود و در سایه ی آن، متن زیر فهمیده می‌شود: «تکبر کردن زیور خداوند است و هر کس با خدای عز و جل در زیور او رقابت کند خداوند فقط به پستی او می افزاید.»(۱)

و متون بسیاری وجود دارد همان طور که قبلاً گفتیم که حالت های اندوه، مغلوب کردن، و تحقیر کردن مؤمنان, و اهانت به آن ها را از نظر روانی و به طور مشخص در دوره ی قبل از ظهور و در طول تمام دوره ی غیبت کبری بیان می کند. و آن ها متونی هستند که رابطه ی مغلوب کردن بین مستکبر و مستضعف را نشان می دهد و خواننده ی محترم می تواند در این متون (۲)تأمل کند و آن را با واقعیت انسانی عذاب آور مطابقت دهد.

«مؤمن در میان آن ها با ترس رفت و آمد می کند و اگر سخنی بر زبان آورد او را می خورند و اگر سکوت کند در اثر خشم خود می میرد.»

«زمانی بر مردم خواهد آمد که مؤمن در آن از شأن خود ذلیل تر است»

مؤمن اندوهگین و حقیر شده است و نمی تواند اعتراض کند مگر با قلب خود و در حضور آن ها هر رفتار پستی رخ می‌دهد و جرأت انتقاد از رفتار اجتماعی عمومی را ندارند و اگر فرصت انتقاد پیدا کند کسی به حرف او گوش نمی دهد و اگر عده ای به حرف او گوش کنند چیزی از واقعیت فساد تغییر نمی‌کند.

و بی تابی و احساس ذلت به درجه ای می رسد که مؤمن در آن آرزو می کند

۱- الطفل بین الوراثه و التربیه، ج ۲،ص ۳۷۴.

۲- تاریخ الغیبه الکبری ، محمد الصدر، ص ۲۴۰-۲۵۰.

مرده باشد ..بخاری در صحیح خود با اسناد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن او را نقل می کند که می فرمایند : «لا تقوم الساعه حتی یمر الرجل بقبر الرجل فیقول: یا لیتنی مکانه» «قیامت برپا نمی شود مگرآن که مردی به قبر مردی دیگر می رسد و می گوید:ای کاش من به جای تو بودم.»(۱) و مُسلم تقریباً همین متن را نقل کرده است.

همچنین مسلم از قول حضرت نقل کرده است که فرمود: «والذی نفسی بیده، لا تذهب الدنیا حتی یمر الرجل علی القبر فیتمرغ علیه، و یقول: یالیتنی کنت مکان صاحب القبر» «سوگند به کسی که جانم در دست اوست دنیا به پایان نمی رسد مگر آن که مردی به قبری می رسد و خود را روی آن می اندازد و می گوید:ای کاش من به جای صاحب این قبر بودم.»

و صدوق در اکمال خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «انه یعانی المؤمنون فی زمن الغیبه من ضنک شدید و بلاء طویل و جزع و خوف» «مؤمنان در زمان غیبت از تنگنای شدید، بلای طولانی، بی تابی و ترس رنج می برند.»(۲)

و بطور حتم آرزوی مرگ کردن تا این درجه از سختی دلالت بر دشوار بودن زمانه و شدت بی تابی از فشارهای واقعیت و سختگیری های اهل آن است که بر ضد مؤمن مغلوب شده در حق خود است و قابل شمارش نیست. و این آرزو کردن نتیجه ی سیطره ی واقعیت منحرف است که مؤمن را از هر پستی و بلندی احاطه می کند و نتیجه ی فساد و طغیان و ناامیدی از مسئله ی اصلاح زندگی با قوانین ظالمانه ی وضع شده است که انسان آن را از برداشت های خیالی و توهامات خود تشریع کرده است و از آن سیاست استکباری بر ضد برادر مؤمن و غیر مؤمن او ساخته شده است.

۱- رک مثلاً به علامات یوم القیامه، ابن کثیر، ص ۲۷، ۲۹، ۸۹ ؛عقد الدرر، ص ۴۱۳ .

۲- البرهان، متقی هندی، ص ۸۵، ۹۲، ۹۴.

از چیزهایی که در آن شکی وجود ندارد نیست این است که این فشارهای متراکم در طول زمان غیبت در روان شناسی فرد مسلمان و منتظر تأثیر می گذارد و اگر دارای مقدار معقولی از آستانه ی تحمل شکست خوردگی نداشته نباشد او را در معرض بیماری های روانی قرار می دهد و خطرناک بودن بعضی از این حالت های عصبی در این است که گاهی فرد مسلمان را به بیماری عصبیِ فکریِ شدیدتری از بیماری عصبی روانی مبتلا می کندیعنی بیماری عصبی کافر شدن همان گونه که منجر به معلول/ فلج کردن تمام رفتار اسلامی از موفقیت در هدف بزرگ یعنی برپایی دولت حق و مقدمه سازی برای آن می شود. ازاین رو برخی از متون درباره ی بد بودن واقعیت روانی برای فرد مسلمان در دوره ی غیبت خبر داده اند؛ مانند سرگردانی و عقبگرد بعد از عمل غربال گری و آزمایش و تفکیک شدن؛ مثل سخن خود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف : «قد وقعت الغیبه التامه، فلا ظهور إلاّ بعد إذن الله تعالی ذکره، و ذلک بعد طول الأمد و قسوه القلوب» «اکنون غیبت کامل رخ داده است و دیگر ظهوری نخواهد بود مگر بعد از اذن خدای تعالی ذکره و این بعد از طولانی شدن مدت و قساوت پیدا کردن قلب ها خواهد بود.»(۱) «ستطول غیبته حتی یرجع عن أکثر القائلین به» «و غیبت او طولانی خواهد بود تا آن جا که بیشتر افراد معتقد به او از عقیده ی خود دست می کشند.»(۲)

و با وجود این حالت اندوه در فرد مسلمان و منتظر ویژگی مثبتی دارد و خالی از کینه ی کورکورانه است آن طور که در حالت فرد مستکبر است و مؤمنان کینه را با کینه ی دیگر پاسخ نمی‌دهند، بلکه افراد منتظر و ستمدیده که دچار اندوه شده اند هرگز از مجاهدت باز نمی ایستند و مجاهدت با نفس خود حتی در

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیرازی، ص ۲۱۲.

۲- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیرازی، ص ۲۹.

شرایطی که با موقعیت های کینه روبه رو می شوند تا با افراد کینه ورز با بُروز کینه ی دیگر تعامل نکنند و با دیگران نیز مجاهدت می کنند تا ظلم را برطرف کنند و اصل عدالت را محقق نمایند و به زبان علم روانشناسی امروزی می توان گفت را روحیه ی نیکوی موجود نزد فرد مؤمن محتوای انفعالی منفی را به گذشت و بالا بردن و متعالی شدن در رفتار ذات تبدیل می کند و حتی پاسخ به مستکبران فقط خطاب به شخصی است که مؤمنان را اذیت کرده و خطاب به شخصی نیست که مستکبر بوده اما کسی را اذیت نکرده که یا از روی ناتوانی یا ترس یا سبب دیگر بوده که مانع آزار رساندن به دیگران شده است.

برای این که شخصیت فرد منتظر در زندگی خود با سازگاری زندگی کند و آن مقدار که ممکن است از درگیری روانی بیمار و از سختی های شکست خوردگی های مستمر خالی باشد که معمولاً منجر به بیماری عصبی می شود و قدرت فرد را در انجام تکالیف عبادی خود فلج می کند، متون اسلامی همانند دعاهای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ائمه ی دیگر علیهم السلام و زیارت نامه های شان و توسل های آن ها که تکرار شده است انسان مؤمن و مغلوب شده را به راه تخلیه ی انباشته های انفعالی مضر جهت دهی می کند و او را به ادامه ی اصلاح رفتار خود به طور مستمر قادر می نماید تا بتواند ارزش ها و عیارهای ایمانی سالم را کسب کند که سنگینی تناقض بین واقعیت منحرف و امیدِ او به تغییر آن، مطابق وعده ی الهی نسبت به پیروزی حتمی و امید او را به کاهش شدت درگیری در او کاهش می‌دهد.

و همان طور که گذشت همچنین دعاهایی که ائمه ی معصومین از جمله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می خواندند دائماً تلاش می کنند بین ناامیدی از عدالت طغیان گران و امید به تحقق بشارت و اعتماد به پیروزی مورد آرزو و این که مؤمنان می توانند

واقعیت را تغییر دهند تعادل برقرار کنند و با این تعادل ذات فرد مسلمان و منتظر تا حد زیادی متعادل می شود.

به عنوان مثال اهمیت زیاد دعا کردن برای تعجیل در فرج را ذکر کردیم؛ زیرا موجب فرج و اطمینان و احساس امنیت می شود. همچنین اهمیت جهاد در پاسخ به فرد تجاوزگر را ذکر کردیم و به ضرورت یاری گرفتن از خداوند و پناه بردن به او اشاره کردیم. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: «أکثروا من الدعاء، بتعجیل الفرج» «برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید.» و «أن تعطینی أماناً لنفسی و أهلی و ولدی و سائر ما أنعمت به علیّ حتی لاأخاف أحداً» «این که به من و خانواده ام و فرزندانم و سایر نعمت هایی که به من داده ای امنیت بدهی تا از هیچ کس ترس نداشته باشم.» (۱)«أنت کهفی حین تعیینی المذاهب، و تضیق علی الأرض بما رحبت» «و تو غار پناهگاه من هستی هنگامی که راه ها بر من بسته می شود و زمین با همه ی گستردگی اش بر من تنگ می گردد.»(۲) و «استغنث و أغنثنی، ولا تکلنی إلی نفسی طرفه عین أبداً، واصلح لی شأنی کله» « من کمک خواستم و به من کمک کن و مرا یک چشم بر هم زدن به خودم وامگذار و همه ی امور مرا اصلاح نما.»(۳)

۶. تعادل بین ناامیدی و امید:

اشاره

همان طور که متونِ حوادث آینده درباره ی بشارت پیروزی و حتمی بودن آن سخن گفته همچنین به طور اجمال و تفصیل درباره ی خط انحراف وسیع در زندگی امت در طول دوره ی غیبت کبری سخن گفته است. (۴) و شواهدی که ما

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیرازی، ص ۲۸۸.

۲- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیرازی، ص ۳۱۴.

۳- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیرازی، ص ۳۲۵.

۴- رک به معجم احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱ و ۲؛ به طوری که احادیث زیادی درباره ی مظاهر انحراف در جامعه ی بشری وارد شده است.

در آن به سر می بریم تأکید می کند که وقایع هر دو به صورت بالفعل رخ می دهد و خط انحراف وجود دارد و هر فرد مسلمانی آن را درک می کند و خط حفظ اسلام و ثبات آن و ایستادگی و قدرت آن در رویارویی با چالش ها و بشارت های پیروزی نیز موجود است.

انحراف به تدریج محدوده ی خود را توسعه داده است و همچنان صحنه ی تاریخی، پر از آثار و مظاهر آن است همان گونه که متون اسلامی خبر داده است که شکاف تناقض تاریخی بین دو خط،خط انحراف و خط اسلام، عمیق خواهد شد اما امید به تغییر وضعیت از مهم ترین بشارت های عقیده ی «مهدویت» است و هر فردی که به این عقیده مؤمن است امنیت به این بشارت در میان سینه اش نهفته است و حتی متونی که واقعیت انحراف را تعریف کرده است درباره ی شکوفائی آینده به ما خبر داده است حتی با وجود ترس ها و محرومیت های واقعیت تلخ منحرف و فشارهای قدرت های غیر اسلامی؛ درباره ی شکوفایی آینده به ما خبر داده است اما این متون تلاش می کند احساس ناشی از این محرومیت ها و بین احساس امید تعادل برقرار کند و همان طور که متون عقل سالم و روح آن را با بشارت های آینده ی بهتر پر کرده است حرکت خود تاریخ اقتضای آن را دارد و بعد از ناامیدی چیزی جز فرج وجود ندارد و بعد از ظلم چیزی جز عدالت وجود نخواهد داشت.

و این تعادل خودش حاوی یک احساس جوشنده از امنیت روانی است و اگر در دنیا نباشد در عالم آخرت خواهد بود؛ زیرا پاداش رنج بردن در روز قیامت محفوظ است و برطرف شدن نگرانی و غصه و تحقق پیروزی و به راه افتادن اصل عدالت در دولت حق چیزی است که مستکبران نمی توانند مانع آن شوند حتی اگر بتوانند آن را صدها سال به تأخیر بیندازند؛ اما این سنت خداوند است

«و لَن تَجِدَ لسنهِ اللهِ تبديلا» و برای سنت خداوند دگرگونی و تبدیل وجود نخواهد داشت.

تعداد کمی از متونی را که تصویر کلی سرنوشت بشری را در چارچوب دو خط و دو رویکرد متقابل مشخص کرده اند بررسی می کنیم. امام علی می فرماید: «لتملأن الأرض ظلماً و جوراً، حتی لا یقول أحد الله إلا متخفیاً، ثم یأتی الله عزّوجل بقوم صالحین یملأونها قسطاً و عدلاً» «زمین پر از ظلم و نابرابری خواهد شد تا آن جا که کسی کلمه ی الله را بر زبان نمی آورد مگر مخفیانه و سپس خدای عز و جل مردمانی صالح را می آورد که آن را پر از برابری و عدالت می کنند»(۱)

و در حدیث دیگر آمده است:«لا یأتی علیکم زمان إلّا الذی بعده شر منه» «هر زمانی بر شما می گذرد زمان بعد از آن بدتر خواهد بود»(۲)

و سخن حضرت: «إذا رأیت کل عام یحدث فیه من الشر و البدعه أکثر» «وقتی دیدی هر سال شرارت و بدعت های بیشتری به وجود می‌آید. » (۳)و در روایتی دیگر اضافه کرده است : «بیشتری از آن چه بوده است ..»(۴)

و امام باقر علیه السلام می فرماید: «یتغیر أهل الزمان حتی یعبدوا الأوثان، و یبتلی المؤمنون، و تولد الشکوک فی القرآن، و تخلع ربقه الدین من الأعناق» «مردم زمانه تغییر می کنند تا آن جا که انسان ها را می پرستند و مؤمنان دچار ابتلا می شوند و درباره ی قرآن شک ایجاد می شود و ریسمان الهی از گردن بیرون آورده می شود.»(۵)

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیرازی، به نقل از منابع دیگر، ص ۴۹۴.

۲- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیرازی، ص ۴۲۱، ۴۶۹.و متون بسیاری درباره ی تدریجی بودن شرارت وانتشار اندک اندک آن در امت وجود دارد.رک به علامات یوم القیامه، ابن کثیر، ص ۲۶ ؛ احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسند ابن حنبل، ص ۵۷.

۳- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیرازی، ص ۴۲۱، ۴۶۹.

۴- یوم الخلاص، ص ۴۳۳.

۵- یوم الخلاص، ص ۴۵۹.

و متونی که درباره ی دقیق ترین جزئیات واقعیت انحراف سخن می گوید بسیار زیاد است و ما در مقام پرداختن به این جزئیات نیستیم همان طور که بارها تذکر دادیم؛ اما می خواهیم به آن انحرافی اشاره کنیم که فضای وسیعی از زندگی عمومی ما را فرا می گیرد تا آن جا که واقعیت تا پنهان ترین بخش های خود اثبات می شود.

و جز این نیست که انحراف به بزرگترین دایره از زندگی مردم و از جمله مسلمانان گسترش پیدا می کند تا تقریباً همه ی جهان را فرا بگیرد و این گسترش یافتن مطابق منطق متون اسلامی به تدریج از بد به بدتر رخ می دهد و آن گونه که متون متعدد ذکر کرده است کار به جایی می رسد که کلمه ی الله را مخفیانه بر زبان می آورند به دلیل ترس مؤمنان از ظلم مستکبران و منظور از آن نپذیرفتن کلمه ی الله نزد مردم نیست؛ بلکه نپذیرفتن دعوت به خداوند و تسلیم نشدن در برابر نیروهای او در زمین نسبت به سیطره وغلبه ی علنی داشتنن نیروهای آن هاست.

و شاید طبیعی باشد که نفس انسان مسلمان یا غیر مسلمان به ناامیدی از تغییر این واقعیت گرایش یابد و این ناامیدی به حسب تفاوت درجات آگاهی و مقاومت درونی فرد متفاوت است و، وضعیت بدی که در آن زندگی می کنیم جز یک نتیجه ندارد و آن احساس در تنگنا قرار گرفتن و محدودیت رفتاری داشتن، تاریک بودن دنیا و آرزوی مرگ داشتن است. و قبلاً گفتیم که چگونه یک فرد از کنار آرامگاه فرد دیگری عبور می کند و خودش را روی خاک مزار او می اندازد و آرزو می کند او صاحب آن قبر بود؛ اما چگونه ذات فرد مسلمان و منتظر در دوره ی غیبت می تواند تعادل درونی خود را باز یابد و آگاهی و اعتماد و امید خود نسبت به شکوفایی آینده را به دست آورد؟

همان طور که قبلاً گفتیم متون به برخی از بشارت ها به عنوان خط اسلام و ایستادگی آن و قدرت آن بر استمرار اشاره کرده است حتی در میان محیط هایی که در آن تاریکی حاکم است و اندکی قبل این متن را دیدیم که: «زمین از ظلم و نابرابری پر خواهد شد تا جایی که هیچ کس نمی تواند کلمه ی الله را بر زبان آورد مگر مخفیانه...سپس خداوند مردمانی صالح را می آورد که زمین را از برابری و عدالت پر می‌کنند. » به نظر می رسد آن مردمان همان گونه که متن دیگری بیان می کند از مشرق می آیند و برای «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» زمینه سازی می‌کنند:

«یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی» «مردمانی از مشرق قیام می کنند و برای مهدی زمینه سازی می کنند.»(۱)

و در متنی دیگر است: «إن لنا دوله یجیء الله بها إذا شاء» «ما دولتی داریم که خداوند آن را هر وقت که خودش خواست می آورد.»(۲)

بار دیگر یادآور می شویم که بشارت ها از آن جا که حاوی جنبه های روانی مثبت است امید را زنده می کند و در نفس مسلمانان احساس اعتماد بر می انگیزد هر چقدر هم که رنج ها دشوار شده باشد، بلکه حوادثی که گوشه ای از بشارت ها را در خود جای داده اجرا شده است به طوری که این بشارت ها بعضی از حوادث دردناک را تبدیل به امیدهای منتظر کرده است که نفس فرد مسلمان را سرحال می کند بعد از آن که به پایین ترین سطح ناامیدی خود رسیده است و معنای همه ی آن ها این است که آن بشارت ها با وجود تلخی دردها و قساوت

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، الکنجی شافعی، ص ۹۹, ۱۰۵ ؛ علامات یوم القیامه ، ص ۲۲؛ الصواعق المحرقه، ص ۱۶۴؛ عقد الدرر، ص ۱۶۳، ۱۶۷،۱۶۹، ۱۷۲؛القول المختصر ابن حجر، ص ۳۰، ۳۳، ۵۷؛البرهان متقی هندی، ص ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹ و منابع دیگر.
۲- غیبه نعمانی، ص ۱۲۸, ۱۳۳.

ظلم نعمت خوش بینی از آینده ی اسلام است.

امید و ناامیدی که نفس فرد مسلمان را در دوره ی غیبت کبری به سوی خود می کشند در واقعیت امر حاصل دو خط انحراف و خط بازگشت به خط اسلام است.

انحراف فراگیر که زندگی ما را در بر گرفته و به پنهان ترین بخش زندگی رسیده است در نفس فرد مسلمان احساس خطر به وجود می آورد و حالت ناامیدی از تغییر واقعیت منحرف و بدبینی نسبت به اصلاح اوضاع مان را می تراود و همین که این احساس به درون ما نفوذ می کند فرد مؤمن متوجه آن بشارت های موعود می گردد و امیدش زنده می شود و هنگامی که برخی از این بشارت ها در پیش روی ذهن ها محقق می شود به درجه ی افراطی از حماسه و احساس شکوفائی آینده و آینده ی دین خود می رسد؛ زیرا در این هنگام بشارت یک وعده به حساب نمی آید، بلکه به یک واقعیت تبدیل شده است که تاریخ به آن افتخار می کند و حرکت حوادث در آن به سوی خیر است و باعث می شود فرد مسلمان دوباره ابتکار عمل تمدنی را در نقش تاریخی دیگری باز یابد.

وقتی در روان فرد مسلمان و منتظر فشار ناشی از خط انحراف در مقابل امید به بازگشت خط اسلام قرار بگیرد نتیجه ی طبیعی این تقابل تعادل بین بدبینی ناشی از بدی وضعیت و خوش‌بینی نسبت به شکوفایی آینده ی جهان اسلام و انسان هر دو خواهد بود و کارآمدی روانی بشارت، فشار روانی را گرفته و آن را در راه خوش بینی جهت می دهد

ناامیدی که یک عامل منفی است بیش از عامل مثبت با فرد مسلمان و منتظر مواجه می شود و دو عامل مثبت وجود دارد که در ساختن روانشناسی فرد مؤمن مشارکت می کند، علاوه بر عامل سوم و بشارت است که به تأثیر آن در روان

شناسی منتظران در فصل قبلی اشاره کردیم؛ اما این دو عامل عبارتند از:

نخست: اعتقاد تسلیم کامل به خداوند سبحان

عقیده ی تسلیم کامل در برابر خدای سبحان و متعال و این که اونیروی مطلقی است که بر حرکت همه ی وجود سلطه دارد و وقتی فرد مسلمان آن چه را که از مسئولیت و واجبات بر عهده دارد و حقوقی که شارع اسلام مشخص کرده انجام دهد، دیگر مسئولیتی ندارد که تاریخ در کدام رویکرد جریان دارد و برایش مهم نیست که حوادث در کدام جاده، مطابق اراده ی خدای عز وجل جهت می گیرد.

دوم: اعتقاد به پیروزی

عقیده ی پیروزی و رستگاری حتمی در آخرت و این ها یکی از دو نتیجه ی نیک است که انسان مسلمان به دنبال آن هاست و در پیروزی دنیوی رسیدن مستقیم به دنیاست که باعث می شود انسان مؤمن سروری و آقایی داشته باشد و در زمین خلیفه ی خداوند باشد و در شهادت نیز تضمینی برای پاداش اخروی وعده داده شده با وعده ی الهی است.

بنابراین عوامل مثبت سه گانه(۱) با یک شاخصه ی منفی مواجه است که این عناصر در یاری به شخصیت فرد مسلمان با عناصر قدرت سهیم است و این موارد قادر هستند در دوره ی غیبت کبری – اگر با بشارت ها جمع شود – با ناامیدی مقابله کند و احساس فرد مؤمن را به حالت اطمینان روانی نسبت به گشایش خدای تعالی و به تحقق پیروزی حامی برساند و فرصتی برای رشد درگیری روانیِ بیمار نیست که بر حرکت شخصیت و تعادل درونی آن تأثیر می گذارد.

همچنین عامل چهارمی وجود دارد و آن وجود خود امام به صورت زنده و

۱- علی کورانی ،الممهدون للمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۵.

احساس منتظران نسبت به زنده بودن این وجود است همان گونه که قبلاً در احساس امنیت دیدیم.

همچنین قدرت فرد مسلمان و منتظر در فهم مثبت حالت ناامیدی و تعامل با آن به وسیله ی اعتماد تحت گرمای مفاهیم و عوامل قبلی و برانگیزانندگی امید و زنده کنندگی قدرت و نشاط در ذات فرد مؤمن به انتظار است.

اما اشخاصی که با این عوامل به صورت جمعی تعامل نمی کنند و نفس شان از آن تأثیر می پذیرد، با یک ناکامی روانی تلخ مواجه می شوند که گاهی تبدیل به حالت ناامیدی مرگبار می شود و نفس آن ها صحنه ی درگیری خشن بین خواسته های شان در اصلاح واقعیت و ناتوانی در رویارویی با فشارهای آن است و به تدریج این درگیری به شکست خوردگی ویرانگر و محرومیت تلخ و پیچیده از امید تبدیل می شود که نفس را از مقاومت و نشاط انقلابی و جهادی زمین گیر می کند حتی اگر در سطح ساختار درونی ذات باشد.

متون شارع اسلام در مسئله ی انتظار تعادل را در شخصیت فرد مسلمان و منتظر بین ناامیدی از انحراف ها و امید به بشارت ها، بین شکست خوردگی های مستمر و قدرت سختی ها و رنج ها، بین فشارهای قدرت های ظالم و ایمان به برطرف شدن این ظلم ها از شانه های بشریت که جراحت ها و دردهای آن را بر دوش کشیده محقق می کند و هنگامی که امید و ناامیدی در روان شخص منتظر متعادل می شود پدیده ی درگیری پاکیزه در او کاهش پیدا می کند و چه بسا به طور کامل پیشرفت کند و به هم ریختگی روانی شدیدی بوجود نیاید و عقده ها و بیماری هایی رشد نکند که مانع از انجام مسئولیت های افراد مؤمن در طول این دوره شود و این بر خلاف حال افراد و کسانی است که منتظر چیزی جز امید محقق نشده نیستند و آن ها از وضعیت بد درد می کشند مثل درد کشیدن منتظران

– و چه بسا شدیدتر – ؛اما امید آن ها به پیروزی حق محدود است و نفس آن ها با تلخی واقعیت منحرف و مسلط داغ می بیند و به تغییر بهتر اعتماد ندارد... آن ها حتی از پرچم «امید» به تغییر محدود نیز ناامید هستند.

و از چیزهایی که شایسته است بیان گردد این است که عقیده ی مهدویت جلوی انحراف را می گیرد و همچنین نفس افراد منحرف و ظالمان را از شکست شیوه ای که از آن پیروی کرده اند انباشته می کند هر چقدر هم که خط انحراف گسترده باشد و شوکت آن در تاریخ بشریت قوی شود. آن ها – که تفکر مهدویت را می شنوند – در نهاد خود دچار وحشت می شوند و هر لحظه در انتظار فردایی تاریک هستند حتی اگر گاهی از صدای زنگ این خطر غفلت کنند خطری که دور است اما در لحظه های استراحت و بازگشت نفس و هنگام خلوت با لذت ها، نفس آن ها را ناراحت می کند.

این عقیده همین مقدار کافی است که وحشت را در قلب ظالمان وارد می کند و باعث می شود ناامیدی در نفس آن ها حرکت کند، به خصوص که این یک حرکت ناگهانی است و یکباره و بدون وقت مشخص قبلی رخ می دهد و همان گونه که باعث می شود فرد مؤمن در حال لحظه شماری برای امیدی باشد که از تعامل با آن دست نمی کشد همین طور باعث می شود افراد منحرف در حالت نگرانی روانی مستمر باشند؛ زیرا مشخص نکردن وقت ظهور در هر دوره از غیبت به ظالمان می فهماند که آن ها هدف وعده ی الهی به دست ولی او در زمین هستند و نفس شان در وحشت لحظه ای و ناامیدی از ادامه ی سیطره ی انحراف بر مظلومان و شکنجه شوندگان به سر می برد ؛ همانند آن چیزی که فرد منتظر توقع آرزوی برانگیخته شدن دوباره ی اسلام را دارد ظالمان و منحرفان توقع شرارت و پایانی برای سلطه و نفوذشان را دارند.

۷. تحریک احساس مظلومیت:

متون اسلامی و همچنین تجربه ی زندگی تأکید می کند که ظلم کردن بارزترین نشانه های فسادی است که در دوره ی غیبت همه ی جهان را در برمی گیرد، به طوری که با وجود سرعت انتشار وحشتناک انواع رفتار های منحرف زمین از ظلم و نابرابری پر می شود؛ اما ظلم کردن زشت ترین تصویر فسادی است که بشریت را در بر می گیرد، و بلکه وبای تاریخی بزرگی است که به بشریت وارد می شود و روابط بین افراد آن را ویران می کند و درگیری بین آن ها را به خاطر نافع زودگذر شعله ور می کند و این باعث می شود بشریت، بسیاری از قدرت های خود را در زمینه ی ساختن و تعمیر از دست بدهد.

اگر در این پدیده تأمل کنیم می بینیم که بشریت هرگز در هیچ دوره ای از تاریخ طولانی خود از آن خالی نبوده است به استثناء برخی دوره های کوتاهی که در آن پیامبران و نخبگان مؤمن، حکومت عدالت الهی را برپا می کردند؛ اما وبای این پدیده در کنار زمان ادامه یافت و انشعاب پیدا کرد تا این که امروز مساحت بزرگی را پوشانده است و به نظر می رسد ظلم با وجود مقاومت موجود در برابر ظالمان و منحرفان افزایش پیدا می یابد تا آن جا که به بیشترین اندازه ی خود در هنگام آغاز ظهور می رسد.

از چیزهایی که موجب اندوه در عمل است این است که ظلم به عنوان یک رفتار تجاوزگرانه و منحرف از جاده ی حق، افراد را در مقابل برادر خود قرار می دهد، بلکه گاهی در مقابل خود قرار می دهد تا اندازه ای که کار به جایی می رسد که مردم بین خود اعتقاد پیدا می کنند که اگر آن ها به دیگران ظلم نکنند دیگران به آن ها ظلم خواهند کرد»و کسی که گرگ نباشد گرگ ها او را خواهند

خورد(۱)» و همان طور که قبلاً تأکید کردیم مستکبران نقش بزرگی در تأسیس ظلم و استمرار آن دارند و آن ها همیشه منبع ظلم بر ضد مردم هستند چه اطاعت آن ها را پذیرفته باشند یا در برابر اهانت به نفس مقاومت کنند؛ اما وجه مشترک بین گروه های مظلومین احساس مظلوم بودن است و بین آن ها تفاوتی وجود ندارد مگر پذیرش ذلت از روی اختیار در برخی از آن ها و ترس برای حفظ منافع پست و زودگذر، یا مقاومت در برابر ذلیل کردن احساسات عزت؛ و فرقی نمی کند چه مظلومین همکار باشند یا مخالف و آزار طغیان گران ضرر خود را به هر دو گروه وارد می کند. افرادی که با اختیار ذلیل هستند طعم «بندگی» و توهین درونی را در خود می چشند هر چند خود را آزاد به حساب آورند، و افراد مخالف و مورد غضب طعم فشار و تهدید، تبعید و زندان، و قطع رزق و تعقیب را می چشند و با این حال احساس پیروزی درونی می کنند هرچند ابزارهای ظلم در میان ظالمان هر طور که بخواهد آن ها را درو می کند. و هر دو گروه فشار ظلم را می چشند اما هر کدام دارای طعم روانی متفاوتی است؛ طعم توهین، یا طعم عزت و احساس کرامت.

احساس مظلومیت اولین ثمره ی رابطه ی قهرآمیز بین مستکبران و مستضعفان است، اما بعضی از گروه هایی که مظلومیت خود را احساس کرده است از آن در بکارگیری «ذات» و حفاظت از کرامت خود بهره برداری نمی کند، اما در عقیده ی انتظار تحریک واضحی از این احساس و تأکید بر اهمیت آن در تحقق تعادل روانی فرد وجود دارد.

بلکه این عقیده کسی را محکوم می کند که احساس مظلومیت کرده و آن را در

۱- حدیث شریفی در این معنا وارد شده است و ابن شعبه حرانی آن را در کتاب «تحف العقول»، خود ص ۴۴، نقل کرده است.

درون خود حبس کند؛ زیرا خدای عز و جل به مؤمن اجازه ی هر چیزی را داده است غیر از این که خود را ذلیل کند(۱)و منظور از آن احساس مظلومیت بوده که شایسته است محرّک احساس کرامت و سوق دهنده به جهاد در راه خداوند در طول دوره ی «غیبت» باشد، هر چند با فراهم کردن یک «تیر».(۲)

هر رفتاری معمولاً ـ همراه با یک انگیزه ی مشخص است و این قوه ی محرکه ای است که فرد را تحریک می کند و از او پذیرش های رفتاری صادر می شود و از چیزهایی که در آن شکی وجود ندارد این است که احساس درونی مظلومیت تجسم نیروی روانی مقاومت، جهاد و محافظت از خود در برابر هر تلاشی است که می خواهد عزت آن را با امور فریبنده ی مادی زودگذر برباید. به همین علت می بینیم مقاومتی که توده های مسلمان و منتظر در دوره ی غیبت نشان می دهد ارتباط شدیدی با میزان احساس مظلومیت آن دارد و چنین احساسی در این توده ها احساس کرامت و قبول مسئولیت کنار زدن ظلم در شکل های مختلف را تحریک می کند، بلکه لشکری که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با آن در روزی از روزها حمله می کند محل بسیج شدن این احساس است و پیروزی های تاریخی حماسی خود را با تأثیر گذاری مجموعه عواملی محقق می کند که احساس مظلومیت در صدر آن قرار دارد و در سایه ی این فهم احساس مظلومیت منبع هر رفتار جهادی در راه خدای تعالی است و انرژی های مؤمنان را جمع می کند تا در مجرای خیر بریزد و این احساس به اوج خود برسد. متن اسلامی تلاش می کند روان شناسی

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۴۱.

۲- در یکی از متون آمده است که آمادگی منتظران می تواند با فراهم کردن یک تیر باشد و این یکی از انواع سلاح های سنتی رایج در سرزمین های عربی است. روایت می گوید: «باید هر یک از شما برای قیام قائم چیزی را فراهم کند هر چند یک تیر باشد.» غیبهالنعمانی، ص ۲۱۹.

شجاعت را در فرد مسلمان بسازد که به تنهایی با حق ابهت پیدا کند و از باطل نترسد و مظلومیت یک خسارت مرده نیست که نتیجه ای از آن حاصل نشود، بلکه روحِ نپذیرفتن است که صاحب آن شجاعت و صلابت موضع گیری در مقاومت برابر ظالم را می‌داند.

قدرت مورد تأکید است که متن در تحریک احساس مظلومیت در منتظران، در پی خود مجموعه ای دیگر از احساس هایی را دارد که قبلاً ـ به آن اشاره کردیم؛ مثل مقاومت در برابر ، امید به تحقق غلبه بر دشمنان حق، شکل گیری احساس برتری بر مستکبران و علاقه به شکستن هیبت واقعیت منحرف و ظالمی که آن را بر روی خرابه های عدالت برپا کرده است. و این احساسات حیاتی جز نتیجه ی طبیعی نپذیرفتن ظلم و احساس مظلومیت به مفهوم مثبت نیست که برای ذات فرد منتظر یک سازگاری سالم را محقق می کند.

وقتی آن طور که وقایع همیشه اثبات می کنند متن نتواند احساسات مظلومان را تحریک کند انرژی های خاموش شده برای تغییر واقعیت فاسد به حرکت در خواهد آمد و وظیفه ی متن صرفاً تحریک احساس نیست؛ بلکه جمع کردن این انرژی ها و به خدمت گرفتن آن ها برای تحقق هدف مشخص رسالت در دوره ی غیبت است؛ در نتیجه لحظه شماری مثبت انرژی های فرد مسلمان و منتظر را منفجر می کند.

در احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحریک کردن احساسات مظلومیت در فرد مسلمان و منتظر را می بینیم. در یکی از دعاهای ایشان آمده است «خدایا او را فریادرس بندگان مظلوم و یاری گر کسانی که یاری کننده ای جز تو ندارند قرار بده.»؛ یعنی ایمان به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت خود، انگیزه ی احساس مظلومیت و درخواست امنیت را تجسم می بخشد و امام خودش بر ضد ظالمان دعا می‌کند و او با این

کار این احساس را تحریک کرده و بر پایگاه های خود و تأییدکنندگان خود بیعت با ظالمان و پذیرفتن حکومت آن ها را حرام می کند و به آن ها یادآور می شود که هیچ ظالمی هیچ بیعتی بر گردن آن ها ندارد.

احساس مظلومیت اثری کارآمد در تحقق سازگاری روانی شخصیت منتظر است و قبلاً بعضی از جنبه های آن را در آن چه گذشت شناختیم و برخی دیگر را ادامه خواهیم آورد.

تحریک این احساس برای مظلومان یک آرامش روانی را محقق می کند و به آن ها احساس راحتی فکر می بخشد و این تحریک موجب تخلیه ی انباشته های مغلوب و خسارت دیده است و از جهت دیگر پاسخی واقعی است که خواب را از ظالمان می گیرد و اعتبار معنوی از دست رفته را به ذات باز می گرداند.

مظلوم نیاز دارد انباشته های مغلوب را تخلیه و نگرانی های ویرانگر را از ذات خود برطرف و آن را از آثارش تمیز کند تا روان او متعادل باشد؛ اما تخلیه ی این احساس، رفتاری سالم است تا زمانی که در کار جهادی مشروع مصرف شود و برای نفس تعادل ایجاد کند و آن را از خطر دیگر مورد توقع بین خواسته اش در تعبیر از این احساس با پاسخی مناسب و، ناتوانی عملی او از پاسخ دادن محافظت می‌کند؛ به همین علت می توان گفت که گاهی احساس مظلومیت منبعی برای ایجاد بعضی بیماری های روانی است؛ مانند احساس ذلت و دنباله روی از دیگران هنگامی که این احساس بین دیوارهای نفس محبوس باشد و هنگامی که در رفتار دفاعی معقول از ذات تخلیه نشود و فرد مظلوم و عاجز چیزی جز بر دوش کشیدن اندوه و پذیرفتن ضعف و شکست در ساختار روانی خود و احساس ناچیزی در برابر قدرت های ظالم و تن دادن به آن را ندارد.

اما انجام کردن هنگامی که در رفتار جهادی تخلیه نشود (۱)می تواند در شکل توسل صادقانه به خداوند انجام گردد. توسلی که در آن احساس امنیت در برابر پروردگار خود کند و ذات او در آن بعد از تخلیه ی خسارت دیدگی خود در برابر خداوند تبدیل به نیرویی شود که در برابر فشار مقاومت می‌کند و در درون خود حصارهایی برای عزت نفس بر ضد شیوه ی استبکاری حصارهایی می سازد. و اگر تخلیه کردن انباشته های انفعالی مثبت نباشد باید حداقل تخلیه ی منفی باشد که از ذات فرد مسلمان در برابر چنگال بیماری روانی و افتادن در زیر چتر دنباله رَوی و تن دادن محافظت کند و تخلیه کردنی باشد که مانع از تبدیل انفعال ها به نیروی ویرانگر ذات از درون خود باشد.

واین احساس نیز باعث می شود ما احساس خطر کنیم. چیزی که دشمنان برای ما پیش می آورند و ما را به مقاومت و دفاع از خودمان وادار می کنند و ظالمان معمولاً- تصور می کنند فقط آن ها هستند که حق سیطره بر مردم را دارند؛ اما احساس مظلومیت مانع از ارضای این شهوت بیمار می شود و هنگامی که این احساس تبدیل به نیروی دفعی شود قادر است ظالمان را به طور عادلانه و به دست خود مظلومین مجازات کند! و به یقین این پاسخ علامت تعجبی را در چهره ی ظالمان ترسیم می... کند؛ زیرا آن ها عادت کرده اند دستان خشمگین خود را به سر دیگران دراز کنند بدون این که از آن ها تمایزی داشته باشند و عادت نکرده اند که مشت های دیگران به سوی آن ها بیاید و سر آن ها را خرد کند. آن ها عادت کرده اند ظلم کنند و عادت ندارند نقشه شان به سینه شان برگردد.

۱- مثلاً فرد مسلمان انرژی روانی خود را در جهاد بر ضد مشرکان تخلیه کند یا حماسه ی خود را در خدمت یک اصل عبادی به کار گیرد و احساسات اندوه را در دفاع از عقیده ی اسلامی به خدمت گیرد. این تخلیه دارای ویژگی مثبت است.

شواهـد روزمره اثبـات می کنـد هنگـامی که احساس مظلومیت به جهاد و مقاومت تبـدیل می شود کارآمـدی در گرفتار کردن نفس ظالم و حالت های آن و نشان دادن مقدار وحشت و ترس آن دارد و به محض این که نقشه ی ظالم به سـینه اش بر گردد فرار می کنـد، حتی اگر به ابزارهـای قـدرت مادی مسـلح باشـد به خصوص که ظالم می دانـد خطری که برای مظلومین وجود دارد همت آن ها را بر می‌انگیزد و انرژی آن ها را در دفاع از وجود خود در موقعیت های مقابله چنـد برابر می کند و هنگامی که مظلومین در آن موفق شوند این احساس به آن ها در تهدید امنیت ظالمان کمک می کند.

خلاـصه ی سـخن این که برانگیختن این احسـاس توسـط روایت نشـان کارآمـدی آن در موقعیت های جهاد با ظالمان است و همچنین ارزش گـذاری برای حقیقت ذات و شـناختن توانمنـدی آن است به خصوص که آن مظلومان با هدایت قرآن و سـنت راه را طی می‌کننـد و به عقیـده ی انتظار ایمان دارنـد، توقع دارنـد آن ها آن مردمان صالحی باشـند روایتی که قبلاً ذکر شد به آن بشارت داد.

«لتملأن الأرض ظلماً و جوراً حتی لا یقول أحـد الله إلا متخفیاً... ثم یأتی الله بقوم صالحین یملأونها قسـطاً و عدلاً» «زمین از ظلم و نابرابری پر خواهد شد تا آن جا که کسی نمی تواند کلمه ی الله را بر زبان آورد مگر مخفیانه؛ سپس خداوند مردمانی صالح را می آورد که زمین را از برابری و عدالت پر می کنند.»(۱)

و در این هنگام آن مردمان ثمره ی مظلومیت تاریخی را می چشند که مؤمنان همیشه گرمای آن را احساس می کردند.

۱- یوم الخلاص، ص ۴۹۴؛ و منابع دیگر.

۸. امنیت روانی مظلومین:

همچنین ملاحظه می کنیم مفهوم انتظار به تحریک احساس مظلومیت در مؤمنان مظلومی که دچار ستمدیدگی و ظلم شده اند اکتفا نمی کند بلکه همچنین تلاش می کند امنیت روانی را در قلب های ستمدیده محقق کند با این وجود که همه ی محرک های دشمنانه درباره آن ها در تضاد با این تلاش است و تأکید می شود که صرف تحریک احساس مظلومیت فقط یک گام مقدمه ساز است که نفس های سنگین شده از نگرانی های زمانه و اهل آن را در حالت معقولی از امنیت روانی نگاه دارد.

احساس امنیت یک ضرورت اساسی از ضرورت های زندگی است که شارع اسلام بر آن تأکید کرده است و این انگیزه ای حیاتی برای تحقق سازگاری شخص مسلمان است و اهمیت این امنیت در تأمین سطح بالایی از ثبات عاطفی و عقیدتی در رویارویی با سختی های زندگی و چالش های ظالمانه ی آن نهفته است و احساس امنیت فضایی مناسب برای ذات فرد مسلمان و منتظر محسوب می شود و از آن به عنوان پل و پایگاهی برای موفقیت هدف رسالتی خود در دنیا یا اطمینان از سرنوشت خود در آخرت استفاده می کند.

همیشه محرک های ظلم وجود داشته و ابزارهای قدرت در اختیار مستکبران فراهم بوده است و امنیت ذات فرد منتظر چیزی نا ممکن است که اگر با این مسئله با معیارهای مستقیم دنیایی تعامل کنیم: و این صرفاً یک ملاحظه است که بعضی از مردم آن را تحریک می کنند.

اما وقتی به معیارهای دیگر نگاه کنیم نفس مظلوم و مجاهد مطابق با هدایت خداوند است و با وجود ظلم حاکم بر دنیا ایمان دارد و او با صبر و استقامت و اعتماد به آینده ی خود با دردهایی که از آن رنج می برد سعادتمند بوده و با آن‌ها

انس می گیرد و منتظر ثواب الهی می مانـد؛ پس امنیـتی کـه ذات مسـلمان و منتظر بـه سـوی آن می رود محـافظت از وجـود زودگـذر خود در دنیا نیست، بلکه این امنیت با تضـمین آینده ی خود در روز قیامت است. و منظور ما به طور حتم این نیسـت که ذات فرد مسلمان از تحقق امنیت روانی و دنیایی و محافظت از وجود خود خالی باشد و جهادی که نفس فرد مسلمان به آن مکلف شـده است فقـط برای تأکیـد بر امنیت او در جهان دنیایی او باشـد؛ اما دنیا کوتاه مـدت ایجاد شـده است و حتی اگر از فشارهـای مخـالف امنیت روانی و دنیوی خود رنـج ببرد امنیت روانی حقیقی خود را از دست نـداده است؛ چرا که جهـاد او و تحمل کردن مشقت در راه خداوند اهداف عبادی را محقق می کند «فمن ثبت علی ولایتنا فی غیبه قائمنا... أعطاه الله أجر ألف شهید من شـهداء بدر و أحد» «و کسـی که در غیبت قائم ما بر ولایت ما باقی باشد خداوند پاداش هزار شـهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می کند.»(۱)

امنیتی که از متن بعـدی مورد نظر امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف است «و إنی الأمان لأهل الأرض» «و من موجب امنیت اهل زمین هستم»(۲)چنگ انـداختن به لقمه ای از دنیای زودگـذر نیست، بلکه امنیت آینده ی فرد است که ایمان کامل به ولایت او دارد و این که او حجت خداوند در زمین اوست و اعتراف به رهبری او و برای تضـمین امنیت فرد مسـلمان در دنیا و آخرت ضـروری است. و منظور امثال این متن امنیت در برابر دردهای دنیا و شـکنجه های آن نیسـت(۳) و فقط سالم مانـدن از انحراف و

۱- میزان الحکمه، ج ۱ ،ص ۲۸۲.

۲- الاحتجاج، ج ۲ ،ص ۴۷۱.

۳- مگر زمـانی که ظهور مبـارک رخ دهـد و امام علیه السـلام پیروزی های تاریخی خود بر ظالمان را محقق کننـد و قـدرت و سلطه بر دیگران را از آن ها بگیرد، در این هنگام ذات فرد مؤمن بالاترین امنیت را به دست خواهد آورد؛ امنیت در حفاظت از خود و امنیتی که ارضای مادی را محقق می کند و امنیت اجتماعی که او را از آزار دیگران محافظت می نماید و ... .

برائت داشتن فرد مسلمان از افتادن در تور آن است و با پیروزی از دنیا بیرون می رود و نسبت به فردا و آخرت خود برای خودش مطمئن است، حتی اگر نفس او با رنج های شدید از آن داغ ببیند. به همین علت امام همیشه دعا می کند «واعطنا منک الأمان و استعملنا بحسن الأیمان» «به ما امنیت عطا کن و ما را در ایمان نیکو به خدمت بگیر .»(۱)تا بین تحقق امامت و انجام تکالیف عبادی که از آن به «ایمان نیکو» تعبیر کرده است رابطه برقرار کند.

باقی ماندن بر اصول ایمانی در سایه ی ولایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بستری است که فرد مسلمان امنیت خود در آخرت را بر آن پایه گذاری می کند.

حتی منبع دنیایی آرامش که از ایمان به پیروزی تاریخی مظلومین به رهبری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حاصل می شود با امنیت اخروی فرد مسلمان و منتظر مرتبط است و فرض بر این است که پیروزی تاریخی به رهبری امام امنیت روانی او را در دوره‌ای محدود تقویت می کند؛ سپس انسان مسلمان می‌میرد تا شیرینی امنیت حقیقی را لمس کند؛ اما برخی از مظلومین هستند که قوانین زندگی نمی خواهد آن‌ها امام را درک کنند و با فرو بردن دردهای شان می میرند و درعوض این حال به او امنیت روانی داده می شود که در جهان دیگر به آن می رسد؛ چرا که در متن زیر آمده است: «فإن مات – یقصد المنتظر – و قام القائم بعده کان له من الأجر مثل أجر من أدرکه» «اگر فرد منتظر بمیرد و قائم، بعد از او قیام کند پاداش و اجر او مثل پاداش کسی است که حضور حضرت را درک کرده است.»(۲)

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۶۳.

۲- غیبه النعمانی، ص ۱۳۵.

و این گونه امنیت فرد مسلمان و منتظر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دنیا و در آخرت دوگانه است.

۹.جوشیدن حماسه و تکرار آن:

اشاره

ثمره ی ابعاد روانی قبلی حماسه ی شدیدی است که در نفس فرد مسلمان و منتظر می خروشد و با حرارت در خون او می جوشد و این نفس در حالتی به سر می برد که سستی را نمی فهمد حتی اگر در معرض عوامل فشارآورنده ای باشد که همت او را ضعیف کرده و اراده ی او را از بین ببرد.

این حماسه شعله ای است که راه را برای مؤمنان روشن می کند و مستکبران را نگران می کند و یک حماسه ی موقت و گذرا نیست که به سرعت تمام شود؛ زیرا خواسته ای غریزی در تحقق برخی منافع فوری مادی است و یک عکس العمل پراکنده نیست که با از بین رفتن تحریک به پایان برسد بلکه یک آگاهی پخته و کامل است که باعث می شود فرد دارای حماسه با وجود ضربه های دردناک مقاومت کند و در اسلام خود با آگاهی عمیق محو شود و با حرارت وظیفه ی دینی از خود دفاع کند.

از آن جا که در مجموعه ی احساسات منتظران – نسبت به یک گروه مستضعف و متمایز – آن سلسله ای در هم تنیده از احساسات و انفعالات و موضعگیری های مثبت را نمودار کند که به یک مکان واحد می ریزد وآن برپایی جامعه ی عدالت محور و تضمین امنیت روانی آن ها در آخرت است. در این صورت این حماسه از عوامل متعددی تأثیر می پذیرد که می توان آن را به طور خلاصه بیان کرد:

نخست؛ بشارت‌ها:

این عامل قوی ترین عامل است و بیشتر از همه حماسه را تحریک می کنـد و آن را در نفس منتظران می جوشاند و قبلاً دیدی همین که نفس آرام می شود احساس ظلم دیـدن او را ناراحت می کنـد.(۱) تا این که امیـد بار دیگر با تأثیر پذیری از یکی از بشارت ها زنده شود که مجموعه متون اسلامی به آن اشاره کرده است در این هنگام حماسه شروع به جوشش در نفس ها می کنـد که به مقـدار قـدرت انفعال و انتقال این نفس ها و آگاهی آن ها از محتوای متون بشارت است؛ حماسه همیشه متناسب با حجم بشارت و قدرت تحریک پذیری آن است و حوادثی که در آن به سر می بریم تأثیر بشارت در نفس های ما را به عنوان برانگیخته شدن قوی اسلام در عصر ما و ظهور نشانه های جدیدی از زمینه سازان اثبات می کند.

متون بشارت آسـتانه ی تحمل روانی ما را در رویارویی با واقعیت انحراف بالا می برد و همت ها را برای در هم شکستن هیبت اسـتکبار تیز می کند و اعتماد به خودمان را که متمدن و اصیل هستیم تقویت می کند؛ به همین علت حماسه به طور مداوم زیر گرمای بشارت اسلامی شعله ور است.

دوم؛ چالش و عکس العمل:

واقعیت انحراف خودش در محیط هایی که مؤمنان را محاصـره کرده برای برانگیختن چالش کافی است و موجب پاسخ به این واقعیت و رویارویی با آن می شود و به جای این که فرد مسلمان و منتظر به خودش اکتفا کند و خود را از

۱- - چه بسا حماسه ی برخی از منتظران که نا آگاهی دارند ضـعیف است؛ اما در نهایت نمی میرد مگر آن که تفکر آن ها به طور کامل زمین گیر شود و از ایمان به عقیده ی مهدویت عقبگرد کنند یا شک و سرگردانی و تردید در مسئله ی وجود او یا رهبری او به آن ها سرایت کند و روایات بر توقع داشتن نسبت به وقوع حالت هایی برای این ضعف تأکید کرده اند.

حوادث دور کنـد تا از خطرهای این فشارها پرهیز کرده باشـد تحرک او در میدان مواجهه برای پاسخ به آن بهترین روش دفاع از وجود خودش است و این عمل نیازمنـد ذخیره ی زیادی از حماسه است که او را آماده ی ایسـتادگی کنـد، و نیازمند ذخیره ای از اصول ایمـانی برای مواجهه بـا فشارهاست، بلکه قـدرت حماسه در او به مقـداریست که مؤمن در آن از اهـداف خود باز نمی گردد حتی اگر مغلوب شدن تمام بخش های هستی روانی او را در بر گرفته باشد.

نـبرد بزرگ در زنـدگی هر فرد منتظر نیـاز به درجه ی بالا-یی از قـدرت روحی دارد که در شـکافتن موانـع ترس و بی تـابی از دشواری زمانه به او کمک کند؛ اما پر کردن شکاف بین خطر و عکس العمل بر حماسه ای دایمی متمرکز است که از آگاهی اسـلامی پخته نسبت به مسئله ی انتظار می جوشد و وقتی این حماسه در نفس افراد دارای یقین به چنین مسئله ای وجود نداشته باشد در این تجربه شکست می خورند و این ها دو عنصر مهم در طراحی تمدن آینده است. آیا این گونه نیست!؟

سوم؛ جنبه ی تربیتی مشخص نکردن وقت:

خوانندگان مسئله ی انتظار و حوادث آن تعریف زمانی دقیقی یا مشـخص کردن وقتی معلوم برای حوادث آینـده و مربوط به آن را پیدا نمی کنند و همه ی متون بر مشخص نکردن زمانی معلوم برای وقوع حوادث آینده تأکید کرده اند.

آن ها که وقت تعیین می کننـد دروغ گفته انـد ... آن ها که وقت تعیین می کننـد دروغ گفته انـد ... آن ها که وقت تعیین می کنند دروغ گفته اند ....

کسانی که وقت تعیین می کنند دروغ گفته اند ...ما در آن چه گذشت زمان

تعیین نکردیم و در آن چه در آینده است زمان تعیین نمی کنیم....(۱)

در این متون جنبه ی تربیتی روشنی وجود دارد که با مسئله ی استمرار حماسه و جوشش آن در نفس های منتظر در طول غیبت کبری ارتباط دارد و اسلام مسئله ی انتظار را یک امر حیاتی تلقی کرده است که قلب های مؤمن را تا روز رهایی یا روز پیروزی مشغول می کند آن گونه که در دعای ندبه آمده است و حماسه ی آن در آمادگی و آماده کردن سست نمی شود، زیرا هر نسلی با بعضی از حوادث مربوط به این مسئله روبه رو می شود که تصور می کند او فرد مورد نظر برای این مسئله است و نگرانی تشخیص موضع گیری لازم و مثبت عبادی را دارد و به همین دلیل همیشه خود را تربیت می کند و برای رویارویی با حوادث آماده می شود تا برای ذات خود یک حرکت مثبت و مطلوب تعریف کرده و سرنوشت درست و نیکو را در دنیا و آخرت برای آن تأمین کند.

اما اگر مردم زمان ظهور را می دانستند که مثلاً هزار سال بعد از غیبت خواهد بود و این زمان بر آن ها می گذشت ناامیدی حماسه را در نفس هایی که نهصد سال قبل می آیند از بین می برد؛ زیرا آن ها به یقین هرگز به اندازه ی این مدت زندگی نمی کنند و هرگز از دیدار امام علیه السلام بهره مند نخواهند شد همان گونه که نفس هایی که بعد از وقوع برخی حوادث مهم که زمان آن با دقت مشخص شده می آیند هرگز با این حوادث تعامل نمی کنند مگر به عنوان عبرت چرا که آن حوادث تبدیل به تاریخ شده و مسئله به آن مربوط نمی شود؛ پس انتظار و آماده سازی وجود نخواهد داشت و مسئولیت های دوره ی انتظار هرگز ادا نخواهد شد «عیّن لهذا الأمر وقت لقست القلوب و لتراجع عامه الناس» «و اگر برای این مسئله

۱- غیبه النعمانی، ص ۱۹۴

یـک وقت تعیین می گردیـد قلب هـا دچار قساوت می شـد و عموم مردم»(۱) نه فقـط از ایمـان به امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بلکه از ایمان به همه ی اسلام باز می گشتند و در کنار آن امید به رهایی از ظلم از بین می رفت.

همچنین در متن دیگری تـأثیر تعیین وقت در ضـعیف کردن حمـاسه و میرانـدن قلب هـای تعامـل کننـده بـا مسئله ی ظهـور را توضـیح می دهد: و اگر به ما گفته شود که این مسـئله فقط بعد از دویست یا سیصد سال رخ می دهد قلب ها دچار ناامیدی و قساوت می شد و عموم مردم از ایمان بر می گشتند.(۲)

مشـخص است که بدون تعیین وقت برای مسئله ی ظهور امام در صحنه ی عمومی حوادث، وجدان زنده و لحظه شماری کننده و مشـغول به حماسه ای شدیـد نسـبت به انتظار، نگرانی امور آن را خواهد داشت؛ و همچنین احساس می کند که آن چه او را نجات می دهـد کار برای خداونـد در کنار اعتراف به عقیـده ی مهـدویت و پـذیرفتن ولایت او بر مؤمنان و تعامل با این اصـل عقیدتی است آن گونه که خدای تعالی را راضی کند.

هنگامی که همگان با تفکر انتظار مرتبط نباشـند تأییـد کنندگان آن آگاهی و تجربه ی وجدانی خواهند داشت که آن ها را به سوی انجام فعالیت عبادی در چارچوب این تفکر جـذب می کنـد و برای حرکت تاریخی امام لحظه شـماری می کنند گویا او کنار در ایستاده است ... بلکه به اندازه ی دو قوس یا کمتر با در فاصله دارد.

برای فرد منتظر مقـدور نیست که در حالت انتظار بمانـد هنگامی که حماسه ی او نسبت به این مسـئله ی حیاتی سـست و نابود شود و اگر وقت آن پنهان باشد

۱- یوم الخلاص، ص ۲۱۵ به نقل از غیبه النعمانی.
۲- غیبه النعمانی، ص ۱۹۸.

این مسئله بر خلاف آن خواهد بود و فرد منتظر نقش عبادی خود را انجام می دهد و با حماسه، نفس خود را به سوی آن روز سوق می دهد و قبلاً عقیده ی تسلیم بودن و وعده ی پیروزی مورد آرزو و نقشی که در تحریک حماسه و شعله ور کردن آن و فعال کردن مثبت آن را در روان شناسی منتظران ذکر کردیم.

۱۰. لحظه شماری و هوشیاری / آگاهی:

انگیزه ها و ارزش های فرد در درک او از امور تأثیر می گذارد و وقایع روانی تاریخی مؤثر، انگیزه در هوشیاری یا غفلت را به سبب مشرک و ناخشنود بودن و ایمان نداشتن اثبات کرده است و به عنوان مثال از مظاهر مؤثر، انگیزه در غفلت و بی توجهی به چیزی است که از آن ناخشنود بودند، آن است چیزی که در مشرکان قریش و پیروانشان از یهودیان و نصاری رخ داد که از دین جدید «اسلام» ناخشنود بودند به اعتبار این که منبع نگرانی است که امنیت و سلطه ی آن ها را تهدید می کند به همین علت از نظر روانی برای گوش دادن به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن به شکل شنیدن، تدبر، دیدن و فهمیدن آماده نبودند.

انتظار تأثیر ملموسی دارد در مشخص کردن توجه عقل فرد مسلمان که منتظر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و این انسان که توقع روی دادن مسئله ی بزرگی مثل انتظار امام را دارد تمام ذهن خود را به سوی این هدف متمرکز می کند و این توجه نسبت به حجم قدرت مورد توقع و ایمان شخصی آن است.

مثلاً انسانی که توقع دارد عمل مهمی را فردا صبح زود انجام دهد توجه خود را با قدرت به آن زمان موعود متمرکز می کند و در نتیجه برای او شنیدن صدای زنگ [ساعت] که آن را کنار سر خود قرار داده است آسان خواهد بود و همین که این محرک صوتی شروع به آغاز زمان مورد نظر می کند عصب شنوایی به

سرعت و با توجه به آن، عکس العمل نشان می دهد و بیدار می شود و محرک صوتی را به عکس العمل و توجه کامل تبدیل می کند و تعامل را به درجه ی مناسبی از تحریک پذیری رسانده و متوجه آن کار می شود و برای انجام آن کار برمی خیزد.

زیرا این رویداد با سرعت به آمادگی ذهنی، عقلی و روانی او برای یافتن محرک صوتی کمک می کند که وقوع، تمرکز توجه به آن و ادراک آن را توقع داشت و در این جا صدای ساعتی است که منتظر شنیدن آن بود. و این تجربه ای روزمره است که انسان معمولی آن را انجام می دهد.

وقتی ذهن انسان معمولی لحظه شماری می کند و با قدرت در برابر محرک صوتی مادی همانند این آماده است، در این صورت این توجه، موجب آمادگی و آماده کردن و تعامل بیشتر با محرک بزرگی در حجم انتظار امام می شود، زیرا شدت توجه ادراک و قدرت تمرکز وابسته به قدرت محرک مورد توقع است و تفاوت بین محرک صوتی که اندکی قبل ذکر شد و انتظار امام تفاوتی وسیع است که مجالی برای تشابه بین آن دو وجود ندارد و فرد منتظر به تنهایی این فرق را به خوبی درک می کند و به شکل عمیق آن را می فهمد.

از آن جا که مفهوم انتظار همیشه حاوی آمادگی ذهنی و روانی مربوط به مسئله ای اساسی یعنی مسئله ی انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این صورت این مفهوم باعث می شود این مسئله یک گرمای روحی باشد که در ساختار روانی و عقلی انسان و در جسم و روح و عقل او حرکت می کند و فرد مؤمن و منتظر با تمام حرکات خود با این مسئله زندگی می کند و بطور مستمر متوجه اهمیت آن است و انتظار امام به عنوان یک محرک قوی برای ما باقی می ماند که همیشه دین ما را محکم تر می کند و روزی رهبری اسلامی در ما قلب تاریخ و قلب آینده خواهد بود.

مسئله ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار شخص شریف او اولین نگرانی ماست که روی آن متمرکز هستیم تا زمانی که خدای عزوجل در کار او اذن دهد، پس آماده بودن روانی و آمادگی عقلی بیدار و لحظه شماری کردن عناصر اساسی است که مفهوم انتظار را در درون خود دارد و ذهنیت فرد مسلمان را پر می کند و همیشه خاطره را با شادابی و مواظبت بر ادای مسئولیت اسلامی در افرادی که منتظر امام هستند زنده نگاه می دارد.

به این ترتیب انتظار تجربه ای عظیم است که حاوی دو عنصر بزرگ به طور همزمان خواهد بود:

الف. حالت احساس خاصی که همان فهم ذات و فهم شیوه ی اسلامی است و احساس فرد مسلمان و منتظر از خطری که اسلام را در طول دوره ی غیبت کبری احاطه کرده است و احساس او از اهمیت اسلام در بازسازی تمام جامعه ی انسانی به خصوص در جهان اسلام ما.

ب. آمادگی برای انجام مسئولیت و ادای تکالیف؛ پس انتظار نفس فرد مسلمان را برای کار خسته کننده و مستمر آماده می کند و آن را تمرین می دهد و او را به ادای حقوق، و واجبات و گرفتن خون تازه برای کار مثبت در تحقق اهداف اسلامی تشویق می کند؛ بنابراین علم داشتن به احکام شرعی کافی نیست و باید عمل کرد.

انتظار در این صورت همان توقع داشتن است لحظه شماری زنده و آمادگی دایمی که از تعامل با رهبری تجسم یافته در امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سست نمی شود؛ زیرا این ایمان به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث شده است تفکر مهدویت بالفعل وجود داشته باشد و ما منتظر کارآمدی انسانی زنده هستیم که مسئولیت شرعی خود را بر دوش می گیرد و با گوشت و خون خود در میان ما زندگی می کند و او ما را می بیند ولی

ما او را نمی بینیم؛ و در کنار آرزوهای ما زندگی می کند و در خوشحالی و ناراحتی با ما شریک است و در برابر امت زجر کشیده ی خود وظایف واجب شرعی خود را انجام می دهد و اینگونه انتظار در فرد مسلمان احساس دایمی نسبت به بیداری ایجاد می کند و احساسی که باعث می شود او محافظت کننده از ذات خود در میان جهانی باشد که او را آزار می دهد و بر ضد او دشمنی می کند و متون در این زمینه بسیار زیاد است و ما فقط به سه نکته اکتفا می کنیم:

هنگامی که از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره ی غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضور یاد او در قلب شیعیان سؤال شد فرمود: «نعم یغیب عن أبصار الناس بشخصه، و لا یغیب عن قلوب المؤمنین ذکره» «آری! جسم او از چشم های مردم غایب می شود اما یاد او از قلب مؤمنان غایب نمی شود.»(۱)

در این روایت امام کاظم علیه السلام به طور مشخص فقط لفظ مؤمنان را ذکر کرده است نه عموم مردم را؛ زیرا به تنهایی فقط مؤمنان کسانی هستند که به این مسئله که قلب های آن ها را اسیر کرده است اهتمام دارند و آن ها به تنهایی منتظرند و کسانی که مسئله ی انتظار امام را مسئله ی اول خود قرار داده اند مورد توجه هستند که این توجه آن ها را به خود مشغول کرده است و درک مؤمن و فهم او به آن سو می رود و با آمادگی شدید برای او لحظه شماری می کند و به خاطر او ظلم ها و دردها را تحمل می کند. هنگامی که شخص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظرها غایب می شود و با وجود این که این غیبت طولانی است یاد او در قلب جماعت مؤمن حضور دارد و این یاد قلبی در اقدامات رفتاری و وجدانی دایمی تجلی پیدا می کند که بازتاب اوج تعامل بین امام و پایگاه های مرحوم مردمی اوست و یاد او فصاحتی

۱- یوم الخلاص، باب غیبت صغری، ص ۱۷۸.

بی بلاغت نیست، بلکه به هم پیوستگی کامل با اسلام و عمل به آن است و این گروه ها هر روز این متن از دعای عهد را تکرار می کنند:

«اللهم إنی أجدد له فی صبیحه یومی هذا، و ماعشت من أیامی عهداً، و عقداً، و بیعه له فی عنقی لا أحول عنها، و لا أزول أبداً» «پروردگارا! من در صبح امروزم و تا روزی که زندگی می کنم تعهد و قرار داد و بیعت او بر گردن خود را تکرار می کنم و از آن نمی گردم و هرگز از آن دست بر نمی دارم(۱) و خدایا این بیعت من با اوست که تا روز قیامت بر گردنم است.»(۲)

و بیعت تکرار شده همان گونه که متن قبلی آن را بیان ذکر کرد همیشه به معنای حضور احساس این مسئله در فرد مسلمان و لحظه شماری کننده و منتظر است و به معنای حضور مستمر آن در ذهن است؛ در ذهن مؤمنان منتظر و در نهایت آمادگی خود به آرزوی مؤمن برای جهاد در کنار او می رسد، همان گونه که متن زیر آن را توضیح می دهد: «اللهم کما جعلت قلبی بذکره معموراً، فاجعل سلاحی بنصرته مشهوراً» «خدایا همان طور که قلب مرا با یاد او آباد کردی سلاح مرا در یاری او از نیام بیرون آور.»(۳)

۱۱. محبت و علاقه:

ساختار روانی انسان مبتنی بر تمایل فطری به محبت داشتن است و انسان به طور ناخودآگاه با وجود همه ی بازدارنده ها به آن پاسخ مثبت می دهد و همیشه برای ارضای این نیاز در دوست داشتن خود یا دوست داشتن دیگران چه

۱- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۶۲.

۲- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۶۲.

۳- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۷۲.

اشخاص یا دارایی ها یا اشیا باشند یا اصول فکری، تلاش می کند و هنگامی که این ارضا در نفس خود به تأخیر بیفتد به اختلال در تعادل درونی شخصیت دوست دارنده منجر می شود و با به همریختگی و درگیری روانی زندگی می کند که گاهی ویرانگر است.

و با وجود اهمیت تمام محرک های بیرونی که فرد در آن دوست داشتن خود را کنار می گذارد، اما دوست داشتن ارزش ها، آرمان ها و معارف نشأت گرفته از محبت خدای عزوجل بالاترین تعبیر از این نیاز فطری اصیل خواهد بود و امثال این محبت که بین ایمان و ارزش ها را جمع می کند و روش ارضای این نیاز را در ما تنظیم می کند؛ همچنین به تعادل دوست داشتن خود و دوست داشتن مردم منجر می شود و هر دو با هم در یک مکان واحد می ریزند محبت متقابل با محبوب را در انسان محقق کند.

محبت به معنای ساده ی آن این است که فرد [محب] «دوست دارنده»، به سوی «محبوب مشخصی» که موضوع محبت است حرکت کند و به عنوان مثال قلب انسان نسبت به برادر انسان خود از کینه خالی و بر آن گرما، عاطفه و عشق ریخته شود و فرد دوست دارنده ارضای معقولی از نیاز خود به محبت در موجود بودن «موضوع محبت» را محقق کند و در نتیجه به احساسات محبت اجازه دهد رشد کند و هنگامی که بار دیگر ارضای شکست می خورد احساس تنفر و ناخشنودی شروع به شکل گیری می کند و شخص انسانی دیگر را دوست دارد که به او اجازه ی ارضای علاقه اش را در تأکید بر ذات خودش و ابراز جنبه های برتری اش بدهد و با ناکار شدن ارضای این نیاز کاملاً بر عکس خواهد بود و ناخشنودی ایجاد می شود.

عقیده ی ایمان به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حاوی ارضای سالم و منظم برخی از نیازهای

روانی است؛ مثل نیاز به محبت و امنیت. و اگر این عقیده ی اسلامی ارضایی متناسب با نیازهای گروه های منتظران را محقق نمی کرد، اصراری نداشت که محبت گرم آن گروه ها نسبت به این عقیده وجود داشته باشد با وجود آن چه این گروه ها از آن رنج می برند؛ یعنی فشار جاهلیتی که با تفکر مهدویت دشمنی می کند. و این محبتی که گروه ها نسبت به امام دارند محبتی است که در برابر ناکامی مقاومت کرده است، همان گونه که روزگار آن را برای ما اثبات می کند و بر سختی های زمانه و دشواری های آن غلبه می کند؛ پس چه چیزی باعث می شود این گروه های مردمی به این عقیده تعلق شدیدی پیدا کنند و به خاطر آن مبارزه کنند و در راه آن کشته شوند؟!

آیا این گونه نیست که این عقیده برای این گروه های مغلوب ارضا شدنی از نیازهای روحی را محقق می کند و دردهای آن ها را کاهش می دهد و انباشته های انفعالی طاقت فرسا را از محتوای روانی آن ها تخلیه می کند به عنوان مثال احساس مظلومیت را در نفس تحریک می کند که یک احساسی است که از مغلوب شدن تحمیلی بر فرد مؤمن و منتظر تعبیر می کند و این احساس تبدیل به جهاد در راه خدا می شود که برای فرد مسلمان یک ارضای روانی در تأکید بر وجود خود محقق می کند که تجسم یافته در اصل خلافت است و این نیز برای او و مظلومین یک امنیت روانی و تعادلی بین رنج ها و بشارت ها ایجاد می کند و این عقیده نفس فرد مسلمان را از حماسه ی بزرگ بهره مند می کند که باعث می شود مقاومت و ایستادگی بیشتری در برابر ناکامی داشته باشد و این ارضای نیازهای روانی گروه ها محبت عمیق به این عقیده دارد و افراد و گروه های انتظار را بر انجام اصل مشارکت وجدانی تربیت می کند.

و توصیه های خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر تجسم پیدا کردن محبت در فعالیت های

واقعی بین افراد گروه های منتظر حریص است؛ مثل سلام کردن و تحیت گفتن در شکل اسلامی اش و تبادل رأی و مشورت و عیادت از بیماران و توصیه ی به خوبی ها با یکدیگر؛ همچنین حریص بوده است که آن افراد پرهیز کنند از تمام آن چه که می تواند احساسات ناخشنودی را برانگیزان و این تجسم از محبت الهی همان تجسم اسلام در حرکت گروه های منتظر است.

بنابراین محبت، افراد گروه منتظر را در حرکت تعامل حمایت از یکدیگر به هم مرتبط می کند و همیشه الفت های آن ها را تعبیر می کند به گونه که یک فرد هم الفت می گیرد و هم دیگران با او الفت می گیرند همان طور که شارع اسلام به آن دعوت کرده است؛ پس محبت عملی، رحمت، انصاف، گذشت و تبادل دیدارها و مشارکت وجدانی بین افراد گروه ها نمونه هایی عملی از تجسم محبت است، و بلکه معنای صحیح انتظار تجسم این نیاز فطری در رفتار افراد است؛ اما متون مانند دعاها، زیارت نامه ها، احادیث، نامه ها و سایر توقیع های صادر شده از امام تأکید می کند که محبت یک هدف محض نیست، بلکه یک وسیله ی تعبیر روانی است برای تحقق هدفی بزرگتر که مؤمن آن را به طور کامل درک می کند و آن رضایت خدای تعالی است و خدای عزوجل، منبع این محبت و منبع ارضای نیازها در افراد است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خطاب به پروردگار سبحان و متعال می فرماید:

«إنک مجیب الدعوات، و منزل البرکات، و قاضی الحاجات، ومعطی الخیرات» «تو اجابت کننده ی دعاها و نازل کننده ی برکات و برآورده کننده ی حاجات و عطا کننده ی خیرات هستی.»(1)و در دعایی دیگر می فرماید: «فالمحمده لک إن أطعتک، و

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید شیرازی، ص ۲۶۷.

الحجه لک إن عصیتک» «اگر بتوانم از تو اطاعت کنم سپاس و ستایش آن متعلق به توست و اگر از تو معصیت کنم حجت به نفع توست.»(۱)

و از محبت اساسی «محبت به خداوند» نمونه های دیگری خارج می شود که با آن مرتبط است؛ مانند محبت به رهبری عادل، محبت به ارزش های اسلامی، محبت مردم به یکدیگر، محبت به مقدسات و نشانه های اسلامی. و این نمونه ها با یکدیگر ممزوج می شوند تا در یک مکان واحد بریزد و آن جدا شدن فرد صاحب محبت و منتظر است به سوی محبت خداوند و محبت اولیای او و محبت به ارزش هایی که آن ها را به آن دعوت می کنند. و امثال این نمونه ها را از محبت ذات فرد صاحب محبت محقق می کند و نیاز فرد مؤمن و منتظر به محبت نهفته در قلب او نسبت به الگوی آرمانی را ارضا می نماید.

در متون یک محبت متقابل بین رهبری و گروه ها را ملاحظه می کنیم و گروه های مظلوم با محبت خود به رهبر آزاده ای که تأکید می کند که از هیچ ظالمی بیعتی بر گردن ندارد و برای این که ارضای این گروه از محبت به رهبری محقق شود درد سختی ها را تحمل می کند و از چیزهایی که در آن شکی وجود ندارد این است که این محبت ناشی از یک ارزش گذاری واقعی برای رهبری آزاده و ناشی از قانع بودن گروه ها به کفایت رهبری و کمال، رشد، طهارت و قدرت او در ادای امانت آسمانی و سپس مسئولیت خلافت در زمین و بازسازی زندگی و ساختن تمدن بر پایه های اسلامی است.

با وجود این که ارضای نیاز یک فرد به محبت از طریق جهت دهی آن به الگوی آرمانی به اوج خود می رسد، اما مفهوم محبتی که در نفس فرد منتظر

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید شیرازی، ص ۲۸۵.

نهفته است طبیعت آن جهت دهی محبت به سوی «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و محبت به دعوتی که به آن بشارت داده می شود و محبت افراد قرار گرفته در زیر پرچم اوست؛ پس تجربه ی انتظار تأکید می کند که منتظران احساسات محبت نزد خود را بر این رهبر پیروز و بر یاران و سربازانش نثار می کنند و در نتیجه ی آن فرد مسلمان و منتظر دوستدار دیگران و نیز خودش محبوب است و او دوستدار الگوی آرمانی است که تجسم یافته در رهبری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و خودش محبوب است؛ چرا که این رهبر، محبت و عاطفه و مهربانی خود را به سوی او عرضه می کند و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دردهای منتظران را احساس می کند و در خوشی و ناراحتی آن ها شریک است و بر احوال آن ها نظارت می کند.

و می بینیم نسیم های محبتی که امام به گروه های ستمدیده نثار می کند در نامه هایش، ادعیه و سایر توقیعات مقدسش به پیروان خاص خود موج می زند، همان گونه که آن را در دو نامه به شیخ مفید و دعای نگرانی های عمومی(۱) ملاحظه می کنیم و به این شکل فرد مسلمان و منتظر تجسم بخش رفتار رهبرش و دوستدار و محبوب در چارچوب رابطه ی معنوی بین گروه ها و رهبر خواهد بود و منتظران در آن می فهمند که امام با گوشت و خون و هستی عقلی خود در میان آنها در خوشی و ناخوشی حرکت می کند.

تعبیرهای مختلفی وجود دارد که فرد دوستدار و منتظر آن را سمت الگوی آرمانی در جهت رهبر تاریخی مورد آرزو به سوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر در پیش می گیرد و ما آن را در تعامل روزمره و مستمر با او ملاحظه می کنیم گاهی با سلام

۱- ما بررسی مستقلی از این دعا کردیم که حاوی خطاب های ارشادی و تربیتی بیان شده به مؤمنان به خصوص گروه های انتظار است و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن نمونه هایی از معنای انتظار صحیح را بیان کرده است و ما این بررسی را "بناء الشخصیه فی خطاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف" نامگذاری کرده ایم.

کردن به او و به شکلی خاص، بار دیگر با زیارت نامه خواندن برای او به خصوص پس از اعمال عبادی و بار دیگر و دفعات بعد با دعاها و توسل های فردی و گروهی و سایر فعالیت های عبادی دیگر که در آن بر تعجیل ظهور او اصرار می کند برای تغییر واقعیت منحرفی که مستکبران آن را رهبری می کنند. و این ها همگی اوج علاقه ی روانی و ذهنی به رهبر و تعبیری از اوج سازگاری سالم بین منتظران و رهبر است.

در هر حال می توان گفت که سطوح محبت در گروه ها نسبت به رهبری متناسب با حجم آگاهی از این مسئولیت است و در سایه ی آن، چنین محبتی که گروه ها نسبت به رهبری در خود دارند یک اساس روانی است که انواع رفتارهای صادر شده مهمتر از آن است.

***

محبتی که "فرد منتظر" در برابر فرد "مورد انتظار" دارد او را به اوج کمال و سازگاری می رساند و محبت حالت آرامش روانی دارد به خصوص هنگام تحقق همه یا برخی از اهداف و این بدون شک رضایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دست می آورد و با آن انس می گیرد و بر حالت روانی فرد مؤمن و منتظر منعکس می شود به طوری که در عمق روان خود احساس برتری درون دارد و خود را در موفق ترین حالات می داند و در راه خداوند، در اطاعت از دستورات رهبرش و با اطمینان به تقدیرات الهی به دیگران خدمت می کند و این هدف اساسی مؤمن است و با وجود این که هدف مؤمن به دست آوردن محبت دیگران نیست در حالی که او به آن ها خدمت می کند در این صورت ثمره ی آن، محبت دیگری است که دیگران آن را نثار او می کنند به خصوص از طرف امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اما محبتی که امام منتظر نثار او می کند همانند هیچ محبت دیگری نیست؛ زیرا

محبتی است که تجسم قدردانی الهی است که حدّ و مرز ندارد و تمام دعاهای امام از وسعت این محبت و فراگیر بودن آن برای تمام مؤمنان تعبیر می کند.

این محبت متقابل بین رهبری و گروه ها تأثیر روانی دیگری نیز دارد و آن یگانگی بودن علاقه در شخصیت فرد مسلمان و منتظر است و وقتی ذات او مطابق هدایت اسلام شکل گرفت که به تفکر انتظار ایمان دارد و رشته های ریسمان محبت بین امام و گروه ها محکم شد از موضع گیری های دوگانه یا متعدد بودن احساسات، افکار و رفتارها خودداری خواهد کرد؛ زیرا یکی بودن این جنبه ها نشأت گرفته از یک چشمه ی واحد است و آن ایمان به خدای عزوجل است و عقیده ی انتظار به طور کامل نهر بزرگی است که از این چشمه منشعب می شود و در نتیجه نمی تواند در احساسات منتظران و عکس العمل های رفتاری مثبت آن ها دوگانگی رخ دهد؛ چرا که عقیده ی انتظار شخصیت فرد منتظر را در رویکردی واحد که ایمان به خدای تعالی است یکسان می کند و یکی شدن این شخصیت مبتنی بر ایمان به وحدانیت خدای عزوجل است.

علاقه ای که شخصیت فرد منتظر را یکی می کند و نیز از هر گونه درگیری روانی خشن که ناشی از تعدد شیوه هایی است که با آن ها تعامل می کند او را محافظت می کند. و از فرد مسلمان و منتظر هیچ حرکت متناقضی صادر نمی شود که تناقض شدید با شیوه ی خداوند داشته باشد و در ساختار تفکر از روی عمد تلاش نمی کند دشمنی با این شیوه را حمل کند و با نیت بد با تفکر اسلامی مخالفت نماید و اگر چنین چیزی روی دهد توبه و بازگشت راه ورود روان شناختی برای اصلاح رفتار است.

هنگامی که دوگانگی پنهان می ماند یا ضعیف می شود و عناصر شخصیت یکی می شود نفس متعادل می گردد مثلاً احساس گناه با مخالفت کردن با عملی عبادی

به او سرایت نمی کند و حس دیوانه وار سلطه جویی بر دیگران بدون توجیه موضوعی که معنایی عبادی را محقق کند او را ناراحت نمی کند، و بخشی از اسلام را نمی گیرد و بخشی دیگر را رها کند تا حق و باطل ممزوج شود و به دنبال آن دچار گناه و حقارت نفس گردد و نسبت به سرنوشت خود نگران شود و قدردانی خداوند را از دست بدهد و با به هم ریختگی و شکست خوردگی مستمر ناشی از تعدد علاقه و متناقض بودن آن زندگی کند.

اوج علاقه در عقیده ی انتظار به معنای این است که فرد دوستدار از کسی که او را دوست دارد و از کسی که به او منسوب است چیزی را یاد بگیرد و این گونه می بینیم که علاقه و منسوب بودن دو وجه یک عمل واحد یعنی محبت به خداوند، و محبت به ولی ذخیره شده ی او برای تحقق عدالت و محبت به اصولی است که او را به سوی آن دعوت می کند و سایه ی آن را بر سر مظلومین در دشت ها و دره های زمین می گستراند.

انگیزه ی انتساب مربوط به روان شناختی محبت و تعامل بین رهبر پیروز و گروه هایی است که ذلت و پستی را از ظالمان چشیده اند.

انتساب به این عقیده جناح بندی برای یک مذهب سیاسی یا حزبی نیست و علاقه به قبیله یا طایفه یا تعصب داشتن به طبقه ای خاص از طبقات اجتماعی نیست(۱) که برای خودش برخی امتیازات بادآورده قائل باشد و با آن نسبت به طبقات دیگر برتری جویی کند و همه ی این ها بت های خیالی است که خود انسان آن را ساخته تا انحرافاتش را توجیه کند و از آن موقعیت ها قدرت به دست آورد

۱- مؤمن باید خود را به حکومت سیاسی علاقه مند نشان دهد که یک حاکم مسلمان و عادل آن را رهبری کند و با خدای عزوجل مرتبط باشد و این برای دوره ی قبل از ظهور است. و اسلام با هیچ گروه مسلمان دشمنی ندارد مگر زمانی که از جاده ی حق و از شیوه ی خدای تعالی منحرف شود.

و خود را بـا آن متمـایز کنـد و به روش بیمار حس سـلطه گری و تسـلط بر برادر انسان خود را در خود ارضا کرده و به او ظلم کند و با ظلم عمدی به او لذت ببرد.

فرد مسلمان و منتظر مثل هر انسانی به دنبال انتساب به جایی است تا به آن مرتبط شود و فعالیت های خود را به سوی آن جهت دهی کنـد و مثـال او مثـال دیگران است که در جسـتجوی انتساب و مقبولیت ذات خود و ارزش دادن به اعمال صادره از ذات تلاش مستمر انجام می دهند و وقتی انسان بتواند علاقه ی خود به انتساب به یکی از بت های ساختگی را به دست آورد از نظر اسلام این نیاز را با ارضای عصبی اشباع کرده است.

هنگـامی که قبلاًـ درباره ی ضـرورت وجود رابطه ی روحی بین رهبر و گروه ها سـخن گفتیم منظورمان تنظیم انتساب و رشـد دادن آن با مفهوم عبادی پاکیزه بود به طوری که ارضای این نیاز در چارچوب الگوی آرمانی و سالم باشـد که باعث می شود فرد مؤمن هماننـد بـاقی مردم منسوب باشـد، امـا انتسـاب او مشـابه همه ی انتسـاب های دیگر نیست و علاقه ی او با علاقه های سطحی دیگر فرق دارد و انتسـاب او به الگوی اعلی «الله» است که تمـام انواع انتسـاب در زنـدگی مؤمنان و افراد متـدین به آن مرتبط است.

از آن جا که عقیـده ی انتظار بخشـی از اسـلام است و مبتنی بر پایه های ایمان به خداونـد است و به آن منتهی می شود در این صورت هر انتسـابی به این عقیـده ی مبارک در حـد ذات خودش تجسـمی از انتساب به خداونـد عزوجل و یک تعبیر واقعی و صادقانه از پروردگار سـبحان محسوب می شود و این همان علتی است که منتظران با وجود مصـیبت های بسیار در آن احساس امنیت و حمـایت روانی می کننـد. و امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف این روحیه را بر زبان آورده است: «إن الله معنا، فلا فاقه

بنا إلی غیره، والحق معنا فلن یوحشنا من قعد عنا» «خداوند با ماست پس ما نیازی به کسی غیر از او نداریم و حق با ماست؛ پس مـا هرگز از دست کشـیدن دیگران از مـا دچار وحشت نمی شویم...»(۱) و در متنی دیگر امـام به خـالق خود پناهنـده می شود: «أنت کهفی حین تعیینی المذاهب، و تضـیق علیّ الأرض بما رحبت» «تو پناهگاه من هستی هنگامی که جاده ها بر من بسته می شود و زمین با تمام گستردگی اش بر من تنگ می گردد...»(۲) و سخن دیگری: «واستغثت فأغثنی، و لاتکلنی إلی نفسی طرفه عین أبداً» «من درخواست کمک کردم؛ پس به فریادم برس و مرا چشم بر هم زدنی به خودم واگذار مکن...»(۳)

***

و در آخر محبت افراد منتظر مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و تعلق آن ها به این عقیـده برای راحت شـدن از فشارهای بیمـار نیست که محرومین آن را جـایگزین درد فشارهـا، رنـج هـا و روش هـای مغلـوب شـدن و سـتمدیدگی می کننـد که در معرض آن قرار گرفتـه انـد و هر لحظـه از عمر خـود در معرض آن قرار دارنـد و ایـن محبـت تسـلی دادن نیست که احساسـات نگرانی و ناکامی که سـراغ مؤمنان می آیـد را کاهش دهـد و ایمان به عقیـده ی مهدویت یک محبت عمیق به معارف است و منظـور از آن دفـاع از خود در برابر نگرانی نیست که رنـج هـای دشوار آن را به وجود می آورد. این یـک محبت عقیـدتی در بالاـترین معانی خود است محبت آزادگان نه محبت تاجران و بردگان ...محبت [من تو را به طمع بهشت تو و ترس از آتش تو عبادت نکردم] است.

وقتی به این محبت گروه ها نسبت به عقیده ی مهدویت از این زوایه نگاه کنیم

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۳۴.

۲- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۴.

۳- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۲۵.

راهنمایی های روان شناسی بر اهمیت ظهور دردها و تخلیه ی آن از درون نفس تأکید می کند و این گام برای محقق کردن مقدار معقولی از سازگاری روانی برای افراد مغلوب ضروری است که قبلاً در جای دیگری از بحث خود به آن اشاره کردیم. در هر حال این محبت تجسم تصویری واقعی و زنده از آب شدن مؤمن در عقیده ای است که به آن اعتقاد دارد و برای آن اخلاص دارد و این تصویر در قالب علاقه ی معنوی بی نظیر نسبت به رهبری تجسم یافته است. علاقه ای که به او قدرت همزیستی با احکام اسلام و تعالیم آن را در شرایط سخت دوره ی غیبت می دهد و متن شریف از آن تعبیر کرده و می گوید: «القابض علی دینه کالقابض علی الجمر» «کسی که دین خود را حفظ کند همانند کسی است که آتش را در دست گرفته است».

به دلیل اهمیت کارآمدی محبت بین رهبری و گروه ها، مستکبران تلاش می کنند ارضای نیاز منتظران را به محبت نسبت به رهبری مشروع و تعامل مثبت و آگاهانه با دستورات و نهی های آن نارکار کنند؛ اما قدرت مستکبران هر چند در بعضی دوره ها می توانست برخی فعالیت های گروه ها را نظاره گر باشد که این تعامل و تجسم را عمیق تر می کرد اما هرگز نمی توانست محبت نهفته در نفس ها را نسبت به رهبر بگیرد و مستکبران نمی توانند آگاهی گروه ها را نسبت به مأموریت آن ها در خلافت روی زمین در آخرین درجه ی نردبان تاریخی انسان ستمدیده بگیرند.

شاید نگرانی مستمر مستکبران در طول دوره ی غیبت ناشی از ناتوانی آن ها از فهم قدرت این عقیده ی اسلامی پاکیزه در ساختن نفس ها و عمیق کردن محبت آن ها نسبت به رهبری مشروع باشد و تا زمانی که این محبت در قلب های رهبری و گروه ها وجود دارد یک منبع حقیقی خواهد بود که روزی وجود استکباری را در ستون زمان تهدید خواهد کرد.

۱۲. احساس متمایز بودن و استقلال ذات:

در نتیجه ی یکی بودن علاقه و انتساب احساسی دیگر بر روان فرد مسلمان و منتظر سیطره می اندازد و آن احساس تجسم عمق علاقه و قدرت انتساب به خدای عزوجل است و قبلاً درباره ی ستایش از ذات فرد منتظر و متمایز بودن آن در متون اسلامی سخن گفتیم و شاید استقلال داشتن او از دیگران و آزاد بودن او از دنباله روی هر گروه غیر اسلامی بارزترین این تمایز باشد که متون بر ابراز آن حرص دارد.

عقیده ی انتظار یک طرح مستقل از شخصیت فرد مؤمن در طول دوره ی غیبت کبری بیان می کند و می بینی که پایبندی مؤمن به دین خود همانند در دست گرفتن آتش است و تعبیری از قساوت مغلوب شدن تحمیل شده بر منتظران؛ اما در همان زمان بر متمایز بودن فرد منتظر و حرص او بر هویت ایمانی خود واستقلال ذات او دلالت دارد و این مستکبران را راضی نکرده و حافظه ی آن ها را تحریک و بزرگ منشی آن ها را جریحه دار می کند.

فرد مؤمن و منتظر با تأثیر گرفتن از احساس متمایز و علاقه مندی به تأکید بر استقلال شخصیت تلاش می کند همیشه از خودش یک دیدگاه مثبت درباره ی ذات خود درست کند و این دیدگاه را با تأکید اسلام بر متمایز بودن او از طریق تفکر خلافت در زمین احاطه می کند؛ اما استقرار این محور بزرگ نیازمند کنار گذاشتن احساسات منفی از شخصیت است. مثل شک در توانمندی ها، احساس کوتاهی در برابر امت های دیگر و دنباله رَوی از مستکبران و بدبینی از آینده ی اسلام و نیز همان گونه مقام خلافت در زمین دیدگاهی مثبت و مسلمان است که فرد مؤمن و منتظر آن را درباره ی خود دارد. مثل کفایت و اعتماد به توانمندی های خود، احساس متمایز بودن و استقلال داشتن و ایمان به کوتاهی

علمی که از فرد مؤمن صادر می شود در برابر آن چه خداوند از او مطالبه می کند. به همین علت به عملکرد خود شگفت زده نمی شود و برای نفس خود توهم کمال نمی کند و در درون خود احساس بزرگی و برتری نمی نماید.

عقیده ی انتظار که در ما احساس متمایز بودن و استقلال ذاتی را می کارد همان طور که خدای تعالی فرمود: «وَلاَ تَهِنُوا وَلاَ تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ»(۱) به فرد مسلمان در دوره ی غیبت کبری کمک می کند از خودش یک قدرشناسی صحیح و واقعی داشته باشد و این قدرشناسی در دو رویکرد ظاهر می شود که هر کدام در یک نقطه ی جداگانه می ریزد, اولی نفس فرد مسلمان را با عزت و احساس روانی مثبت و جوشیده از آن پشتیبانی می کند و دیگری ذلت، اندوه، ضعف و پنهان شدن در مقاومت را از او برطرف می نماید و این گونه شیوه ی روانی اسلامی محتوای منفی ذات را تخیل کرده تا بر خرابه ی آن یک محتوای مثبت بسازد که به آن اجازه ی انجام عمل عبادی را بدهد.

در برخی از متون قبلی و متون بعدی که آن را بیان خواهیم کرد ملاحظه می کنیم که محقق کردن فرد مسلمان منتظر برای استفاده از شخصیت خود در میان ابر بزرگی از انحرافات، منوط به اتصال شخصیتش با معارف آسمانی است به خصوص آن چه که مربوط به عقیده ی ایمان به مهدویت است و قبلاً تعدادی از متون را ذکر کردیم که بر متمایز بودن و استقلال شخصیت فرد مؤمن متمرکز بود.

امام سجاد علیه السلام فرمود: «اللهم صن وجهی بالیسار، ولاتبدیل وجهی بالإقتار، فاسترزق

۱- آل عمران/۱۳۹ (و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!)

طالبی رزقک، واستعطف شرار خلقک» «پروردگارا! آبروی مرا با رزق کافی حفظ کن و با تنگ گرفتن بر من آبروی مرا نریز تا از کسی درخواست «روزی» کنم که او خودش از تو روزی می گیرد و در برابر مخلوقات بد تو مهربانی نشان دهم»(۱)و منظورش افرادی است که استکبار کردند و بر ابزارهای ارضا و منابع آن مسلط شدند و هر چه را که بخواهند می دهند یا نمی دهند و اگر بدهند زخم زبان می زنند و در عوض بهای آن بخشش، مغلوب بودن و ذلت را مطالبه می کنند و در متون دیگر خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

«وامنن علینا بحسن نظرك... ولاتكلنا إلی غیرك، ولاتمعنا من خیرك» «با توجه کردن نیکو بر ما منت گذار و ما را به غیر خودت واگذار مکن و ما را از خیر خودت محروم نگردان.»(۲)

«اللهم معین كل مؤمن وحید، و مذل كل جبار عنید، أنت كهفی حین تعیینی المذاهب، و تضیق علیّ الأرض بما رحبت» «خدایا!ای کمک کننده به هر مؤمن تنها و ای ذلیل کننده ی هر زورگوی معاند، تو پناهگاه من هستی هنگامی که راه های زندگی بر من بسته می شود و زمین با تمام گستردگی اش بر من تنگ می گردد».(۳)

«یا من خص نفسه بشموخ الرفعه، فأولیائه بعز یعتزون، یا من وضعت له الملوك نیر المذله علی أعناقهم، فهم من سطوته خائفون، و تكفینی و تعافینی، و تقضی حوائجی» «ای کسی که مقام شامخ عالی را مخصوص به خودش قرار داده است و پیروانش به وسیله ی او عزت پیدا می کنند! ای کسی که پادشاهان در برابر او افسار ذلت را بر گردن قرار داده اند و از عذاب او نگران هستند! مرا کفایت می کنی و مرا عافیت

۱- صحیفه ی سجادیه، دعای مکارم الاخلاق.

۲- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۶۳.

۳- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۴.

می دهی و حاجت های مرا برآورده می نمایی.»(۱)

«فإذا أذنت فی ظهوری، فأیـدنی بجنودک، واجعل من یتبعنی لنصـره دینک مؤیدین، وفی سبیلک مجاهدین، و علی من أرادنی و أرادهم بسوء منصورین» «هنگـامی که تو اجـازه ی ظهور مرا دادی مرا با سـپاه خود یاری کن و کسانی را که برای یاری دین تو از من پیروی می کننـد حمـایت نمـا. و آن هـا را مجاهـدان در راه خودت قرار بـده و من و آن ها را در برابر کسانی که می خواهند به ما، شر برسانند نصرت فرما.»(۲)

«أنت المسـتعان، و إلیک المشـتکی، و علیک المعول فی الشده و الرخاء» «از تو کمک گرفته می شود و به تو شکایت می شود و در سختی ها و راحتی ها به تو تکیه می کنند.»(۳)

امـام خودش در متون قبلی منبع عزت مـا را برای ما تعریف می کنـد و بر پناه بردن به آن و پناه بردن مؤمن به خداونـد برای به دست آوردن عزت و برای حمـایت کامـل در شـکل های مختلف تأکیـد می نمایـد. حتی فرد یا جامعه از فراهم کردن حمایت برای مؤمن مگر با اذن خدای تعالی عاجز هستند.

خداوند عزوجل منبع حمایت روانی است نه جامعه و کس دیگری! به همین علت مؤمن نزد دیگران به دنبال قدردانی اجتماعی نمی رود که آبروی خود را بر زمین بریزد واستقلال ذاتی او را سلب کند و مطابق متون عقیده انتظار برای مؤمن تأکید می کند که عزت در دیـدگاه اسـلامی حاصل نمی شود مگر از طریق ارتباط او با آسـمان تا ارضای کاملی از نیاز او را محقق کند و از طریق تکیه بر دیگران به خصوص مستکبران نیست و آن مستکبران هر چند در ظاهر دارای وسایل ارضای

۱- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۵.

۲- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۲۲.

۳- بخشی از دعای فرج منسوب به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

باشند اما نسبت به مؤمن به شکل سازگار و سالم انجام نمی شود، بلکه بعد از آن انجام می شود که فرد - به خصوص مؤمن — آبروی خود را بریزد و این بر ضد خواسته ی او در قدرشناسی ذات خود و بر ضد نیاز او به کرامت و عزت است؛ زیرا آن مستکبران به خاط خدا چیزی به او نمی دهند و هر از چند گاهی لطف به او را برایش یادآوری می کنند و همیشه به او زخم زبان می زنند و هرگاه از او سرپیچی یا مخالفت ببینند، حتی اگر فرد مستضعف اف بگوید که کمترین کلمه ای است که می تواند از او صادر شود به او یادآوری می کنند که آن ها به او لطف کرده اند و آن ها در برابر چیزی که لطف می دانند از او بهایی را مطالبه می کنند و محال است که فرد بین این واقعیت شکست خوردن که در آن متکی بر دیگران است و خواسته ی فطری در استقلال ذات او را جمع کند و پذیرفتن این واقعیت یک تهدید عملی برای نیاز فرد به استقلال است.

عقیده ی انتظار آن گونه که در یکی از متون آمده است این موضع گیری حقیرانه را رد می کند و برای فرد مسلمان و منتظر حاضر نمی شود که تبعات این ظلم را بپذیرد. به همین علت امام در یکی از دعاهای خود درخواست می کند که او را به غیر خودش واگذار نکند و او را از نیاز به غیر خودش دور کند و عزت او با تأمین ارضای مستقیم از منبع عزت مند تضمین می شود؛ منبعی که منت نمی گذارد و زخم زبان نمی زند و درخواست بها نمی کند، یا او را رسوا کند و از او نمی خواهد که از حساب کرامت شخصیت خود چیزی پیشکش کند، یا آبروی خود را بریزد، یا تبعات ذلت را برای خود بپذیرد. و آسمان در سایه ی متن قبلی جهتی است که این ارضای را فراهم می کند بدون این که نگرانی و اضطراب همراه آن باشد و بر استقلال ذات او تأثیر بگذارد.

آن چه امام برای خودش درخواست کرده است بدون شک برای هر مؤمنی

است که او را یـاری می کنـد و خداونـد است و در سـختی و راحتی بر او تکیه می شود و پناهگاهی است که مؤمنین به او پناه می برنـد و او آن ها را از نیاز به غیر خودش کفایت می کنـد و پیروان خداونـد عزوجل "با عزت او عزت پیـدا می کنند"، و با فضل خود موجب استقلال کامل و آزادی از سلطه ی دیگران و زخم زبان زدن آن ها و منت می شود هنگامی که برای آن ها نعمت هـایی را فراهم نمایـد که ارضـا را در آن ها تأمین کنـد و آن ها را از گرایش و احتیاج به غیر خودش دور بـدارد و امام علیه السـلام سـخنی را فرموده است که در آن از تـأثیر حمـایت مـادی و روانی الهی برای فرد مؤمن تعبیر کرده است ...«إنَّ الله معنا، فلا فاقه بنا إلی غیره» "خداونـد با ماست پس ما نیازی به غیر او نداریم..."(۱)و «أن تعطینی أماناً لنفسی و أهلی، و ولدی، و سائر ما أنعمت به علیّ، حتی لا أخاف أحداً، و لا أحذر من شی أبداً» «این که به من و خانواده ام و فرزندانم و به سایر آن چه به من نعمت داده ای امنیت بخشی تا این که از هیچ کس نترسم و از هیچ چیز هرگز نگران نباشم.»(۲)

۱۳. قدرشناسی از رفتار و بها دادن به آن:

انسان سـراغ جامعه و مؤسسه های آن می رود تا به دنبال ارزش گذاری اجتماعی متناسب با هر کاری باشد که آن را انجام می دهـد. و از جنـاح یـا طبقه ای که به آن منسوب است یـا از اداره ای که در آن کار می کنـد یا هر مؤسـسه ی اجتماعی دیگری درخواست می کند از کاری که انجام داده قدردانی کنند و برای چیزی که تولید کرده بها و ارزش قایل باشند.

اهمیت این قدردانی این است که انگیزه ای برای آموختن رفتار است بلکه

۱- کلمه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۳۴.

۲- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید شیرازی، ص ۲۱۸.

شرط اساسی رشد توانمندی فرد در به دست آوردن و درخشندگی دادن به نعمت های شخصیتی است. هنگامی که فرد قدردانی مشخصی را از رفتاری که انجام داده به دست می آورد احساس می کند دیگران به او توجه دارند و قدردانی آن ها باعث ادامه دادن او و بیشتر کردن تلاش می شود تا به سطح بالاتری از استحکام برسد و در نتیجه تلاش ها در هر موقعیت آموزشی استحکام و موفقیت بیشتری خواهد داشت، چرا که همراه با تأثیر نیکو و صریحی است. مثل به دست آوردن قدردانی مادی یا معنوی از این کار.

روان شناسان و علمای اخلاق مسلمانان معتقدند که تکرار رفتار منجر به تقویت پذیرش آن می شود هنگامی که از هر تلاش موفقی از آن پشتیبانی و ارضای هدف مورد انتظار محقق شود و تجربه ی شخصی ما ثابت می کند که تکرار رفتار موفق همچنین گاهی در انسان به عقب باز می گردد هنگامی که قدردانی اجتماعی متناسب با کاری را که کرده به دست نیاورد. به همین علت گفته می شود فرد همیشه تمایل دارد رفتاری را تکرار کند که همراه با پاداش باشد و به مقدار ممکن تلاش می کند از هر رفتاری که همراه با درد است پرهیز نماید.

فرد – در هر حال – با این جستجو از پاداش مادی یا قدردانی معنوی بدنبال انتساب است که در آن علاقه ی او به جامعه یا جناحی که مورد نظرش است و رفتارش بر محور آن است تجسم یابد؛ اما جامعه با مؤسسه های مختلف و افراد و گروه های خود گاهی عاجز از قدردانی مناسب است – و بلکه گاهی برخی از افراد خود را به عمد – از به دست آوردن قدردانی یا بها دادن به کارهای شان محروم می کند.

معلوم است که تحرک فرد در به دست آوردن قدردانی اجتماعی برای کارهایی که انجام می دهد منجر به ناکامی خواسته ی فرد در ارضای نیاز روانی

طبیعی است بـا این که این ارضـا گاهی به صورت ناسالم انجام می شود و چه بسا ناکامی ارضای این خواسـته مقـدمه ای برای شکل گیری حالت عصبی برای این شخص باشد به خصوص اگر روان او از نگرانی و درگیری شدید رنج ببرد.

گـاهی برخی مؤسـسه هـا توجه کلی در قـدردانی از رفتـار افراد می کننـد، امـا قـدردانی آن هـا گاهی کمتر از چیزی است که شایسـته است، یا فرد آن را از کاری که کرده می دانـد. تفاوت فرد و جامعه در قـدردانی از کار و ارزش قایل شدن برای آن و تعیین پاداش آن برای انجام کارهای دیگر به شکل ناسالم و به مقداری که فرد احساس سرخوردگی می کند هر چند به مقدار ناچیز و محدود تأثیر می گذارد، اما با تکرار این تفاوت قدرت تأثیرگذاری سـرخوردگی در روان شناسی فرد وسیع می شود و به صورت منفی بر عملکرد او تـأثیر می گـذارد و به خصوص که بسـیاری از قـدردانی های اجتماعی مبتنی بر اساس مصـلحت شخصـی است که افراد ظالم(۱) آن را به صـرف صـدور یـک کـار کوچک از این یا آن برجسـته می کننـد، یا گاهی آن را با احساس منت گذاشتن و اظهار فضل کردن انجام می دهند.

اما فرد منتظر که به اسـلام و به عقیـده ی مهـدویت ایمان داردماننـد دیگر مردمان به دنبال قدردانی اجتماعی دروغین برای هر آن چه از کارها و اقدامات صادره از او نیست؛ زیرا این در دیدگاه اسـلامی ریای قانع کننده محسوب می شود که خود کار را پوچ و پاداش آن را نزد خداونـد فاسـد می کنـد؛ زیرا این قـدردانی که مردم از آن شـخص می کننـد چیزی جز یک قدردانی دروغین نیست که اثر آن به تدریج و با مرور زمان ناچیز می شود و در نهایت آن را فراموش می کنند و در بیشتر موارد

۱- منظور ما از ظالم الزاماً حاکمان نیسـتند، چرا که گاهی افراد شهروند مثل کارفرمایان یا صاحبان مراکز دارای نفوذ ظالم می باشند و چه بسا ظلم از افراد معمولی در دفاع از منافعشان صادر می شود.

این نوع از قـدردانی ها که فرد، آن را از جامعه مطالبه می کنـد نه از خداونـد، به خاطر احساس خودپسـندی درونی شخصـیت است که فرد مسـلمان آن را نمی پـذیرد؛ زیرا بـاعث می شـود دربـاره ی ذات خـودش متمرکز شود همـان گونه که امثـال این قدردانی محبت فرد مؤمن را برای غیر خداوند قرار می دهد و باعث می شود دوگانگی، ویژگی آشکاری در شخصیت باشد و این ها همگی منبع نگرانی برای ذات فرد مؤمن است و امنیت او را در دنیای فانی تهدید می کند.

به خـاطر تمـام این هـا فرد مـؤمن و منتظر دنبـال قـدردانی دروغین از فعـالیت هـای مختلف عبـادی خود نیست. بنـده ی صـالح قـدردانی حقیقی را جز از طرف خدای عزوجل به دست نمی آورد و او قدرتی والاست که توانمندی هایش محدودیت ندارد. از این رو فرد مسـلمان و منتظر مطمئن می شود که خدای سبحان به تنهایی حق قدردانی از اعمال آن هم قدردانی نیکو را دارد و او به تنهـایی منبع پـاداش دادن تضـمین شـده ای است که قلب مؤمنین به آن مطمئن می شود و هنگـامی که پاداش در جهان دنیایی و کوتاه ما محقق نشود قدردانی و ارزش گذاری در روز قیامت تضمین شده است؛ پس احساس امنیت داشتن از او جدا نمی شود و تفاوتی نمی کند بها دادن را در دنیا به دست آورد یا به دست نیاورد.

با این که رفتار عبادی در شخص منتظر همیشه همراه با درد، فشار، بدبختی، خستگی و رنج است، اما با این حال شخص آن را ترک نمی کنـد و به خاطر غرورهای دنیایی مادی مسـتقیم یا در نتیجه ی ناکامی های زندگی منحرف، از هدف خود دست بر نمی دارد. منظور مـا در این جـا درد خود افعـال عبادی نیست، بلکه درد فشاری است که افراد منحرف بر ضـد مؤمنان منتظر از روی ظلم و ستم انجام می دهند و سبب این کار اعتماد او به قدردانی الهی در آخرت است.

این بر خلاف چیزی است که روان شناسان تأکید می کنند؛ همان کسانی که از

پاداش دور غفلت می کننـد و قـدردانی الهی در روز قیامت را به حساب نمی آورنـد، بلکه آن ها اصـلاً درباره ی وجود امثال این قـدردانی سـخن نمی گوینـد و شایـد این چیزی باشـد که ایجاد حالت های روانی بیمار به سـبب ناکامی را تفسـیر کنـد، و قدردانی اجتماعی که درباره ی اهمیت آن سـخن می گویند در تمام حالات تضمین شده نیست و گاهی اگر پیدا شود نیمی از زحمت های کشـیده شده است؛ اما مسئله در نظر فرد منتظر بر خلاف آن است و او همیشه از طریق نیروی قدردانی دیگری که در تمام حالات تضـمین شـده است حرکت می کنـد این قدردانی الهی است که منتظران به خاطر به دست آوردن آن بر تکرار رفتاری پافشاری می کنند که از قبل می داند موجب درد و خستگی او در دنیایش خواهد بود.

از چیزهایی که در آن شـکی وجود ندارد این است که نفس – با قدردانی تضـمین شده ی الهی – در نقطه ی جمع بین امنیت و آرامش قرار می گیرد و نگرانی روانی او از بین می رود حتی اگر رفتـار عبـادی بـا درد همراه باشـد. و نفس با وجود این که در معرض روش های مغلوب شدن مسـتمر قرار می گیرد فاقد هرگونه درگیری خشن خواهد بود و به آینده ی کارهای عبادی خود مطمئن است و به برتری قـدردانی الهی و عـدالت او در ارزش گـذاری اعمـال اعتمـاد دارد به خصوص که نفس مؤمن به خوبی می دانـد که منبع رحمت الهی که خـدای تعـالی آن را بر خودش واجب کرده است پاداش آن ها در برابر رنـج هایشان آن ها در زندگی دنیوی خواهد بود.

۱۴. تعادل بین پاداش و مشقت کار:

اسـلام پاداشـی می دهد که همیشه متناسب با زحمت کشـیده شده در انجام آن عمل است و به طور طبیعی از شامل کردن این پاداش به انگیزه های آن عمل

غفلت نمی کند و به آن چه روان شناسان انجام می دهند و رفتار را از طریق ملاحظه ی بیرونی ارزش گذاری می کنند(۱) اکتفا نمی کند و به این ترتیب در نگاه منحصر به فرد خود بین کیفیت عمل و مقدار درست انجام دادن آن و بین انگیزه های روانی نهفته پشت آن را ممزوج می کند همان گونه که آن را در تمرکز بر نیت، صبر داشتن بر انجام کار، تحمل سختی های آن و وارد کردن آن به عنوان عناصر اساسی در ایجاد و کنترل رفتار و ارزش گذاری آن ملاحظه می کنیم.

این دیدگاه بین نوع رفتار یا نوع بیرونی و انگیزه های درونی آن را و میزان مشقتی که فرد مسلمان باید آن را تحمل کند جمع می کند. به طور حتم حاوی تعادل بین کار و پاداش است به طوری که میزان پاداش به انجام کار عبادی به مقدار مشقت آن و رنج بردن و قدرت صبر داشتن است و میزان به مقدار درست انجام دادن آن نیست، حتی اگر درست انجام دادن آن به حداکثر برسد تصویر کار عبادی کامل نمی شود مگر با جمع درست انجام دادن با عناصر دیگر به خصوص نوع انگیزه ی روانی پشت آن.

اگر به این تعادل نگاه کنیم می بینیم ارزش تربیتی خود را از این جهت دارد که به عملی نگاه می کند که از فرد مؤمن از طریق موضع گیری اصولی صادر می شود نه از طریق چیزی که متناسب با شرایط است. و انسان مؤمن موضع گیری های اسلامی سالم خود را در رفتاری پیاده می کند که در آن بر تمام شرایط پست، فریبنده و دشوار که حاوی ابعاد رنج دیدگی مادی و روانی است چیره می شود و

۱- شارع اسلامی محقق شدن ثواب را حتی به صرف نیت نیکو و اراده ی خیر متعلق می داند و گاهی فرد نمی تواند کاری را به خوبی انجام دهد یا شرایط زندگی به او اجازه ی انجام آن را نمی دهد. با این حال بر آن پاداش دریافت می کند اگر نیت او خیر باشد و فرد را به تلاش و عمل عبادی تحریک می کند و نیت مؤمن بهتر از عمل اوست آن طور که در حدیث شریف آمده است.

در نتیجه پاداش تعریف شده برای فرد مؤمن برابر با مشقت کار است. و بسیاری از متون اسلامی این تعادل بین پاداش و کار را در زمان قبل از وقوع تجربه ی انتظار و در طول و بعد از آن بیان کرده اند.

از حقیقت هـای مربوط به این تعادل الهی تأثیر این تعادل در زمینه ی سـلامت روانی فرد است به طوری که با وجود به زحمت افتـادن انسـان از سـختی هـای دنیـا از معنویت های او محافظت می کنـد. همان طور که به او قـدرت روانی بزرگی می دهـد تا بتوانـد ایسـتادگی و مقاومت کند و گاهی از نظر برخی با دارای ایمان ضـعیف کافی نیست که فقط به انسان مسـلمان وعده ی ثواب داده شود، بلکه بایـد برای او نوع ثواب و مقـدار آن مشـخص گردد بـا وجود این که بخش های منبع این عطیه تمام نمی شود و کرم او مرز ندارد.

مشـخص کردن نوع ثواب و مقدار آن باعث می شود فرد احساس امنیت روانی کند، و زیر نیروی این احساس روانی و شادابی و الهـام های آن رفتار می کنـد و در تصـمیم گیری های مطلوب تردیـد نمی کنـد و به خاطر آن فشارقوی متضاد را تحمل می کند به خصوص اگر زمانه ای که در آن زندگی می کند زمانه ی ستم باشد و مثل این زمان مردمان آن مردم خیانتکار باشند.

در متن قبلی در جاهایی از این کتاب تکرار کردیم که شارع اسـلام اصل تربیتی خود را که افراد را به انجام کار صالـح تشویق می کنـد در میـان محنت ها و در میان آلودگی های زنـدگی فاسـد قرار داده است و این اصل- یعنی تعادل بین پاداش و کار- در واقع یـک اصـل اسـلامی است که فقـط مخصوص به دوره ی غیبت نیست، بلکه برای این وضع شـده است تـا تعادل روانی شخصیت مؤمن را در نقش های مختلف تاریخی محقق کند و او در دوره ی غیبت نیاز شدیدی به آن دارد.

اکنون باقی مانده است که آن متن را به خواننده ی محترم یادآوری کنیم. از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن شریف او به اصحاب بزرگوارش وارد شده است که فرمود:

«وسیأتی قوم من بعدکم، الرجل الواحد فیهم له أجر خمسین منکم، فقالوا: یا رسول الله، نحن کنا معک ببدر وأحد و حنین، و نزل فینا القرآن؟ فقال: إنکم لو تعملون ماعملوا، لم تصبروا صبرهم» «بعد از شما مردمانی خواهند آمد که یک نفر از آن ها پاداش پنجاه نفر از شما را خواهد داشت. گفتند:ای رسول خدا ما در بدر و احد و حنین در کنار تو بودیم و قرآن در میان ما نازل شد. فرمود: شما اگر آن چه را آن ها انجام می دهند انجام دهید نمی توانید مثل آن ها صبر داشته باشید.»(۱)

و با نگاه دقیق در متن مذکور مورد فهمیده دانسته می شود:

نخست: حجم پاداش به میزان حجم عمل و مقدار مشقت در انجام آن است و این یک تعادل سالم است که مقدار ارزش موضع گیری اصولی سالم را که فرد مؤمن و منتظر به آن پایبند است مشخص می کند نه از طریق آن چه که شرایط اجازه ی آن را می دهد و چیزی که گاهی نفس او در آن مرتکب گناه می شود و در برابر فشارها تسلیم می شود.

دوم: پاداش بر عمل در زمانی- مثل زمان ما که در آن به سر می بریم- که مردمانش از جاده ی حق بسیار منحرف شده اند متفاوت از پاداش عملی است که در زمانی انجام شده است که مردم آن انحراف بزرگی نداشته اند، بلکه پاداش کار در زمانی که دشواری بیشتری از زمان ما دارد بدون شک مطابق دیدگاه متن مذکور بزرگ تر خواهد بود و در جامعه ی نبوی به عنوان مثال چشمه های حق و خیر و استقامت و خود کنترلی به طور طبیعی می جوشید و صادر شدن رفتار خیر به طور ناخودآگاه آسان بود و جامع عادت و اراده بود.

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸.

اما در زمان های انحراف مسئله متفاوت است و عناصر شرارت تا حد زیادی منتشر شده است به طوری که این عناصر مثل عنصر محیطی- تأثیر دایمی- در ساختن شخصیت و محتوای آن دارد و وقتی مؤمن مغلوب شده در میان این محیط ها بتواند بر شهوت حرام و محرک های آن پیروز شود و خود را هر چند به مقدار معقولی با قواعد حلال و حرام سازگاری بدهد، در این صورت شایسته نیست پاداش این رنج بردن و این مشقت آن گونه که متن مذکور معتقد است با پاداش کسی که مشقت و زحمت کمتری کشیده است و در زمانی با فشارها و دشواری کمتر همراه بوده برابر باشد.

روایتی دیگر می گوید که نجات مؤمن در برخی از زمان ها با عمل به یک دهم آن چه به آن مکلف شده است محقق می شود و هلاکت او با عمل نکردن به یک دهم آن چه به آن دستور داده شده است روی می دهد و این دلالت بر آن دارد که فشار بر مقدار درست کار کردن تأثیر می گذارد و بر مقدار انجام دادن آن توسط بندگان تأثیر دارد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«إنّكم في زمان من ترك عشر ما أمر به هلك... و سيأتي زمان على الناس، من عمل بعشر ما أمر به نجا» «شما در زمانی هستید که هر کس حتی اگر یک دهم از آن چه را به او دستور داده شده است کنار بگذارد هلاک می شود و زمانی بر مردم خواهد آمد که هر کس فقط یک دهم آن چه به او دستور داده شده است را عمل کند نجات می کند.»(۱)

سوم: زمان مخصوص در روایت مذکور زمان پیامبر یا دوره ی اصحاب بزرگوار او یا زمان ائمه ی طاهرین بعد از او نیست؛ زیرا وجدان دینی مردم در آن

۱- - یوم الخلاص، ص ۳۰۰.

زمان به اسلام نزدیک بود و تا حد زیادی از گرمای حرارت ارزش های ایمانی آن تأثیر می پذیرفت؛ بنابراین زمان دشواری که در آن نفس ها فاسد می شود دوره ی انتظار و غیبت است که متون بسیاری انواع گوناگونی از انحرافات فراگیر و وسیع را بیان کرده اند که قابل شمارش نیست و همان طور که متون و واقعیت تأکید می کند به پنهان ترین بخش های زندگی ما سرایت می کند و متون بر اهمیت ثابت قدم بودن در این دوره تشویق کرده است و اگر دسوارش روانی وجود نداشت توجیهی برای تأکید بر اهمیت این ثابت قدمی وجود نداشت. در متن دیگری آمده است : «من ثبت علی ولایتنا فی غیبه قائمنا – أعطاه الله أجر ألف شهید مثل شهداء بدر واحد» «کسی که در غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت قدم باشد خداوند پاداش هزار شهید همانند شهدای بدر و احد را به او عطا می کند.»(۱)

چهارم: روایت به طور واضح نشان می دهد که با وجود این که قدرت انحراف انتشار وسیعی در محیط ها و زندگی عمومی ما دارد اما چشمه های خیر همچنان در خون برگزیدگان از فرزندان جامعه ی اسلامی تا روز رهایی... روز پیروزی مظلومان در سایه ی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می جوشد.

اما محافظت از شادابی این چشمه و استمرار قدرت جوشش آن در برخی از افراد نیازمند طراحی عامل روانی مؤثر است و شاید- خدا بهتر می داند- آن چه روایت مذکور بر آن تصریح کرده یعنی اصل برابری بین کار و پاداش یک عامل روانی تربیتی مؤثر در سوق دادن نفس فرد مسلمان بر ثبات قدم و تقویت پذیرش ایمانی او نسبت به گرفتن پاداش چند برابری باشد.

ونیز همان گونه که عامل دیگری را می بینیم که متکی بر عامل ذکر شده ی قبلی است و آن ستایش از ذات فرد مؤمن و مجاهد و چیره شده بر فساد بطوری

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۲.

که روایات فضیلت منتظران را ذکر کرده است و بر وعده دادن به آن ها به مقدار چندین برابر پاداش آن ها و به مقدار مشقت اعمال عبادی در طول دوره ی غیبت که شاهد انحراف عقیدتی و رفتاری وسیع است تأکید داشته و وقتی این ستایش در کنار پاداش چند برابری حمایت کند روایات می توانند وضعیت روانی جدیدی برای فرد منتظر طراحی کنند که در ایستادگی در محیط های سیاه که در آن بیماری عصبی روانی و فکری با هم حاکم است به او کمک می کند.

۱۵. ارشاد مستمر و نیکو کردن رفتار:

این اصل از مهم ترین اصول آموختن رفتار است. و در روایت شریف توجه به این اصل ملاحظه می شود تا شخصیت فرد مسلمان و منتظر توانمندی خود را در تعادل درونی حفظ کند و آن چه روئیت به سوی آن تلاش می کند یعنی عمل ارشاد افراد، ایجاد کردن نیکویی مستمر در رفتار آن ها و نیکویی مستمر در آموختن قواعد رفتار اسلامی در آن هاست.

قبلاً درباره ی نقش و اهمیت درست کار کردن در رفتار بهنجار افراد سخن گفتیم هنگامی که درباره ی عناصر تفکر انتظار سخن رفت. و از چیزهایی که در آن شکی وجود ندارد این است که این عقیده به عنوان بخشی از اسلام تأکید زیاد خود را بر دنبال کردن و استمرار عمل ارشاد روانی و عقیدتی فرد مسلمان و منتظر به دلیل فایده ای که در اصلاح رفتار از آن حاصل می شود مورد تأکید قرار می دهد و ارشادها و تعلیمات ارائه شده برای عمل توبه که این روایات صادر شده از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حاوی آن است فقط وسیله ای برای تحقق هدف بزرگ اسلامی است، بلکه اصول پاداش دادن، تکرار کردن، رفتار تدریجی، قبول کردن زحمت و مشارکت وجدانی، عناصری هستند که به ایجاد هنجار در عملکرد افراد و افزایش درست کار کردن در آموختن رفتار اسلامی کمک می کند.

و خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مستقیم عمل جهت دهی و ارشاد مستمر را از طریق توقیع ها و نامه نگاری ها و مکاتبات خود با سفیران و وکلای خود انجام داده است و اهداف آن این عمل همیشه اهداف در تقویت روح مشارکت و همزیستی و افزایش درست کارآیی عمل اسلامی مورد نظر را، محقق می کند. ارشاد در مجموع یک جهت دهی اسلامی عمومی به امت و به پایگاه های مردمی آن به طور خاص است و این ارشادها همان طور که می دانیم شامل احکام شرعی به خصوص مربوط به آن چیزی است که موضع گیری ها و وقایع روزمره ی فرد مسلمان و منتظر در آن به سر می برد.

همین که فرد منتظر این احکام را درک کند و با منفعل شدن آگاهی خود شروع به اجرای آن نماید رفتار شروع به بهتر شدن و سازگاری با موضع گیری ها و نخبگان و مردم پیرامون خود می کند و این گونه ارشاد مستمر که امام علیه السلام آن را برای طرفداران خود پیشنهاد کرده است ظرف عمل و پرداختن به تکلیف عبادی است و یک طرح اسلامی صحیح برای تمام پذیرش ها و موضع گیری هایی است که در پیش روی منتظران چالش هایی را بر می انگیزد که امنیت آن ها را تهدید می کند.

با این که تجربه ی غیبت کبری مانع تعامل مستقیم بین امام و گروه های مظلوم می شود که گاهی دچار سرگردانی می شوند، اما روایات، احکام، توصیه ها و جهت دهی های فکری که امام آن را در میان گروه طرفداران و یارانش بیان کرده است باعث شده عمل ارشاد فکری و روانی و اخلاقی بین آن ها تا امروز مستمر باشد و همچنان عناصر این عمل و روح آن تا امروز باقی باشد به استثنای یک عنصر و آن ... وجود خود امام است و این عنصر با غایب بودن او پنهان است.(۱) و برخی

۱- در فصل قبلی تأثیر روانی ، فکری و دینی وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت حاضر و در پیش روی ما یا غایب از ما را بررسی کردیم.

از علما معتقدند امام به طور مستمر اقدام به جهت دهی به افراد می کند بدون این که آن ها او را بشناسند.

و هیچ کس از مؤمنان به عقیده ی مهدویت، نمی تواند از اهمیت وجود امام در موفقیت عمل ارشاد و رسیدن به سطح نهایی آن بکاهد، اما خط های تعامل و ارشاد و تأثیر متقابل همچنان پا برجا و در نفس ها فعال است حتی اگر درجه ی تعامل و قدرت تأثیر آن در هر زمانی متفاوت باشد و این به طور حتم مربوط به علما و فقها با این تفاوت که نایب و سفیر ارتباط مستقیم با امام داشته در حالی که برای فقیه این ارتباط مستقیم وجود ندارد.

علما و فقها در زمان غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مسئولیت تبلیغ رسالت همانند خود آن حضرت عهده دارند. زیرا آنان دارای آنچنان قدرت و توانمندی علمی هستند که بتوانند در جامعه اسلامی احکام را بیان نموده و متون شارع مقدس را تجزیه و تحلیل کرده. و این به این معناست که مواجه با مشکلات و درمان آنها همچنان به طور مداوم در طول زمان غیبت ادامه داشته است و کار تبلیغ رسالت و دین، هرگز متوقف نشد زیرا این پیام به عنوان یک پیام فرهنگی و عبادی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید بر تداوم آن دارد، همچنین بر این کار آثار خوب روان شناسی (روحی- روانی) برای تعدیل و توازن روحیه منتظران بوجود می آورد. برای اینکه یک شخصیتی در متعادل و پایدار در مقابل مشکلات و گرفتاری های زمان غیبت در شخصیت افراد بوجود آید، روان شناسی انتظار برگرفته از این عقیده تأثیر زیادی دارد. چنانکه در بیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدینه، مخالفاً لهواه، مطیعاً لأمر مولاه، فللعوام أن یقلدوه»(۱)

«در میان فقها اگر کسانی که صیانت نفس داشته، و از دین خود محافظت

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸ ص ۹۵

کرده، مخالف هوای نفس و مطیع امر مولا و پروردگار خود باشند در این صورت چنین فقیهی شایسته است که بقیه مردم از او تقلید کنند.

***

بـا لطف خداونـد متعـال و فضـل او این پژوهش را در سـاعت پنـج و پانزده دقیقه شب چهارشـنبه ۲۴ ربیع الاـول ۱۴۱۰ هجری قمری مصـادف با ۲۶ اکتـبر ۱۹۸۹ میلاـدی به پایـان رسانـدم و بـازنگری آن برای بـار اول در پایـان سال ۱۹۹۷ م، و این کـار همچنان ادامه پیدا کرد تا سال ۱۹۹۸، تا اینکه کار علمی تر و پخته تر و کامل تر شود.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. آل محمود، شیخ عبدالله بن زید، لا مهدی منتظر بعد الرسول خیر البشر، مطبوعات المحاکم الشرعیه للشؤون الدینیّه، قطر.

۳. ابن جوزی، سبط، تذکره الخواص، بیروت.

۴. ابن حجر هیثمی مکی، احمد، الصواعق المحرقه فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، مکتبه القاهره، قاهره.

۵. ابن حجر هیثمی مکی، احمد، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقیق مصطفی عاشور، مکتبه القرآن، قاهره.

۶. ابن خلدون، عبدالرحمن، المقدمه، تحقیق استاد حجر عاصی، منشورات دار مکتبه الهلال، بیروت.

۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، بیروت.

۸. ابن صباغ مالکی مکی، علی بن احمد، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، تحقیق استاد توفیق الفکیکی، دار الاضواء، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۹۸۸م.

۹. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، بیروت.

۱۰. ابن عاشور، عبداللطیف، ثلاثه ینتظرهم العالم، قاهره.

۱۱. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر حنبلی دمشقی، المنار المنیف فی الصحیح

و الضعیف، تحقیق استاد عبدالفتاح ابو غده.

۱۲. ابن کثیر حافظ دمشقی، اسماعیل عماد الدین بن عمر، علامات یوم القیامه، تحقیق و تعلیق عبداللطیف عاشور، قاهره.

۱۳. ادیب، عادل، الائمه(عع) الاثنا عشر، بیروت.

۱۴. بحرانی، سید هاشم توبلانی، المحجه فیما نزل فی القائم الحجه، تحقیق و تعلیق محمد منیر میلانی، بیروت.

۱۵. جزائری، عز الدین، شرح الصحیفه السجادیّه، بیروت.

۱۶. جودت، سعید، حتی یغیروا ما بانفسهم، دمشق.

۱۷. حسینی جلالی، محمد جواد، احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، قم.

۱۸. حسینی، صادق، المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فی القرآن، بیروت.

۱۹. رکابی، السنن التاریخیه فی القرآن الکریم. قم.

۲۰. سلیمان، کامل، یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت.

۲۱. شمس الدین، محمد مهدی، حرکه التاریخ عند الامام علی، بیروت.

۲۲. شیرازی، حسن، کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت.

۲۳. صدر، محمد باقر، حث حول المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقیق و تعلیق د. عبدالجبار شراره، قم.

۲۴. صدر، محمد صادق، تاریخ الغیبه الکبری، بیروت.

۲۵. صدوق، محمد بن علی، اکمال الدین و اتمام النعمه فی اثبات الرجعه، نجف.

۲۶. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، احتجاج، جلد اول و دوم، تحقیق سید محمد باقر موسوی خراسانی، بیروت.

۲۷. طوسی (شیخ الطائفه)، ابو جعفر محمد بن حسن، کتاب الغیبه، تحقیق شیخ عباد الله تهرانی، شیخ علی احمد ناصح، قم.

۲۸. طه، عبدالحسیب، ادب الشیعه.

۲۹. عزت راجح، احمد، اصول علم النفس، قاهره.

۳۰. فروم، اریک، الانسان بین الجوهر و المظهر، کویت.

۳۱. فلسفی، محمد تقی، الطفل بین الوراثه و التربیه، ج۲، بغداد.

۳۲. فلوتین، فان، السیاده العربیه و الشیعه و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیه، قاهره.

۳۳. قزوینی، سید محمد کاظم، الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور، بیروت.

۳۴. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، جلد سوم، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی.

۳۵. کاشانی، ابراهیم بن محسن، صحیفه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت.

۳۶. کورانی و دیگران، معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم.

۳۷. کورانی، علی، الممهدون للمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت.

۳۸. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق د. محمد هادی امینی، بیروت.

۳۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم.

۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، بیروت.

۴۱. مجله سعودی البحوث الاسلامیه، شماره ۴۹

۴۲. مجله سعودی الجامعه الاسلامیه، شماره های ۳ ، ۴۵ و ۴۶

۴۳. مجله عربی کنسولگری ایران در دمشق، شماره ۱۲ سال ۱۴۰۷ق.

۴۴. مجله کویتی العربی، شماره ۲۸۷، اکتبر ۱۹۸۲.

۴۵. مجله لبنانی الامان، شماره های ۴۱، ۴۲ و ۵۱

۴۶. مجموعه نویسند گان، بقیه الله، ترجمه حسین هاشمی، بیروت.

۴۷. محمد بن طولون، شمس الدین، الائمه(عع) الاثنا عشر، تحقیق د. صلاح الدین منجد، بیروت.

۴۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه ج ۱ و ۳، بیروت.

۴۹. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار مهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقیق د. عبدالفتاح محمد الحلو، تعلیق شیخ علی نظری منفرد.

۵۰. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات ج ۱، بیروت.

۵۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، بیروت.

۵۲. هاشمی، باسم، المخلص فی الاسلام و المسیحیه، بیروت.

۵۳. هاشمی، باسم، المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و المسیح (قراءه فی الانجیل)، بیروت.

۵۴. یزدی حائری، شیخ علی، الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب، ج ۱، بیروت.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹